

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

الگوی راهبردی دفاعی مبتنی بر اندیشه دفاعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت امام خمینی

دکتر رضا کرم نیا

تهران ۱۳۹۶



انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

سرشناسه: کرم‌نیا، رضا، ۱۳۴۳

عنوان و پدیدآورنده: الگوی راهبردی دفاعی مبتنی بر اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام

رضا کرم‌نیا / تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۵۶-۰۸-۴

مشخصات ظاهری: ۲۶۲ صفحه

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

شناسنامه

الگوی راهبردی دفاعی مبتنی بر اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام

تألیف: رضا کرم‌نیا

ویراستار: مجید کاظمی

طراح جلد و صفحه‌آرا: مجید کاظمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۵۶-۰۸-۴

بها: ۱۶۰۰۰۰ ریال

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

ناشر: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

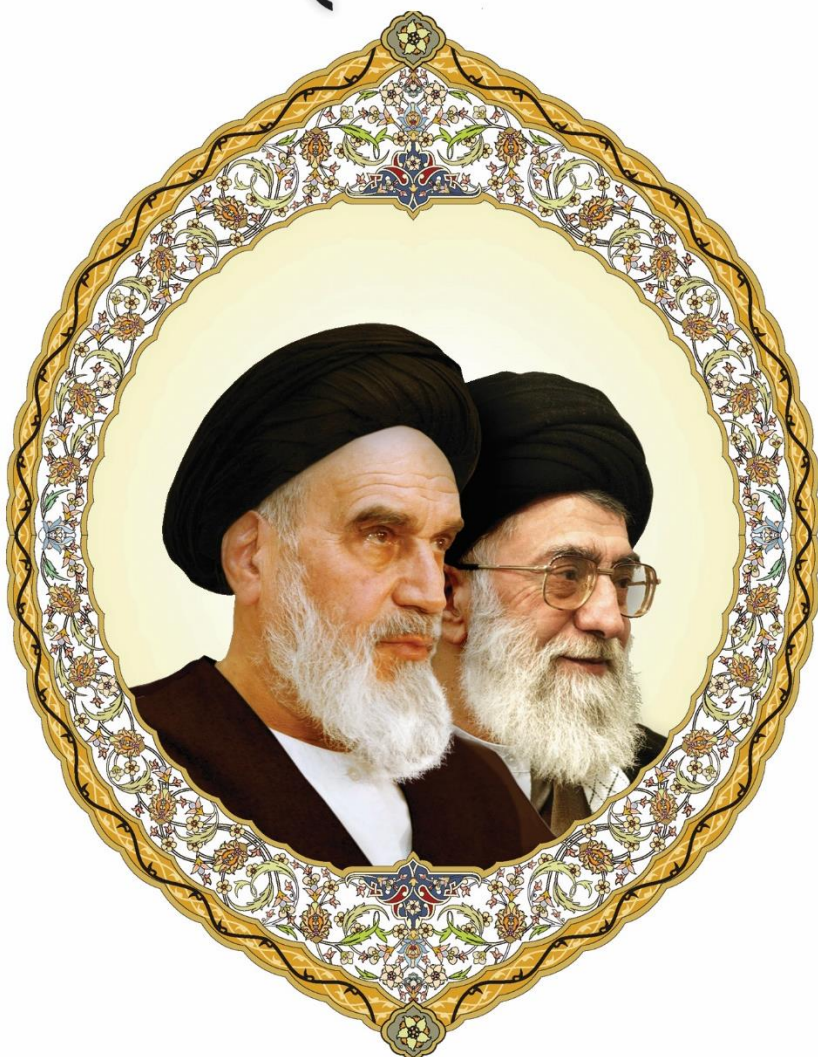
انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

نشانی: تهران. ضلع شمالی بزرگراه شهید بابایی، بعد از اتوبان هنگام، دانشگاه عالی دفاع ملی،

تلفن: ۲۲۹۷۰۳۴۳ ، نمابر: ۲۲۹۷۰۳۲۳ نشانی اینترنتی: www.sndu.ac.ir

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای دانشگاه عالی دفاع ملی محفوظ است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست مطالب

سخن ناشر	۱۹
مقدمه	۲۱
فصل اول- اصول و مبانی دفاع از منظر اسلام	۲۵
مروری بر زندگی و آثار امام خمینی علیه السلام	۲۵
آثار و تألیفات امام خمینی	۲۶
آموزه‌های اعتقادی مرتبط با مسئله دفاع و جهاد در اسلام	۲۸
الف-آموزه‌های اعتقادی	۲۹
- اعتقاد به خداوند متعال	۳۱
- اعتقاد به ولایت معصومین علیهم السلام	۳۲
- اعتقاد به انجام تکلیف الهی	۳۳
- اعتقاد به قضا و قدر	۳۵
- اعتقاد به امدادهای غیبی	۳۶
ب-آموزه‌های نظامی اسلام	۴۲
- اصول راهبردی جهاد	۴۲
- اصل تقدم دعوت بر جنگ	۴۲
- اصل عوامل اقتصادی	۴۳
- اصل ایجاد تفرقه در صفوف دشمن	۴۴
- اصل صلح پذیری	۴۵
- زمینه‌سازی برای تحقق صلح	۴۶
- مذاکرات سیاسی	۴۷
- تهدید به جنگ	۴۸

- ج- آموزه‌های کلی و عمومی جنگ ۴۰
- آمادگی نظامی ۵۰
- مقابله به مثل ۵۱
- غافلگیری ۵۲
- اصل فرماندهی ۵۳
- اصل بسیج عمومی ۵۴
- الف- تعریف دفاع ۵۴
- ب- اقسام دفاع ۵۷
- پ- تعریف جهاد ۵۷
- ت- انواع جهاد ۵۹
- جهاد تهاجمی (جهاد اولیه) ۶۱
- جهاد دفاعی ۶۱
- ث- شرایط جهاد ۶۳
- علیه تجاوز ۶۳
- علیه نقض کنندگان پیمان‌ها و قراردادهای ۶۳
- برای حفظ نظم و قانون ۶۴
- در حمایت از مستضعفین ۶۴
- دفاع در نزد ملل، اقوام و ادیان دیگر ۶۵
- دفاع در قرآن و روایات ۶۷
- فرمان الهی برای تدارک لوازم دفاع ۷۰
- تجاوز و دفاع از دیدگاه اسلام ۷۱
- وجوب دفاع در اسلام ۷۳
- اصول جنگ در اسلام ۷۴
- اصل هدف ۷۴
- اصل هدف ۷۶
- عملیات آفندی پیامبر به این امتیازات موصوف بود ۷۷
- اصل تمرکز قوا ۷۸
- اصل صرفه‌جویی در قوا ۷۸
- اصل مانور ۷۹

۸۰	اصل غافلگیری
۸۱	اصل تأمین
۸۱	اصل سادگی
۸۱	ویژگی‌های اصل سادگی
۸۲	اصل وحدت فرماندهی
۸۳	هنر جنگ در اسلام
۸۳	الف- جنگ و ابعاد آن در قرآن
۸۳	۱- بسیج یا آمادگی عمومی برای جنگ
۸۳	۲- تشویق به جنگ با توجیه معنوی
۸۴	۳- تعیین اهداف و انگیزه‌های جنگ در اسلام
۸۵	۴- تعیین و مشخص ساختن دشمن
۸۵	۵- اصول اساسی جنگ از نظر اسلام
۸۵	۶- آموزش تاکتیکی و تکنیکی جنگجویان
۸۶	ب- آداب جنگ در قرآن
۸۶	۱- طمع نکردن در غنایم جنگی
۸۷	۲- برابری میزان تجاوز و پاسخ به آن در جنگ
۸۷	۳- احترام و پایبندی به عهده و پیمان‌ها
۸۷	۴- برخورد با اسیران
۸۸	تجاوز از نظر اسلام
۹۰	اهداف جنگ در اسلام
۹۱	ترغیب اسلام به جهاد
۹۲	امدادهای الهی در قرآن
۹۲	اسباب و شرایط پیروزی در جنگ
۹۲	۱- متناسب بودن شمار رزمندگان با شمار نیروهای دشمن
۹۲	۲- تأمین هزینه جنگ
۹۳	۳- تهیه ساز و برگ جنگی و وسائل نظامی
۹۳	۴- حفظ وحدت و انضباط نظامی و اطاعت از مقام فرماندهی
۹۳	۵- به کار گرفتن فنون نظامی
۹۳	۶- هشیار بودن در برابر نقشه‌ها و شگردهای دشمن
۹۴	۷- بالا بردن سطح آگاهی و معرفت رزمندگان
۹۴	۸- تقویت روح تقوی
۹۵	۹- داشتن صبر و استقامت و احتراز از سستی و راحت‌طلبی

۹۵	۱۰- توکل و اعتماد بر خدای متعال
۹۶	۱۱- مداومت بر یاد خدا
۹۶	۱۲- دعا و استغاثه به درگاه الهی
۹۷	فصل دوم- جهاد و دفاع در اندیشه امام خمینی علیه السلام
۹۸	۱- امام خمینی علیه السلام و اهمیت دفاع
۱۰۱	۲- ضرورت دفاع
۱۰۱	۳- تهاجم همه جانبه کفر
۱۰۱	- تهاجم سیاسی
۱۰۳	- تهاجم فرهنگی
۱۰۳	- تهاجم اقتصادی
۱۰۴	- دفاع در برابر تهاجم
۱۰۵	۴- اهداف جهاد دفاعی در اندیشه امام خمینی
۱۰۶	- حفظ اسلام
۱۰۷	- دفاع از مسلمین
۱۰۷	- دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان
۱۰۸	- جنگ تا رفع فتنه در عالم
۱۰۹	- دفاع در برابر استیلای سیاسی بیگانگان
۱۰۹	- دفاع از وحدت کشورهای اسلامی
۱۱۰	- دفاع از حق و عدالت
۱۱۱	- دفاع از منافع بین‌المللی جهان اسلام
۱۱۲	۵- صلح از دیدگاه امام خمینی علیه السلام
۱۱۵	۶- راهبرد دفاع همه جانبه در اندیشه امام خمینی علیه السلام
۱۱۶	۷- عناصر راهبرد دفاع همه جانبه در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام
۱۱۷	نقش فرماندهی کل قوا در جنگ
۱۱۷	۸- رهبری ولایت امر و امامت امت و فرماندهی کل قوا
۱۱۸	۹- نقش نیروهای مسلح در دفاع همه جانبه
۱۱۹	۱۰- اصول فرماندهی بر نیروهای مسلح در اندیشه امام خمینی علیه السلام
۱۱۹	- تشویق به تکیه بر قدرت لایزال الهی
۱۱۹	- دادن روحیه امید و بردباری
۱۱۹	- تکیه بر ملت و داشتن پیوند عمیق نیروهای نظامی و مردم

- ۱۲۰ - خود اتکایی و عدم وابستگی
- ۱۲۰ - حفظ اسلام به عنوان یک امانت الهی
- ۱۲۱ - وحدت و انسجام بین نیروهای مسلح
- ۱۲۱ - داشتن روحیه شهادت طلبی و ایثار
- ۱۲۲ - افشای چهره متجاوز
- ۱۲۲ - لزوم نظم و انضباط در نیروهای مسلح
- ۱۲۳ - ضرورت شرکت فعال مردم در جنگ
- ۱۲۳ - برحذر داشتن قوای مسلح از ورود به احزاب سیاسی
- ۱۲۴ - ۱۱- دفاع همه جانبه در بینش فقهی حضرت امام خمینی علیه السلام
- ۱۲۵ - ۱۲- دفاع همه جانبه از ارزش های دینی
- ۱۲۵ - ۱۳- ابعاد و رویکردهای دفاع در اندیشه امام خمینی علیه السلام
- ۱۲۷ - ۱۴- انواع دفاع در اندیشه امام خمینی علیه السلام
- ۱۲۷ - ۱۵- دفاع سیاسی
- ۱۲۷ - الف- اهداف دفاع سیاسی
- ۱۲۷ - تثبیت اقتدار نظام جمهوری اسلامی
- ۱۲۷ - صدور انقلاب و انتقال ارزش های آن به کشورهای اسلامی و جهان
- ۱۲۸ - حفظ اسلام
- ۱۲۹ - احیای اقتدار و عزت مسلمان
- ۱۲۹ - قطع ریشه های فساد در جهان
- ۱۲۹ - آگاهی و بیداری امت اسلامی
- ۱۳۱ - ب- رویکردهای دفاع سیاسی
- ۱۳۱ - تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر اصل ولایت فقیه
- ۱۳۱ - حمایت از مستضعفان جهان
- ۱۳۱ - عدم سازش با ظالمان
- ۱۳۲ - حمایت از قیام ملت ها
- ۱۳۲ - رعایت شعار نه شرقی و نه غربی (حفظ سیاست بین المللی اسلام)
- ۱۳۳ - نهراسیدن از دشمن
- ۱۳۳ - نترسیدن از انزوای سیاسی
- ۱۳۴ - حمایت از نهضت های آزادی بخش
- ۱۳۴ - ۱۶- دفاع نظامی
- ۱۳۵ - الف- اهداف دفاع نظامی

- ۱۳۵ - دفاع از نظام و دفع تجاوز
- ۱۳۵ - دفاع از تمامیت ارضی کشور
- ۱۳۵ - دفاع از استقلال
- ۱۳۶ - تنبیه متجاوز و جبران خسارات
- ۱۳۶ - ب- رویکردهای دفاع نظامی
- ۱۳۷ - آمادگی جسمی
- ۱۳۷ - آمادگی روحی
- ۱۳۸ - شهادت‌طلبی
- ۱۳۸ - تقویت بنیه دفاعی کشور
- ۱۳۹ - ایجاد توازن قوا
- ۱۳۹ - بسیج همگانی
- ۱۴۱ - خودکفایی نظامی
- ۱۴۲ - سلاح در دست افراد صالح
- ۱۴۲ - دشمن‌شناسی
- ۱۴۳ - بالا بردن آموزش‌های عقیدتی و نظامی
- ۱۴۴ - مردمی کردن دفاع
- ۱۴۵ - انگیزه الهی
- ۱۴۵ - ۱۷- دفاع اقتصادی
- ۱۴۵ - الف- اهداف دفاع اقتصادی
- ۱۴۵ - حفظ منافع ملی و ذخایر اصلی
- ۱۴۵ - تحقق عدالت اجتماعی
- ۱۴۶ - خودکفایی صنعتی
- ۱۴۶ - مبارزه با رفاه طلبی و مصرف‌گرایی
- ۱۴۷ - ب- رویکردهای دفاع اقتصادی
- ۱۴۷ - اتکال به خدا
- ۱۴۷ - خودباوری اقتصادی
- ۱۴۸ - قطع سلطه بیگانگان
- ۱۴۸ - قطع وابستگی از خارج
- ۱۴۸ - صبر و قناعت
- ۱۴۸ - نفی وابستگی و خودباختگی
- ۱۴۹ - تأمین امنیت مالی و اقتصادی جامعه
- ۱۴۹ - عدالت اقتصادی

- ۱۴۹ - نترسیدن از انزای اقتصادی
- ۱۴۹ - حفظ منافع ملی و ذخائر اصلی
- ۱۴۹ - استفاده مناسب از سلاح نفت
- ۱۴۹ - تکیه بر امکانات بومی و محلی
- ۱۵۰ - ۱۸- دفاع فرهنگی
- ۱۵۰ - الف- اهداف دفاع فرهنگی
- ۱۵۰ - تضمین استقلال جامعه
- ۱۵۰ - احیای هویت مسلمین و محرومین جهان
- ۱۵۱ - انتقال تجربه انقلاب اسلامی به جهان
- ۱۵۱ - خودباوری فرهنگی
- ۱۵۱ - مقابله با تهاجم فرهنگی
- ۱۵۳ - ب- رویکرد دفاع فرهنگی
- ۱۵۳ - معرفی صحیح احکام اسلام
- ۱۵۳ - قطع وابستگی فرهنگی
- ۱۵۴ - تحول فرهنگی در جامعه
- ۱۵۴ - حضور مؤثر حوزه علمیه و روحانیت
- ۱۵۴ - توجه به مراکز آموزشی و تبلیغی
- ۱۵۵ - حفظ ارزش‌های انقلاب
- ۱۵۵ - حفظ وحدت و انسجام اسلامی
- ۱۵۵ - صدور انقلاب و بیداری ملت‌ها
- ۱۵۵ - معرفی صحیح احکام اسلامی
- ۱۵۶ - ۱۹- رویکردهای اجتماعی در اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام
- ۱۵۶ - اصلاح نظام تربیتی
- ۱۵۶ - توجه به جوانان و مشکلات آنان
- ۱۵۷ - مبارزه با رفاه‌طلبی
- ۱۵۸ - مشارکت دادن فعال زنان
- ۱۵۸ - پشتیبانی مردمی
- ۱۵۸ - برقراری امنیت عمومی
- ۱۵۸ - اتحاد ملی و همراهی آحاد جامعه
- ۱۵۸ - امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۵۸ - مقابله با فتنه‌های داخلی

- ۲۰- رویکردهای علمی- فناوری در اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام ۱۵۹
- حمایت از مبتکران و فناوران ۱۵۹
- تقویت اراده عمومی برای کسب علم و فناوری ۱۵۹
- تبدیل تحریمها به فرصت ۱۵۹
- فراخوانی جوانان به عرصه‌های علمی ۱۶۰
- خود اتکایی و عدم وابستگی ۱۶۰
- تعامل وسیع بین حوزه و دانشگاه ۱۶۰
- به‌کارگیری فناوری پیشرفته و مناسب ۱۶۰
- مبارزه با خودباختگی و قطع وابستگی علمی و فناوری ۱۶۰
- فصل سوم - امام خمینی علیه السلام و مدیریت نیروهای مسلح ۱۶۳
- ۱- نیروهای مسلح در اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام ۱۶۴
- ارزش‌های مکتبی نیروهای مسلح ۱۶۴
- الف- انگیزه الهی ۱۶۴
- ب- ایمان ۱۶۴
- ج- پیروان مکتب عاشورا ۱۶۴
- د- سربازان بقیه‌الله علیه السلام ۱۶۴
- هـ- شهادت‌طلبی ۱۶۵
- ارزش‌های اجتماعی نیروهای مسلح ۱۶۶
- الف- رکن انقلاب اسلامی ۱۶۶
- ب- موجب توانمندی و بقای نظام و ضامن اقتدار نظام اسلامی ۱۶۶
- ۲- عوامل مؤثر در تبیین رسالت نیروهای مسلح در اندیشه امام خمینی علیه السلام ۱۶۷
- الف- تعریف امنیت ملی ۱۶۷
- ب- محیط و فضای امنیتی جمهوری اسلامی ایران ۱۶۷
- ۳- رسالت نیروهای مسلح در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۶۸
- محور ۱- رسالت نیروهای مسلح در قبال رهبری ۱۶۸
- محور ۲- رسالت نیروهای مسلح در تأمین امنیت ملی ۱۶۹
- الف - رسالت مشترک نیروهای مسلح در تأمین امنیت منافع ملی ۱۶۹
- حفظ کیان اسلام ۱۶۹
- حفظ نظام جمهوری اسلامی ۱۷۰
- نگرانی از مرزها و نگهداری امنیت و نظم ۱۷۰
- محور ۳- رسالت نیروهای مسلح در حفظ و تقویت بنیه و اقتدار خود ۱۷۱

- ۱۷۱- آگاهی و بینش سیاسی و امنیتی (بصیرت، شناخت التقاط، بینش اطلاعاتی و امنیتی) —————
- ۱۷۲- امام خمینی علیه السلام و عدم تحزب قوای مسلح —————
- ۱۷۲- ممنوعیت ورود حتی در احزاب صد درصد اسلامی و وفادار به جمهوری اسلامی —————
- ۱۷۲- استقلال نیروهای مسلح در بخش‌های نظامی و سیاسی —————
- محور ۴- رسالت نیروهای مسلح در قبال مردم ————— ۱۷۲
- محور ۵- رسالت نیروهای مسلح در قبال دولت ————— ۱۷۳
- ۴- رسالت نیروهای مسلح در منطقه و جهان اسلام ————— ۱۷۳
- ۵- اصول و ویژگی‌های اساسی نیروهای مسلح ————— ۱۷۴
- ۶- ارتش جمهوری اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام ————— ۱۷۴
- ۷- راهبردهای نظارتی- حمایتی امام خمینی علیه السلام برای بقاء و اصلاح ارتش ————— ۱۷۷
- تحکیم پیوند ارتش با ملت ————— ۱۷۷
- اصرار بر پاکسازی ارتش از عناصر وابسته ————— ۱۷۸
- تلاش برای حفظ ارتش ————— ۱۷۸
- تأکید بر نظم و سلسله مراتب در ارتش ————— ۱۷۹
- هدایت به سمت ارتش مکتبی ————— ۱۷۹
- شرکت ارتش در جنگ تحمیلی ————— ۱۸۰
- الف- متوقف کردن دشمن ————— ۱۸۰
- ب- جانفشانی در دفاع از کشور ————— ۱۸۰
- ج- حضور قهرمانانه ارتش در مرزها ————— ۱۸۰
- ۸- رسالت اختصاصی ارتش در حفظ کشور از دیدگاه امام خمینی علیه السلام ————— ۱۸۱
- ۹- سپاه پاسداران در اندیشه امام خمینی علیه السلام ————— ۱۸۱
- الف- اهمیت حفظ سپاه ————— ۱۸۲
- ب- حمایت امام خمینی علیه السلام از سپاه ————— ۱۸۲
- ج- پاسداری از اسلام ————— ۱۸۳
- د- پاسداری از انقلاب اسلامی ————— ۱۸۳
- هـ- پاسداری از کشور ————— ۱۸۳
- و- مقابله با دشمنان اسلام ————— ۱۸۳
- رسالت اختصاصی سپاه پاسداران از دیدگاه امام خمینی علیه السلام ————— ۱۸۴
- ۱۰- بسیج در اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام ————— ۱۸۴
- تعریف بسیج از نظر لغوی ————— ۱۸۵
- بسیج ملی ————— ۱۸۵

۱۸۶	بسیج مستضعفین
۱۸۶	انواع بسیج
۱۸۶	اهداف تشکیل بسیج
۱۸۶	الف- برچیدن شرک و فتنه و استقرار دین خدا
۱۸۶	ب- حمایت از مستضعفان
۱۸۷	ج- جلوگیری از فساد و تباهی روی زمین
۱۸۷	د- دفاع از وطن (سرزمین)
۱۸۷	هـ- برقراری امنیت اجتماعی و نمایش قدرت مسلمانان
۱۸۷	و- کیفر دادن ، خوارساختن و ذلت دشمنان خدا
۱۸۷	- اهداف تشکیل بسیج از نظر روایات
۱۸۸	مهم‌ترین وظایف بسیج از نظر امام خمینی علیه السلام
۱۸۸	- بسیج به معنی خاص (بسیج مستضعفین) از دیدگاه امام خمینی علیه السلام
۱۸۸	الف- بسیج از دیدگاه امام خمینی علیه السلام
۱۸۸	ب- کارکردهای بسیج از زاویه دکترین دفاع همه جانبه امام خمینی علیه السلام
۱۸۹	۱۱- مؤلفه‌های اصلی تشکیل دهنده اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام
۱۹۰	مؤلفه‌های ارزش محوری
۱۹۰	۱- اسلام و دین محوری
۱۹۰	۲- تکلیف محوری
۱۹۰	۳- شهادت‌طلبی
۱۹۱	مؤلفه انسان محوری
۱۹۱	- مردمی کردن دفاع
۱۹۲	- ارتقای روحیه
۱۹۳	- نه‌راسیدن از دشمن
۱۹۳	- تأکید بر حفظ انسجام و وحدت
۱۹۳	- ایجاد اعتماد به نفس و روحیه خودباوری (مدیریت فرهنگی و معنوی جنگ)
۱۹۳	الف- خودباوری و اعتماد به نفس ملی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام
۱۹۵	ب- اعتماد به نفس مثبت و منفی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام
۱۹۶	مؤلفه‌های توان محوری
۱۹۶	- تقویت بنیه دفاعی
۱۹۶	- ضرورت خودکفایی
۱۹۶	- حفظ آمادگی

- ۱۹۶ - ایجاد موازنه قوا
- ۱۹۷ - وجود بازدارندگی نیروهای مسلح
- ۱۹۷ - ایجاد اعتماد نفس ملی
- ۱۹۸ - ۱۲ - موازنه قوا در اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام
- ۱۹۹ - عناصر اصلی موازنه قوا
- ۲۰۰ - تحلیل عناصر اصلی موازنه قوا
- ۲۰۲ - جمع‌بندی عناصر اصلی موازنه قوا
- ۲۰۳ - ۱۳ - بازدارندگی مردمی در اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام
- ۲۰۴ - جنبه‌های دفاعی استراتژی بازدارندگی مردمی در کلام امام خمینی علیه السلام
- ۲۰۴ - الف - بعد دفاعی - رزمی بازدارندگی مردمی
- ۲۰۴ - ب - مشارکت و حضور مردم در جبهه
- ۲۰۵ - الف - بعد دفاعی - رزمی بازدارندگی مردمی
- ۲۰۵ - ب - مشارکت و حضور مردم در جبهه
- ۲۰۵ - ج - آمادگی و آموزش نظامی بسیج میلیونی در پشت جبهه
- ۲۰۵ - توسعه قابلیت‌های دفاع بازدارندگی و دفاع همه جانبه
- ۲۰۶ - ۱۴ - عناصر مهم قدرت نظامی جامعه اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام
- ۲۰۷ - فصل چهارم - دفاع مقدس در اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام
- ۲۰۸ - ۱ - جنگ و دفاع از منظر حضرت امام خمینی علیه السلام
- ۲۰۹ - ۲ - علل تجاوز دشمن از دیدگاه امام خمینی علیه السلام
- ۲۱۰ - اسلام خواهی نظام و حکومت
- ۲۱۰ - جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی
- ۲۱۰ - دشمنی شیطان بزرگ (آمریکا)
- ۲۱۱ - تبانی رژیم اشغالگر قدس و آمریکا
- ۲۱۱ - توسعه‌طلبی رژیم بعثی عراق
- ۲۱۲ - مساعد بودن شرایط داخلی
- ۲۱۲ - ۳ - ماهیت جنگ تحمیلی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام
- ۲۱۲ - الف - جنگ اسلام و کفر
- ۲۱۳ - ب - جنگ حق و باطل
- ۲۱۳ - ج - جنگ به‌عنوان جهاد دفاعی
- ۲۱۶ - ۴ - تلفیق دفاع و معنویت

- ۵- رهبری معنوی امام خمینی علیه السلام در دفاع مقدس ----- ۲۱۷
- ۶- عناصر رهبری معنوی امام خمینی علیه السلام در دفاع مقدس ----- ۲۱۷
- شجاعت ----- ۲۱۷
- طمأنینه ----- ۲۱۸
- تواضع و فروتنی ----- ۲۱۸
- محبت و صمیمیت امام خمینی علیه السلام با رزمندگان ----- ۲۱۹
- قاطعیت ----- ۲۱۹
- سازش‌ناپذیری و استقامت در مبارزه ----- ۲۲۰
- نیرنگ‌شناسی ----- ۲۲۰
- ۷- راهبرد دفاعی با تأکید بر نیروهای مردمی ----- ۲۲۱
- ۸- امام و راهبرد دفاع از امت اسلامی ----- ۲۲۲
- ۹- علل ضعف مسلمانان در برابر رژیم اشغالگر قدس ----- ۲۲۴
- عمل نکردن به دستورات اسلام ----- ۲۲۴
- نبودن رشد سیاسی ----- ۲۲۴
- وجود نداشتن استقلال و اتحاد بین دولت‌های عربی ----- ۲۲۴
- نبود تفاهم بین دولت‌ها و ملت‌های مسلمان ----- ۲۲۵
- ۱۰- راه حل آزادی قدس و راهبردهای دفاع ----- ۲۲۵
- قیام مسلمین برای خدا و اسلام ----- ۲۲۵
- اتحاد مسلمین ----- ۲۲۵
- اقدام مردمی در کشورهای اسلامی ----- ۲۲۶
- به‌کار بردن سلاح نفت ----- ۲۲۶
- رد هر گونه سازش با رژیم اشغالگر قدس ----- ۲۲۷
- الگو قرار دادن ملت ایران ----- ۲۲۸
- تکیه ملت‌های مسلمان به خود ----- ۲۲۸
- ۱۱- ایران اسلامی و دفاع از قدس ----- ۲۲۹
- ایران اسلامی حامی و یاور فلسطین ----- ۲۳۰
- توجه به خدا و معنویت و اصلاح امور خود ----- ۲۳۰
- ۱۲- راهبردها و خط مشی‌های امام خمینی علیه السلام برای ملل اسلامی ----- ۲۳۱
- ایمان و توکل به خدا ----- ۲۳۱
- دعوت به قیام ----- ۲۳۲
- دعوت به برادری و اتحاد ----- ۲۳۳

۲۳۵	- نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری
۲۳۶	- سازش‌ناپذیری در مقابل دشمن
۲۳۷	- حفظ استقلال
۲۳۹	- توجه به امکانات بومی، محلی و قدرت خود
۲۴۰	- تقویت روحیه خودانکایی و خودباوری
۲۴۱	- تقویت بنیه فرهنگ خودی و گسترش آن
۲۴۲	- تشکیل هسته‌های مقاومت در جهان
۲۴۳	- برقراری روابط حسنه با یکدیگر
۲۴۳	- الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران
۲۴۵	فصل پنجم- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۵۵	منابع و مأخذ
۲۵۵	(۱) منابع دینی
۲۵۶	(۲) کتب
۲۶۰	(۳) مقالات
۲۶۳	(۴) روزنامه‌ها
۲۶۳	(۵) رساله‌ها و پروژه‌ها
۲۶۳	(۶) منابع انگلیسی
۲۶۳	(۷) منابع عربی

سخن ناشر

دانشگاه عالی دفاع ملی به منزله سازوکاری علمی و سازمانی در توسعه ادبیات راهبردی و آموزش مدیران عالی کشور در حوزه مسائل راهبردی، دفاعی و امنیتی، با بهره‌گیری از بنیان‌ها و نظریه‌های بومی، درصدد تدوین راهبردهای تعالی‌بخش به منظور تحقق اهداف منبث از رسالت و مأموریت علمی خویش است.

این دانشگاه از مراکز علمی کلیدی و حساس در عرصه مسائل راهبردی است که از بدو تشکیل و راهاندازی آن پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در صحنه آموزش مسائل دفاعی-امنیتی به‌منظور کادرسازی متناسب با اهداف مقدس جمهوری اسلامی در سطوح مدیران عالی کشوری و لشکری پیشقدم بوده و وظیفه خطیر خود در جهت آموزش فرماندهان و مدیران عالی‌رتبه کشور را سرلوحه تمامی برنامه‌ها قرار داده است. این امر هنگامی مهم‌تر می‌شود که نگاهی پژوهشی و عمیق به پیرامون کشور، منطقه و جهان داشته باشیم؛ چراکه با ظهور تهدیدات نوین در عرصه بین‌الملل، لزوم داشتن چنین کانونی برای به هنگام نگاه داشتن مدیران عالی و فرماندهان نظامی کاملاً ملموس خواهد بود. از سوی دیگر ایده ایجاد تمدنی بزرگ موجب می‌شود تا این تلاش و تعهد موجب توسعه همکاری‌ها و ترغیب سازمان‌هایی شود که برای پیروی از این هدف متعالی و ایجاد تحول در برنامه‌ها و فعالیت‌ها، تولید و توزیع ادبیات راهبردی را یاری کنند.

با نگرش به این رویکرد و اهمیت موضوع، لزوم تولید و توزیع ادبیات راهبردی در دانشگاه که ماحصل تلاش اساتید و فرهیختگان متخصص در علوم راهبردی و دانش‌آموختگانی است که با نهایت تلاش و کوشش مدت زمان مفیدی از دوران زندگی خود را جهت فراگیری مفاهیم و اصول علوم راهبردی و تدوین رساله دکتری در دانشگاه گذرانده‌اند، نمایان می‌شود. در این راستا انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی در سه حوزه مدیریت راهبردی، دفاع ملی و امنیت ملی با اهتمام به برنامه‌ها و در چارچوب اهداف و مفاهیم عالیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تدابیر رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا حضرت امام خامنه‌ای عزیز، (مدظله العالی) سعی در انتقال مفاهیم و آموزه‌های خود به سطوح مختلف مدیران و ارکان جامعه داشته و در این بستر دست‌های پرتوانی که نیل به این اهداف را تسهیل می‌کنند به گرمی می‌فشارد.

وما توفیقنا الا بالله علیه توکلنا والیه ننیب

انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

اندیشه دفاعی در جمهوری اسلامی ایران به دنبال حفاظت و تامین توانمندی ها و قابلیت های حاکمیتی است. بر این اساس، اندیشه دفاعی باید مبناء و بنیاد نقشه راه نظامی را شکل داده و سمت و سوی آن را نیز مشخص نماید. اندیشه که به عنوان محصول اندیشه ورزی و قالب کلی تفکر انسان قلمداد می گردد، به لحاظ ماهیت تفکر و در مقام سنخ شناسی می تواند در قالب های مختلفی همچون فلسفه، مکتب (ایدئولوژی) و نظریه ظاهر شود؛ یعنی از همه این چارچوب های فکری می توان اندیشه دفاعی را استنباط و استخراج نمود. بنابراین اگر اندیشه دفاعی، محور اصلی مفاهیم نظری فوق باشد، درک هر چه بهتر اندیشه، مستلزم آن است که نحوه ارتباط هریک از این مفاهیم را با ایده ها و آرمان های دفاعی بررسی کنیم. اندیشمند در حوزه اندیشه دفاعی با طرح سؤالاتی از باب چرایی و علت وجودی پدیده هایی نظیر دشمنی، تهدید، تضعیف و جنگ نرم یا سخت به قضایای دشمنی می نگرد و در راهبردها و سیاست های خود نیز مراقب است تا از این قالب خارج نگردد و صرفاً چرایی ها را پاسخ دهد.

امر دفاع، یک اصل طبیعی و فطری است؛ مصداق آن، مجهز بودن موجودات به وسایل دفاعی است که به صورت طبیعی یا غریزی و احساسی و گاه به کمک عقل از خود دفاع می کنند. لذا هر سازمان یا نظام پویا و زنده ای برای استمرار و دوام و حیات و حتی تضمین نسبی نسل آینده، به یک سامانه دفاعی مناسب و مشخصی نیاز دارد، تا زمانی که توسل به جنگ منع نشده و از آن به عنوان مستمسکی برای حاکمیت افسار گسیخته تعداد معدودی از دولت ها برای رسیدن به خواسته های دشمن استفاده شود و یا توجیهاتی برای برقراری صلح و دموکراسی به شمار آید و مجامع بین المللی هم نسبت به آن موضع بی تفاوتی داشته باشند، از این نظر، دفاع تنها مجوز مقابله با چنین برخوردهایی می باشد.

رهبر کبیر انقلاب در این مورد می فرمایند: «دفاع از مملکت اسلامی و دفاع از نوامیس مسلمین، از واجبات شرعیه الهیه ای است که بر همه ما واجب است.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۸۲)

بر این اساس در نظام جمهوری اسلامی ایران، نیز وجود نیروهای مسلح با اتکاء به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان برای حفظ دولت اسلامی و دفاع از مسلمانان و انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، یک ضرورت بدیهی و عقلی محسوب می شود که به طور طبیعی، سازماندهی و تجهیز نیروهای نظامی کشور نیز بر اساس ایمان به خدا و رعایت معیارها و اصول مکتبی و در

مسیر تحقق آرمان ها و اصول قانون اساسی انجام می شود. امام راحل در مورد مقوله دفاع و بازدارندگی که ضامن حفظ موجودیت و حقوق انسانی است می فرمایند: « عقل هم به ما حکم می کند که تشکیلات لازم است تا اگر به ما هجوم آوردند، بتوانیم جلوگیری کنیم؛ اگر به نوامیس مسلمین تهاجم کردند، دفاع کنیم، شرع مقدس هم دستور داده که باید همیشه در برابر اشخاصی که می خواهند به شما تجاوز کنند برای دفاع آماده باشید » (امام خمینی رحمته الله علیه، ولایت فقیه (حکومت اسلامی): ۵۰)

با نگرش به تعاریف و دیدگاههای فوق، در این راستا می توان گفت که حکومت اسلامی نیازمند این امر مهم است که به جهت بقاء و مقابله با دشمنان داخلی و خارجی و تهدیدات بالفعل و بالقوه ای که فرا روی خود دارد و همچنین به منظور فراهم آوردن بستری مناسب جهت پیاده کردن آرمان ها و اهداف ملی و بین المللی، در کنار توجه به سایر متغیرهای فراوان قدرت در جهان، برنامه و الگوی مناسب دفاعی را که با ایدئولوژی و باور های مکتبی حکومت اسلامی و رهبران آن هماهنگ باشد را طراحی و تدوین نماید. با توجه به اینکه رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمته الله علیه تنها کسی بود که با ارائه الگوهای عینی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توانست این الگوها را از بعد تئوری و نظری به مرحله عمل برساند، بنابراین، الگوی راهبردی دفاعی براساس اندیشه دفاعی ایشان نیز به تبع بایستی منجر به ارائه یک الگویی شود که در بعد دفاعی و راهبردی، روشن کننده اندیشه دفاعی ایشان باشد.

به همین منظور می توان گفت که نیروهای مسلح در نظام اسلامی، علاوه بر حفظ تمامیت ارضی، رسالت حفظ استقلال، حاکمیت سیاسی و حفظ کیان اسلامی را نیز بر دوش دارند. توجه به نیروهای مسلح به عنوان اصلی ترین بازوی انقلاب اسلامی و حیاتی ترین رکن حفظ استقلال کشور و آزادی ملت، از تاکیدات و سفارش های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بوده است. در اندیشه دفاعی امام خمینی رحمته الله علیه اصلی ترین هدف نیروهای مسلح، حفظ اسلام و کوشش برای تحقق این هدف می باشد و چنین هدفی تنها با وجود نیروهای مسلح مسلمان و متعهد به خداوند و با داشتن انگیزه شهادت طلبانه در راه نیل به این اهداف و همچنین با داشتن بنیانی مرصوص متصور است. اندیشه دفاعی امام خمینی رحمته الله علیه در دوران هشت سال دفاع مقدس، مظهر پایداری و مقاومت ملت ایران محسوب می شد و این اندیشه، جایگاه والایی را در میان اندیشه های نوین پیدا کرد. امام خمینی رحمته الله علیه از نادر افرادی بودند که با درک صحیح و جامع از

مکتب اسلام و انبیاء، به تمام زوایای دین اشراف داشتند و سیره نظری و عملی ایشان، از قوانین الهی نشأت گرفته و اندیشه دفاعی آن حضرت ریشه در دین اسلام دارد و اگر دفاع از ارکان اسلام به شمار نمی‌رفت، مطمئناً به آن توجهی نمی‌کردند. چنانکه در قرآن کریم، «قتال» با مشتقاتش ۱۷۰ مرتبه، «حرب» با مشتقاتش ۱۰ مرتبه، «جهاد» با مشتقاتش ۴۱ مرتبه و «دفاع» با مشتقاتش ۱۰ مرتبه تکرار شده است. (مrandی، ۱۳۷۸: ۹)

شناخت چارچوب افکار و اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام در بعد دفاعی کشور و جایگاه آنها در منابع دینی و علمی اسلام نیز در این پژوهش، مستلزم مطالعه و بررسی سیره عملی و نظری ایشان است که پشتوانه دینی آنها در آیات و روایات و سایر مکتوبات معتبر، از جمله نهج البلاغه مشهود است. امام خمینی علیه السلام به عنوان یک فقیه فیلسوف عارف، سیاستمدار و عالم، عامل به تأسی از پیامبر بزرگ اسلام و امامان پاک اندیشه‌ی دفاعی تکامل یافته داشته‌اند. جذب و جلب ارتش و حفظ ارتش، تأسیس سپاه، ایجاد بسیج و سفارش و تشویق مکرر امام خمینی علیه السلام به آموزش نظامی و آمادگی پاسداری از انقلاب قبل از اینکه هرگونه نشانه‌ای از جنگ پیدا شده باشد. گویای اندیشه دفاعی بلند ایشان در آن برهه از زمان است. در دوران جنگ تحمیلی، اندیشه‌های دفاعی امام خمینی علیه السلام بود که در جهت حفظ انقلاب و پیشبرد اهداف آن برجنگ حاکم بود و نیز در این دوره تاریخی درخشان بود که ظرفیت‌های جدید و شگفت‌آور انقلابی معتقدان به اندیشه‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی پدیدار گردید. در این جنگ بود که بینش‌ها و ارزش‌های انقلاب به‌رغم گستردگی عرصه نبرد و کثرت دشمنان و پیچیدگی روز افزون جنگ و فناوری جنگی در پرتو اندیشه‌ها و افکار امام خمینی علیه السلام به خوبی توانست از کیان اسلامی و ملی ما دفاع کند. کشور ما ایران در طول تاریخ ۲۰۰ سال گذشته به‌طور مکرر از سوی بیگانگان مورد تهاجم و تاخت و تاز قرار گرفته و در این مدت مخصوصاً در دوران حکومت قاجار در هر حمله‌ای قسمتی از خاک ایران به‌وسیله دشمنان از کشور جدا گردیده است. به جرأت می‌توان گفت که در تنها جنگی که نیروهای مسلح و مردمی توانستند با شایستگی از کشور دفاع کرده و حتی یک متر از خاک میهن اسلامی را به‌دست دشمنان ندهند، جنگ هشت ساله عراق علیه ایران بود که با استفاده از راهبرد دفاع همه جانبه، این واقعیت به وقوع پیوست؛ جنگی که ابرقدرت‌های غرب و شرق با تمام وجود و حمایت‌ها و پشتیبانی‌های همه‌جانبه، حکومت بعثی عراق را تدارک کردند، ولی به لطف خداوند متعال و امدادهای غیبی، سرانجام سرنوشت جنگ

همراه با موفقیت برای جمهوری اسلامی ایران رقم خورد و به گواه تاریخ و اعتراف تئوریسین های نظامی دنیا، پیروزی های رزمندگان نیروهای مسلح در این جنگ چیزی شبیه به یک معجزه بود که در معادلات کلاسیک جنگ قابل قبول و دروس تاکتیکی آکادمیک های نظامی آنها نمی گنجید، و این مطلب تنها در ظل توجهات خداوند و حضرت ولی عصر علیه السلام و با تدبیر و اندیشه های دفاعی و سترگ حضرت امام خمینی رحمة الله علیه به واقعیت پیوست. آراء و اندیشه های دفاعی امام خمینی رحمة الله علیه از اهمیت و جایگاه بسیار والایی برخوردار است؛ چراکه تجربه معظم له در مدیریت عالی یک نبرد بسیار مدرن و عظیم، درطول هشت سال دفاع مقدس، و توجه و اهتمام ایشان به ترسیم استراتژی دفاع همه جانبه، از دلایل بسیار مستحکمی در اثبات این امر به شمار می رود. حال با توجه به گذشت ۳۸ سال از انقلاب، هدایت یک نبرد تمام عیار ۸ ساله، مبارزه با استکبار جهانی و توطئه های همه جانبه آن از قبیل کودتا، ترور، براندازی، خرابکاری، جنگ، تحریم و ... هر یک خود به تنهایی می توانستند نظام را ساقط کند، و نیز تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری مد ظله العالی هنوز اندیشه های دفاعی معظم له مورد بررسی و تبیین واقع نشده است. از این رو در این اثر الگوی راهبردی دفاعی بر مبنای اندیشه های دفاعی آن حضرت تبیین و ارائه شده است.

فصل اول

اصول و مبانی دفاع از منظر اسلام

مروری بر زندگی و آثار امام خمینی رحمته الله علیه

در روز بیستم جمادی الاخره ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق با ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ هجری شمسی (۲۱ سپتامبر ۱۹۰۲ میلادی) و مصادف با سالروز تولد با سعادت بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه علیها السلام در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی ایران در خانواده ای اهل علم و هجرت و جهاد و در خاندانی از سلاله زهرای اطهر علیها السلام روح الله الموسوی الخمینی به دنیا آمد. او وارث سجایای آباء و اجدادی بود که نسل در نسل در کار هدایت مردم و کسب معارف الهی کوشیده اند.

پدر بزرگوار امام خمینی مرحوم آیه الله سید مصطفی موسوی از معاصرین مرحوم آیه الله العظمی میرزای شیرازی رحمته الله علیه پس از آنکه سالیانی چند در نجف اشرف علوم و معارف اسلامی را فرا گرفته و به درجه اجتهاد نایل آمده بود، به ایران بازگشت و در خمین ملجاء مردم و هادی آنان در امور دینی بود. در حالی که بیش از ۵ ماه ولادت روح الله نمی گذشت، طاغوتیان و خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت ندای حق طلبی پدر را که در برابر زورگوئی هایشان به مقاومت بر خاسته بود، با گلوله پاسخ گفتند و در مسیر خمین به اراک وی را به شهادت رساندند. بستگان شهید برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.

بدین ترتیب امام خمینی رحمته الله علیه از اوایل کودکی با رنج یتیمی آشنا و با مفهوم شهادت روبرو گردید. وی دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مومنانه اش (بانو هاجر) که خود از خاندان علم و تقوا و از نوادگان مرحوم آیه الله خوانساری (صاحب زبده التصانیف) بوده است. همچنین نزد عمه مکرمه اش (صاحبه خانم) که بانویی شجاع و

حق جو بود سپری کرد. اما در سن ۱۵ سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم گردید.

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (رحمة الله عليه) (۱۲۸۱ ش- ۱۳۶۸ ش)، بزرگترین مجتهد و مرجع تقلید دوران معاصر و بلکه تاریخ تشیع در دوران غیبت کبری است. ایشان پرورش یافته حوزه علمیه قم و شاگرد بزرگانی چون مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و مرحوم آیت الله بروجردی است. امام خمینی (رحمة الله عليه) در علوم مختلف اسلامی مجتهد و صاحب نظر بوده است. وی گذشته از آن که در فقه و اصول در بالاترین سطح قرار داشته در علوم عقلی چون منطق و کلام و فلسفه در عالی ترین سطح قرار داشت. همچنان که در عرفان نظری و عرفان عملی سرآمد دیگران بود. در تفسیر و حدیث و معارف نیز بی نظیر بوده است.

امام خمینی (رحمة الله عليه) در نگارش و تدوین آثار نیز فوق العاده بوده، به طوری که نگارش بیش از هشتاد جلد کتاب به قلم مبارک خود ایشان در موضوعات اخلاقی، عرفانی، کلامی، فقهی، اصول، قواعد فقهی و ... گویای این مدعا است. امام خمینی (رحمة الله عليه) یک اسلام شناس واقعی بود که به همه زوایا و جنبه های مختلف علوم اسلامی اشراف کامل داشته و صاحب نظر بود و لذا بررسی اندیشه های ایشان در حوزه دفاعی در واقع بیان دیدگاه دین مقدس اسلام از منظر و زاویه دید حضرت امام خمینی (رحمة الله عليه) می باشد. (www.imam khomaine.com)

آثار و تالیفات امام خمینی (رحمة الله عليه)

آثار و تالیفات حضرت امام خمینی (رحمة الله عليه) در حدود چهل عنوان کتاب به شرح جدول ذیل بوده است:

جدول ۱- آثار و تالیفات امام خمینی (رحمة الله عليه)

۱- شرح حدیث جنود عقل و جهل	۲- شرح چهل حدیث
۳- صحیفه امام (۲۲ جلدی)	۴- جلوه های رحمانی (نامه امام به حاج احمد خمینی)
۵- کشف الاسرار	۶- دیوان امام
۷- ولایت فقیه (حکومت اسلامی)	۸- مناهاج الوصول الی علم الاصول - ۲ جلدی
۹- وسیله النجاه مع تعالیک	۱۰- شرح دعای سحر
۱۱- المکاسب المحرمه - جلد ۱ و ۲	۱۲- رساله توضیح المسائل
۱۳- مصباح الهدایه الی الخلافه والولایه	۱۴- لمحات الاصول
۱۵- تحریر الوسیله (۲ جلد)	۱۶- تعالیک علی العروه

۱۷- انوار الهدایه فی التعلیقہ علی الکفایہ - جلد ۱ و ۲	۱۸- تفسیر سوره حمد
۱۹- بدایع الدر فی قاعده نفی الضرر	۲۰- الطہارہ (۴ جلدی)
۲۱- مناسک حج	۲۲- الاجتہاد و التقلید
۲۳- الرسائل العشرہ - مباحث فقہی	۲۴- الطلب والارادہ
۲۵- البیع (۵ جلدی)	۲۶- رسالہ نجات العباد
۲۷- التعلیقہ علی الفوائد الرضویہ	۲۸- الخلل فی الصلاہ
۲۹- التعداد و الترجیح	۳۰- الاستصحاب
۳۱- نقطہ عطف- اشعار عرفانی امام	۳۲- جہاد اکبر
۳۳- وعدہ های دیدار(نامہ های امام بہ حاج احمد خمینی)	۳۴- سبوی عشق (بخشی از اشعار عرفانی امام)
۳۵- سرالصلوہ- بیان اسرار معنوی نماز	۳۶- رسالہ عملیہ
۳۷- آداب نماز	۳۸- تقریرات فلسفہ امام(۳ جلدی)
۳۹- آوای توحید (نامہ امام بہ گورباچف)	

با توجه به اینکه اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام برخاسته از مکتب اسلام است. در این بخش به اصول و مبانی اندیشه دفاعی از منظر اسلام می پردازیم. بنیاد اندیشه حضرت امام خمینی علیه السلام بر مبنای شریعت اسلام است. به همین جهت دیگر حوزه های معرفت شناسی ایشان نیز بر این مبناء قرار دارد. مبانی اندیشه امام خمینی علیه السلام بر این اساس یک سنت تاریخی و طولانی از صدر اسلام می باشد. حضرت امام خمینی علیه السلام با درک و شناخت عمیق از قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و ائمه اطهار علیہم السلام بنیاد اندیشه خود را پی ریزی نموده است. این مبانی را می توان محور بودن ثقلین، عینیت سیاست با دیانت، تفکیک میان اسلام ناب محمدی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و اسلام تحریف شده، وحدت میان علم و دین، هماهنگی میان ولایت مطلقه فقیه و حکومت مردمی، وحدت و آزادی مطرح کرد. امام خمینی علیه السلام تکلیف را حفظ اسلام و سنت پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم می دانند. امام خمینی علیه السلام پی ریز یکی از شگفت انگیزترین پدیده های قرن بیستم، یعنی انقلاب اسلامی ایران، بر مبنای ترکیبی از دو اصل « نوگرایی » و « جنبش اسلامی » بودند. نوگرایی به معنی احیای تفکر عقلانی در حوزه معرفت دینی، و جنبش اسلامی به معنای

احیای دین و اصالت اسلامی، اعتقاد به ایمان، وحی و رسالت در قالب انقلاب اسلامی است. بنابر این، اساس اندیشه حضرت امام خمینی علیه السلام مبنای دفاعی به خود می‌گیرد که همانا دفاع از اسلام و دستاوردهای آن است. در یک چنین بستری از اندیشه، می‌توان به بیان «دفاع» در اندیشه امام خمینی علیه السلام و فقه اسلامی پرداخت. در نتیجه می‌توان دریافت که هسته اصلی اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام در کلیه ابعاد، که حول محور آن شکل می‌گیرد، اسلام است. معمولاً واژه دفاع در مقابل خطر به کار می‌رود.

اگر از تعریف جامع دفاع به مفهوم تدبیر در برابر حملات گوناگون از خارج سیستم سیاسی به داخل بگذریم، نمی‌توان تعریف مشخصی از این مفهوم ارائه داد. به این عبارت که دفاع مفهومی نسبی و انتزاعی است و علت آن که نمی‌توان تعریف مشخصی را برای دفاع به کار برد، این مطلب است که همواره یک عامل ذهنی در آن وجود دارد. وجود این عامل ذهنی باعث می‌شود که تعریف دفاع با توجه به مقصود بیان آن معین گردد. با توجه به آنچه که گذشت می‌توان دریافت که اصول و مبانی اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام بر محور جهاد و دفاع در دین اسلام و با تاکید بر حفظ اسلام شکل گرفته و در این بخش نیز سعی شده اصول و مبانی دفاعی مکتب اسلام به عنوان فنداسیون اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام تبیین و ارائه گردد.

آموزه‌های اعتقادی مرتبط با مسئله دفاع و جهاد در اسلام

هر مکتب، دین، آیین و مرامی که دغدغه حفظ و بقاء موجودیت خود را داشته باشد از تعالیم و دستوراتی که جنبه دفاعی و امنیتی برخوردار باشند، بهره‌مند است. دین اسلام نیز از این قاعده مستثنی نبوده و با توجه به صف‌آرایی مشرکان قریش در مکه در برابر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نیز تشدید فعالیت‌های آنان و با همدستی یهودیان بنی قریظه و بنی النضیر در ایام مهاجرت و اقامت آن حضرت در مدینه منوره و راه اندازی ده‌ها جنگ و غزوه علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدتی حدود ۱۰ سال و با توجه به شأن نزول تعداد فراوانی از آیات شریفه قرآن که در ارتباط با این جنگ‌ها و توطئه‌ها بوده و همه این آیات شریفه به نحوی تعالیم و آموزه‌های الهی و وحیانی را در ارتباط با مسائل نظامی و مرتبط با جنگ و دفاع را بیان کرده و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و معصومین علیهم السلام و نیز سیره آن بزرگواران در ایام جنگ و دفاع و بلکه دستوراتی که در ایام صلح داده‌اند و همه اینها بیان کننده دستورات شرع در ارتباط با امنیت و جنگ و دفاع و صلح است.

همه این مباحث ضرورت پرداختن به مباحث و آموزه‌های دفاعی دین را آشکار می‌سازد. تعالیم و آموزه‌های دین اسلام در مورد جنگ و دفاع و صلح بسیار زیاد است و برخی از آنها خارج از موضوع این رساله است که به آن پرداخته نمی‌شود.

الف- آموزه‌های اعتقادی

کلمه «اعتقاد» از ریشه «عقد» بوده و به معنای گره، پیمان و عهد می‌باشد. هر چیزی که نوعی پیوند قبلی با انسان داشته و فرد آنرا باور داشته باشد، اعتقاد می‌نامند. طبق یک تقسیم‌بندی کلی و معروف آموزه‌های دینی را به سه بخش زیر تقسیم می‌کنند:

۱- اصول دین یا آیه محکمه: اعتقادات یا اصول دین همان پنج اصل معروف توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد می‌باشند.

۲- فروع دین یا شریعت - شریعه عادلّه : فروع دین نیز مشتمل بر ده اصل معروف نماز، روزه، حج، جهاد، خمس، زکات، امر به معروف و نهی از منکر و تولی و تبری است.

۳- مباحث اخلاقی، سنه قائمه: اخلاقیات نیز همان فضائل و رذائل می‌باشند.

اما وقتی به کتاب‌های اعتقادی مثل «تجريد الاعتقاد» که مهم‌ترین و معروف‌ترین کتاب اعتقادی است مراجعه کنیم می‌بینیم خواجه نصیرالدین طوسی در این کتاب اعتقادات را چیزی فراتر از آن ۵ اصل دانسته و توبه، تقیه، امر به معروف و نهی از منکر را جزء مباحث همین کتاب قرار داده است. همچنانکه آیه شریفه آخر سوره بقره وقتی که موارد و متعلقات ایمان را ذکر می‌فرماید ایمان به ملائکه و ایمان به کتاب‌های آسمانی را نیز جزء اعتقادات معرفی کرده است در حالی که اینها داخل آن ۵ اصل معروف قرار نمی‌گیرند مگر با توجیه و تاویل که بتوان آنها را داخل در مبحث نبوت قرار داد. در حالی که در آیات شریف قرآن ایمان به ملائکه و به کتاب‌های آسمانی را در عرض و در کنار ایمان به پیامبران و نبوت قرار داده است، نه این که ذیل و در طول ایمان به پیامبران علیهم السلام.

یکی از اعتقادات مسلمانان «ایمان به آنچه که پیامبر ﷺ آورده است» می‌باشد و این شامل فروع دین نیز می‌شود و شامل برخی از کلیات اخلاق که به آنها «ایمان و کفر» یا فضائل و رذائل می‌گویند، می‌شود. به همین جهت می‌گویند حیاء جزء ایمان است با اینکه حیاء یک مسأله اخلاقی است و یا گفته می‌شود صبر مثل رأس ایمان است، با این که صبر یک مسأله

اخلاقی است. با توجه به آنچه گذشت ما در این رساله «آموزه‌های اعتقادی» را اعم از اعتقادات اصطلاحی دانسته و شامل مباحث فروع دین و اخلاق نیز دانسته و مهم‌ترین آنها را مورد بحث قرار می‌دهیم. بنابر این در این اثر هر سه بخش اعتقادی، فقهی و اخلاقی را مورد توجه قرار دارد. (رئوفی، ۱۳۸۸: ۲۶)

– اعتقاد به خداوند متعال

اعتقاد به وجود خداوند متعال و صفات جمال و جلال او اصلی‌ترین شعار دین اسلام است و همه انبیای الهی برای تحکیم و تثبیت و گسترش این عقیده آمده و تلاش و جهاد نموده‌اند. اعتقاد به خداوند در عین حال که خود از اهداف مقدس جنگ و جهاد به‌شمار می‌رود، خود عاملی تأثیرگذار بر نوع عملکرد نیروهای مسلمان در میدان مبارزه و نیز، در تقویت روحیه رزمندگان می‌باشد. وقتی نیروها اعتقاد داشته باشند که نیرویی مافوق همه قدرت‌ها به‌نام «الله» وجود دارد که اولاً رؤف و رحیم و مهربان به مؤمنان است، ثانیاً وعده داده است که هر کس دین او را یاری کند خداوند او را یاری خواهد نمود، ثالثاً در قرآن مجید فرموده من از مومنان دفاع خواهم کرد. رابعاً او همیشه و همه جا حاضر و ناظر است و همه مردم در برابر او قرار داشته و کسی و یا چیزی از او پنهان نمی‌گردد و او در کمین دشمنان است. خامساً تاریخ پیامبران گذشته نیز نشان داده است که او همیشه از رزمندگان در راه خدا حمایت کرده است و از طرفی وعده خداوند راست بوده و هرگز تخلف ندارد. کسی که این مطالب را بداند قطعاً در میدان جنگ با قوت قلب بیشتر، شجاعت و شهادت زیادی به جنگ پرداخته و همیشه احساس می‌کند که دست قدرت الهی بالای سر او و یاری کننده او خواهد بود. در اینجا به برخی از آیاتی که موارد فوق را بیان نموده است، اشاره می‌کنیم:

– «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و گام هایتان را استوار می‌سازد.» (سوره محمد آیه ۷)

– «إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما چیره نخواهد شد، و اگر شما را واگذارد، چه

کسی بعد از او شما را یاری خواهد داد؟ و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند.» (سوره آل عمران، آیه ۱۶۰)

« فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ، فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ، فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ، قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ پس زمانی که طالوت با سپاهیان [برای جنگ با دشمن از شهر] بیرون رفت، گفت: بی تردید خدا شما را به وسیله نهر آبی آزمایش می کند؛ پس هر که [به هنگام تشنگی] از آن [سیرا] بنوشد، از من نیست و هر که از آن نخورد از من است، مگر کسی که با دستش کفی آب برگیرد [که او نه از من است و نه مردود از سپاه]. پس جز اندکی از آنان همگی از آن نوشیدند. و زمانی که او و همراهان مؤمنان از نهر گذشتند، [گروهی از آنان] گفتند: ما را امروز قدرت مقابله با جالوت و سپاهیانش نیست. ولی کسانی که یقین داشتند ملاقات کننده خدا هستند، گفتند: چه بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند، و خدا باشکیبایان است.» (سوره بقره، آیه ۲۴۹)

« وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ بی تردید خدا در [جنگ] بدر شما را یاری داد، در حالی که [از نظر ساز و برگ جنگی و شمار نفرات نسبت به دشمن] ناتوان بودید؛ بنابراین از خدا به خاطر این که سپاسگذاری نمائید پروا کنید.» (سوره آل عمران، آیه ۱۲۳)

«وَكَايْنٍ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَّوْا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛ چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه او با دشمنان جنگیدند، پس در برابر آسیب هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.» (سوره آل عمران ۱۴۶)

آنچه که ذکر شد نمونه اندکی بود از آیات شریفه قرآن که دلالت دارند بر آنکه خداوند وعده نصرت به مومنان داده و شکست دشمنان را نیز بشارت داده است. روشن است که این عقیده چه تأثیر شگرفی بر روحیه مجاهدان و رزمندگان جبهه حق داشته و بهترین تکیه‌گاه آنان خداوند بوده و هیچ گاه در سخت‌ترین شرایط احساس تنهایی نکرده و بالاترین قدرت را در کنار خود احساس خواهند نمود.

پر واضح است، که اعتقاد به قدرت بی‌نهایت الهی و اعتماد به وعده خداوند درباره پیروزی حق تأثیر فراوانی بر روحیه رزمندگان مسلمان دارد. خداوند نیز گرچه وعده پیروزی مسلمانان را داده است ولی این وعده بصورت مطلق و بی‌قید و شرط نیست. «یاری خداوند در صورتی است که مردم به قدرت خداوند تکیه کنند ولی اگر به جای اتکاء بر قدرت الهی به کثرت جمعیت، تکنولوژی پیش رفته و کمک‌های خارجی تکیه کنند امداد الهی کم می‌شود، زیرا امداد الهی درگرو ارتباط با خداست. در عالم سنتی وجود دارد که طبق آن هر کس دین و ارزش‌های الهی را یاری کند خداوند نصرت خود را از او دریغ نمی‌کند. اگر نصرت الهی شامل حال فرد یا گروهی شد نه به این معناست که آنان همیشه مورد عنایت خداوند خواهند بود. تا زمانی که انسان‌ها شعائر الهی را در جامعه برپا و یاد خدا را در دل زنده نگه دارند مشمول رحمت و نصرت الهی‌اند، اما در صورتی که بر خودشان متکی شدند و به قدرت بی‌نهایت الهی بی‌اعتنایی کردند خداوند نیز آنان را به خودشان وا می‌گذارد.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۲۸)

— اعتقاد به ولایت معصومین علیهم السلام —

یکی از ارکان اعتقادات اسلامی اعتقاد به ولایت حجت‌های الهی است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فرزندان و خاندان مطهر آن حضرت دارای ولایت بوده و این ولایت به معنای تصدّی امور و سرپرستی کارهای دنیوی و اخروی مردم است. ولایت بر دو قسم است: مثبت و منفی؛ ولایت مثبت یعنی ضرورت اعتقاد به ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و ولایت منفی یعنی تبری و دوری جستن و پرهیز از زمامداران کفر و نفاق. (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۶۳)

در اینجا لازم نیست به توضیح و تفسیر ولایت تکوینی و تشریعی و نیز اقسام و معانی مختلف ولایت مثل محبت، زعامت، تصرف، تبیین احکام، اجرای آنها و ... بپردازیم. آنچه که مهم است این است که اعتقاد به ولایت و تسلط معنوی اولیای الهی محدود به زمان حیات آنان

نیست، چرا که آنها دارای علم غیبت بوده و هنوز زنده هستند. - از جهت روحی و با توجه به آنکه قرآن مجید شهداء را زنده معرفی کرده و آنان نیز عموماً شهید شده‌اند- پس آنان شیعیان خود را می‌بینند و نظاره‌گر اعمال آنها بوده و با قدرت روحی خود به یاری و نصرت آنان اقدام می‌کنند و با دعای خود به درگاه الهی شیعیان را کمک می‌نمایند. اعتقاد رزمندگان اسلام به امام زمان علیه السلام و پیوند روحی و اعتقادی با آن حضرت در تقویت روحیه و شهامت آنان نقشی غیر قابل انکار دارد. مراسم عزاداری در ایام محرم و صفر و ایام شهادت معصومین علیهم السلام و نیز برپایی جشن میلاد آنان و نیز توسلات به حضرت ابوالفضل علیه السلام، کاروان‌های زیارتی به مشهد مقدس توسط رزمندگان، نامگذاری لشگرها و تیپ‌ها و گردان‌ها و گروهان‌ها به نام‌های مبارک اهل بیت علیهم السلام، آغاز کردن عملیات‌ها با نام مبارک آنان و رمزهای مقدس آنها و نامگذاری مکان‌ها و پادگان‌ها به اسامی اهل بیت علیهم السلام و... همه اینها جلوه‌هایی از این ارتباط با ولایت است. شاید کمتر وصیت‌نامه‌ای از شهدای جنگ تحمیلی یافت می‌شود که در آنها نام و یاد اهل بیت علیهم السلام و به‌ویژه حضرت سید الشهداء علیه السلام و امام زمان علیه السلام نیامده باشد.

حادثه عاشورا و عشق به زیارت کربلا و الهام‌پذیری از حرکت امام حسین علیه السلام هیچ تردیدی در رأس عوامل محرک و نیرو آفرین و تأثیرگذار در حرکت جمهوری اسلامی و نیروهای آن بوده است. بسیج نیروها در شهرها با الهام از حادثه عاشورا بوده و دوران آموزش و آمادگی رزمی نیروها با یاد و نام حادثه عاشورا بوده و نوع حرکت و فعالیت میدان جنگ نیز با توجه به عملکرد اصحاب امام حسین علیه السلام در کربلا بوده است. مقاومت در برابر دشمن و نهراسیدن از سلاح و نفرات دشمن، تسلیم نشدن، حفظ عزت و کرامت انسانی در بحبوحه جنگ و ایام اسارت، زیر بار ذلت نرفتن و... همه اینها درس‌های حادثه کربلا بوده که در هشت سال دفاع مقدس الگوی رزمندگان بود. مطمئناً اگر آمریکا این جنگ را توسط کشوری دیگر غیر از عراق به ایران تحمیل می‌نمود، این شور و شوق رزمندگان با این قدرت و قوت وسعت برای حضور در جبهه وجود نمی‌داشت. زیرا هر رزمنده‌ای به‌عشق پیروزی و شکست ارتش عراق را مقدمه رسیدن به کربلا و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می‌دانست و امید به این زیارت صاحب ولایت آنان را در میدان جنگ ثابت قدم می‌نمود. همچنان که تشبیه لشکریان صدام به لشکر عمر سعد و بنی‌امیه نیز در همین راستا قابل تفسیر است. (رتوفی، ۱۳۸۸: ۲۷)

– اعتقاد به انجام تکلیف الهی

قرآن مجید نیز در سوره توبه آیه ۵۲ در مورد اعتقاد به انجام تکلیف الهی فرموده: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ يَأْخُذَنَا فِتْرَةً نَرْبُّوا عَنْكُمْ مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ؛ بگو آیا جز رسیدن به یکی از دو نیکی را بر ما انتظار می کشید. اگر ما پیروز شویم به یک ارزش بزرگ رسیده ایم و اگر به شهادت برسیم باز کمالی بزرگ را یافته ایم. بنابراین ما در هیچ صورتی شکست نمی خوریم.»

اما قرآن برای برطرف کردن این هراس ضمن بیان آن که انسان با مرگ نابود نمی شود، بلکه از این دنیا به دنیای دیگری منتقل می شود، مؤمنان را بشارت به حیات ابدی و سراسر لذت و بهجت و بدون خوف و حزن بشارت می دهد.

بر اساس این آموزه، آیت الله مصباح می فرماید: «مجاهدان راه خدا یکی از دو راه را در پیش دارند که هر دو مشتمل بر مصلحت و نفع آنان خواهد بود، یکی پیروزی مسلمانان و غلبه بر دشمن، که مصلحت اسلام و مسلمین و جامعه اسلامی را در بردارد و دیگری کشته شدن در راه خدا، که چیزی جز شهادت در راه خدا و نیل به سعادت ابدی و همیشگی نیست» (مصباح یزدی، ۱۳۸۵: ۱۸۹)

امام خمینی علیه السلام می فرماید: «سرّ پیشرفتگی که در صدر اسلام است، این است که سربازان اسلام با تعداد کمی که داشتند در مقابل تعداد زیادی از سربازان دشمن که یکی ایران و یکی روم بود و بسیار هم مجهز بودند، ایستادند و پیروز شدند، زیرا سلاح معنوی داشتند، یعنی اعتقادشان بر این بود که ما اگر برویم و کشته شویم، باز هم سعادتمند هستیم و اگر بکشیم هم ما سعادتمندیم»، (صحیفه امام: ج ۱۲، ص ۲۹۵)

همچنین حضرت امام راحل می فرماید: «اگر شهادت نصیب شد، سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد، سعادت است» (همان: ج ۱۵، ص ۴۰۴)

بنابراین هر رزمنده مسلمانی که وارد میدان جنگ و جهاد فی سبیل الله می شود سرنوشت او یا پیروزی است و یا شهادت و در هر صورت خود را کامیاب و ظفرمند می داند پس به هر حال چه بکشد یا کشته شود پیروز و سربلند است و هرگز شکست و ناکامی نزد او معنا و مفهومی

نخواهد داشت (طبرسی، ۱۳۷۹ق: ۵۸ و طباطبائی، ۱۳۹۴ق: ۳۰۷)،

حضرت امام می فرماید: «اگر شهادت نصیب شد سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد، سعادت است.» (ج ۱۵، ص ۴۰۴)

امام خمینی علیه السلام در این مورد می فرماید: «بسیاری از این ها که می آیند پیش من، گریه می کنند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم و من دعا می کنم که پیروز بشوند... یک همچو روحیه ای وقتی که در یک فرد یا افراد پیدا شد، این پیروز است... و این روحیه در پناه اسلام پیدا شد، هیچ مکتب دیگری نمی تواند این طوری درست کند که گریه کند که بگذار من کشته بشوم» (همان: ج ۱۴، ص ۴۴۳)

وقتی اصحاب امام حسین علیه السلام از شهادت استقبال می کردند و برخی از آنان شهادت را شیرین تر از عسل دانسته و آن را فوزی عظیم می دانند پیروان آن حضرت نیز که در این مسیر گام بر می دارند همین روحیه را داشته و معلوم است که چنین شخصی هرگز در میدان جنگ دچار ترس و اضطراب و خودباختگی نشده و تا آخرین لحظه بدون هیچ ترس و حزن به جنگ و مبارزه ادامه می دهد. در اینجا اشاره ای کوتاه به چند حدیث شریف می کنیم، زیرا این آموزه های دینی بودند که آن روحیه شهادت طلبی را پدید آوردند:

۱ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هزار ضربت شمشیر بر من بهتر و آسان تر است از مردن در بستر» (حر عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱، ص ۱۱)

۲ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بالاتر از هر نیکویی نیکی دیگری قرار دارد تا برسد به کشته شدن در راه خدا که چیزی بالاتر از آن نیست. (ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۱۳)

۳ - باز آن حضرت فرمودند: شهید دارای هفت خصلت است: با نخستین قطره خون تمام گناهانش بخشیده می شود ... هفتم: به وجه خداوند می نگرَد. (ر.ک: همان، ص ۱۱)

۴ - و باز فرمودند: «شهید اولین کسی است که داخل بهشت می شود» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۳۹۳)

۵ - شهادت بهترین انسان ها چون حضرت صدیقه کبری، امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین و حمزه سیدالشهداء علیهم السلام و ... نیز در پیدایش روحیه شهادت طلبی تأثیر زیاد داشته همچنان که دستور دین به تجلیل و تکریم شهیدان نیز بیان کننده ارزش والای آن است.

– اعتقاد به قضا و قدر

یکی از مباحث مهم اعتقادی مسأله «توحید افعالی» است در ضمن بحث از توحید افعالی مسأله قضا و قدر مورد بحث قرار می‌گیرد. «قرآن کریم این حقیقت را به مسلمانان تعلیم می‌دهد که همه این گونه حوادث و وقایعی که در جهان اتفاق می‌افتد تابع تقدیر و تدبیر الهی است. مسلمانی که در مکتب قرآن آموزش دیده می‌داند که خدای متعال برای همه موجودات طرحی حکیمانه و عادلانه در افکنده و هیچ حادثه‌ای از چارچوب و طرحی که خداوند برای کل عالم تنظیم کرده است، بیرون نمی‌ماند و بنابراین آنچه که خدای متعال مقدر فرموده است اتفاق خواهد افتاد. مجاهدان صدر اسلام به سبب ایمان و توجه خاصی که به قضا و قدر الهی داشتند، می‌دانستند آنچه را که خداوند به طور قطعی مقدر فرموده حتماً اتفاق خواهد افتاد، از روحيات و معنویات بسیار بلندی برخوردار می‌شدند و در جنگ‌ها قوت قلب و شجاعت فراوانی از خود نشان می‌دادند، چرا که با این اعتقاد دیگر از هیچ چیز هراسی نداشتند و چیزی جلودارشان نبود. آنان معتقد بودند اگر مرگشان فرارسیده باشد در منزل هم که بمانند و در بستر خود بیارامند باز هم در خطر و تهدید خواهند بود، و گرنه در میدان نبرد هم جان سالم به در خواهند برد. آری این اعتقاد رمز شجاعت و بی‌باکی و هجوم بی‌امان آنان به دشمن بود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۵: ۱۸۴)

قرآن مجید نیز در سوره حدید، آیه ۲۲ فرموده: هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در جانتان به شما نمی‌رسد، مگر آنکه پیشتر در کتابی معین شده است.

شهید مطهری معتقد است: «یک نفر مسلمان مؤمن و معتقد به قضا و قدر الهی عقیده دارد که جهان طوری ساخته شده است که اگر او در راه عقیده و ایمان خود فداکاری کند و کوشش به خرج دهد، دستگاه علی و معلولی جهان به حمایت او برمی‌خیزد و او را از پشتیبانی خود بهره‌مند می‌کند. صدها هزار برابر نیرویی که او خود در راه هدف خود مصرف می‌کند، نیروی ذخیره در جهان هست که در چنین شرایطی به یاری او به کار می‌افتد» (مطهری، ۱۳۷۲: ۴۱۴)

– اعتقاد به امدادهای غیبی

خدای متعال خبر داده است که امدادهای غیبی و تائیدات الهی را برای نصرت و یاری رزمندگان مسلمان نازل می‌کند:

- «إِلَّا تَبْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ اگر پیامبر را یاری نکنید، یقیناً خدا او را یاری می‌دهد؛ چنان که او را یاری داد هنگامی که کافران از مکه بیرونش کردند در حالی که یکی از دو تن بود، آن زمان هر دو در غار بودند، همان زمانی که به همراهش گفت: اندوه به خود راه مده خدا با ماست. پس خدا آرامش خود را بر پیامبر نازل کرد، و او را با لشکریانی که شما ندیدید نیرومند ساخت، و شعار کافران را پستتر قرار داد، و شعار خداست که شعار والاتر و برتر است؛ و خدا توانای شکستناپذیر و حکیم است.» (سوره توبه آیه ۴۰)

- «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ؛ آن گاه خدا آرامش خود را بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد، و لشکریانی که آنان را نمی‌دیدید برای یاری مؤمنان فرود آورد، و کسانی را که کفر می‌ورزیدند، به عذاب سختی مجازات کرد؛ و این است کیفر کفرپیشگان.» (سوره توبه آیه ۲۶)

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا؛ ای اهل ایمان! نعمت خدا را بر خود یاد کنید، هنگامی که سپاه‌یانی به سوی شما آمدند، پس بادی کوبنده و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید بر ضد آنان فرستادیم [تا آنان را در هم کوبیدند]؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست.» (سوره احزاب آیه ۹)

- «سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا هُمْ بِالنَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ؛ به زودی در دلهای کافران ترس می‌اندازیم؛ زیرا چیزی را که خدا بر آن دلیلی نازل نکرده، شریک خدا قرار داده‌اند، و

جایگاهشان آتش است؛ و بد است جایگاه ستمکاران»
(سوره آل عمران آیه ۱۵۱)

- «وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا؛ و اوست که پس از آنکه شما را [بی‌جنگ و خونریزی] بر دشمن پیروز و مسلط کرد، دست‌های آنان را از [جنگ با] شما و دست‌های شما را از [جنگ با] آنان در دل مکه [که منطقه حدیبیه است] باز داشت؛ و خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید بیناست.» (سوره فتح آیه ۲۴)

- «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ هنگامی که کافران [پس از قرارداد صلح حدیبیه] دل‌هایشان را از تعصب و خشم شدید جاهلی آکنده کردند، پس خدا هم آرامشش را بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد و روح تقوا را [که حقیقت و جان توحید است] ملازم آنان نمود، و آنان به [روح تقوا] سزاوارتر و شایسته آن بودند؛ و خدا همواره به هر چیز داناست.» (سوره فتح آیه ۲۶)

آیات شریفه فوق و دهها آیه مشابه دیگر همه حکایت از وجود امدادهای الهی دارد و چون این آیات شریفه تصریح می‌کنند که شما آن نیروهای الهی را نمی‌بینید در حالی که آنها وجود دارند و شما را کمک می‌کنند به آنها «امداد غیبی» گفته می‌شود، یعنی نیروهایی که از حواس مردم پنهان و نامرئی بوده و نیرویی آسمانی هستند.

اصل واژه امداد به معنی یاری کردن و به فریاد کسی رسیدن و کمک و نصرت است. مقصود از اعتقاد به امدادهای غیبی این است که اسباب و عوامل پیروزی در جنگ را منحصر به عوامل مادی ندانسته و بلکه بدانیم دست دیگری در کار است که تمام این عوامل مادی مقهور آن عوامل معنوی هستند. آن امدادهای غیبی می‌توانند اسباب و عوامل مادی را بی‌اثر کنند. از آیات شریفه‌ای که ذکر کردیم معلوم می‌شود که امدادهای غیبی انواع، نمونه‌ها و راه‌های مختلفی دارد که برخی از آنها را اشاره می‌کنیم:

۱ - ایجاد ترس و وحشت در دل کفار به طوری که آنان مرعوب مسلمانان شده و به ترس،

اضطراب و نگرانی دچار می‌شوند.

۲ - ایجاد آرامش و سکینه و طمأنینه در دل مؤمنان.

۳ - فرو فرستادن فرشتگان که در جنگ بدر، احزاب و حنین اتفاق افتاد.

۴ - زیاد نشان دادن لشکر اسلام، به طوری که دشمنان تصور کنند مسلمانان از عِدّه و عُدّه زیادی برخوردارند.

۵ - رؤیای صادقه که بشارت فتح و پیروزی داشته باشد. که در سوره انفال، آیه ۴۳ ذکر شده است.

۶ - یاری کردن به وسیله جن یا سایر نیروهای ماوراء طبیعی.

۷ - یاری کردن با حوادث طبیعی مثل باران آنگونه که در جنگ بدر اتفاق افتاد.

۸ - وزیدن باد و طوفان شدید که در جنگ احزاب محقق شد.

اصل پیروزی انقلاب اسلامی، هراس و رعبی که در دل سردمداران رژیم ستم شاهی پهلوی قرار گرفت، حادثه عظیم طوفان شن در طبس و ده‌ها صحنه مهم در دوران دفاع مقدس همه حکایت از امدادهای الهی دارند. البته واضح است که بهره‌مندی از امدادهای غیبی شرایطی داشته و این امدادها به صورت مطلق و بی‌قید و شرط نمی‌باشند، اما چون خارج از موضوع بحث است به آن نمی‌پردازیم.

– نقش رهبری و ولایت فقیه

امامت و رهبری در فرهنگ تشیع از چنان اهمیتی برخوردار است که یکی از اصول مهم اعتقادی و چهارمین اصل از اصول دین به‌شمار می‌رود. اصل ضرورت رهبری در هر جامعه‌ای یک اصل عقلانی است و نیازی به اثبات و توضیح ندارد، نکته مهم آن است که در فرهنگ شیعه امامت و رهبری یک جایگاه رفیع دینی دارد و باید امام و پیشوای دین و دنیای مردم، معصوم بوده و با تعیین الهی مشخص گردد و به همین جهت شیعه به آیات متعددی از قرآن مجید و کلمات پیامبر برای این مسأله استناد می‌کند.

– « يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت [درباره ولایت و رهبری علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین علیه السلام] بر تو نازل شده ابلاغ کن؛ و اگر انجام ندهی پیام

خدا را نرسانده‌ای، خدا تو را از [آسیب و گزند] مردم نگه می‌دارد؛ قطعاً خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.» (سوره مائده آیه ۶۷)

- «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول (ﷺ) است و مؤمنانی [مانند علی بن ابی‌طالب (ع)] که همواره نماز را برپا می‌دارند و در حالی‌که در رکوعند [به تهیدستان] زکات می‌دهند.» (سوره مائده آیه ۵۵)

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت‌اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید. و اگر درباره چیزی [از احکام و امور مادی و معنوی و خانوادگی و اجتماعی و جنگ و صلح] نزاع داشتید، آن را [برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است.» (سوره نساء آیه ۵۹)

- «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَيَهْدَاهُمْ أَقْتَدَهُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرًا لِلْعَالَمِينَ؛ آنان [که در آیات گذشته به عنوان پیامبران از ایشان یاد شد] کسانی هستند که خدا هدایتشان کرد، پس به هدایت آنان اقتدا کن، [و به قوم خود] بگو: در برابر رسالتم پاداشی از شما نمی‌خواهم، این [قرآن] جز کلامی استوار و با ارزش و پندی برای جهانیان نیست.» (سوره انعام آیه ۹۰)

و دیگر آیات حکایت از اصل مهم امامت دارند و همچنین در آیه ۱۲۱، سوره آل عمران، می‌فرماید: «وَإِذْ عَدَوْتُ مِنْ أَهْلِكَ ثَبَوْتُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِقِتَالٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ و یاد کن زمانی که صبحگاهان [برای جنگ احد] از میان خانواده‌ات بیرون آمدی تا مؤمنان را برای جنگیدن در سنگرهای نظامی جای دهی؛ و خدا شنوا [ی به گفته‌ها] و دانا

[ی به نیّت‌ها] ست.»

این آیه درباره سامان دادن رزمندگان بوسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیروهای حاضر در جنگ احد نازل شده و نمونه روشنی از رهبری پیامبر در جنگ و عهده‌داری فرماندهی جنگ توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد.

در طول دفاع مقدس امام خمینی رحمته الله علیه عهده‌دار این مسئولیت بود و حقیقتاً رهبری ایشان در دوران دفاع مقدس عاملی بسیار مهم و تأثیرگذاری در حرکت رزمندگان اسلام و پیروزی غرورآفرین آن‌ها بوده است، بحث از ویژگی‌های رهبری امام خمینی رحمته الله علیه و معرفی شخصیت علمی و عملی و الهی آن بزرگ‌مرد، فرصتی دیگر را می‌طلبد همچنان که بیان شیوه‌ها و تدابیر امام خمینی رحمته الله علیه نیز در اینجا قابل توصیف نیست، اما به‌طور خلاصه به برخی از تدابیر ایشان در این مورد اشاره می‌کنیم:

- ۱- ایجاد بسیج همگانی و مشارک عمومی در جنگ.
- ۲- دمیدن روح خودباوری و اعتماد به نفس در فرماندهان صحنه جنگ.
- ۳- توجه دادن به اراده و قدرت الهی و تأکید بر ذکر و یاد خداوند.
- ۴- توجه دادن به قدرت ایمان و طلب نصرت از خداوند.
- ۵- پرهیز دادن از غرور.
- ۶- ایجاد، گسترش و هماهنگی نیروهای نظامی.
- ۷- سفارش به رعایت اصول انسانی در جنگ.
- ۸- هدایت صحیح جنگ و پرهیزدادن از توجه به مسائل انحرافی و غیر ضروری.
- ۹- انتقاد از مخالفان جنگ و موضع‌گیری در برابر دشمنان خارجی.
- ۱۰- مقابله با جنگ روانی.
- ۱۱- پشتیبانی مالی از جنگ.

در اینجا لازم است به مسأله حضور علمای دینی در میدان جنگ نیز توجه داده شود: در زمان حمله وهابیان به عتبات عالیات در اواخر قرن ۱۲ مراجع بزرگ تقلید شیعه در میدان جنگ حاضر شدند و گزارش به صورت جالب در آخر جلد چهارم کتاب «مفتاح الکرامه» آمده است و در زمان جنگ‌های ایران و روس و به‌ویژه در زمان ورود نیروهای انگلیس به عراق چند

نفر از مراجع تقلید در جبهه جنگ حاضر شدند و حتی میرزای شیرازی به اسارت درآمد مرحوم سید محمد تقی خوانساری در خط مقدم جبهه می‌جنگید. (دوانی، ۱۳۶۰ ج ۱، ص ۱۷۶). در دوران دفاع مقدس نیز علماء و مجتهدان بزرگی به میدان جنگ حاضر شده و با حضور خود میدان رزم را علیه دشمن تقویت می‌کردند. (رئوفی، ۱۳۸۸: ۳۴)

– اعتقاد به نصرت الهی

ما در اینجا در مقام نفی ارزش و اهمیت ابزار جنگی و سلاح و مهمات و یا ندیده گرفتن نقش نیروهای انسانی نبوده بلکه معتقدیم که فراهم بودن عِدّه و عُدّه در جنگ تاثیر فراوانی برای تأمین پیروزی دارد ولی سؤال اینکه آیا نقش اصیل و مهم و اساسی با ابزار است یا با ایمان و اعتقادات؟

تاریخ اسلام و بلکه تاریخ پیامبران گذشته همگی بر این باور است که هرگز وسائل جنگی در درجه اول اهمیت نیستند و آنچه که حرف اول را می‌زند اعتقادات و روح ایمان است. در داستان حضرت موسی علیه السلام و فرعون، داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و نمرویدیان، داستان حضرت نوح علیه السلام و مترفین آن زمان، داستان حضرت لوط و صالح و حضرت داود و طالوت علیهم السلام در برابر جالوت و داستان جنگ بدر و... همگی حکایت این دارد که ایمان اصالت دارد.

«اسلام می‌گوید: وقتی روح ایمان بر سپاهی حاکم باشد با نفرات اندک و اسلحه و ابزار مختصر و ناقص نیز می‌توان در برابر قشون‌های بزرگ با نیروی انسانی بسیار و آلات و ادوات جنگی فراوان و کامل، فتح و ظفر به‌دست آورد و دشمن را در هم شکست»، «مسلمانان شورانگیزترین و حماسی‌ترین جنگ‌های تاریخ اسلام را در دورانی انجام دادند و به پیروزی رساندند که از لحاظ اسلحه و ابزار جنگی و تعداد نفرات سپاه دچار کمبودهای آشکار و مضیقه‌های فراوان بودند.» (نوری، ۱۳۷۷: ۲۵۸-۲۵۶)

ب- آموزه‌های نظامی اسلام

– اصول راهبردی جهاد

پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تشکیل جامعه اسلامی در مدینه جنگ‌های متعددی میان مسلمانان و کفار روی داد. در جامعه اسلامی آن روز، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان رهبر جامعه و

فرمانده کل قوا سیاست کامل و جامع جهاد را بر اساس اهداف قرآن تنظیم می‌کرد. هدف کلی گسترش اسلام و خیر و صلاح و باز داشتن از کفر، فساد و زشتی‌ها بود. طبیعتاً تنها ابزار نیل به این اهداف، ابزار نظامی نبود و در کنار آن از ابزار فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره نیز استفاده می‌شد.

از متن قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام می‌توان به اصول راهبردی جهاد دست یافت که هم اکنون نیز مورد تأیید بسیاری از راهبرد شناسان است. در اینجا برخی از این اصول معرفی می‌شود:

– اصل تقدم دعوت بر جنگ

نخستین راهبرد پیامبر ﷺ برای رسیدن به هدف شیوه مسالمت‌آمیز «دعوت» بود این مسئله به‌عنوان یک اصل اساسی در دوران رسالت آن حضرت به خوبی اجرا می‌شد پیامبر ﷺ از ابتدای رسالت تا هنگام وفات، همواره این اصل مهم را ملحوظ می‌داشت. هیچ‌گاه مشاهده نشد که پیامبر ﷺ قبل از دعوت ابتدایی دست به شیوه دیگری برای پیشبرد اهداف خود بزند. او همواره دعوت را به‌عنوان اولویت اول راهبرد خویش در نظر داشت. این مطلب در سیره آن حضرت به خوبی مشهود است.

در نامهٔ پیامبر اکرم ﷺ به اسقف «یله» می‌خوانیم: «فانی لا اقاتلکم حتی اکتب الیکم»، (حمیدالله، ۱۴۰۷ق: ۹۱)؛ من با شما جنگ نمی‌کنم، تا آنکه برای شما نامه بنویسم. پیامبر ﷺ این شیوه را به عنوان یک دستور برای تمامی سفیران خویش نیز توصیه می‌کرد. سفیران پیامبر ﷺ موظف بودند دعوت را بر شیوه‌های دیگر مقدم بدارند. هنگام اعزام حضرت علی علیه السلام به یمن، همین شیوه را به او توصیه فرمود. (منتظری، ۱۴۰۹ ق: ۷۱۱)

پیامبر ﷺ نه تنها این شیوه را در راس کار خویش قرار داده بود و بر آن تأکید داشت، بلکه هرگونه تخطی از آن را به شدت محکوم نمود و از آن بی‌زاری می‌جست. برای مثال زمانی که آن حضرت، «خالد ابن ولید» را برای دعوت به اسلام به قبیله «بنی جذیمه» فرستاد به‌خاطر کینه‌ای که خالد با قوم مزبور داشت، آنها را با این که مسلمان شده بودند، گردن زد. چون این خبر به پیامبر ﷺ رسید، فرمود: «خدایا شاهد باش من از رفتار خالد بیزارم.» (ابن هشام، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ص ۷۱)

— اصل عوامل اقتصادی

تألیف قلوب یکی از شیوه‌های مؤثر پیامبر صلی الله علیه و آله در جهاد به شمار می‌رفت. یکی از مهم‌ترین ابزار پیامبر صلی الله علیه و آله در این جهت استفاده از عوامل اقتصادی بود. به‌عنوان مثال پیامبر در جنگ طائف به اشراف و بزرگانی که تازه مسلمان شده بودند و یا مشرکینی که به آن حضرت کمک کرده بودند بیش از دیگران از غنائم سهم داد تا سبب جلب خاطر آن‌ها و قبیله و فامیل‌شان گردد. (همان، ص ۱۴۵) یا پس از جنگ طائف وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله شنید «مالک ابن عوف» با قبیله ثقیف به طائف رفته است فرمود: «به او اطلاع دهید که اگر مسلمان شود و به نزد من بیاید دارایی و زن و فرزند او را با صد شتر به او خواهیم داد.» مالک چون این خبر را شنید نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و مسلمان شد. (همان، ج ۴، ص ۱۴۳)

و از طرف دیگر عوامل اقتصادی یکی از اهرم‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابله با دشمن بود. ناامن کردن راه‌های تجاری قریش و محاصره اقتصادی، نظامی دشمن از این جمله این موارد است. اولین جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله، اعمال فشار اقتصادی بر دشمن را به‌دنبال داشت. غزوه «ودان» که نخستین حرکت نظامی پیامبر صلی الله علیه و آله در تعقیب کاروان قریش بود، و همچنین سریه‌های «عبید ابی حارث»، «حمزه ابن عبد المطلب»، «عبید الله ابن جحش» و نیز غزوه‌های بواط و عشیره همه در تعقیب کاروان‌های تجاری قریش و به‌منظور ناامن کردن راه‌های تجاری آن‌ها بوده است. در غزوه بدر کبری، چون به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر رسید که کاروان قریش به ریاست ابوسفیان از شام به مکه باز می‌گردد، رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان را برای تصرف اموال کاروان دعوت کرد و فرمود: «به سوی آنان کوچ کنید شاید خداوند اموال آنان را نصیب شما کند.» (همان، ج ۲، ص ۲۸۱)

شایان ذکر است حمله به کاروان قریش راهزنی تلقی نمی‌شد؛ بلکه یک عمل مقابله به مثل و تقاص قانونی و شرعی، نسبت به استرداد اموال مسلمانان بود که در زادگاه‌شان مکه مصادره شده بود. (همان، ج ۲، ص ۹۰)

— اصل ایجاد تفرقه در صفوف دشمن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ‌ها همواره سعی می‌نمود، تا از اتحاد مخالفین جلوگیری و یا اتحاد آنان را منحل سازد. جلوه بارز این سیاست در جنگ احزاب مشاهده می‌شود. در این جنگ سپاه

اسلام باید با ائتلافی از گروه‌های مختلف روبرو می‌شد. در چنین شرایطی ایجاد تفرقه در اتحاد دشمنان از اصول ضروری جنگ به‌شمار می‌رود، دیپلماسی فعال و هوشیاری پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار فعالیت نظامی، باعث شد این جنگ با پیروزی پیامبر خاتمه یابد. در این راستا پیامبر صلی الله علیه و آله به ارزیابی دشمن پرداخت؛ آن حضرت دریافت که قریش و غطفان دو محور عمده از دشمنان هستند که یهود بنی‌قریظه نیز در صدد کمک به آنها است.

ابتدا کوشید روابط یهودیان بنی‌قریظه با مشرکان مکه را تیره سازد و با بدبین کردن آنها نسبت به یکدیگر و بی‌اعتماد ساختن بنی‌قریظه به دوام اتحاد نظامیشان با کفار مکه، در آنها تزلزلی ایجاد کند و به سران و فرماندهان قبیله غطفان هم پیام داد که حاضر است یک سوم میوه‌های مدینه را به آنان بدهد، به شرط آنکه با همراهان خود از لشکر کناره‌گیری کنند. مذاکرات صلح میان نمایندگان رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایشان صورت گرفت و پیش‌نویس صلح‌نامه هم تنظیم شد، ولی شهود امضا نکرده بودند و چون انصار از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند، تا عزت آنان را با جنگ همراه سازد، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را لغو ساخت، اما همین مذاکرات بین سران غطفان و نمایندگان پیامبر صلی الله علیه و آله روحیه دشمن را متزلزل ساخت. (آیتی، ۱۳۶۶: ۳۸۸)

از سوی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله، «نعیم ابن مسعود» از بزرگان قبیله غطفان را که تازه مسلمان شده بود، مأمور ساخت تا ضمن مخفی نگاه داشتن اسلام خود، در صفوف دشمن اختلاط افکند. او نزد بنی‌قریظه رفت و آنان را نسبت به عواقب امور در صورت عدم پیروزی بر محمد و تنها ماندن در برابر او، بیم داد. سپس نزد قریش رفت و به آنان هشدار داد که بنی‌قریظه در صدد خیانت به ائتلاف خود با آنها هستند. به این ترتیب متحدان از خیانت طرف مقابل بیمناک شدند و از اتحاد صفوف دشمن جلوگیری شد. (ابن هشام، ج ۳، ص ۲۵۳)

نمونه دیگر اعزام «عمرو عاص» به‌عنوان فرمانده سپاه به‌جنگ بنی‌قضاعه است. قبیله‌ای که در صدد توطئه و حمله به مدینه بودند. مادر عمرو عاص از قبیله بنی‌قضاعه بوده و به واسطه وی، یا آشتی می‌کردند و یا میان ایشان اختلاف می‌افتاد که در هر صورت به نفع اسلام بود. (ابن هشام، ج ۴، ص ۲۸۰)

– اصل صلح‌پذیری

از مسائل مشهود در جهاد عظیم پیامبر صلی الله علیه و آله و علی و امام حسین علیه السلام صلح و ترک مخاصمه

می‌باشد و بررسی صلح در کنار جنگ‌های متعددی که پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه به ویژه امام حسین علیه السلام داشته‌اند دارای اهمیت بسیاری است. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آن که اذن دفاع را از جانب خداوند دریافت کرد، حمله اصلی خود را متوجه دشمن ستیزه‌گر خود یعنی بزرگان مکه و مشرکین قریش نمود. شش سال راهبرد جهاد با قریش و تضعیف آنها می‌باشد. در سال ششم هجرت تغییر راهبرد پیشین و اتخاذ راهبرد صلح مشاهده می‌شود. تحلیل صلح حدیبیه به عنوان یکی از بارزترین نمونه‌ها، می‌تواند شاخصه‌های انتخاب این راهبرد و اهمیت آن را آشکار سازد. صلح حدیبیه در شرایطی واقع شد که پیامبر صلی الله علیه و آله تا آن زمان شش سال به جنگ با دشمن پرداخته بود و در آن زمان (سال ششم) از هر نظر در موقعیت بهتری از شش سال قبل بود؛ اما با این وجود صلح را برگزید و برای تحقق آن کوشش کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله بدین وسیله می‌خواست حشمت و قدرت مسلمانان را به مردم مکه بنمایاند و بدان‌ها نشان دهد که مقاومت‌شان در برابر نیروهای جان بر کف اسلام بیهوده است، و اگر طالب ریاست دنیا و رهایی از خشم خداوند هستند باید مسلمان شوند. (هاشمیان فرد، ۱۳۸۸: ۱۶۰)

– زمینه‌سازی برای تحقق صلح

هنگامی که پیامبر ﷺ قصد حرکت به مکه را نمود ابتدا زمینه را برای مقهور ساختن دشمن فراهم کرد و برای رسیدن به این هدف، بهترین کار منفعل ساختن دشمن بود؛ به‌طوری که قریش به دلایل ملاحظات عرفی و سیاسی نتواند عکس‌العملی نشان دهد. و قریش نیز به‌عنوان متولیان کعبه نمی‌توانستند مانع آن شوند. استفاده از این سنت مشترک وسیله‌ای کارساز تلقی می‌شود. در این راستا پیامبر ﷺ تمامی هم‌پیمانان خویش در مدینه و اطراف آن را نیز به حرکت به سوی مکه فرا خواند. (ابن هشام، ج ۳، ص ۳۳۷)، و خود نیز با بسیج ۱۵۰۰ نفر و هفتاد قربانی راهی مکه شد. هم‌پیمانان پیامبر ﷺ به خوبی می‌دانستند که ورود به مکه به معنای شکستن شوکت و ابهت قریش است، و از سوی دیگر، قریش نمی‌توانست مانع ورود آن تعداد زائر به مکه شود؛ پس به تبع از آن، وضعیتی خطرناک و سرگردانی در بیابان‌های مکه و در نهایت هلاکت در پیش خواهد بود، بدین سبب عده زیادی از اعراب از رفتن سرباز زدند. آنان با محاسبات غلط خود چنین فکر می‌کردند که این سفر، سفر پایانی عمر پیامبر ﷺ و مؤمنان است و اینکه خداوند این سپاه اندک و بی‌صلاح را از میان آن همه دشمن زنده بیرون آورد را محال می‌دانستند، از این رو از شرکت در آن سفر اجتناب ورزیدند. اما پیامبر ﷺ با هشیاری کامل در ذوالقعدة سال ششم از هجرت که یکی از ماه‌های حرام است با ۱۵۰۰ تن از مسلمان مدینه برای عمره، روانه مکه شد. (همان، ج ۳، ص ۳۳۶)

پیامبر ﷺ این ماه را از آن رو انتخاب کرد که نشان دهد قصد جنگ ندارد. چنان که در جواب هر یک از فرستادگان قریش می‌فرمود: ما قصد جنگ نداریم و برای عمره آمده‌ایم. (همان، ج ۳، ص ۳۴۰)

برای اینکه نیت خود را آشکارا به قریش نشان دهد دستور داد مسلمانان سلاح با خود بر ندارند و تنها شمشیری همراه داشته باشند که معمولاً هر مسافری به آن نیاز دارد، و شترهای قربانی را پیشاپیش می‌برند تا گواهی بر قصد عمره باشد. نشان دادن قربانی‌ها به قریش و اعلام اینکه هدف زیارت است، کارساز می‌شد، چرا که میان مردم مکه اختلاف می‌افتاد. عده‌ای معتقد بودند نمی‌توان مانع زیارت بیت‌الله‌الحرام شده و قریش معتقد بودند اگر برای حج هم آمده باشند نباید وارد شهر شوند، چرا که این موضوع سبب شکستن شوکت قریش در میان قبایل عرب خواهد شد. (همان)

این زمینه سازس سبب شد که قریش که در ابتدا خواستار صلح نبودند، برای جلوگیری از ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به مکه خواهان صلح شوند. در آن هنگام برای قریش مهم‌تر از هر چیز جلوگیری از ورود پیامبر و همراهان به مکه بود؛ این همان خواسته پیامبر صلی الله علیه و آله بود. وادارکردن دشمن به ترک جنگ و عدم مزاحمت، تا بتوان با آزادی کامل به تبلیغ دین و پیغام آسمانی به مردم پرداخت. این تاکتیک پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت کارساز شد و زمینه را برای تحمیل صلح به قریش فراهم نمود؛ خود رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «مشرکین از شما طلب صلح کردند و تمایل داشتند که با شما در امان باشند و حال آن که قبل از آن نسبت به شما کراهت داشتند.» (آلوسی، ج ۲۶، ص ۸۵)

– مذاکرات سیاسی

نمایندگان قریش پی‌درپی برای مذاکرات سیاسی به اردوی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند. پیامبر صلی الله علیه و آله سعی می‌کرد با مذاکره سیاسی خواسته خویش را بر قریش تحمیل نماید. نخستین بار «بشر بن سفیان» به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و حضرت فرمود: «ما برای زیارت آمده‌ایم» بار دوم قریش «تبدیل به ورقاء خزاعی» هم پیمان پیامبر صلی الله علیه و آله را به نزد ایشان می‌فرستند، پیامبر صلی الله علیه و آله دوباره می‌فرماید: «ما برای حج آمده‌ایم». پس از آن «مکرزبن حفص» فرستاده می‌شود و باز همان جواب را می‌شنوند. مرتبه چهارم چون «حلیس بن علقمه» رئیس احابیش به نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرستاده می‌شود، رسول خدا صلی الله علیه و آله با شناختی که از روحیات وی داشت دستور می‌دهد تا شترهای قربانی را به وی نشان دهند. او چون آنها را می‌بیند متأثر شده و به نزد قریش باز می‌گردد و موافقت خویش را با ورود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مکه اعلام می‌دارد.

در مکه اختلاف می‌افتد، قریش هراسان شده و این بار «عروه بن مسعود» را به نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرستد تا با تهدید به جنگ، روحیه مسلمانان را تضعیف نماید، اما مشاهده می‌کند که مسلمانان محبتی عظیم به پیامبر صلی الله علیه و آله دارند و برای خاطر وی حاضرند جان خویش را فدا نمایند، پس به نزد قریش برمی‌گردند، در باره وفاداری مسلمانان به پیامبر صلی الله علیه و آله و اراده عظیم آنان سخن می‌گویند. (ابن هشام، ج ۳، ص ۳۳۷-۳۴۳)

– تهدید به جنگ

پیامبر ﷺ برای تحقق صلح باید از یک موضع قوی با دشمن برخورد می نمود؛ از یک سو باید با هوشیاری کامل مانع هر گونه سنگ اندازی در راه صلح شود و از سوی دیگر باید از موضعی قوی و برتر با مسئله برخورد نماید. برای تحقق صلح، افزون بر قرار دادن دشمن در محظورات سیاسی، مهم ترین کار ترساندن قریش از قدرت نظامی مسلمانان است. بدین سبب وقتی اولین فرستاده قریش «بشربن سفيان» به نزد پیامبر ﷺ آمده و تهدید قریش را برای جنگ بازگو کرد پیامبر اکرم ﷺ با قاطعیت فرمود: «قریش چه گمان می کند، به خدا سوگند در راه دینی که خدا مرا بدان مبعوث کرده آنقدر می جنگم تا خدا ما را پیروز گرداند و یا این که جان خود را بر سر این کار گذارم و از میان بروم. (ابن هشام، ج ۳، ص ۳۳۸)

جلوه بارز این تهدید، در بیعت رضوان عینیت یافت که باعث شد قریش تدریجاً به خود آید و به فکر مذاکره برای صلح بیافتد. تهدیدهای پیامبر ﷺ نشانگر آن است که اگر چه راهبرد پیامبر ﷺ برقراری صلح بود اما تهدید به جنگ به عنوان یک تاکتیک ارزنده در جهت راهبرد صلح به کار گرفته می شد و پیامبر ﷺ از آن به عنوان وسیله ای مؤثر استفاده می نمود و از طریق همین تاکتیک بود که توانست دشمن را به تسلیم و راضی شدن به صلح وادارد.

– پیامدهای صلح

برقراری صلح برای پیامبر ﷺ مسلمانان برکات فراوانی را به دنبال داشت، هر چند که مسلمانان اهمیت آن را نمی دیدند. از این رو تعبیری که قرآن مجید برای موفقیت در صلح می نماید راجع به هیچ یک از جنگ های پیروزمند پیامبر ﷺ نکرده است. در این باره در آیه یکم سوره فتح در قرآن آمده است: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا؛ به راستی ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم آوردیم.» (سوره فتح آیه ۱)

به گفته بیشتر مفسران، آیه فوق مربوط به صلح حدیبیه است. (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۹)، اینک به برخی از فواید آن اشاره می شود:

۱- مسلم بود که قبیله های عرب مدت ده سال بدون درگیری نخواهند بود و درگیری قبیله ای از طرفداران قریش با قبیله ای از طرفداران محمد ﷺ جنگ افروزی قریش را به اثبات خواهند رساند و مجوزی برای جنگ به دست مسلمانان خواهد افتاد و آنگاه عرب، قریش را مسئول

خواهد دانست چنان که سرانجام چنین شد.

۲- صلح ده ساله خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله را از سمت جنوب آسوده ساخت؛ و نگرانی حمله قریش و ناراحتی‌هایی که از آن سامان ممکن بود پیش آید، وجود نداشت.

۳- در نتیجه این آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله توانست در گسترش دامنه فرهنگ اسلامی کوشش کند، و از آن پس بخش بزرگی از فعالیت خود را که بایستی در امور جنگی صرف نماید، در این راه به کار برد.

۴- صلح، نشانه اعتراف قریش به حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و به وسیله آن حضرت توانست از جنگ‌های تحمیلی قریش جلوگیری نماید. (سید قطب، ج ۷، ص ۹۷)

۵- پس از صلح پیامبر صلی الله علیه و آله توانست با خاطری آسوده به سراغ یهودیان پیمان شکن رفته و قلعه‌های خیبر را فتح نماید و قریش بر اساس پیمان صلح نتوانست به یهودیان کمک نماید.

۶- پیامبر صلی الله علیه و آله طی نامه‌هایی به سران قدرت‌های بزرگ وقت، آنان را به اسلام دعوت نمود.

۷- پس از صلح پیامبر صلی الله علیه و آله توانست سپاه عظیمی را به سرحدات روم (موت و تبوک) روانه سازد.

۸- طی دو سال پس از صلح، بیش از تمام مدت گذشته اسلام، مردم به اسلام گرویدند، در این زمینه ابن هشام در ج ۳، ص ۳۵۱ می‌گوید: «در حدیبیه ۱۴۰۰ نفر به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند، اما در سال فتح مکه، یعنی دو سال بعد با ۱۰۰۰۰ نفر رهسپار مکه شدند.»

۹- سرانجام به دنبال نقض پیمان صلح از طرف قریش، پیامبر صلی الله علیه و آله توانست مکه را فتح نماید. (ابن هشام، ج ۳، ص ۳۵۲)

ج- آموزه‌های کلی و عمومی جنگ

آموزه‌های نظامی فراوانی در قرآن و روایات مورد تأکید قرار گرفته‌اند که لازم نیست همه آنها در اینجا مورد بحث قرار گیرند، زیرا برخی از آنها صرفاً یک تاکتیک و روش اجرایی در مأموریت‌های نظامی به‌شمار می‌روند، مثلاً طالوت لشکر خود را با نیشامیدن آب و یا با اندک آشامیدن مورد امتحان قرار می‌دهد و یا یک فرماندهی از طریق استماع موسیقی و اشتغال به لهویات لشکر

خود را مورد آزمایش قرار می‌دهد. هر کدام از این روش‌ها بسیار خوب بوده، اما هر کدام در زمان و مکان خاصی بوده و شاید امروزه یک فرماندهی روش دیگری را برای آزمایش نیروهای خود به کار گیرد و لذا این گونه تاکتیک‌ها که در شرع نیز آمده است ولی مورد بحث ما نمی‌باشند. در اینجا ما تنها برخی از آموزه‌هایی که جنبه کلی و عمومی داشته و در هر جنگی باید مورد عمل قرار گیرند را مطرح می‌کنیم.

– آمادگی نظامی

هر انسان یا نظامی که مورد تهدید باشد و دشمنانی داشته که هر لحظه امکان و احتمال هجوم از ناحیه آنان را دارد عقل بصورت قطعی حکم می‌کند که آن شخص و آن نظام باید همیشه آمادگی خود را در برابر عوامل تهدید کننده حفظ کنند و این حکم هم عقلی است و هم شرعی.

از آنجا که اسلام و جامعه اسلامی همیشه در معرض خطر قرار دارد و کسانی که اسلام جلوی منافع و مطامع آنها را گرفته است، همواره در این فکر بسر می‌برند که نقشه‌هایی علیه اسلام و مسلمین بکشند و از این رو دست به توطئه‌ها و دسیسه‌ها می‌زنند، و به‌طور خلاصه چون جامعه اسلامی همواره در خطر تهاجم فکری و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی دشمنان قرار دارد، لازم است که مسلمانان، بیدار و هوشیار باشند و برای خودشان آمادگی لازم را فراهم سازند. قرآن مجید در سوره نساء آیه ۷۱ دستور مهمی را در این مورد صادر می‌کند و همه مسلمانان را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا؛ ای اهل ایمان! ادر برابر دشمن مهیا و آماده باشید و سلاح‌ها و ساز و برگ جنگی خود را برگیرید، پس گروه گروه یا دسته جمعی [به سوی جنگ با دشمن] کوچ کنید»؛ یعنی ای اهل ایمان وسائل آمادگی خود را فراهم سازید» (نوری، ۱۳۷۷: ۲۰۶)

کلمه «حذر» به معنای سلاح و نیز به معنی آلات و ابزار جنگی و نیز به معنای راه احتیاط آمده است. بنابراین این آیه شریفه فوق دستور داده است که همیشه مراقبت و احتیاط و حزم و دوراندیشی خود را داشته باشید. (طریحی، ۱۳۶۲: ج ۳، ص ۲۶۲)

— مقابله به مثل

قانون مقابله به مثل در مباحث فقهی مثل «غصب»، «قصاص» و «جهاد» کاربرد دارد. مقصود از مقابله به مثل انجام واکنشی در برابر عمل دیگران که همانند و مشابه آن عمل باشد. برخی از آیات شریفه قرآن، بر این اصل عقلانی دلالت دارند مانند:

— «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ، فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ یعنی هر کس بر شما تعدی کرد شما نیز همانگونه که او بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید. (سوره بقره، آیه ۱۹۴)

— «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ؛ یعنی اگر عقوبت کردید آن گونه که مورد عقوبت واقع شده اید عقوبت نمایید. (سوره نحل، آیه ۱۲۶)

— «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ، ذَلِكَ الَّذِينَ الْقِيَمُ، فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً، وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ یقیناً شماره ماه‌ها نزد خدا از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده در کتاب [علم] خدا دوازده ماه است؛ از آنها چهار ماه هاش ماه حرام است؛ این است حساب استوار؛ پس در این چهار ماه [با جنگ و فتنه] بر خود ستم روا مدارید و با همه مشرکان همان گونه که آنان با همه شما می‌جنگند، بجنگید و بدانید خدا با پرهیزکاران است.» (سوره توبه آیه ۳۶)

— «وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلَوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ؛ و آنان را هر کجا یافتید، به قتل برسانید و از جایی که شما را بیرون کردند بیرونشان کنید و فتنه از قتل و کشتار بدتر است. و کنار مسجدالحرام با آنان نجنگید مگر آنکه در آنجا با شما بجنگند؛ پس اگر با شما جنگیدند، آنان را به قتل برسانید که پاداش و کیفر کافران همین است.» (سوره بقره، آیه ۱۹۱)

یعنی همان گونه که آنان شما را بیرون راندند، شما نیز آنان را بیرون برانید. ما در اینجا به بحث مقابله به مثل در باب قصاص یا باب غصب نمی‌پردازیم، بلکه تنها در موضوع جهاد و دفاع مورد بحث است.

در هر جنگی باید یک ضوابط و اصول و مقرراتی حاکم باشد. مثلاً باید به پیمان وفادار بود چه در میدان جنگ و چه در زمان صلح و پیمان شکنی همیشه مورد نکوهش است و یا باید جنگ تنها در میدان نبرد باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز حضرت علی علیه السلام معمولاً به هر لشکری سفارش می‌کردند که اسرا و مجروحان را نکشید، زنان و کودکان و پیران را نکشید، درختان را قطع نکنید، سم در آب دشمن نریزد. (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۱۸، ص ۳۷۰؛ علامه حلی، ۱۳۳۳: ج ۲، ص ۹۱۱).

— غافلگیری

یکی از اصول مهم در جنگ «اصل غافلگیری» است. غافلگیری در مقابل یقظه و بیداری یا عدم غفلت است. در سوره کهف، آیه ۱۸ آمده است:

«وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعبًا؛ آنان را گمان می‌کنی که بیدارند، در حالی که خوابند، و آنان را به جانب راست و جانب چپ می‌گردانیم، و سگشان دو دستش را در آستانه غار گسترانیده است. اگر بر آنان آگاه می‌شدی از آنان روی برتافته و می‌گریختی و همه وجودت از [دیدن] آنان پر از ترس می‌شد. تو ای پیامبر گمان می‌کنی که آنان (اصحاب کهف) بیدارند در حالیکه آنان خواب هستند.»

در این آیه شریفه «یقظه» و «بیداری» در مقابل «غفلت» به کار رفته و کسی که تصور می‌کند اصحاب کهف بیدارند یعنی تصور می‌کند که آنان غفلت ندارند. غافلگیری دو مصداق دارد، در وحله اول به معنای آن است که باید از استتار و اختفاء استفاده کرد تا دشمن متوجه کارهای ما نشود و دیگر به این معنی است که باید مراقب دشمن بود و در هنگام غفلت دشمن، هجوم غافلگیرانه بر او انجام داد.

در سوره حشر، آیه ۲ آمده: «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

أَهْلَ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ؛ اوست که کافران از اهل کتاب را در نخستین بیرون راندن دسته جمعی از خانه‌هایشان بیرون راند. [شما اهل ایمان] رفتنشان را گمان نمی‌بردید، و خودشان پنداشتند که حصارها و دژهای استوارشان در برابر خدا [از تبعید و در به دری آنان] جلوگیری خواهد کرد ولی [اراده کوبنده] خدا از آنجا که گمان نمی‌کردند به سراغشان آمد و در دل‌هایشان رعب و ترس افکند به گونه‌ای که خانه‌هایشان را به دست خود و به دست مؤمنان ویران کردند. پس ای صاحبان بینش و بصیرت! عبرت گیرید.»

یعنی گمان داشتند که دژهای آنان را در برابر خداوند حفظ می‌کند ولی خداوند از جایی که تصور نمی‌کردند بر آنان برآمد؛ این آیه در مورد هجوم غافلگیرانه بر دشمن است یعنی مسلمانان با اصل غافلگیری بر یهود بنی نضیر حمله نمودند.

— اصل فرماندهی

اصل لزوم فرماندهی و لزوم وحدت فرماندهی و نیز ضرورت اطاعت از آن و ممنوعیت تخلف یا کوتاهی از فرمان فرماندهی و صفات اخلاقی، روحی، اعتقادی و مدیریتی فرمانده و کیفیت تدبیر و تنظیم امور توسط فرمانده و نوع رابطه فرمانده با فرمانبر و زیردستان و... هم جزء امور عقلایی است که همه عقلای دنیا به آن اقرار داشته و در مباحث مدیریتی مورد توجه می‌باشند و هم بخش فراوانی از آیات و روایات اسلامی به آن اختصاص داشته و شاید کمتر مسأله و مبحثی را به گستردگی و وفور ادله آن می‌توان یافت. و به همین جهت نمی‌توان تمام آنها را جمع کرده و لذا تنها بخشی از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم.

در سوره نساء، آیه ۸۰ آمده: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِیْظًا؛ هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که مخالفت کند [حسابش با ماست]. ما تو را بر نگهبانی آنها نفرستادیم.»

و در سوره نساء، آیه ۵۹ نیز آمده اگر در چیزی نزاع کردید، آنرا به خدا و پیامبر ارجاع دهید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ؛ ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و نیز از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت‌اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید. و اگر درباره چیزی [از احکام و امور مادی و معنوی و خانوادگی و اجتماعی و جنگ و صلح] نزاع داشتید، آن را اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است.

– اصل بسیج عمومی

اگر در یک جنگ تمام مردم مشارکت داشته باشند آثار روحی و روانی فراوانی علاوه بر آثار ظاهری و نظامی دارد. گذشته از آن که سختی جنگ تنها بر دوش گروهی خاص سنگینی نخواهد کرد بلکه نوعی وحدت و انسجام درونی ملت را نشان داده و دشمن به طمع ایجاد تفرقه و اختلاف سست کردن نیروها نمی‌افتد قرآن کریم در سوره انفال، آیه ۶۵ فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر از شما صد نفر صابر باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند که حقایق توحید و قدرت خدا را نمی‌فهمند.»

این آیه شریفه به پیامبر دستور می‌دهد که تمام مومنین را بر جنگ تحریک کند و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز این گونه بود که از تمامی نیروهایی که به هر طریقی می‌توانستند در جنگ سهیم باشند یا کمکی بکنند، استفاده می‌کرد. در جنگ با بنی قریظه فرمود: «انفروا رحمکم الله الی قتال عدوکم الا لایصلین احد العصر الا فی بنی قریظه» یعنی همه برای جنگ با دشمنانتان آماده شده و حرکت کنید، هیچ کس نباید نماز عصر خود را در شهر بخواند و همه نماز را در منطقه جنگ با یهود بنی قریظه بخوانید. این نمونه‌ای از بسیج عمومی است که پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داده است. (هاشمیان فرد، ۱۳۸۸: ۱۶۶)

الف – تعریف دفاع

واژه‌های «جهاد»، «قتال»، «حرب»، «دفاع» همگی به نوعی قرابت معنا داشته و از برخورد

نظامی با دشمن و برخوردی که همراه با قدرت و قهر باشد حکایت دارند. اما تفاوت‌هایی که شاید اندک نیز نباشد در معنای این کلمات وجود دارد. برخی از لغت‌شناسان (جبران، ۱۳۷۲: ۷۹۳) می‌گویند: دفاع یعنی هُل دادن، حمایت کردن، پشتیبانی. برخی (طریحی، ۱۳۶۲: ۳۲۵) دفاع را به معنی دور کردن و ازاله و برخی دیگر (معین، ۱۳۸۴: ۶۸۵) به معنای راندن و پس‌زدن معنا کرده‌اند. مرحوم دهخدا نیز از دستبرد دشمن حفظ کردن (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۰۹۴۱) معنی کرده است.

در واقع کلمه «دفاع» عربی است و به همین جهت در «فرهنگ فارسی دکتر معین» آن را توضیح نداده و فقط ریشه کلمه یعنی واژه «دفع» را مورد بحث قرار داده است. به هر حال روشن است که معانی فوق تنها ترجمه و تبدیل یک لفظ عربی به لفظ فارسی است و کلماتی مانند هل دادن یا پشتیبانی و ... مفهوم اصلی کلمه را روشن نکرده و حتی معنایی که دهخدا ذکر کرده است نیز دقیق نمی‌باشد؛ زیرا مثلاً اگر شخصی مال خود را در صندوق یا بانک نگهداری کند عرفاً گفته نمی‌شود که از آن مال دفاع کرد. و هرگونه حفظ چیزی از دستبرد دشمن را نمی‌توان دفاع نامید و کلمه دفاع معادل با کلمه حفظ نیست. در کتاب «تاج العروس» آمده است که: دفاع یعنی زایل نمودن چیزی با قوت و قدرت و در سوره بقره، آیه ۲۵۱ آمده است: «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَئِنْ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ؛ پس آنان را به توفیق خدا شکست دادند. و داوود [جوان مؤمن نیرومندی که در سپاه طالوت بود] جالوت را کشت، و خدا او را فرمانروایی و حکمت داد، و از آنچه می‌خواست به او آموخت. و اگر خدا [تجاوز و ستم] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین را فساد فرا می‌گرفت؛ ولی خدا نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است.»

و در جایی هم به معنی «حمایت» و پشتیبانی قوی و مقتدرانه خداوند به کار رفته است. کلمه دفع و دفاع گاهی با حرف اضافه «از» و گاهی با حرف اضافه «ب» به کار می‌روند در صورت اول به معنای حمایت است، به طور مثال در سوره حج، آیه ۳۸ آمده که مسلماً خدا از مؤمنان دفاع می‌کند و قطعاً خدا هیچ خیانت کار ناسپاسی را دوست ندارد.

و در صورت دوم به معنای سپردن امانت است. سپس بیان می‌کند که کلمه دفاع در اصل

نام گوسفند نر قوی «قوچ» بوده است و چهار نفر از قرآء نیز معتقدند که این کلمه دو بار در قرآن مجید به کار رفته و آنگاه به بیان موارد کاربرد آن پرداخته است. (زبیدی، ۱۳۹۵ق: ۵۵۳)

حفاظت از شیء یا انسان در برابر تعرض دشمن و کنارزدن مقتدرانه دشمن را دفاع نامند، پس حفظ شیء یا انسان دفاع نمی‌باشد بلکه لازمه و نتیجه دفاع که کنار زدن دشمن است و حفظ آن شیء می‌باشد. به عبارت دیگر گاهی گفته می‌شود: «دفاع از چیزی» و گاهی گفته می‌شود: «دفع تعرض یا دفع دشمن». در جمله اول دفاع به معنی حمایت و پشتیبانی است ولی در جمله دوم به معنی ازاله و طرد و هل دادن است.

دفاع از ریشه «دفع» است و به معنی علاج حادثه قبل از وقوع است یعنی پیش‌گیری و چاره‌اندیشی برای پیش نیامدن و مانع شدن از آن که دشمن پیش بیاید. ولی کلمه «رفع» علاج حادثه پس از وقوع است و پس از آن که تجاوزی انجام شده به رفع آن اقدام شود. ولی می‌توان ادعا نمود که دفاع اگر چه از ماده و ریشه «دفع» است ولی در اصطلاح فارسی با «رفع» به یک معنی به کار می‌رود. گر چه بین رفع و دفع اختلاف معنایی وجود دارد یکی علاج قبل از وقوع است و دیگری پس از وقوع، اما در کلمه «دفاع» معنای کنارزدن و دور کردن دشمن وجود دارد چه آن که قبل از تهاجم دشمن باشد که «دفع» است و چه پس از آن باشد که «رفع» است. مقصود ما از دوران دفاع مقدس دورانی است که دشمن تهاجم نموده بود و نیروهای جمهوری اسلامی به رفع تجاوز پرداختند.

دوران مقدس را از اول مهر ماه ۱۳۵۹ تا تابستان ۱۳۶۷ یعنی ایامی که ارتش بعثی عراق به مرزهای ایران اسلامی تهاجم نمود و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به دفع تهاجم پرداختند، به کار می‌بریم. به عملکرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در برابر ارتش متجاوز عراق در ایام فوق «دوران دفاع مقدس» گفته می‌شود. (رئوفی، ۱۳۸۸: ۲۱)

از حیث لغوی، دفاع یعنی دفع شر نمودن، دفع تعرض کردن، دفاع کردن از خود و صیانت کردن نفس در مقابل تعرض دیگری را گویند. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۹۶۲۳)

از لحاظ اصطلاحی نیز دفاع، تدابیری است که برای مقاومت در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا تکنولوژیکی و ... توسط یک یا چند کشور متولفه اتخاذ می‌شود. و به مفهومی توانای‌های دفاع ملی بازدارندگی را تقویت می‌کنند و بازدارندگی نیز به

این توانایی‌ها نیرو می‌بخشد. (کالینز، ۱۳۸۳: ۴۹۲)

در تعریفی دیگر، دفاع اقداماتی است که در طی آن با استفاده از کلیه وسایل و امکانات موجود از پیشروی و هجوم دشمن جلوگیری به عمل آمده و یا نیروهای تک‌ور او منهدم می‌گردند. (رستمی، ۱۳۸۶: ۲۰۰)

ب- اقسام دفاع

جهاد و دفاع به اعتبار نوع وسیله آن و دفاع کننده و دشمن دفع شده و احکام آن به اقسام مختلفی تقسیم می‌گردد. مثلاً دفاع یک مرتبه با مال است و گاهی با جان و زمانی با زبان.

دفاع با مال و با زبان روشن است. دفاع با جان یعنی دفاع در میدان نبرد و با ابزار و سلاح نظامی حتی اگر چه منجر به از دست دادن جان باشد و نیز دفاع از جهت متعلق یا شیء دفاع شده و مورد حمایت واقع شده نیز تقسیم می‌شود به دفاع از کشور، دفاع از دین، دفاع از مال، دفاع از مردم؛ گاهی دفاع به اعتبار دشمن تقسیم می‌شود به دفاع از مسلمانان در برابر کفار و نیز دفاع از مسلمانان در برابر بغاۃ یا مسلمانان فریب خورده و یاغی بر علیه حکومت اسلامی، دفاع به اعتبار نوع خود نیز به دفاع نظامی، دفاع فکری و علمی تقسیم می‌شود و از جهت احکام نیز دفاع یک مرتبه با اذن ولی فقیه است و یک مرتبه بدون اذن است.

پ- تعریف جهاد

واژه «جهاد» از ریشه جهد، به معنای تلاش همراه با تحمل مشقت و سختی برای نیل به هدف معین است. «جهاد» مصدر باب مفاعله و به معنی بسیار تلاش کردن می‌باشد و نیز اسم است به معنی جنگ، جنگ را از آن حیث جهاد گویند که تلاش توأم با رنج است. راغب اصفهانی، ۱۴۰۱ ق می‌گوید: حرف جهاد در اصطلاح فقهاء عبارت است از نهایت تلاش با بذل مال و جان در راه مبارزه با دشمنان حق، برای اعلای «کلمه الله» و از بین بردن آیین شرک و بت پرستی.

مرحوم فاضل مقداد در تعریف جهاد می‌نویسد: «و هو لغه فعال من الجهد و هو المشقة البالغه و الجهاد بكسر الجیم مصدر جاهد يجاهد جهاداً و مجاهده و بفتح جیم الأرض الصلبه و الجهد بفتح الجیم و ضمها الطاقه؛ جهاد مصدر و بر وزن فعال از کلمه جهد به معنی مشقت زیاد است و جهاد به کسر جیم مصدر کلمه جاهد

است و به فتح جیم به معنای زمین سخت است. و جهد به فتح جیم و به ضم جیم به معنای طاقت و توان است.» (مقداد، ۱۳۸۵ : ۳۴۰)

معنای اصطلاحی جهاد «در شرع مقدس اسلام، جهاد و کلمات هم معنی آن مثل قتال و مقاتله، عبارت است از بذل جان و مال به طریقی مخصوص برای جنگ با مشرکان و یا افراد یاغی در راه اعتلای کلمه اسلام.»

جهاد از ماده «جهد» به ضم اول و فتح آن به معنای وسع و طاقت است (طریحی، ۱۳۶۲: ۳۳). برخی دیگر گفته‌اند: جدیت و مشقت و بیش از توان و طاقت کار کردن را جهاد گویند. (شرتونی، ۱۳۸۹م: ۱۴۵)

بنابراین جهاد یعنی به کار گرفتن نهایت توان و تلاش و طاقت خود برای انجام یک کار و کلمه اجتهاد نیز از همین ماده و به همین معنا است. آنچه اشاره شد معنای لغوی جهاد است و اما معنای اصطلاحی آن به کار گرفتن قدرت و تلاش توأم با رنج و تحمل مشقت برای جنگ با دشمنان می‌باشد. (قریشی، ۱۳۷۸: ۸۷)

مرحوم صاحب جواهر می‌فرماید: جهاد یعنی بذل جان و مال در راه اعتلای دین اسلام از طریق جنگ با مشرکان و سرکشان (نجفی، ۱۴۰۰ق: ۳)، این تعریف در عین دقتی که دارد ولی مشمول جهاد با نفس و جهاد اکبر نیست، مگر با تاویل و توجیه زیاد. در واقع ایشان به جهاد اصغر که همان جنگ با دشمن بیرونی یا دشمن خارجی است توجه نموده است. شاید بهتر بود که می‌گفت، جهاد هرگونه عملی است که با رنج و سختی همراه بوده و نهایت توان و تلاش نیز در آن به کار گرفته شده باشد و هدف آن مبارزه با دشمن اعم از داخلی و خارجی و درونی بوده و با نیت اعتلای دین و اقامه دستورات شرع مقدس باشد. این تعریف در عین حال که با معنای لغوی مناسبت دارد شامل جهاد اصغر و جهاد اکبر و جهاد با مال یا با جان و جهاد با زبان نیز می‌شود. (رئوفی، ۱۳۸۸: ۲۱)

امر جهاد در دفاع معمولاً در مورد کشورهای اسلامی صادق است. برای دفاع و جهاد تکلیفی شرعی و الهی فرض می‌شود و صرف نظر از تأثیرات فردی و اجتماعی، باید آن را به عنوان یک تکلیف عینی مورد توجه قرار داد. امام خمینی علیه السلام این امر را یک واجب عینی و حتی از نماز هم با اهمیت تر می‌دانند؛ به عبارت دیگر ایشان دفاع و جهاد در اسلام را در رأس بقیه مسائل

می‌دانند علت این امر حفظ اسلام است. در گذشته هم عنوان کرده بودیم که اسلام و حفظ آن بنیاد اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام را تشکیل می‌دهد؛ و نوع جهان بینی حضرت امام خمینی علیه السلام بر همین مبناء شکل گرفته است که ابتدا باید به حفظ اسلام پرداخت و از ماهیت آن در مقابل هرگونه تعرض و نیروی مخالفی مراقبت و دفاع کرد، و سپس به فروع آن پرداخت.

امام خمینی علیه السلام در این باره بیان می‌دارند: «قضیه جهاد یک قضیه است، قضیه دفاع قضیه دیگر، قضیه جهاد یک شرایطی دارد. برای اشخاص خاصی هست. برای گروه معینی هست با شرایطی، لکن قضیه دفاع، عمومی است... همه دفاع باید بکنند و اگر به کشور ما، کشور اسلامی ما هجوم بکنند و بخواهند تعدی بکنند، تجاوز بکنند، بر همه افراد مملکت، بر همه افراد کشور، چه زن، چه مرد، کوچک، بزرگ، اینجا دیگر شرطی نیست، بر همه واجب است که دفاع کنند و لهذا حال دفاع فرق دارد با حال جهاد. حال جهاد شرایط دارد، حال دفاع شرطی ندارد. باید دفاع بکنند. حتی یک پیرمردی هم که خیلی کار از او بر نمی‌آید باید شرکت کند در دفاع، آنقدر که می‌تواند دفاع کند.» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۴۰-۲۳۹)

امام خمینی علیه السلام در تعریف جهاد آن را به دو بخش تقسیم کرده و می‌فرمایند: «در اسلام دوگونه جهاد است که یکی را جهاد می‌گویند و آن کشورگیری است، با شرطهایی که برای آن شده است، و دیگری جنگ برای استقلال کشور و دفع اجانب از آن است. جهاد که عبارت از کشورگیری و فتح ممالک است، پس از آن است که دولت اسلامی با وجود امام یا به امر امام تشکیل شود و در این صورت اسلام بر تمام مردان که به حد بلوغ رسیده باشند و افتاده و عاجز نباشند و مملوک که از افراد اجانب است نباشند، واجب کرده است که برای کشورگیری حاضر شوند.»

«و اما قسم دوم از جنگ اسلامی که به نام دفاع اسم برده شده و آن جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفاع در برابر اجانب است، به هیچ وجه مشروط به وجود امام یا نائب امام نیست و کسی از مجتهدین نگفته که دفاع را باید با امام یا جانشین آن کرد، بلکه بر تمام افراد توده واجب است به حکم اسلام از کشور اسلامی حفاظت کنند و استقلال آن را پا بر جا نمایند.» (کشف اسرار، بی تا: ص ۲۳۰-۲۲۹)

ت-انواع جهاد

اگرچه جهاد بر حسب معنی، اقسام مختلف دارد ولی در حوزه فقه اسلامی عمدتاً به جهاد فی سبیل الله معروف است به دو نوع مهم تقسیم می‌شود:

۱ - برای تبلیغ و دعوت مردم به اسلام که جهاد اولیه یا جهاد ابتدایی یا جهاد تهاجمی گفته می‌شود.

۲ - برای دفاع از اسلام و مسلمین که جهاد تدافعی (جهاد دفاعی) خوانده می‌شود.

اسلام مسأله جهاد را به عنوان یک ضرورت و وظیفه در حالی مطرح می‌کند که برای خون و حیات انسان، ارزش فراوانی قائل است. تا آنجا که قتل یک انسان را برابر با کشتار دسته جمعی همه انسان‌ها می‌شمارد و قرآن مجید در سوره مائده، آیه ۳۲ می‌فرماید: «مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُفْسِدُونَ؛ به این سبب بر بنی اسرائیل مقرر کردیم که هر کس انسانی را جز برای حق قصاص یا بدون آن که فساد در زمین کرده باشد، به قتل برساند، چنان است که همه انسان‌ها را به قتل رسانده، و هر کس انسانی را از مرگ برهاند گویی همه انسان‌ها را زنده داشته است و یقیناً پیامبران دلایل روشنی برای بنی اسرائیل آوردند، سپس بسیاری از آنان بعد از آن در روی زمین به تجاوز و زیاده روی برخاستند.»

قرآن کریم در جای دیگر در سوره انعام، آیه ۱۵۱ می‌فرماید: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم: اینکه چیزی را شریک او قرار مدهید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانان را از ترس تنگدستی به قتل نرسانید، ما شما و آنان را روزی می‌دهیم، و به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهانش نزدیک نشوید، و انسانی که خدا او را محترم شمرده جز به حق نکشید؛ خدا این گونه به شما سفارش کرده تا بیندیشید.»

این همه تأکید و توجه در بازداشتن از کشتار، در شرایطی که احقاق حق و تنبیه متجاوز

مطرح باشد، آن را تشویق نموده و حتی در ماه‌های حرام و مکان امن الهی نیز آن را جایز دانسته است. اسلام دفاع در برابر ظلم و تجاوز را حق مشروع می‌داند و جنگ را به‌عنوان یک وسیله دفاع تجویز می‌کند.

خلاصه اینکه جهاد در اسلام بر دو نوع است: (۱) جهاد تهاجمی ؛ (۲) جهاد تدافعی

– جهاد تهاجمی (جهاد اولیه)

شرط تحقق آیین الهی و دعوت انبیا (علیهم السلام) رفع موانع از سر راه هدایت و تبلیغ است. مهم‌ترین موانع این راه، کفر و شرک و بت‌پرستی است. منطق دینی چون هویتی برای کفر و شرک قائل نیست، وجود آنها را در جامعه نوعی بیماری فکری و سیاسی می‌داند، لذا همه مسلمانان را موظف به قطع ریشه‌های کفر و شرک و نفاق می‌داند تا مفساد آن در جامعه فراگیر نشود. لذا این نوع جهاد را «جهاد ابتدایی» گویند که دارای شرایط خاصی است و از جمله آن شرایط، دستور امام معصوم (علیه السلام) است.

و جوب جهاد تهاجمی که برای گسترش و دعوت به اسلام می‌باشد دارای شرایطی است که عبارتند از:

- ۱- بلوغ
 - ۲- عقل
 - ۳- مرد بودن
 - ۴- سلامت جسم
 - ۵- کفاف مالی
 - ۶- اذن امام یا نایب او
 - ۷- جهاد تهاجمی واجب کفایی است. یعنی اگر عده‌ای کافی برای جهاد بپاخیزند، تکلیف از دیگران ساقط می‌باشد.
 - ۸- در جهاد تهاجمی باید حرمت ماه‌های حرام (ذیقعه، ذیحجه، محرم و رجب) و مکان امن الهی یعنی مسجدالحرام و محدوده آن حفظ شود و جنگ در آنها حرام می‌باشد.
- چون طبق شرط ۶ اذن امام لازم است، در زمان غیبت مشروعیت چنین جنگی مورد تردید و اختلاف علما است. (عابدی، ۱۳۸۹: ۳)

– جهاد دفاعی

هنگامی که مخالفان اسلام بر مسلمانان هجوم آورند و بیم آن باشد که بر سرزمین مسلمانان استیلا یابند و موجودیت اسلام در معرض خطر قرار گیرد، بر همه مسلمانان فرض واجب است که با هر وسیله ممکن، برای دفع تجاوز و حفظ بلاد اسلامی جهاد کنند. این نوع جهاد را «جهاد دفاعی» گویند که دارای ابعاد مختلف، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. (مقداد، ۱۳۸۵: ۳۴۰)

یکی از انواع جهاد که در نزد همه ملل و اقوام مورد توجه بوده و اسلام نیز بر آن تأکید فراوان نموده است، جهاد دفاعی می‌باشد. به لحاظ این که جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران نیز از این نوع بوده و بحث اصلی نیز پیرامون آن است، این بحث را بصورت مبسوط و ریشه‌ای دنبال می‌کنیم.

جهاد تهاجمی و شرایط آن بیان شد. جهاد تدافعی که دفاع نامیده می‌شود را امری فطری دانسته و ضرورت و اهمیت آن را در نزد ملل و اقوام و در آیات و روایات اسلامی بررسی کردیم. در ادامه بحث ضمن بیان وجوب و شرایط دفاع به بیانات امام خمینی علیه السلام که خود سیمای مجسم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و فقیه و مجتهد بلامنازع بودند اشاره می‌کنیم.

صاحب جواهر می‌گوید: «اگر دشمنان و کفار بر مسلمین احاطه یابند به گونه‌ای که کیان اسلام به خطر افتد یا کافرین بخواهند بر سرزمین‌های اسلامی استیلا یابند و آنها را اسیر نمایند و اموال‌شان را بگیرند؛ در چنین حالتی بر هر فردی اعم از آزاد و بنده، مرد و زن، سالم و مریض، کور و شل و هر کسی که به او احتیاج باشد، واجب است که دفاع کند و وجوب این دفاع به حضور و اجازه امام مشروط نبوده و همچنین مخصوص به افرادی که به آنها تجاوز شده است، نمی‌باشد، بلکه بر هر کسی که بر این احوال و اوضاع اطلاع یابد، قیام واجب است ولو این که تجاوز مستقیماً متوجه او نیست و این وجوب بر کسانی که در مکان نزدیکتری به آنها قرار دارند مؤکدتر می‌شود.»

در جهاد تدافعی که برای دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی، دفاع از جان، مال و آبرو مطلقاً دفاع از حق، حال چه حق خودش باشد یا حق دیگری به شرط این که مقصد انسان خالصاً برای خدا باشد هیچ شرطی وجود ندارد. این نوع جهاد واجب عینی است، یعنی همه باید شرکت نمایند و فرقی بین زن و مرد، کامل و ناقص، کور و بینا، ضعیف و قوی، سالم و مریض وجود ندارد.» (فقه الامام الصادق علیه السلام ص ۲۶۹-۲۵۹)

آیت‌الله جوادی آملی در باره دفاع می‌فرماید: «... یکی از مظاهر تمدن دفاع است. ملتی که به دفاع از خود و جامعه و انسانیت بیشتر توجه می‌کند متمدن است. دفاع از مظلوم، هر کسی که باشد و جنگ با ظالم، هر کسی که باشد، از علامات و نشانه‌های تمدن است. شعار اعراب جاهلیت این بود که از برادرت و قبیله‌ات دفاع کن هر کسی باشد. اسلام آمد و این شعار را

اصلاح کرد و گفت: دفاع از مظلوم کن هر کسی باشد، خواه برادرت خواه دیگری و جنگ با ظالم کن هر کسی باشد، خواه برادرت خواه دیگری، این شعار اسلام است. «(جوادی آملی، ۱۳۷۵)

ث- شرایط جهاد

جهاد یا جنگ دفاعی در اسلام تحت شرایط ذیل، اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌شود:

— علیه تجاوز

به فرموده قرآن در سوره بقره آیات ۱۹۳-۱۹۰: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ؛ با کسانی که با شما به جنگ پرداخته اند، در راه خدا پیکار کنید، ولی تعدی نکنید که خداوند ستمکاران را دوست ندارد. (۱۹۰) وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذًا لَكُمْ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ؛ هر جا مشرکان را یافتید به قتل برسانید و از شهرهاشان برانید چنانچه آنها شما را از وطن آواره کردند و فتنه گری که آنها کنند سخت تر و فسادش بیشتر از جنگ است و در مسجدالحرام با آنها قتال نکنید مگر آنکه پیشدستی کنند، در این صورت رواست که آنها را به قتل رسانید. این است کیفر کافران. (۱۹۱) فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ؛ اگر از فتنه‌گری و جنگ باز ایستند، یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۹۲) وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ؛ و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود، و همه را آئین دین خدا باشد و اگر از فتنه و جنگ دست کشیدند با آنها عدالت کنید که ستم جز بر ستمکاران روانیست. (۱۹۳) »

— علیه نقض کنندگان پیمان‌ها و قرار دادها

به فرموده قرآن در سوره انفال آیات ۵۸-۵۵: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ؛ یقیناً بدترین جنبندگان نزد خدا کسانی هستند که کافرنند و [به سبب عنادشان] ایمان نمی‌آورند. (۵۵) الَّذِينَ عَاهَدَتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ؛ همان کسانی که با برخی از آنان [بارها] پیمان بستی، ولی هر بار پیمانشان را می‌شکنند و از

خدا پروا نمی‌کند. (۵۶) فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مِّنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَذْكَرُونَ؛ پس چون با آنان به کارزار مشغول شوی، به تهدید و انداز آنان و پیروانشان را پراکنده ساز، شاید که متذکر شوند. (۵۷) وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِثِينَ؛ و اگر از خیانت و پیمان‌شکنی گروهی بیم داری، پس نقض عهد کن و بیفکن پیمانشان را، که خدا خیانتکاران را دوست نمی‌دارد. (۵۸) «

— برای حفظ نظم و قانون

به فرموده قرآن در سوره مائده آیه ۳۳: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ همانا کیفر آنان که با خدا و رسول خدا به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند، جز این نباشد که آنها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان را به خلاف ببرند یا با نفی و تبعید از سرزمین صالحان دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود.»

— در حمایت از مستضعفین

به فرموده قرآن در سوره نساء آیه ۷۵: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید؟ در صورتی که جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک شما که در مکه اسیر ظلم کفارند، آنها دایم می‌گویند: بار خدایا ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آور و از جانب خود برای ما بیچارگان، نگهدار و یآوری بفرست.» (سوره نساء آیه ۷۵)

واژه دفاع و مشتقات آن ۱۰ بار در قرآن کریم به کار رفته است و خداوند خود را اولین دفاع‌کننده از مؤمنان و بندگان خویش دانسته و در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يَجِبُ كُلَّ خَوَانٍ كَفُورٍ؛ مسلماً خدا از مؤمنان دفاع می‌کند، قطعاً خدا هیچ خیانت کار ناسپاسی را دوست ندارد.» (سوره حج، آیه ۳۸)

(پازوکی، ۱۳۷۸: ۴۲۰-۴۱۷)

واژه دفاع نیز از ماده دفع، به معنای راندن و دور کردن است که اغلب با بذل مال و جان تا دفع تجاوز همراه است.

واژه جهاد همچنین مترادف جنگ نیز بوده و حدود ۴۱ مورد با مشتقات خود در قرآن کریم آمده است. کلمه جهاد و مجتهد هر دو از ریشه جهد و به معنی کوشش و جنگ در راه خدا می باشند. مجتهد به مجاهد در راه عقیده و آرمان و احکام دینی که قدرت استنباط و دریافت احکام اسلام را از قرآن، سنت، عقل و اجماع دارد اطلاق می شود و اجر و مزد او کمتر از مجاهد در راه خدا و نبرد با دشمنان اسلام نمی باشد، تا جایی که گفته شده است:

مجاهد فی سبیل الله به کسانی گفته می شود که در راه خدا به نبرد و جنگ با دشمنان اسلام می پردازند و از حریم و نوامیس اسلام و سرزمین مسلمین دفاع می نمایند. در قرآن کریم برای این دسته از افراد اجر و مزد فراوان قائل شده تا جایی که در سوره نساء، آیه ۹۵ می فرماید:

«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ آن گروه از مؤمنانی که بدون بیماری جسمی [و نقص مالی، و عذر دیگر، از رفتن به جهاد خودداری کردند و] در خانه نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموال و جان هایشان به جهاد برخاستند یکسان نیستند. خدا کسانی را که با اموال و جان هایشان جهاد می کنند به مقام و مرتبه ای بزرگ بر خانه نشینان برتری بخشیده است. و هر یک از این دو گروه را [به خاطر ایمان و عمل صالحشان] وعده پاداش نیک داده، و جهادکنندگان را بر خانه نشینان [بی عذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است.»

و یا در سوره بقره، آیه ۲۱۸ آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ یقیناً کسانی که ایمان آورده، و آنان که هجرت کرده و در راه خدا به جهاد برخاستند، به رحمت خدا امید دارند؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.»

دفاع در نزد ملل، اقوام و ادیان دیگر

دفاع در فرهنگ و قانون گذشتگان نیز مورد توجه واقع شده و در قوانین مدون دنیای قدیم به آن پرداخته‌اند و تنها در چگونگی و نحوه دفاع تفاوت‌هایی وجود داشته است.

در قانون حمورایی ماده ۲۰۶ چنین آمده است: «اگر در مشاجره‌ای کسی دیگری را زد و موجب جرح او شد، ضارب باید سوگند یاد کند که به عمد او را نزده است و او را به نزد طبیب ببرد و معالجه کند». (العطار، ۱۴۰۱ق: ۲۳)

در قانون روم قدیم، در ضرورت دفاع و تعیین حق دفاع برای افراد مختلف جامعه این‌گونه آمده است: «به حکم قانون طبیعی، دفاع شرعی حق کسی است که به او تجاوز شده است.» (همان، ص ۲۳) در کتاب اوستا که قدیمی‌ترین سروده‌های نیایشی ایرانیان و آئین زرتشت می‌باشد، سروده‌های فراوانی وجود دارد که به امر دفاع و راندن و برانداختن دشمن و اهریمن اشاره شده است. در این اینجا تنها به ذکر نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

«راندن و برانداختن اهریمن و آفرینش پتیاره پرگزندش را، راندن و برانداختن مردن کخوارذ و زنان کخوارذی را، راندن و برانداختن دزد و راهزن را، راندن و برانداختن زندیک و جادو را، راندن و برانداختن مهرآزار (پیمان شکن) را، راندن و برانداختن کشندگان و دشمنان اشون مرد را، راندن و برانداختن اشموغ و فرمان‌گذار ناپارسای پرگزند را، راندن و برانداختن هر دروند نادرست اندیش نادرست گفتار نادرست کردار را، ای سپیتمان زرتشت [خواهانم].» (دوستخواه، ۱۳۷۰: ۲۳۸)

و یا در قسمت دیگر که صفات اهورامزدا برشمرده می‌شود، در صفت پانزدهم و هفدهم او خود را شکست ناپذیر و مدافع و نگهبان مردم برمی‌شمرد. (همان ص ۲۷۳)

در آئین زرتشت جنگ یا آشتی را از مهر دانسته و اوست که به دفع دیوان و بدسیرتان می‌پردازد: «ای مهر! از تُست آشتی و از تُست ستیزه در کشورها. آن که هر پیمانی را از گفتار به کردار درآورد، آن که سپاه بیاراید، آن که دارنده هزار گونه چالاکی است، آن که در جنگ پایدار ماند و رده‌های دشمن را از هم بدرد، اوست که می‌تواند دشمن را پریشان و هراسان کند. اوست که سرهای مهر دروجان را (از تن‌هاشان) فرو افکند.» (همان ص ۲۶۲)

در آئین مسیح  نیز که آنرا دین آشتی و صلح عنوان می‌کنند به صورت غیرمستقیم به دفاع و ضرورت آن توجه شده و این‌گونه آمده است: «پس هر وقت دشمن‌تان شیطان به شما

حمله می‌کند، از یک یک اسلحه‌های خدا استفاده کنید تا بتوانید حمله‌های او را دفع کنید و در آخر، پیروز روی پاهایتان بایستید.» (انجیل عیسی مسیح، ۱۳۶۲، ۲۶۳)

و یا در جای دیگر در مورد مردی که مرتکب کار خلاف شده است این‌گونه حکم صادر می‌شود: «چرا از غصه و خجالت عزا نمی‌گیرید؟ چرا این مرد را از کلیسا بیرون نمی‌کنید؟... این مرد را از کلیسا بیرون کنید تا در جنگ شیطان به‌سزای عمل خود برسد... چطور می‌توانید از یک طرف به پاکی و روحانیت خود ببالید و از طرف دیگر اجازه بدهید چنین رسوائی در میانتان پیدا بشود؟». این‌گونه دستورات برای دفع شیطان یا راندن مردی که مرتکب خلاف شده نوعی دستور برای دفاع است، دفاع از انسانیت و دفاع از حیثیت مسیحیت و کلیسا. (همان، ص ۲۱۶)

دفاع در قرآن و روایات

اسلام دینی فطری است و بیش از هر دین و آئین دیگری به فطرت انسان توجه کرده است. دفاع نیز که امری فطری و ذاتی می‌باشد مورد توجه فراوان اسلام بوده و دستورات مؤکدی درباره آن صادر فرموده است تا جایی که خداوند خود را دفع کننده از مؤمنان معرفی می‌کند و در سوره حج، آیه ۳۸ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ إِنْ اللَّهَ لَا يَحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ؛ مسلماً خدا از مؤمنان دفاع می‌کند، قطعاً خدا هیچ خیانت کار ناسپاسی را دوست ندارد.»

و در ادامه آیه به تمام کسانی که مورد ظلم و تجاوز قرار گرفته‌اند اجازه دفاع داده و می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می‌گیرند، چون به آنان ستم شده اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست.» (سوره حج، آیه ۳۹)

جمله آخر در حقیقت تأکید مجددی بر ضرورت دفاع بوده و خداوند پیروزی مظلومین را که برای دفاع از خود بپا می‌خیزند تضمین می‌کند. ضرورت و وجوب دفاع در حدی است که خداوند اجازه آن را در ماه‌های حرام و حتی در مکان امن الهی یعنی خانه خدا که حفظ جان هر جنبنده‌ای حتی گیاهان نیز باید در آنجا حرمت داشته شود، داده است و در سوره بقره، آیه ۱۹۱ می‌فرماید: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ

فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ؛ در حریم خانه کعبه با آنها نجنگید مگر آنکه در آنجا با شما بجنگند. اگر با شما جنگیدند، شما هم با آنها بجنگید (از خود دفاع کنید) این سزای کافران است.»

در مورد جنگ در ماه‌های حرام می‌فرماید: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَامٌ فَمَنْ اغْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»؛ ماه‌های حرام را در مقابل ماه‌های حرام قرار دهید، اگر احترام آن را حفظ نکردند شما هم قصاص و مقابله به مثل کنید، هر کسی به شما تجاوز می‌کند شما هم به همان اندازه به او تجاوز کنید و در انتقام زیاده‌روی نکنید، بترسید از خدا و بدانید خدا با پرهیزگاران است.» (سوره بقره، آیه ۱۹۴)

جمله آخر آیه شریفه تذکر و پرهیزی است که خداوند به مدافع می‌دهد تا حد دفاع را رعایت کند، زیرا اگر غیر از آن باشد آنوقت خود متجاوز خواهد بود: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ بجنگید با آنها که بجنگ شما آمدند، اما تعدی نکنید که خدا متجاوزین را دوست ندارد. (سوره بقره، آیه ۱۹۰)

پس از آیات قرآن، نگاهی به نهج‌البلاغه می‌افکنیم، حضرت امام علی (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا تَدْعُونَ إِلَىٰ مُبَارَزَةٍ وَإِنْ دُعِيتَ إِلَيْهَا فَأَجِبْ فَإِنَّ الدَّاعِيَ بَاغٍ وَالبَاغِي مَصْرُوعٌ؛ هرگز کسی را به مبارزه نخوان و اگر ترا به آن دعوت نمودند (به عنوان دفاع) بپذیر و بیرون رو، زیرا دعوت کننده ستمکار است و ستمکار بر خاک افتاده است.» (نهج‌البلاغه، ص ۱۱۹)

بیان دیگر حضرت علی (علیه السلام) خطبه معروف ایشان در مورد جهاد است که پس از بیان فضیلت جهاد، عواقب کسی را که آنرا ترک نماید برشمرده و در ادامه از این که مردم شهر انبار دعوت حضرت را اجابت نکردند و آماده دفاع نشدند، ابراز تأسف نموده و فرمودند: «در برابر این همه تأکیدها شما کار را به یکدیگر واگذار کردید و همدیگر را تنها گذاردید و به شکست کشانید، تا آن هجوم‌های پی‌درپی به سوی شما سرازیر شد و سرزمین‌هایتان گردید. این مرد غامدی است که با سربازانش به شهر انبار وارد شده و «حسان بن حسان» فرماندار آن شهر را

کشته و نگهبانان و سربازان شما را از پایگاه و سنگرهایتان بیرون رانده است و ...».

امام علی علیه السلام حاصل نافرمانی و جهاد و دفاع نکردن را این گونه بیان می فرماید: «به من گزارش شده که مردی از این سپاه سفاک و دژخیم، به درون خانه زن مسلمانی وارد شده و دیگری به خانه زن غیر مسلمان هم پیمان که در پناه اسلام به سر می برد، هجوم برده و خلخال و دستبندها و گردنبندها و گوشواره ها را از آنها ستانده اند، در حالی که تنها راه دفاعی آنها، پناه بردن بر خدا و ترحم از دشمن خواستن بوده است، آنگاه پس از چنین تهاجمی وحشیانه، به ماوای خویش بازگشته اند، در حالی که آنچه خواسته اند، کرده اند و به دست آورده اند و نه زخمی بر آنها وارد آمده و نه قطره خونی از آنها ریخته شده، در چنین حالی اگر مسلمانی از تأسف و اندوه بمیرد، هرگز قابل سرزنش نیست، بلکه نزد من بر چنین کاری شایسته هست.» آنگاه حضرت می فرماید: «شگفتا، شگفتا، سوگند به خدا این درد، دل ها را می میراند و اندوه را به سوی جان می کشاند که این گروه در باطلشان و موضع بی اساس و بی بنیانشان گرد هم آمده و دست به دست هم داده اند و شما در موضع حقتان این چنین پراکنده و از هم گسیخته شده اید. زشتی بر شما باد و اندوه و پشیمان، که این چنین خوار و بی مقدار شده اید... و ای مرد نماها که مرد نیستید و مردانه عمل نمی کنید؛ بردباری تان مانند کودکان و عقلتان چون نوعروسان حجله نشین است. دوست داشتم که شما را نمی دیدم و هرگز شما را نمی شناختم. سوگند به خدا، آشنایی با شما سرانجامی جز پشیمانی و عاقبتی جز اندوه و تأسف ندارد. خدا شما را بکشد، قلب مرا پر از اندوه و چرکین کردید، و سینه مرا با خشم آکنده نمودید و غصه و اندوه را جرعه، جرعه در کامم ریختید و ...»

تا آنجا که قریش گفتند: «فرزند ابوطالب مردی شجاع است ولی از دانش جنگ بی بهره است، جای بسی شگفتی است، آیا آنها که چنین سخنی بر زبان می آورند در میانشان کسی هست که از من به جنگ انس و اشتغال و سابقه بیشتری داشته باشد.» (نهج البلاغه ، خطبه ۲۷)

امام علی علیه السلام در بیانات بسیاری به توضیح و تشریح دفاع و جهاد می پردازند که به همین مقدار بسنده کنیم. مسأله دفاع آنقدر حائز اهمیت است که امام سجاد علیه السلام در کتاب عرفانی خود (صحیفه سجادیه)، یکی از مناجاتها را به دعا در باره مرزداران و مدافعان سرزمین اسلامی اختصاص داده و در بخشی از کلمات و جملات آسمانی خود می فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ وَ أَشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ وَ أَحْرُسْ حَوَازِئَهُمْ وَ أَمْنَعْ وَ آلِفَ جَمْعَهُمْ وَ دَبِّرْ أَمْرَهُمْ وَ

وَاتَرَبَّيْنَا مِيرَهُمْ وَتَوَحَّدَ بِكَفَايَةِ مُؤْنِهِمْ وَأَعَضَّدَهُم بِالنَّصْرِ وَأَعْنَهُم بِالصَّبْرِ وَالْطَّفَ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ؛ به روان مقدس محمد و آل محمد رحمت فرست و بر شما سربازان ما که از مرزهای ما پاس می‌دارند بیفزای و حربه آنان را بر ضد دشمن کارگر کن و سنگرشان را از آسیب شکست در امان گیر و جمعیت‌شان را به هنگام دفاع از پریشانی ایمن‌ساز و به تدبیر خویش صفوف‌شان را بهم پیوند و رشته وحدت و وصلت‌شان را از هم مگسل و هدف‌شان را همواره یکتا گردان.» (فاضل، ۱۳۶۱: ۲۵۷)

فرمان الهی برای تدارک لوازم دفاع

ایزد توانا نه تنها امر به دفاع فرمودند؛ بلکه در بسیاری از آیات به پیامبران خود دستور می‌دهند که تدارک لازم را برای دفاع فراهم نمایند تا بدین وسیله چشم طمع دشمنان را از سرزمین آنان قطع نمایند.

خداوند متعال به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سوره انفال آیه ۶۰ می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان و ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد بترسانید. و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.»

خداوند در سوره سباء آیات ۱۰ و ۱۱ در مورد حضرت داود علیه السلام می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا، فَضْلاً يَا جِبَالُ أَوْبَى مَعَهُ وَ الطَّيْرِ وَ أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ؛ ما به داود از جانب خود فضیلت و برتری دادیم، امر کردیم که کوه‌ها و پرندگان با آهنگ او تسبیح گویند، آهن را در دست او نرم کردیم که از آن هر چه می‌خواهد بسازد، (۱۰) أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَ قَدَّرَ فِي السَّرْدِ أَعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ به او دستور دادیم که از آهن زره بسازد و حلقات آنرا به اندازه و شکلی معین آماده کن و تو و قومت نیکوکاری پیشه کنید زیرا من به اعمال شما بینا هستم. (۱۱)».

علاوه بر آیاتی که در مورد دفاع و ضرورت آماده شدن برای دفاع به آنها اشاره کردیم، آیاتی نیز وجود دارند که در مورد ساختن استحکامات دفاعی می‌باشد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: «قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَاْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا (۹۴) قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ، أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ رَدْمًا (۹۵) آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ أَنْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قِطْرًا (۹۶) فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا (۹۷) قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (۹۸)؛ آنان گفتند: ای ذوالقرنین، یاجوج و ماجوج (پشت این کوه) فساد می‌کنند (خونریزی و وحشیگری بسیار می‌کنند)، آیا چنانکه ما خرج آن را به عهده گیریم سدی میان ما و آنها می‌بندی (که از شر آنها آسوده شویم)، ذوالقرنین گفت: تمکن و ثروتی که خدا به من عطا فرموده از هزینه شما بهتر است. اما شما با من به قوت بازو کمک کنید تا سدی محکم برای شما بسازم که به کلی مانع دستبرد آنها شود. و گفت: قطعات آهن بیاورید. آنگاه دستور داد که زمین را تا به آب بکنند و از عمق زمین تا مساوی کوه از سنگ و آهن دیواری بسازند. سپس آتش افروخت تا آهن گداخته شود، آنگاه مس گداخته را بر خلل آن آهن و سنگ ریختند. از آن پس آن قوم نه هرگز بر شکستن سد و نه بر بالای آن شدن توانایی یافتند. ذوالقرنین گفت: این از لطف و رحمت خدای من است.» (سوره کهف، آیات ۹۴-۹۸) (پازوکی، ۱۳۷۸ ص ۴۳۲-۴۲۸)

تجاوز و دفاع از دیدگاه اسلام

دفاع حق مسلم افراد و جوامع است و یک رفتار موجه انسانی علیه تجاوز به‌شمار می‌آید. اسلام به‌عنوان یک دین منطقی، از اقدامات دفاعی که توسط افراد تحت ستم در پیش گرفته می‌شود کاملاً حمایت می‌کند و تجاوز را محکوم می‌نماید. به فرموده خداوند: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِيَأْنِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ رخصت جنگ به جنگ جویان داده شد زیرا آنها از دشمن ستم کشیدند و خدا بریاری آنها قادر است.» (سوره حج آیه ۳۹)

پیرامون حقوق اساسی افراد خداوند در قرآن کریم چنین می‌فرماید: «وَكَتَبْنَا

عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ و ما در تورات بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که اگر قانون قصاص [جان در برابر جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی به عوض بینی، و گوش به جای گوش، و دندان در برابر دندان، و زخم‌ها را قصاصی است. و هر که از آن قصاص گذشت کند، پس آن گذشت کفارهای برای [خطاها و معاصی] اوست. و آنان که بر طبق آنچه خدا نازل کرده دآوری نکنند، یقیناً ستمکارند. « (سوره مائده آیه ۴۵)

قرآن کریم در سوره بقره آیه ۱۷۹ چنین حکم می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ ای عاقلان حکم قصاص برای حفظ حیات شماست تا مگر از قتل یکدیگر بهره‌یزید. « (سوره بقره، آیه ۱۷۹)

با وجود این آیات، خداوند بر رعایت عدالت، حتی در جنگ‌های تمام عیار اصرار می‌ورزد و مسلمین را ملزم به رعایت حدود می‌کند، این مهم به وضوح در آیه ذیل بیان گردیده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ در راه خدا با آنان که با شما به جنگ پرداختند، قتال کنید لیکن ستمکار نباشید که خدا ستمکاران را دوست ندارد.» (سوره بقره آیه ۱۹۰)

در آیات ۲۷ و ۲۸ و ۳۰ سوره مائده، مخالفت اسلام با تجاوز و خونریزی بی‌مورد در آیات ذیل تصریح گردیده است:

«وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۲۷) لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِرٍ بِإِيدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۲۸) فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۳۰)»؛ و بخوان بر آنها به حقیقت و راستی حکایت فرزندان آدم را که تقرب به قربانی جستند. از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. (قابیل) گفت من البته ترا خواهم کشت. (هابیل) گفت مرا گناهی نیست که خدا قربانی متقیان را خواهد پذیرفت، اگر تو به کشتن من دست برآوری من

هرگز به کشتن تو دست دراز نخواهم کرد، که من از خدای جهانیان می‌ترسم. آنگاه پس از این گفتگوها هوای نفس او را به کشتن برادرش ترغیب نمود، و بدین‌سان از زیانکاران عالم گردید.»

در همین چارچوب، گفته شده است در صورتی که دو گروه مسلمان با یکدیگر به ستیز برخیزند، اسلام اصول خوبی را جهت برقراری آشتی بین آنها وضع نموده است: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأْصَلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأْصَلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر بجنگند میان آنان آشتی برقرار کنید، و اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری تجاوز کند، با آن گروهی که تجاوز می‌کند، بجنگید تا به حکم خدا باز گردد. و چون بازگشت، میانشان به عدالت آشتی برقرار کنید؛ و همواره دادگری پیشه سازید که خدا دادگران را دوست دارد. هر گاه دو طایفه از اهل ایمان باهم به قتال و دشمنی برخیزند، البته شما مومنان بین آنها صلح برقرار کنید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با طایفه ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا باز آید، پس هرگاه به حکم حق برگشت با حفظ عدالت میان آنها را صلح دهید و همیشه عدالت را روا دارید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می‌دارد.» (سوره حجرات، آیه ۹)

وجوب دفاع در اسلام

در اسلام بحث دفاع در قالب جهاد آورده شده است. از آنجایی که اسلام به کرامت انسانی اهمیت بالایی می‌دهد و آزادی را اساس آن برمی‌شمارد، دفاع را در مقابل هر عاملی که باعث محدود شدن کرامت انسانی و آزادی بشود، واجب می‌داند. اساساً واژه دفاع، خود از جهاد سرچشمه گرفته است. جهاد از ریشه جهد به معنای تلاش همراه با مشقت و سختی برای نیل به هدفی معین است. جهاد در فقه عبارت است از نهایت تلاش، با بذل مال و جان در راه مبارزه با دشمن حق، برای اعتلای کلمه‌الله و از بین بردن آیین شرک. در این حالت، دفاع نیز به معنی راندن و دور کردن است که اغلب با بذل جان و مال تا دفع تجاوز همراه است.

در عین حال جهاد در برخی حالات مترادف است با واژه جنگ، و حدود ۴۱ مورد با مشقات خود در قرآن آمده است. دفاع و مشتقات آن نیز ده بار در قرآن کریم به کار رفته است. به طور اصولی دفاع به معنای دفع کردن یا مقابله با مهاجم و یا مهاجمین است، چرا که ماهیت روح انسانی، آزادی را اصل اساسی خود قرار می‌دهد و هر نیرو یا عاملی که آزادی انسان را سلب

کند، مانع بزرگی در جهت تحقق آزادی روح انسان می باشد. حق دفاع حقی است مشروح، ذاتی و طبیعی که وجودش در هیچ دوره ای از تاریخ مورد تردید و یا انکار قرار نگرفته است. (سهرابی، ۱۳۸۶: ۴۶)

در حوزه فقه اسلامی معمولاً دو نوع جهاد مطرح گردیده است؛ جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی؛ در جهاد ابتدایی معمولاً جامعه سیاسی دچار نوعی بیماری فکری و سیاسی است و این بیماری وجود نوعی شرک و کفر است که هدف از جهاد ابتدایی ریشه کن کردن این کفر و شرک است. اما در جهاد دفاعی، دشمن به نوعی کیان اسلام را تهدید می کند و سرزمین اسلامی، به عنوان یکی از ارکان مادی حکومت اسلامی، در خطر از دست دادن موجودیت قرار می گیرد. در این حالت بر تمامی مسلمانان واجب است با هر وسیله ممکن برای دفع تجاوز و حفظ بلاد اسلامی جهاد کنند. (فیصل، ۱۳۶۸: ۲۳۵-۲۳۴)

اصول جنگ در اسلام

هر عملی چون جنگ، متکی به اصولی است که برای رسیدن به نتیجه مطلوب، باید از آن اصول پیروی کرد. ممکن است راه های وصول به هدف متغیر باشد ولی در هر حال، خود اصول همیشه ثابت باشد. اصولی که در جنگ ها به کار می رود خارج از این مقوله نمی باشد. بررسی جنگ ها از دوران های قبل تاکنون ثابت نموده که این اصول به وسیله فرماندهان شایسته اعمال شده، و با وجود پیشرفت های خارق العاده در سازمان، جنگ افزارها، تجهیزات و فنون جنگی، این اصول ثابت مانده است؛ اگر چه بعضی از ارتش ها با توأم نمودن چند اصل یا تجزیه یک اصل، تعداد اصول جنگ را کم یا زیاد می نمایند. با توجه به پیروزی های چشمگیر پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ در جنگ های مختلف، شاید این تصور به وجود آید که چون پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ از جانب خدا مأمور بودند، امداد الهی و توکل بر خدا در جنگ کافی بوده و احتیاجی به رعایت اصول و فنون نظامی نداشته اند؛ اما سیره پیامبر اکرم ﷺ و حضرت امام علی ﷺ و آیات قرآن ضمن رد این تصور، بیانگر آن است که پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ مأمور به رعایت دقیق و کامل مصالح و اصول جنگی بوده اند و حتی در مواردی اگر این اصول رعایت نمی شد، چه بسا جبهه مسلمانان با شکست و ناکامی روبرو می گشت؛ در حالی که شرط نزول امدادهای اعمال همین اصول جنگی و دیگر تکالیف قرار داده شده بود. (هاشمیان فرد، ۱۳۸۸: ۱۷۲)

اصول جنگ از تعدادی قواعد کلی برای هدایت نبرد تشکیل شده است. به عبارت دیگر اصول

جنگ حقایق مسلمی هستند که حاکم بر میدان نبرد بوده و کاربرد به موقع و مؤثر آنها در به دست آوردن پیروزی اثر قاطع دارد. (رستمی، ۱۳۷۸: ۸۸)، اصول جنگ در عمل مکمل یکدیگرند، و میزان استفاده از این اصول منوط به وضعیت موجود و هدف رهبر یا فرمانده می باشد. از این رو، در شرایطی ممکن است یک یا چند اصل به طور کلی لحاظ نشود.

اصول نه گانه جنگ که مورد قبول ارتش های پیشرفته از جمله نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز می باشد به شرح ذیل است:

— اصل هدف —

«هدف» عبارت از مقصود نهایی که کلیه تلاش های نیروهای نظامی به طرف آن متمرکز و هدایت می گردد. بر اساس این اصل، باید برای هرگونه عملیات و هر عنصری از قوا، یک هدف مناسب انتخاب شود و تمام تلاش ها در راه وصول به این هدف سوق داده شود، و به منظور اجرای عملیات مناسب تر، نباید از هدف اصلی منحرف شده و در حقیقت هدف اصلی را نباید فدای بعضی موفقیت های جزئی کرد. انتخاب و تعیین هدف صحیح، اولین و مهم ترین قدم در به کار بردن اصول جنگ است و فرماندهی یگان باید کلیه وسایل و منابع موجود را به منظور وصول به هدف انتخاب شده به کار گیرد. انتخاب بهترین هدف، ممکن است مشکل ترین مرحله اتخاذ یک تصمیم باشد. معمولاً هدف نهایی هر عمل نظامی در جنگ، انهدام نیروهای مسلح دشمن و از بین بردن میل جنگجویی اوست. شرایط هدف در هر عمل نظامی از عناصر مهم دیگر است که باید کاملاً مشخص، قابل دسترسی، قابل نگهداری در خور مقدرات آن نیرو باشد. (اصول و قواعد اساسی رزم، ۱۳۷۵: ۳)

بنابر آنچه گفته شد، تنها اصلی که سایر اصول جنگ را تحت شعاع قرار داده و بدون داشتن آن سایر اصول بی معنی می گردد، اصل هدف است. این اصل را در یک تقابل با نمونه هایی از نیروهای صدر اسلام بررسی می نماییم. از بهترین نمونه های به کار گیری این اصل در جنگ های صدر اسلام بررسی می نماییم. از نمونه های به کارگیری این اصل در جنگ های صدر اسلام، جنگ جمل است. امام علی علیه السلام برای کاستن از تلفات جنگ، برای نیروهای خود هدفی اصلی را مشخص کرد، که در حقیقت تعیین کننده سرنوشت جنگ بود، آن هدف، کشتن و پی کردن شتر عایشه بود و او دریافت تا هنگامی که شتر عایشه سر پاست جنگ ادامه خواهد داشت؛ لذا به یاران خود دستور داد تا شتر عایشه را پی کنند. آنان نیز هجوم آوردند و یکی پس از دیگری

کشته شده ولی سرانجام « بجیر بن دجله » موفق شد با ضربتی ساق‌های پای شتر عایشه را قطع کند. با قطع پاهاى شتر عایشه، هودج وی بر زمین سقوط کرد و پایگاه فرماندهی و امید سپاه جمل در هم شکسته شد. نتیجه جنگ با این اقدام به سرعت تغییر یافت یاران عایشه با سقوط شتر، همگی گریختند. (مسعودی، ج ۲، ص ۳۶۴ ؛ نویری، ج ۵، ص ۱۴۶؛ طبری ج ۴، ص ۵۲۹)، (هاشمیان فرد، ۱۳۸۸: ۱۷۳)

– اصل آفند

«آفند» واژه‌ای است که حرکت به‌طرف دشمن را توجیه می‌نماید. تمایل به پیشروی روح آفند را تشکیل می‌دهد در عملیات آفندی، یک یگان اراده خود را به دشمن تحمیل نموده و ابتکار و آزادی عمل را حفظ می‌نماید. (رستمی، ۱۳۷۸: ۲۷ – اصول و قواعد اساسی رزم، ص ۵).

بزرگترین حسن آفند، به‌دست گرفتن ابتکار و آزادی عمل است که بدین وسیله، انتخاب هدف‌ها و محل و زمان و هم چنین وسایل لازم برای اجرای مأموریت آسان می‌گردد. به‌عبارت دیگر بزرگترین امتیاز عملیات آفندی این است که فرمانده می‌تواند زمان، مکان و روز درگیری با دشمن را خود انتخاب نماید. منظور اساسی از آفند، انهدام نیروهای دشمن می‌باشد. تصرف زمین، کشف، گسترش، استعداد و نقاط ضعف دشمن و هم چنین محروم کردن دشمن از منابع حیاتی از سایر منظوره‌ای آفندی است. آیات زیر، نشانگر اصل آفند در مبارزات پیامبر ﷺ می‌باشد:

«... وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ؛ هر جا مشرکان را یافتید به قتل برسانید و از شهرهاشان برانید چنانچه آنها شما را از وطن آواره کردند و فتنه‌گری که آنها کنند سخت‌تر و فسادش بیشتر از جنگ است و در مسجدالحرام با آنها قتال نکنید مگر آنکه پیشدستی کنند، در این صورت رواست که آنها را به قتل رسانید. این است کیفر کافران.» (سوره بقره آیه ۱۹۱)

«... فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ پس هنگامی که ماه‌های حرام سیری شود، مشرکان را هر جا یافتید، بکشید و به اسیری بگیرید و محاصره کنید و در هر کمین‌گاهی به کمین آنان بنشینید؛ ولی، اگر توبه کردند و نماز را برپا داشتند و زکات پرداختند، پس آزادشان گذارید؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.» (سوره توبه آیه ۵)

«... فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ پس هنگامی که ماه‌های حرام سیری شود، مشرکان را هر جا یافتید، بکشید و به اسیری بگیرید و محاصره کنید و در هر کمین‌گاه، به کمین آنان بنشینید؛ ولی، اگر توبه کردند و نماز را برپا داشتند و زکات پرداختند، پس آزادشان گذارید؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.» (سوره توبه آیه ۵)

عملیات آفندی پیامبر ﷺ به این امتیازات موصوف بود

۱- استتار و اختفا

مانند آنچه علیه تمامی قبیله «بنی‌سلیم» در غزوه «بحران» انجام گرفت، چون به پیامبر ﷺ خبر رسید که گروه زیادی از بنی‌سلیم در بحران گردآمده‌اند، آماده مقابله شدند و بدون آن‌که مطلب را آشکار کنند، همراه ۳۰۰ مرد از اصحاب بیرون آمد و به سرعت راه می‌پیمودند به‌طوری که یک شب، به نزدیک بحران رسیدند. (واقعی، ج ۱، ص ۱۴۳)

۲- سکوت و خاموشی

در تمامی غزوه‌ها و سرایا، به‌ویژه در غزوه بنی‌سلیم، بنی‌مصطلق، بدر و سرایای دیگر انجام می‌شد و به اجرا در می‌آمد.

۳- غافلگیری

همان‌گونه که در غزوه بنی‌قریظه و خیبر و سریه علی‌بن‌ابی‌طالب به‌سوی بنی‌سعد و سریه اسامه‌بن‌زید صورت پذیرفت.

۴- فریب در زمان و مکان

چنان‌که در غزوه خیبر مورد استفاده قرار گرفت. (وتر، ص ۹۴) حضرت علی (ع) در دستورالعملی به هنگام آغاز جنگ صفین در میدان نبرد به سپاهیان فرمود: «لاتشتدن علیکم فره بعدها کره و لاجوله بعدها حمله و اعطوا السيوف حقوقها و وطئوا للجنوب مصارعها و اذمروا انفسکم علی الطعن الدعسی و الضرب الطلحفی و امیتوا الصوات فانه اطرده للفشل؛ عقب‌نشینی‌هایی که مقدمه هجوم دیگری است، و ایستادنی که حمله در پی دارد نگران‌تان نسازد، حق شمشیرها را ادا کنید و پشت دشمن را به خاک بمالید و برای فرو کردن نیزه‌ها و محکم‌ترین ضربه‌های شمشیر، خود را آماده کنید، صدای خود را در سینه‌ها نگه دارید که در

زدودن سستی نقش به‌سزایی دارد.» (فیض‌السلام، ص ۷۶۲)

– اصل تمرکز قوا

منظور از اصل تمرکز قوا ایجاد برتری نیروی رزمی در مکان و زمان مناسب به‌منظور اجرای مأموریت می‌باشد. برتری نیروی رزمی شامل استفاده از کلیه تسهیلات لازم و داشتن برتری قدرت آتش، پشتیبانی خدمات رزمی، مهارت در رزم، تصمیم، انضباط، مسائل اداری و رهبری خواهد بود. تمرکز توان رزمی برتر وقتی موثر است که در زمان و مکان قطعی «در لحظه معینی بر نقطه معینی» به‌کار گرفته شود. (مهرآرار، ۱۳۷۶: ۳۸)

بدون شک، تمرکز نیروهای موثر تنها به یگان‌های رزمی محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل به‌کارگیری مؤثر آتش پشتیبانی، اعمال رهبری قوی و برتر، نسبت به دشمن و پیش‌بینی پشتیبانی خدمات رزمی نیز می‌گردد. این اصل با اصل صرفه‌جویی، لازم و ملزوم یکدیگرند، بدین معنی که برای رسیدن به تمرکز نیرو در یک منطقه، لازم است نیروی رزمی و پشتیبانی‌های غیرضروری را از مناطق که اهمیت برداشته و در مناطق مورد نیاز به‌کار گرفت. تمرکز قوا یکی از اصول مسلم در جنگ است و بدون در نظر گرفتن آن، پیروزی امکان‌پذیر نخواهد بود. در آیه‌ای از قرآن می‌خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ يُجِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُومٌ؛ خدا کسانی را دوست دارد که صف‌زده در راه او جهاد می‌کنند [و از ثابت قدمی] گویی بنایی پولادین و استوارند.» (سوره صف آیه ۴):

در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنان‌که گویی بنایی از سرب‌بند، جهاد می‌کنند. (هاشمیان فرد، ۱۳۸۸: ۱۷۹)

– اصل صرفه‌جویی در قوا

صرفه‌جویی در قوا عبارت است از کاربرد حداقل نیرو در یک منطقه یا مناطق دیگر به‌منظور کاربرد نیروی بیشتر در دیگر مناطق. (اصول و قواعد اساسی در رزم، ۱۳۷۵: ۷)، اصل صرفه‌جویی در قوا، ارتباط مستقیم با اصل تمرکز قوا دارد. برای تمرکز قدرت رزمی برتر در یک منطقه، لازم است که در سایر مناطق نیروهای کمتری به‌کار برد. در تاریخ صدر اسلام می‌بینیم پیامبر ﷺ نیز برای مقابله با دشمنان مختلف، نیروهایی را با استعدادهای مناسب برای مبارزه اعزام می‌نمود. این اصل از آیه زیر قابل برداشت است: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ

لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ و مؤمنان را شایسته نیست که همگی [به سوی جهاد] بیرون روند؛ چرا از هر جمعیتی گروهی [به سوی پیامبر] کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، برای این که [از مخالفت با خدا و عذاب او] بپرهیزند.» (سوره توبه آیه ۱۲۲)

حضرت علی علیه السلام در جنگ با خوارج از این اصل به خوبی استفاده کرد، خوارج سپاهی حدود دوازده هزار نفر از تمامی نقاط عراق و حجاز فراهم ساخته و در نهر وان اردو زدند، و با انجام شرارت های مختلف و قتل عام مردم آماده جنگ با امام علی شدند. (نویری، ج ۵، ص ۲۲۱)

– اصل مانور

تغییر محل عده ها به طرف دشمن در زمان و مکان مناسب برای اجرای مأموریت محوله را اصل مانور گویند. (رستمی، ۱۳۸۵: ۸۷)

منظور از این اصل این است که وسایل و نیروهای خودی را با در نظر گرفتن محدودیت ها و نقاط ضعف دشمن، طوری مستقر کنیم که نتیجه اش انجام مأموریت با حداقل پرسنل و وسایل باشد. استفاده صحیح از این اصل غالباً منجر به غافلگیر شدن دشمن و بهره برداری از نقاط ضعیف او می گردد. این اصل جنگی در آیات زیر قابل ملاحظه است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ (۱۵) وَمَنْ يُولُوهُمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۶)؛ ای کسانی که ایمان آوردید، هنگامی که با کافران در حالی که بر ضد شما لشکرکشی می کنند روبرو می شوید، به آنان پشت نکنید. (۱۵) و هر کس در آن موقعیت به آنان پشت کند [و بگریزد] به سبب خشم خدا دچار سقوط معنوی شود و جایگاهش دوزخ است و دوزخ عاقبت بدی است مگر [اینکه گریزش برای انتخاب محلی دیگر] جهت ادامه نبرد با دشمن، یا پیوستن به گروهی تازه نفس از مجاهدان برای حمله به دشمن] باشد. (۱۶)» (سوره انفال آیات ۱۵-۱۶)

عبارت «الامتحرفا لقتال او متحيزا الي فئه» بیانگر اصل مانور و جابه جایی حساب شده عده ها برای وارد آوردن ضربه قطعی به دشمن است. (هاشمیان فرد، ۱۳۸۸: ۱۸۲-۱۸۱)

— اصل غافلگیری

غافلگیری یعنی وارد آوردن ضربه لازم به دشمن در محل و زمان لازم، به ترتیبی که دشمن خود را برای مقابله با آن آماده نکرده باشد. (اصول و قواعد اساسی رزم، ص ۱۰).

همیشه بهترین نتیجه از نبرد وقتی حاصل می‌شود که سایر اصول با اصل غافلگیری همزمان به کار برده شوند. غافلگیری با حفظ اسرار نظامی، رازداری در طرح‌ها، مخفی کردن حرکات و گسترش عده‌ها، تظاهر و نمایش و سرعت در حرکت و اطلاع کافی از دشمن به دست می‌آید. عملیات فریب و جنگ‌های روانی به امر غافلگیری کمک می‌کنند و این کار ممکن است شامل غافلگیری از نظر زمان، مکان، سمت، تعداد عده‌ها، تاکتیک، جنگ‌افزار و تدارکات باشد. قرآن کریم رزمندگان جبهه حق را از این که دچار عملیات غافلگیرانه دشمن نشوند، بر حذر می‌دارد. در این باره، خطاب به رزمندگان در جبهه می‌فرماید :

« وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَدَىٰ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ؛ و هنگامی که در [عرصه نبرد و خطر] میان آنان باشی، و برای آنان [به جماعت] اقامه نماز کنی، پس باید گروهی از رزمندگان در حالی که لازم است سلاحشان را بگیرند، همراهت به نماز ایستند، و چون سجده کردند [و رکعت دوم را بدون اتصال به جماعت به پایان بردند] باید [برای حفاظت از شما] پشت‌سرتان قرار گیرند. و آن گروه دیگر که [به خاطر مشغول بودن به حفاظت] نماز نخوانده‌اند بیایند و با تو نماز گزارند. و آنان باید [در حال نماز] از هوشیاری و احتیاط [نسبت به دشمن] غافل نباشند، و سلاحشان را با خود بگیرند؛ چون کافران دوست دارند شما از سلاح‌ها و ساز و برگ جنگی خود غفلت ورزید، تا یک باره به شما هجوم کنند. و اگر از باران در زحمت و مشقت هستید، یا بیمارید، بر شما گناهی نیست که سلاحتان را بر زمین گذارید، ولی باید هوشیاری و احتیاط خود را حفظ کنید؛ یقیناً خدا برای کافران عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است. » (سوره نساء آیه ۱۰۲)

– اصل تأمین

در بیان اصل تأمین می‌توان گفت: «تأمین» عبارت است از حفاظت در برابر غافلگیری، عملیات جاسوسی، خرابکاری، عملیات ایدایی و دیدبانی دشمن. (رستمی، ۱۳۸۵: ۸۶)

به عبارت دیگر، تأمین به کلیه اقداماتی اطلاق می‌شود که از غافلگیر شدن نیروهای خودی جلوگیری نموده و آزادی عمل را برای آنان فراهم و حفظ نماید. تأمین برای حفظ قدرت رزمی ضرورت قطعی دارد؛ با رعایت اصل تأمین می‌توان آزادی عمل را حفظ و از غافلگیر شدن نیروهای خودی توسط دشمن جلوگیری کرد، ضمن این که می‌توان به سهولت دشمن را غافلگیر نمود. اقداماتی که برای رعایت اصل تأمین ضروری است، عبارتند از: برقراری عوامل تأمینی و یا اعزام عناصر تأمین، پنهان نگه‌داشتن طرح‌ها و دستورات عملیاتی، انجام عملیات اطلاعاتی و شناسایی از دشمن، عملیات حفاظت اطلاعات، استتار و اختفا، برقراری سد و موانع و استحکامات و... رعایت اصل تأمین از عوامل پیروزی در جنگ است؛ عدم رعایت آن سبب آسیب‌پذیری نیروها و تجهیزات می‌گردد. این اصل در آیات مختلفی از قرآن به چشم می‌خورد. (هاشمیان فرد، ۱۳۸۸: ۱۸۹)

– اصل سادگی

مشخص و ساده بودن دستورات و طرح‌های نظامی را اصل سادگی می‌گویند. طرح‌ها باید واضح، روشن و بدون اشتباه باشد. طرحی که ساده و خوب تهیه شده باشد ممکن است منجر به موفقیت شده و بالعکس یک طرح کامل که در آن اصل سادگی رعایت نشود، ممکن است منجر به شکست گردد. (رستمی، ۱۳۸۶: ۸۶)

ویژگی‌های اصل سادگی

- ۱- روشن بودن طرح‌ها و دستورات و نبودن پیچیدگی و ابهام در آنها.
 - ۲- سادگی در رزم به این معنا که زیر دستان مأموریت‌های تاکتیکی را به خوبی درک و اجرا نمایند.
 - ۳- پرهیز نمودن فرماندهان از به کار بردن تاکتیک‌های پیچیده و غیرمعقول.
- در آیات مربوط به جنگ و جهاد در قرآن، دستورات مربوط به جنگ کاملاً روشن، جامع و مشخص گردیده، به گونه‌ای که هیچ گونه ابهام و شبهه‌ای در فرامین صادره و طرح‌های آن مشاهده نمی‌شود. در این خصوص به‌طور نمونه در سوره بقره آیات ۱۹۰-۱۹۳ آمده است:

« وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۱۹۰) وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (۱۹۱) فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۹۲) وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (۱۹۳) » ؛ با کسانی که با شما به جنگ پرداخته‌اند، در راه خدا پیکار کنید، ولی تعدی نکنید که خداوند ستمکاران را دوست ندارد. (۱۹۰) هر جا مشرکان را یافتید به قتل برسانید و از شهرهاشان برانید چنانچه آنها شما را از وطن آواره کردند و فتنه‌گری که آنها کنند سخت‌تر و فسادش بیشتر از جنگ است و در مسجدالحرام با آنها قتال مکنید، مگر آن که پیش‌دستی کنند، در این صورت رواست که آنها را به قتل رسانید. این است کیفر کافران. (۱۹۱) اگر از فتنه‌گری و جنگ باز ایستند، یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۹۲) و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود، و همه را آئین دین خدا باشد و اگر از فتنه و جنگ دست کشیدند با آنها عدالت کنید که ستم جز بر ستمکاران روا نیست. (۱۹۳) » (هاشمیان فرد، ۱۳۸۸: ۱۹۳-۱۹۱)

— اصل وحدت فرماندهی

منظور از وحدت فرماندهی آن است که کلیه نیروهای رزمی تلاش‌های خود را هماهنگ نموده و تحت یک فرماندهی و یک مسئولیت واحد در آیند، تا بهترین نتیجه به‌دست آید. (مهرآرار، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۳۷)

همان‌گونه که وجود فرماندهی لایق برای نیروهای نظامی ضروری است و نقشی بس تعیین‌کننده در موفقیت آنان دارد، وحدت فرماندهی نیز— به لحاظ نقش و پیامدهای آن در میدان جنگ— عامل اساسی و سرنوشت ساز محسوب می‌شود. اهمیت این عامل را می‌توان از سیره معصومین (علیهم‌السلام) دریافت. ایشان همان‌گونه که به فرماندهی اهمیت داده و برای هر جمع و دسته نظامی — هر چند کوچک — فرمانده تعیین می‌کردند، به وحدت فرماندهی نیز توجه کامل داشته و سلسله مراتب را در امور نظامی رعایت می‌نمودند. از جمله: پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) جمعی را به فرماندهی حضرت علی (علیه‌السلام) و جمعی دیگر را به فرماندهی خالد به سوی یمن گسیل داشت؛ به آنان فرمود: هنگامی که از یکدیگر جدا هستید، هر یک فرماندهی سپاه خود را بر عهده دارد،

و چون به هم رسیدند، علی فرمانده کل است. (امین، ج ۱، ص ۲۸۷)

هنر جنگ در اسلام

قرآن کریم به عنوان نخستین منبع از مبانی هنر جنگ در اسلام محسوب می‌گردد که اهداف و انگیزه‌های جنگ در آن تعیین شده است. آنچه در زیر می‌آید نمونه‌هایی است از این آیات است که اصول و تعالیم مستقیم و مربوط به هنر جنگ را در برمی‌گیرد.

الف- جنگ و ابعاد آن در قرآن

۱- بسیج یا آمادگی عمومی برای جنگ

«بسیج عمومی، انجام تدابیر و اقدام ضروری برای آماده ساختن نیروهای مسلح، مردم و بسیج مادی، روانی، معنوی برای جنگ و همچنین آمادگی در مسائل اقتصادی و مادی آن است». (مجموعه من المؤلفین العسکریین، الموسوعة العسکریه)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیروهای مسلح و مردم را به صورت جزئی یا همگانی و بر اساس امکانات فراوان و نوع دشمن بسیج می‌کرد. لذا در غزوات «فتح و تبوک» به «بسیج عمومی» و در غزوه «بدر» و غیره به «بسیج جزئی» فرمان داد. این امر در بیشتر غزوات و جنگ‌ها به صورت مخفی و سری و گاهی نیز مانند غزوه «تبوک» به‌طور آشکار صورت گرفت. نیروهای مسلح بدین صورت آماده می‌شدند و هنگامی که «فرمان بسیج»، به قبایل دیگر مسلمانان ابلاغ می‌گشت، همه برای آمادگی جنگی فراخوانده می‌شدند. آن‌گاه نیروها سازماندهی می‌شدند و لشکر برای مأموریت‌های جدید شکل می‌گرفت. (وتر، ۱۳۸۵: ۲۱۱)

خداوند عز و جل، مسلمانان را قبل از آغاز جنگ به بسیج نیرو امر فرموده است. در این مورد در قرآن کریم در سوره توبه آیه ۴۱ فرموده است: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ برای جنگ با کافران سبکبار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا به مال و جان جهاد کنید. این کار شما را بهتر خواهد بود. اگر مردمی با فکر و دانش باشید.»

۲- تشویق به جنگ با توجیه معنوی

بسیج روحی و روانی در علم نظامی جدید یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی و موفقیت در هر جنگی محسوب می‌گردد و این امر از بسیج مادی و انسانی جدا نیست. در آیه ۶۵ سوره انفال

آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و قدرت خدا را] نمی‌فهمند. (سوره انفال آیه ۶۵)، (سود، ۱۳۷۸: ۷۸-۷۱)

رسول اکرم ﷺ «جنگجویان و رزمندگان» را به فداکاری با آنچه که در توان داشتند، تشویق می‌کرد و به تقویت روحیه، معنویت و آمادگی روانی آنان قبل از ورود به جنگ می‌پرداخت و ایشان را به عدالت در برخورد با کسانی که می‌جنگیدند، راضی و خشنود می‌ساخت. همچنین لشکریان خود را (به جنگ) تشویق و آنان را دلیر می‌ساخت و پاداش جنگجویان صابر را یادآور می‌شد. تأثیر این مسائل زیاد بود؛ زیرا لشکریان، خود را در کوره جنگ انداخته و برای مبارزه با دشمن بر مرگ سبقت می‌جستند. بسیاری از آنان با شجاعت کامل در میدان جنگ ظاهر می‌شدند. جوانان برای نبرد سبقت می‌گرفتند و در نتیجه با نیروی کم، بر انبوه (دشمن) پیروز می‌شدند. (وتر، ۱۳۸۵: ۲۰۷-۲۰۶)

۳- تعیین اهداف و انگیزه‌های جنگ در اسلام

قرآن کریم انگیزه‌های جنگ و اهداف آن را در اسلام به این گونه تعیین کرده است:
الف - نشر دین اسلام؛

ب - مقابله با تجاوز به مسلمانان و بازگرداندن آنان به سرزمینی که از آن اخراج شده‌اند.
در آیه ۱۹۰ سوره بقره آمده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد! «این نخستین آیه‌ای است که در مورد جنگ بر پیامبر ﷺ نازل شده است.

ج - مقابله با فتنه؛ فتنه در اینجا به معنای شرک است. «وَقَاتِلُوا هُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ»؛ و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید! زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.» (سوره بقره آیه ۱۹۳)

۴- تعیین و مشخص ساختن دشمن

قرآن کریم دشمنان اسلام را که جنگ با آنان واجب شده را به این گونه تعیین کرده است:

– کسانی که با مسلمانان می جنگند و به آنان ستم می کنند. (سوره بقره آیه ۱۹۰)

– کسانی که مسلمانان را از سرزمین های خود رانده اند. (سوره بقره آیه ۱۹۱-۱۹۲)

– اهل کتاب تا زمانی که جزیه بپردازند. (سوره توبه آیه ۲۹)

– فتنه جوین یا مشرکانی که به آنچه خداوند بر رسولش نازل کرده ایمان ندارند و کسانی که

در دین مسلمانان فتنه جویی می کنند تا زمانی که کشته شده و یا ایمان آورند. (سوره

بقره آیه ۱۹۳ و انفال آیه ۳۹)

۵- اصول اساسی جنگ از نظر اسلام

قرآن کریم اصول اساسی جنگ را که مسلمانان باید از آن در جنگ های خود با مشرکان و

تجاوزکاران و اهل کتاب تبعیت کنند به این گونه تعیین کرده است:

– تجاوز و ستم نکردن. (سوره بقره آیه ۱۹۰)

– جنگ با دشمنان در هر مکانی که آنان را بیابند بجز در مسجدالحرام. (سوره بقره آیه ۱۹۱)

– جنگ با دشمنان در هر زمان به استثنای ماه های حرام مگر آنکه آنان تجاوزکار باشند که باید

به همان گونه با آنان برخورد شود. (سوره بقره آیه ۱۹۴)

– جنگ با مشرکان پس از پایان یافتن ماه های حرام در هر مکان و زمان. (سوره توبه آیه ۵)

– جنگ با مشرکان و به اسارت درآوردن و محاصره کردن آنان در قلعه ها و دژها و اجرای کمین و

مراقبت در راه های آنان تا هنگامی که کشته شوند یا به دین اسلام درآیند. (سوره توبه آیه ۵)

۶- آموزش تاکتیکی و تکنیکی جنگجویان

در قرآن کریم آیاتی می یابیم که اصول و مبادی جزئی در هنر جنگ، اعم از تاکتیکی و تکنیکی

را به جنگجوی مسلمان آموزش می دهد. همانند منظم کردن صفوف برای جنگ، به کارگیری

سلاح، پایداری در میدان جنگ، مانور، چگونگی برخورد با دشمن در هنگام جنگ و پس از آن،

هشیاری و احتیاط در مقابل دشمن.

خداوند عزوجل مسلمانان را در آیات قرآن به سه اصل تاکتیکی اساسی در جنگ آموزش

می دهد:

(۱) **جنگ گروهی:** که اسلام آن را یک تاکتیک ضروری برای مسلمانان قرارداده که در جنگ از آن بهره ببرند و این امر در گفته خداوند است که می‌فرماید: «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِيهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ»؛ در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر)، با هم روبه‌رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می‌کرد؛ و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت)، در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می‌دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد.) و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، با یاری خود، تأیید می‌کند. در این، عبرتی است برای بینایان!» (سوره آل عمران آیه ۱۳)

(۲) **پایداری در مواضع و عدم بازگشت و عقب نشینی:** خداوند فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای اهل ایمان! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی [از مشرکان و کافران] برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا [بر دشمن] پیروز شوید.» (سوره انفال آیه ۴۵)

(۳) **جنگ بدون گریز:** اسلام این تاکتیک را با جنگ سازمان یافته و با ثبات مقارن ساخت. این تاکتیک بدون آنکه از مانور به‌عنوان یک روش جنگی غافل شوند مخصوص مسلمانان بود. (سوید، ۱۳۷۸: ۸۷-۸۰)

ب- آداب جنگ در قرآن

قرآن کریم برای جنگ و برخورد با دشمن آداب و رسومی را تعیین فرموده که احترام و پایبندی به آنها برای مسلمانان ضروری و واجب است که در زیر می‌توان برخی را برشمرد:

۱- طمع نکردن در غنائم جنگی

«وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ هیچ پیامبری را نسزد که [در اموال و غنائم و سایر امور به امت خود] خیانت ورزد و هر که خیانت کند، روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید؛ سپس به هر کس آنچه را مرتکب شده به طور کامل می‌دهند، و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند. (سوره آل عمران، آیه ۱۶۱)

۲- برابری میزان تجاوز و پاسخ به آن در جنگ

مسلمانان باید از جنگ با مشرکان به‌هنگامی که آنان از شرک خود دست برمی‌دارند کناره‌گیرند و اگر دشمنان خواستار صلح باشند آن را نیز بپذیرا شوند.

۳- احترام و پایبندی به عهده و پیمان‌ها

در این مورد خداوند فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحْلِي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ؛ ای اهل ایمان! به همه قراردادهای [فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نذر، عهد و سوگند] وفا کنید. [گوشت] چهارپایان جز آنچه [در آیات بعد، حرمتش] بر شما خوانده می‌شود برایتان حلال است، [و توجه داشته باشید که] نباید شکار را در حالی که مُحَرَّم [به احرام حج و عمره] هستید حلال بشمارید؛ یقیناً خدا آنچه را بخواهد [بر پایه علم و حکمتش و بر اساس رعایت مصلحت شما] حکم می‌کند.» (سوره مائده، آیه ۱)

۴- برخورد با اسیران

خداوند دو راه را برای برخورد با اسیران قرار داده است که یکی آزاد ساختن آنها و دیگر فدیة گرفته بر اساس آیه کریمه قرآن.

«فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِنْ لِّيَبْلُوَ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ؛ و هنگامی که با کافران (جنایت‌پیشه) در میدان جنگ روبه‌رو شدید گردن‌هایشان را بزنید، (و این کار را همچنان ادامه دهید) تا به اندازه کافی دشمن را در هم بکوبید؛ در این هنگام اسیران را محکم ببندید؛ سپس یا بر آنان مَنّت گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنان فدیة [= غرامت] بگیرید؛ (و این وضع باید همچنان ادامه یابد) تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد، (آری) برنامه این است! و اگر خدا می‌خواست خودش آنها را مجازات می‌کرد، اما می‌خواهد بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید؛ و کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را از بین نمی‌برد!» (سوره محمد آیه ۴)

- «مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی (از دشمن) بگیرد تا کاملاً بر آنها پیروز گردد؛ و جای پای خود را در زمین محکم کند! شما متاع ناپایدار دنیا را می‌خواهید؛ و ما یلید اسیران بیشتری بگیرید، و در برابر گرفتن فدیة آزاد کنید؛ ولی خداوند، سرای دیگر را (برای شما) می‌خواهد؛ و خداوند قادر و حکیم است!» (سوره انفال آیه ۶۷)

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و گام هایتان را استوار می‌سازد.» (سوره محمد آیه ۷)

تجاوز از نظر اسلام

از موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت که هرگاه خداوند متعال خواهان شکست و نابودی خدعه‌های دشمنانش باشد، این کار را با تقویت قلب‌های مؤمنین از طریق فرو فرستادن آرامش بر آنها انجام می‌دهد. برای بازداشتن دشمنان از تحلیل خواسته‌هایشان بر مؤمنین درجنگ، ضروری است مؤمنین آرامش و اطمینان و امید را در صفوف خود حفظ کنند. مؤمنین برای تحمیل اراده خود بر کفار درجنگ‌ها، چه باید بکنند؟ پیرامون جنگ بدر، قرآن در این مورد می‌فرماید:

«إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّثُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ؛ یاد کن [هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، پس مؤمنان را] برای نبرد با دشمن [ثابت قدم دارید، او] به زودی در دل کافران ترس می‌اندازم، پس سرهایشان را در هم کوبید و همه انگشتانشان را قطع کنید.» (سوره انفال آیه ۱۲)

به گفته سرلشکر مالک^۱ استراتژی که از قرآن مستفاد می‌شود روشن است. باید خود را برای جنگ تا انتها درجه مهیا کرد تا این آمادگی بر قلوب دشمنان وحشت بیافکند و در همان حال باید مراقبت کرد تا از دشمن وحشتی به دل‌مان راه نیابد. پاسداری از خود در مقابل ترس از دشمن، اساس کار است، آمادگی تا انتها درجه برای جنگ، هدف است؛ افکندن ترس و بیم در

قلوب دشمنان، اثر مطلوب است. کل ماجرا به قلب، روح و ایمان آدمی مربوط می‌شود. در جنگ، هدف عمده قلب و روح خصم است، توان و قدرت روحی فرد، سلاح عمده تهاجمی علیه این هدف به‌شمار می‌آید و برای انجام چنین حمله‌ای، فرد باید ترس و وحشت را از قلب خود دور نگه دارد. جنگ تدارکاتی که در زمان صلح برپا می‌شود از جنگ واقعی و عملی پراهمیت‌تر است. جنگ بازوها زمانی می‌تواند با موفقیت آغاز شود که انسان، در «جنگ اراده‌ها» پیشاپیش پیروز شده باشد.

چکیده اصلی کلیه استراتژی‌ها تمرکز و جمع‌آوری توانمندی و غلبه برضعف است. برای نیل به اجرای مؤثر این اصول، رعایت ۸ دستورالعمل ضروری است: (شش مورد اثباتی و دو مورد سلبی)

- ۱- حفظ هدف.
- ۲- تطبیق دادن وسایل با اهداف.
- ۳- مشخص کردن کمترین میزان توقعات و مقاومت در راه دستیابی به آن.
- ۴- در پیش گرفتن عملیاتی که چندین هدف را در معرض تهدید قرار دهد.
- ۵- حصول اطمینان از اینکه طرح ها و ترتیبات در پیش گرفته شده، انعطاف پذیر می باشند.
- ۶- سازگار بودن طرح ها و ترتیبات با اوضاع.

قاعده اصلی قرآن در هدایت جنگ، مشتمل بر هنر تصمیم‌گیری، برتری هدف، گزینش اهداف عملی، مبارزه و تلاش مستمر، ارزیابی نسبی اوضاع، حفظ سیطره و حالت تهاجمی، عزم و اراده، صبر و پشتکار، قاطعیت و پایداری، و به‌جا آوردن دعا و نماز است. قرآن از مسلمین دعوت می‌کند که پس از اتخاذ تصمیم و گزینش هدف، برای حصول بدان پیوسته و فعالانه تلاش و مبارزه کنند.

قرآن کریم در مورد جنگ با مشرکان، مسلمانان را چنین راهنمایی می‌کند: «فَاِذَا اَنْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصِرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آما) وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید؛ و آنها را اسیر سازید؛ و محاصره کنید؛ و در هر کمینگاه، بر سر راه آنها بنشینید! هرگاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است! (سوره توبه، آیه ۵)

قرآن فقط به ذکر سه مورد می‌پردازد که در آن جنگ مذهبی موجه است و هر سه مورد نیز در خصوص دفاع می‌باشد. نخست، دفاع از جان و مال در برابر مهاجم؛ دوم، حراست از اماکن مذهبی و عبادت، متعلق به هر دین و مذهبی که باشد؛ سوم جهت برقراری آزادی وجدان و مذهب.

پرفسور دبل یو، اچ مک نیل^۲ با دریافت اساسِ راستین راهبرد مسلمین چنین می‌گوید: «شایان ذکر است که عبادات روزانه برای یک ارتش به هنگام جنگ همان تأثیرروانی را داشت که مشق‌های نظامی امروزی دارد. حرکات دقیق و قرائت آیات نمازهای پنجگانه در جماعت، عواقب همبستگی را در صفوف افزایش داده و بر مراتب اطاعت از مافوق که در آن عصر امام جماعت نیز بود، همچنین می‌افزاید، چنین اقدامات و اعمالی بدون تردید در غلبه یافتن بر پیوندهای سست و ناپایدار قبیله‌ای و نیز نافرمانی ناشی از رقابت‌های قبیله‌ای و فردی، نقش و تأثیر به‌سزایی داشته است. آنها با توجه به اعتقاد به اینکه مرگ در جهاد فی‌سبیل‌الله، رضوان را تضمین می‌کند، از روحیه بسیار بالایی برخوردار بودند».

جنگ صرفاً در مورد دفاع از ضعفاً و مستضعفان، به‌عنوان یک وسیله لازم برای اجرای عدالت و حفظ ارزش‌های ضروری انسان، توصیه و تجویز شده است.

اهداف جنگ در اسلام

تردیدی نیست که جنگ، مخصوصاً با توجه به ضایعات و تلفات و ویرانی‌ها که به‌بار می‌آورد عامل سرنگونی خیلی از حکومت‌ها نیز می‌باشد. بر این اساس است که جهاد اسلامی منحصر به دفاع از حقوق ملت‌های مسلمان نمی‌شود و در فقه اسلام، جهاد ابتدایی با سردمداران شرک و کفر و استکبار جهانی (و در جهان امروزی، خصوصاً مبارزه با نقشه‌های استعماری آمریکا در جهان) و به‌منظور رفع مانع از هدایت توده‌های مردم و بازکردن راه خداپرستی و احقاق حق الهی (پرستش و اطاعت خدا) پیش‌بینی شده و در فقه شیعه، جواز آن در زمان حضور امام معصوم، مورد اتفاق می‌باشد. (همان، ۹۱-۸۹)

اهداف جنگ از نظر اسلام عبارتند از:

- ۱- دفاع از جان مردم.
- ۲- دفاع از عرض و ناموس مردم.
- ۳- دفاع از اراضی و اموال و استقلال اقتصادی.
- ۴- دفاع از عزت و استقلال سیاسی.
- ۵- دفاع از دین حق و مقدسات دینی.
- ۶- حمایت از مظلومان و محرومان مناطق دیگری که تحت فشار دشمنان خدا قرار گرفته‌اند.
- ۷- احقاق حق الهی و برداشتن موانع از سر راه هدایت توده‌های ناآگاه.

نکته‌ای را که باید در اینجا خاطرنشان کنیم این است که تجاوز به هر یک از حقوق انسانی و به حق الهی، گاهی بی‌پرده و به طور مستقیم انجام می‌گیرد مانند کسانی که با لشگرکشی علنی، به جان و مال مردمی تجاوز کنند و گاهی با توطئه‌چینی و اجراء برنامه‌های تبلیغاتی و تعلیماتی مسموم و استفاده از مزدوران و دست‌نشانندگان و ایجاد اختلافات داخلی و ... که همگی آنها تحت عنوان «فتنه» عنوان می‌شود و این روش‌ها امروزه به وسیله استعمارگران به کار گرفته می‌شود.

نکته دوم آن که، جنگ مشروعی که برای تأمین اهداف یاد شده انجام می‌گیرد با دشمنان و تجاوزگران خارجی است و گاهی با گروه‌های منحرف داخلی که به‌انگیزه دستیابی به منافع اقتصادی یا کسب قدرت سیاسی نامشروع و احیاناً با کمک گرفتن از بیگانگان و سرسپردن به آنان و در نهایت برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی دشمنان، به حقوق مردم خودشان تجاوز می‌کنند.

سومین نکته این است که همه این جنگ‌ها در صورتی، روا و شایسته است که تأمین اهداف یاد شده از راه‌های مسالمت‌آمیز، میسر نباشد و با رعایت احکام و ضوابطی که در فقه اسلام بیان شده حجت به‌دشمن تمام شده باشد. (فیصل، ۱۳۶۸: ۲۲۶)

ترغیب اسلام به جهاد

از آنجا که هدف آفرینش انسان این است که او راه تکامل حقیقی و تقرب به خدای متعال را آگاهانه و آزادانه برگزیند و نظام تشریعی اسلام هم برای تحقق بخشیدن به همین هدف، پی‌ریزی‌شده، هدف نهایی از جهاد اسلامی نیز فراهم شدن زمینه گسترده برای پرورش

انسان‌های متعالی و رشد و تکامل معنوی هرچه بیشتر افراد و رفع موانع از حرکت تکاملی همگان می‌باشد. طبیعی است که روش اسلام در مورد تربیت و آماده‌سازی افراد برای شرکت در جهاد هم از همین اصل، مایه بگیرد و شیوه‌ای انتخاب شود که مشارکت افراد در جهاد فی سبیل الله موجب تکامل خود ایشان باشد. کارایی چنین شیوه‌ای به معنای موفقیت اسلام به‌عنوان یک مکتب انسان ساز خواهد بود و حتی اگر پیروزی ظاهری در جنگ هم حاصل نشود تربیت افرادی که حاضر می‌شوند جان و مال و هستی خود را فدای راه خدا کنند پیروزی بزرگی برای این مکتب، به‌شمار می‌رود.

امدادهای الهی در قرآن

قرآن کریم تنها به وعده امدادهای خاص الهی به‌مؤمنان بسنده نکرده بلکه موارد متعددی از آنها را گوشزد کرده است که می‌توان این موارد را به دو دسته کلی امدادهای درونی، و امدادهای بیرونی تقسیم کرد و هر یک از آنها دارای اقسام خاصی می‌باشد:

۱- تقویت روحی و روانی مؤمنان، و به تعبیر قرآن کریم «انزال سکینه در قلوب آنان» چنانکه در این آیات آمده است؛ ۲۶ و ۴۰ از سوره توبه و ۴ و ۱۸ و ۲۶ از سوره فتح.

۲- کم نشان دادن تعداد مومنان و کافران در چشم یکدیگر تا کافران از میدان نبرد نگریزند یا تمام نیروها و توان خود را به کار نگیرند و مؤمنان از کثرت آنان نهراسند چنان که در آیات ۴۳ و ۴۴ از سوره انفال آمده است.

اسباب و شرایط پیروزی در جنگ

اسباب و شرایطی که برای پیروزی مسلمانان در جنگ، از قرآن کریم استفاده می‌شود از این قرار است:

۱- متناسب بودن شمار رزمندگان با شمار نیروهای دشمن

متناسب بودن شمار رزمندگان با شمار نیروهای دشمن، البته اعتبار این شرط برای همگان روشن است ولی قرآن کریم برابری یا برتری نیروهای اسلام را از نظر تعداد، شرط ندانسته و نصف شماره دشمن را برای ایشان کافی دانسته، بلکه در مواردی کفایت نسبت یک دهم را اعلام داشته است. این مطلب از آیات ۶۵ و ۶۶ از سوره انفال استفاده می‌شود.

۲- تأمین هزینه جنگ

تأمین هزینه جنگ، همه مسلمانان موظفند به فراخور توانایی شان در تأمین هزینه جنگ،

مشارکت نمایند و اگر حضور آنها در جبهه، میسر یا ضروری نباشد از جهاد مالی خودداری نکنند. این مطلب از آیات ۱۹۰ از سوره بقره، ۶۰ از سوره انفال و ۲۸ از سوره محمد صلی الله علیه و آله به دست می آید.

۳- تهیه ساز و برگ جنگی و وسائل نظامی

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِدُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»؛ و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید، ولی خدا آنان را می شناسد بترسانید. و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.» (سوره انفال آیه ۶۰)

۴- حفظ وحدت و انضباط نظامی و اطاعت از مقام فرماندهی

به فرموده قرآن: «حفظ وحدت و انضباط نظامی و اطاعت از مقام فرماندهی و جلوگیری از مشاجرات تفرقه انگیز که در آیه ۴۶ از سوره انفال»، مورد تأکید واقع شده است.

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است!

۵- به کار گرفتن فنون نظامی

به فرموده قرآن کریم در آیه ۷۱ از سوره نساء «به کار گرفتن فنون نظامی مناسب و احتراز از سهل انگاری و حرکات بی برنامه» مورد تأکید است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته های متعدد، یا بصورت دسته واحد، (طبق شرایط هر زمان و هر مکان)، به سوی دشمن حرکت نمایید.»

۶- هشیار بودن در برابر نقشه‌ها و شگردهای دشمن

به فرموده قرآن: هشیار بودن در برابر نقشه‌ها و شگردهای دشمن، و از جمله آنکه فریب پیشنهاد صلح خدعه‌آمیز دشمن را نخورند و با وجود مساعد بودن شرایط برای جنگیدن، پیشنهاد صلح ندهند؛ این مطلب از آیات ذیل به دست می‌آید.

- «وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانِصْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ۚ وَهَرَاكَ (با ظهور نشانه‌هایی)، از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، بطور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی‌دارد.» (سوره انفال آیه ۵۸)

- «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ ۗ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَغْمَالَكُمْ ۚ پس هرگز سست نشوید و (دشمنان را) به صلح (ذلت‌بار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی‌کند.» (سوره محمد ﷺ آیه ۳۵)

۷- بالا بردن سطح آگاهی و معرفت رزمندگان

بالا بردن سطح آگاهی و معرفت رزمندگان و تقویت انگیزه‌های متعالی در ایشان که تأثیر به‌سزایی در پیروزی دارد و حتی جبران کمبود نیروی انسانی را می‌کند چنان که از ذیل آیه ۶۵ از سوره انفال استفاده می‌شود.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ ۚ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ ۚ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۚ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند.»

۸- تقویت روح تقوی

تقویت روح تقوی و اطاعت از خدای متعالی و پرهیز از گناهان و هواهای نفسانی مخصوصاً در اموری که به نحوی ارتباط با مسائل جنگی پیدا می‌کند.

«وَكَايْنُ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَرُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛ چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد.» (سوره آل عمران آیه ۱۴۶)

۹- داشتن صبر و استقامت و احتراز از سستی و راحت طلبی

این شروط از آیه ۱۲۵ از سوره آل عمران و آیات ۶۵ و ۶۶ از سوره انفال، استفاده می‌شود.

«بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد.» (سوره آل عمران آیه ۱۲۵)

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۶۵)؛ الْآنَ خَفَّفُ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۶۶)؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند. (۶۵)؛ هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعفی است؛ بنابراین، هرگاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند؛ و اگر یکهزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد! و خدا با صابران است. (۶۶)»

۱۰- توکل و اعتماد بر خدای متعال

توکل و اعتماد بر خدای متعال و مغرور نشدن به نیروهای انسانی و امکانات مادی و تجهیزات نظامی و متقابلاً اعتماد بر اسباب ظاهری یکی از اسباب شکست مؤمنان به‌شمار می‌رود چنانکه

در آیه ۲۵ از سوره توبه اشاره شده است.

«لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ؛ خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید)؛ و در روز حنین (نیز یاری نمود)؛ در آن هنگام که فزونی جمعیتتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شده؛ سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید.»

۱۱- مداومت بر یاد خدا

مداومت بر یاد خدا با قلب و زبان، چنانکه در آیه ۴۵ از سوره انفال، توصیه شده است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می‌شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید.» (سوره انفال آیه ۴۵)

۱۲- دعا و استغاثه به درگاه الهی

دعا و استغاثه به درگاه الهی که در آیه ۱۴۷ از سوره آل عمران و آیه ۹ از سوره انفال، اشاره شده است.

«وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از تندرویهای ما در کارها، چشم‌پوشی کن! قدمهای ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان.» (سوره آل عمران آیه ۱۴۷)

«إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ؛ (به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر)، از پروردگارتان کمک می‌خواستید؛ و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یکهزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم.» (سوره انفال آیه ۹)

با رعایت کامل این شرایط است که سپاه اسلام، استحقاق پیروزی و نصرت الهی را پیدا می‌کند و در صورتی که اسباب ظاهری برای پیروزی فراهم نباشد خدای متعال به وسیله اسباب

غیبی، آنان را مدد خواهد کرد. (فیصل، ۱۳۶۸: ۲۲۸-۲۳۳)

فصل دوم



جهاد و دفاع در اندیشه امام خمینی

موضوع جهاد، جنگ و دفاع و به طور کلی راهبرد دفاعی در دین مبین اسلام دارای اهمیت و جایگاه والایی می باشد و در آیات و روایات بسیاری به این موضوع اشاره گردیده است. اما بنیان نظری راهبرد نظامی اسلام را ضرورت از یک سو و دفاعی بودن از سوی دیگر تشکیل می دهد و این موضوع مبناء و اساس اندیشه های حضرت امام خمینی علیه السلام در عرصه راهبرد دفاعی و جنگ در دوران جدید بوده است. چرا که آن حضرت تمامی تعلیم خویش را در این راستا از اسلام و نیز قرآن و سنت اخذ نموده است. انسجام و به هم پیوستگی نظام ارزش در تفکر امام امت، تجلی آشکاری در چگونگی شکل گیری اندیشه ایشان دارد. جهاد و دفاع در اسلام اهمیتی چند جانبه دارد که می توان برخی از آنها را به صورت ذیل بیان کرد:

- ۱- تقویت جوهره انسانیّت و آبدیده کردن روح انسان در حوادث و مشکلات؛
- ۲- بروز و ظهور عنصر شجاعت و مقاومت در انسان مؤمن و رفع رخوت ها و سستی ها؛
- ۳- رفع موانع از مسیر تکامل و رشد جامعه اسلامی و قطع طمع دشمنان در حمله به کشوری مقاوم و آماده دفاع؛
- ۴- وجوب شرعی جهاد و دفاع در کنار دیگر واجبات دینی به عنوان قوی ترین نمود انگیزه دفاعی در اقشار مختلف جامعه انسانی؛ امام خمینی علیه السلام در این خصوص می فرمایند: «همان طوری که ظلم حرام است، انظلام و تن دادن به ظلم هم حرام است. دفاع از ناموس مسلمین و جان مسلمین و مال مسلمین و کشور مسلمین یکی از واجبات است. ما داریم به این واجب عمل می کنیم.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۱۷)

در حوزه فقه اسلامی معمولاً دو نوع جهاد مترتب است؛ یعنی جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی که تعاریف آن هم در بخش دوم عنوان شد. امام در باب هر دو نوع جهاد نظریات مبسوطی ارائه کرده اند. در باب جهاد دفاعی که بخش اعظم اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام را تشکیل

می‌دهد، بیان می‌دارند: «جنگ برای استقلال کشور و دفع اجانب از آن است... قسم دوم از جنگ اسلامی که به نام دفاع اسم برده شده و آن [چگونگی] جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفاع، از اجانب است، به هیچ وجه مشروط به وجود امام یا نائب امام نیست و کسی از مجتهدین نگفته که دفاع را باید با امام یا جانشین آن کرد، بلکه بر تمام افراد توده واجب است [که] به حکم اسلام از کشور اسلامی محافظت کنند و استقلال آن را پابرجا نمایند.» (کشف اسرار، ۲۳۰-۲۲۹)

بنابراین ما در بحث جهاد دفاعی با حوزه بسیار وسیعی از مفاهیم اسلامی — سیاسی مواجه هستیم. مفاهیمی که هر یک حوزه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. این مفاهیم شامل اسلام، حفظ اسلام، و استقلال است.

در این بخش به بحث دفاع از نظر امام خمینی علیه السلام و اهداف جهاد دفاعی و جایگاه و اهمیت ویژه آن و همچنین دیدگاه ایشان به تهاجم کفر جهانی علیه ممالک جهان سوم و منجمله ملل اسلامی و تهاجم استکبار جهانی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و دفاع همه جانبه در برابر تهاجم دشمنان پرداخته و در جای دیگر، صلح به عنوان یک اصل مهم قرآنی و دینی و نقش آن در ثبات امنیت و عوامل معنوی و نقش آنها در پیروزی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲،۱- امام خمینی علیه السلام و اهمیت دفاع

دفاع در حقوق اسلامی و در فقه سیاسی اسلام یک اصل مسلم می‌باشد. امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسیله در باب دفاع بیان می‌دارند:

مسئله ۱- اگر دشمنی که از او بر اساس اسلام و اجتماع مسلمین ترس باشد، بلاد مسلمین و یا مرزهای آن را مورد هجوم قرار دهد، بر مسلمانان واجب است که از آن به هر وسیله‌ای که ممکن است با بذل مال و جان دفاع نمایند. (تحریر الوسیله (ترجمه فارسی)، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۵۵۱)

مسئله ۲- این دفاع، مشروط به حضور امام علیه السلام و اذن او یا اذن نایب خاص یا عام او نیست. پس بر هر مکلفی بدون هیچ قید و شرطی واجب است به هر وسیله‌ای که باشد، دفاع نماید. (همان)

« جنگ خیلی خوب است از یک جهت و آن این است که انسان را شجاعتی که در باطن انسان است، بروز می‌دهد و تحرک برای انسان حاصل می‌شود، انسان از آن خمودی بیرون می‌آید. » (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۵۰-۲۴۹)

« جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است. » (همان، ج ۱۳، ص ۲۴۳)

همچنین امام خمینی رحمته الله علیه جنگ و دفاع را ابزاری می‌داند که با آن موانع از سر راه رشد و تکامل جوامع اسلامی برداشته می‌شود: « این یک رحمتی است، صورتش را انسان خیال می‌کند که کشتار است، لکن واقعش بیرون کردن یک موانعی از سر راه انسانیت است. » (همان، ج ۱۵، ص ۴۹۳)

مخصوصاً کشوری که انقلاب اسلامی کرده است و اجرای احکام نورانی اسلام را در همه زمینه‌ها هدف قرار داده است، دفاع و جهاد برای او تکلیفی شرعی و الهی می‌شود و صرف نظر از تأثیرات فردی و اجتماعی، باید آن را به عنوان یک تکلیف شرعی مورد توجه قرار دهد. امام خمینی رحمته الله علیه در این مورد چنین فرموده‌اند: «آحاد مردم یکی‌یکی‌شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی؛ یک واجب عینی، اهم مسائل واجبات دنیا اهم است از نماز اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه این حفظ اسلام است، نماز فرع اسلام است، تکلیف برای همه ماست. » (همان، ج ۱۹، ص ۴۸۶)

هرگاه دشمنی بر سرزمین‌های مسلمین و یا به مرزهای آنها حمله آورد که ترس از بین بردن اصل اسلام و جامعه اسلامی از آن برود بر همه مسلمین واجب است با هر وسیله ممکن به دفاع برخیزند و در این راه از بذل مال و جان دریغ نکنند و در وجوب دفاع، حضور امام علیه السلام و اذن او و همچنین اذن نائب خاص یا نائب عام آن حضرت شرط نیست. بنابراین بر هر مکلفی با هر وسیله‌ای بدون قید و شرط دفاع واجب است. (تحریر الوسیله (ترجمه فارسی): ج ۱ ص ۵۵۱)

مسئله دفاع و اهمیت آن محدود به مقطع خاصی از زمان نمی‌باشد. شاید تصور شود که بیانات امام خمینی رحمته الله علیه در مورد دفاع تنها در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مطرح بوده و با خاتمه جنگ پایان می‌یابد و رسالت جمهوری اسلامی، مردم سلحشور ایران، ارتش و سپاه نیز با دفع تجاوز و عقب راندن دشمن متجاوز به پایان رسیده است و تا آغاز تهاجم احتمالی

دیگر وظیفه‌ای به عهده آنان نیست! در حالی که با اندک دقتی می‌توان بعد جهانی بودن و ابدی بودن امر دفاع را در اندیشه‌های والای رهبر فقید جمهوری اسلامی به وضوح دید. دفاع از اسلام و مسلمین، دفاع از محرومان و مستضعفین، آرمان امام امت بوده و به آن چشم دوخته بودند. جهت تبیین این مطلب به فرازهایی از بیانات امام خمینی اشاره می‌کنیم: «ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.» (صحیفه امام، ج ۲۱ ص ۸۷-۸۶)

«ما ایستاده‌ایم در مقابل دفاع از کشور خودمان و دفاع از اسلام عزیز در مقابل هر مهاجم، مهاجم می‌خواهد ابرقدرت باشد، می‌خواهد قدرت کم، فرقی در نظر ما نیست... مادامی که در حال دفاع هستیم، با هر قدرتی که بخواهد حمله بکند بر ما، مقابله می‌کنیم و هیچ هراسی نداریم، غایت امر این است که در راه خدا شهید شویم و این غایت آمال جوان‌های ماست.» (صحیفه امام، ج ۱۷ ص ۴۰۲)

امام خمینی (علیه السلام) حتی پس از پذیرش قطعنامه به همه نیروها هشدار داده و آنان را به آماده بودن برای دفاع فراخواندند: «ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم و ملت ما هم نباید فعلاً مسأله را تمام شده بدانند... نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشمنان غافل بمانند و در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد... مردم ما باید خطر تهاجم جهان‌خواران در شیوه‌ها و شکل‌های مختلف را جدی‌تر بدانند و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطن استکبار و عراق به مأموریت‌های خود ادامه دهند.» (همان، ج ۲۱ ص ۹۴)

حضرت امام خمینی (علیه السلام) در پاسخ به این سؤال که «جنگ تدافعی تا چه زمانی باید ادامه یابد؟» می‌فرماید: اینهایی که گمان می‌کنند که اسلام نگفته است: جنگ، جنگ تا پیروزی، اگر مقصودشان این است که در قرآن این عبارت نیست، درست می‌گویند و اگر مقصودشان این است که بالاتر از این زبان خدا نیست اشتباه می‌کنند. قرآن کریم درسوره بقره، آیه ۱۹۳ می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ؛ با آنها بجنگید تا فتنه و شرکی باقی نماند و آیین همه، آیین خدا باشد.» (ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۱۳-۱۱۲)

۲،۲- ضرورت دفاع

دفاع و ضرورت آن در اسلام به عنوان یکی از موارد مهمی است که خیلی از اندیشمندان جهان اسلام و از جمله امام خمینی علیه السلام توجه دقیقی به آن داشته‌اند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: « نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیب مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه‌دار نمایند.» (صحیفه امام، ج ۲۱ ص ۹۰)

امام خمینی علیه السلام جای دیگر می‌فرماید: « پس راهی جز مبارزه نمانده است و باید چنگ و دندان ابرقدرت‌ها و خصوصاً آمریکا را شکست و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت، یا پیروزی، که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است که انشاءالله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاست‌های حاکم و ظالم جهان خواران و نیز جسارت ایجاد داربست‌هایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطاء فرماید، و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شکوت همراهی نماید.» (ج ۲۱، ص ۸۳)

«جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادیمان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.» (همان، ج ۲۱، ص ۸۷)

۲،۳- تهاجم همه جانبه کفر

بررسی تراژدی خفت بار و واقعه موحدش تهاجم گسترده کفر جهانی بر پیکره ملت اسلام، وقت و فرصتی بسیار فراتر از این گفتار می‌طلبد، در اینجا به تفصیل انواع تهاجم کفر جهانی و اقدام لازم در برابر این گونه تهاجم‌ها را با اشاره‌ای گذرا و به شرح زیر توضیح می‌دهیم:

۱- تهاجم سیاسی

اولین و مهم‌ترین مطلب، تهاجم سیاسی و به‌دست گرفتن ولایت و سرپرستی مسلمین از طریق دست‌نشانده‌گان و سرسپردگانی است که در لباس و ظواهر خودی نقشی جز پاشیدن بذر و رشد و نمو نهال و پروریدن درخت بیگانه در سرزمین ملی خویش ندارند. اینان مأمورند تا به حمایت

از حامیان قلدر و زورگوی خود و با استقرار عناصر هم‌رنگ و نظام مدیریتی همساز با کفر جهانی، هر فریاد حق طلبی و هر حرکت مخالف با ظالمان بین‌المللی را خفه کرده و جامعه تحت سلطه خود را به مرداب سکون و سکوت پروری اجنبی مبدل سازند.

تحقق مأموریت این مزدوران پیمان‌بسته با بیگانان زورگوی جهانی تنها در صورتی ممکن است که تمامی تحرکات داخلی خود را با سیستم‌های پیش ساخته بین‌المللی و قوانین دیکته شده جهانی هماهنگ و همراه سازند. در این تفسیر نوین از آزادی عقاید، هر کس آزاد است که عقاید و سننش را در درون خودش محترم شمارد، اما موظف است در ارتباط با دیگران در سایه تبعیت از سازمان‌ها و روابط بین‌المللی آنها را دخالت نداده و همگام با دیگران مجری و مؤید اصول، معیارها و ضوابطی باشد که مجموعه را به سمت افزایش «بهره‌وری مادی» سوق می‌دهد!

بنابه تصریح هدف چهارم از مادهٔ اول منشور سازمان، این قوانین، نهایتاً قوانینی است که جهت هماهنگ ساختن اقدامات ملت‌ها برای نیل به هدفهای تعیین شده و معین در سازمان تعیین شده است و به عبارتی روشن‌تر برای یکپارچه کردن دنیا و «ایجاد نظم نوین جهانی» است. ایجاد نظم نوین بدین معنا که همه دنیا را با حذف گرایشات، تصمیمات، وابستگی‌های قومی و منطقه‌ای، مکتبی و مذهبی، بسان محلات یک شهر، تحت یک مدیریت واحد پیوند داده و کلیه سیستم‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هر کشور هماهنگ با سایر ملل براساس قوانینی که کیفیت بهره‌وری و لذت‌جویی از امکانات و پرستش عمیق‌تر و ظریف‌تر بت مادی را سهولت و سرعت داده و منافع حاکمان و تنظیم‌کنندگان این نظم جدید را بیش از پیش فزونی بخشد، اداره شود. این تنها نمودی از تهاجم سیاسی کفر علیه اسلام است. (سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۷، ج ۲ ص ۵۰۸-۵۰۶)

امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «راستی کدام انسان عاقلی است که بت پرستی جدید و مدرن را در شکل‌ها و افسون‌ها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه‌ای که بت‌خانه‌هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده‌اند، خبر نداشته باشد.» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۷)

۲- تهاجم فرهنگی

از مهم‌ترین مسائلی که امام خمینی علیه السلام از اولین مراحل آغازین انقلاب اسلامی بدان توجه نموده و تا آخرین فرصت‌های حیات نجات بخششان ملت را نسبت به آن هشدار دادند، جریان «تهاجم فرهنگی» کفر بود: امام راحل در این مورد می‌فرمایند: «بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است. بی‌جهت باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است. اتفاقی نیست که مراکز تربیت و تعلیم کشورها و از آن جمله کشور ایران از دبستان تا دانشگاه مورد تاخت و تاز استعمارگران خصوصاً غربیها و اخیراً آمریکا و شوروی قرار گرفت.» (همان، ج ۱۵، ص ۲۴۳)

مگر نه این است که هر مرکز پژوهشی یا آموزشی مستقیماً به یک سازمان یا شرکت بزرگ سرمایه‌داری وابسته است و از آنجا خط می‌گیرد؟ مگر نه این است که برپائی کرسی اسلام‌شناسی برای از بن کندن اسلام است و دزدیدن با چراغ؟ و مگر نه این است که رهبری انقلاب بارها هشدار دادند که: «سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملت‌ها را بازیچه هوس‌ها و شهوت‌ها نموده‌اند.» (همان، ج ۲۰، ص ۳۱۶)

۳- تهاجم اقتصادی

شاید بتوان گفت که روشن‌ترین چهره تهاجم کفر جهانی علیه ممالک جهان سوم و منجمله ملل اسلامی، تهاجم اقتصادی است که نمود آن را می‌توان در ابزار و امکانات روزمره فردی و اجتماعی و سیستم‌های تأمین‌کننده نیازهای مادی مشاهده نمود.

وصول به میزان تهاجم محقق شده اقتصادی، به درک و فهم میزان حضور و نفوذ آنان در

سازمان‌ها و سیستم‌های اقتصادی اداره‌کننده جوامع تحت اسارت باز می‌گردد، که رفته رفته مجموعه مقدرات اعم از انسانی و غیر انسانی، این کشورها را در جهت «ایجاد و رشد مداوم سرمایه» و تبدیل نمودن همه آنچه که بتواند به حساب آید و به صورت ابزاری در سمت و سوی «افزایش بهره‌وری مادی» سامان داده‌اند.

امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «عملاً بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده‌اند و حق تصمیم‌گیری در مسایل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و علی‌رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمین‌های حاصلخیز جهان و آب‌ها و دریاها و جنگل‌ها و ذخائر، به فقر و درماندگی گرفتار آمده‌اند. باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملت‌ها را بازیچه هوس‌ها و شهوت‌ها نموده‌اند چه باید کرد.» (صحیفه امام، ج ۲۰ ص ۳۳۹ و تقریرات فلسفه، ج ۳، ص ۳۷۴)

۴- دفاع در برابر تهاجم

اینک باید پرسید، در برابر تهاجمی چنین وسیع و گسترده چه باید کرد؟ امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «دول استکباری شرق و غرب و خصوصاً آمریکا و شوروی عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرت‌ها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین‌المللی می‌دانند اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده‌اند هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد. همه قوانین و مقررات و فرمول‌ها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام‌های دست‌نشانده‌گان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۹)

«اصل دفاع یک اصل تکوینی و پذیرفته شده‌ای است که در عالم خلقت به‌صورت بالقوه در اکثر موجودات مختلف مشاهده می‌شود و در هر گروهی با ابزارهای متنوعی که دارند عمل دفاع را از حالت بالقوه به‌صورت بالفعل درآورده و از خود دفاع می‌کنند، در بعضی از حیوانات با نیش‌زدن، در گروهی دیگر با ترشح سم یا با چنگ و دندان و حتی با در گروهی با عمل فرار در مقابل مهاجم بنوعی عمل دفاع را انجام می‌دهند. در انسان نیز عمل دفاع با مکانیسم‌های

مختلفی انجام می‌شود که در مرحله اول با کمک ابزار عقل و اندیشه و در مرحله بعدی با استفاده از تکنولوژی به‌وجود آمده از فکر بشر عمل دفاع از حالت بالقوه آن بصورت بالفعل در می‌آید، البته نوع دفاعی که انسان انجام می‌دهد در اصل دفاع از خود و ارزش‌های هویتی او می‌باشد و دفاع از ارزش‌های انسان به‌عنوان یک اصل مهم و پذیرفته شده‌ای است که می‌توان گفت این اصل در بین تمام انسان‌ها مشترک است، اما در این بین دفاع از ارزش‌های دینی مهم‌تر از سایر ابعاد آن است، به عبارتی دیگر در فرآیند دفاع، عمل دفاع کردن از بعد معنوی با ارزش‌تر از بعد مادی آن است، هر چند ابعاد دفاع در انسان نسبت به سایر موجودات از گستردگی بیشتری برخوردار است، اما دفاعی از ارزش بالاتر برخوردار است که به دفاع بعد معنوی انسان منتج شود.

دفاع و جنگ در منظر امام خمینی رحمه الله علیه هم از اهمیت والایی برخوردار است. در این حالت امام رحمه الله علیه دفاع را پرورش دهنده جوهر انسانیت، و مایه بروز شجاعت در انسان می‌دانند: «جنگ خیلی خوب است از یک جهت و آن این است که انسان را، شجاعتی که در باطن انسان است بروز می‌دهد و تحرک برای انسان حاصل می‌شود. انسان از آن خمودی بیرون می‌آید.» (همان، ج ۱۳، ص ۲۵۰-۲۴۹)

در عین حال امام رحمه الله علیه جنگ و دفاع را ابزاری می‌دانند که به‌وسیله آن، موانع رشد و تکامل جامع اسلامی از سر راه آنان برداشته می‌شود. امام خمینی رحمه الله علیه در این مورد می‌فرمایند: «این یک رحمتی است، صورتش را انسان خیال می‌کند که کشتار است، لکن واقعش بیرون کردن یک موانعی از سر راه انسانیت است.» (همان، ج ۱۵، ص ۴۹۳)

۲،۴- اهداف جهاد دفاعی در اندیشه امام خمینی رحمه الله علیه

هر چند امام خمینی رحمه الله علیه در طول دوران ده ساله رهبری انقلاب اسلامی در قالب یک نظام حکومتی، هرگز فرصت تدوین اندیشه‌های خود را نداشتند و آنچه از ایشان در دست داریم مجموعه رهنمودهایی است که در مقاطع مقتضی به مناسبت رویدادهای مختلف بیان فرموده‌اند، لکن مطالعه و بررسی علمی همین مطالب غیر مدون، از انسجام و پیوستگی روشنی حکایت دارد. (مجلسی، ۱۳۸۸: ۱۷۱) عمده‌ترین اهداف جهاد دفاعی از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله علیه را به شرح زیر می‌توان بیان نمود:

۱- حفظ اسلام

از اهداف مهم جهاد دفاعی، حفظ موجودیت اسلام است؛ بدون انگیزه و توان دفاعی، حفظ اسلام عملاً ممکن نیست. چنان که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ مَا قَامَ هَذَا الدِّينُ إِلَّا بِالسَّيْفِ ؛ همه خوبی‌ها در شمشیر است و این دین (اسلام) جز با شمشیر استوار نگردیده است.» (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۰۸)

بدیهی است شمشیر نماد توان دفاعی جامعه اسلامی است. در صدر اسلام با قدرت گرفتن مسلمانان در مدینه، حقیقت دین آشکار گردید؛ اما در دورانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مکه بود، علی‌رغم سختی و مشکلاتی که متحمل شد، به دلیل عدم قدرت دفاعی در نشر رسالت توفیق چندانی نداشته است. پس قوام اسلام بر توان دفاعی مسلمانان استوار است.

بینش امام خمینی (علیه السلام) که مبتنی بر آیات و روایات است، در امور دفاع از اسلام، از سیاست و تدبیر ائمه معصومین (علیهم السلام) پیروی می‌کند و در همین راستا امام خمینی (علیه السلام) می‌فرماید: «آنچه من به ملت خودمان می‌خواهم بگویم، این است که ملت ما باید متوجه باشد که اسلام است و قضایای اسلام در کار است و ما تبع اسلام داریم جنگ می‌کنیم، دفاع می‌کنیم و به واسطه اسلام داریم دفاع می‌کنیم.» (همان، ج ۱۳، ص ۲۵۰)

از آنجا که اسلام در نظام جمهوری اسلامی تبلور یافت، امام خمینی (علیه السلام) حفظ نظام را برای آحاد مسلمانان واجب عینی می‌داند: «آحاد مردم یکی‌یکی‌شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی، اهم مسائل واجبات دنیا، اهم است از نماز اهمیتش بیشتر است.» (همان، ج ۱۹، ص ۴۸۶)

بنابراین حفظ نظام جمهوری اسلامی، فراتر از حوزه نظامی است و همه مسلمانان به‌عنوان یک تکلیف شرعی، باید در قلمرو فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به دفاع از اسلام برخیزند و این امر از مصادیق دفاع همه جانبه است.

۲- دفاع از مسلمین

هدف دیگر جهاد دفاعی، دفع تجاوز و ستم از مسلمانان است؛ خواه متجاوز کفر باشد و خواه مسلمان، اگر متجاوز کافر و غیرمسلمان باشد، بر همه مسلمانان فرض است که برای دفاع از مظلوم به دفع تجاوز قیام کنند. به طوری که دفاع از مسلمانان در فلسطین اشغالی، از سوی امام راحل به عنوان یک استراتژی ثابت و پایدار برای مسلمانان تبیین شده است.

اما اگر متجاوز یک طایفه یا یک ملت مسلمان باشد، در اینجا بر همه مسلمین لازم است نخست به اصلاح بین دو گروه مسلمان بپردازند و چنانچه اصلاح ممکن نشد، باید با گروهی جهاد کنند که تجاوز را آغاز کرده است.

قرآن کریم در این مورد و در سوره حجرات، آیه ۹ می‌فرماید: «وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَجَاهِدَا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِي إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ؛ هرگاه دو طایفه از مؤمنان با یکدیگر به جنگ پرداختند، آنها را با هم آشتی دهید، اما اگر یکی از آن دو گروه، بر دیگری به ظلم و ستم تاختن آورد، با گروه باغی مقاتله کنید تا به فرمان خداوند بازگردد و تسلیم شود.»

بنابراین باغی کسی است که تجاوز را علیه مسلمانان آغاز کند و نصیحت‌ها و وساطت‌ها، در منع او از تجاوز مؤثر واقع نشود. در این صورت مسلمانان باید با او مقاتله کنند تا تسلیم امر حق شود و دست از تجاوز بردارد. امام خمینی علیه السلام بر اساس همین آیه قرآن، در رابطه با جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه ایران اسلامی فرمودند: «بر کدام مملکت اسلامی پوشیده است این معنا که صدام به مابغی کرده است و طغیان کرده است و ظلم کرده است و هجوم کرده است... در عین حالی که می‌بینند که او طغیان کرده است و هجوم کرده است بر یک مملکت اسلامی، بدون جهت، بدون یک حجت، با او اعلام موافقت می‌کنند یا بعضی پشتیبانی می‌کنند... بر همه دولت‌های اسلامی به نص قرآن واجب است که مقاتله کنند با دولت عراق تا برگردد به ذکر خدا و به امر خدا.» (همان: ج ۱۳، ص ۲۷۶)

۳- دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان

یکی از اهداف جهاد دفاعی، دادرسی و حمایت از مستضعفین است. مسلمانان تنها در برابر حقوق مسلمانان مسئول نیستند، بلکه دفاع از مستضعفان و نجات آنها از چنگال ظلم و ستم از

وظایف مهم آنان است.

چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: (سوره نساء، آیه ۷۵): «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید و چرا برای آزادی مردان و زنان و کودکان مستضعفی که می‌گویند: «خداوند! ما را از این وادی ستمگران خارج ساز و برای ما از جانب خود ولی و یابری قرار ده، تلاش و کوشش نمی‌نمایید؟»

امام خمینی علیه السلام استشهد به این آیه می‌فرماید: «شما مسلمان‌ها نباید از این مردم بی‌دفاع «عراق» دفاع بکنید؟ شما اسلام شناسان نباید دفاع از حق مسلمین کنید؟ دیوار دور اسلام می‌کشید؟ ما در اقصی بلاد دنیا اگر یک کسی بهمان بگوید که «یا للمسلمین» ما موظفیم که به درد آنها برسیم.» (همان، ج ۱۹، ص ۲۳۰)

۴- جنگ تا رفع فتنه در عالم

هدف دیگر جهاد دفاعی، مقابله با فتنه‌انگیزان در عالم اسم؛ یعنی، تا زمانی که کانون فساد و فتنه‌انگیزی در جهان فعال است و آتش افروزان شعله بر خرمن هستی انسان‌های بی‌دفاع می‌کوبند، دفاع در برابر آنها وظیفه هر انسان آزاده، به‌ویژه مسلمانان است. هشدار بزرگ قرآن کریم در سوره بقره، آیه ۱۹۳ در این باره چنین است: «قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ؛ با آنها بجنگید تا فتنه و شرکی باقی نماند و آیین همه، آیین خدا باشد.»

امام خمینی علیه السلام براساس این آیه قرآن « قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ، همه بشر را دعوت می‌کند به مقاتله برای رفع فتنه؛ یعنی «جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم.» (همان، ج ۱۹، ص ۱۱۳)

همچنین در قرآن کریم هشدار می‌دهد که اگر به فتنه در عالم قیام نشود، آتش آن دامنگیر همه خواهد شد. از این جهت، تنها پیروزی کفایت نمی‌کند؛ بلکه باید ریشه فتنه و فساد خشکانده شود: «إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ

کَبِيرٌ؛ اگر چنین نکنید، روی زمین را فتنه خواهد گرفت و فساد بزرگی به راه خواهد افتاد.» (سوره انفال، آیه ۷۳)

از این رو امام خمینی رحمته الله علیه دفاع را تا رفع کامل فتنه ضروری می‌داند: آنچه قرآن می‌گوید، تنها «جنگ جنگ تا پیروزی» نیست؛ بلکه «جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم» است. (همان)

۵- دفاع در برابر استیلای سیاسی بیگانگان

هدف دیگر جهاد دفاعی، ایستادگی در برابر استثمار و باج‌خواهی قدرت‌های بیگانه است. زیرا نفوذ و سلطه بیگانگان، عزت و شرف کشورهای تحت سلطه را پایمال می‌کند و به هیچ روی، هویت ملی و استقلال سیاسی برای آنان قائل نیست. نگاهی به وضعیت سیاسی کشورهای وابسته، همواره این واقعیت را آشکار می‌سازد. قرآن کریم در این مورد در سوره بقره، آیه ۲۱۷ می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَزُدَّ وَكُم عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا؛ دشمنان همواره با شما مقاتله می‌کنند تا اگر بتوانند شما را از دینتان بازگردانند.»

از این رو امام خمینی رحمته الله علیه مبارزه دائمی و همه جانبه با کفر و استکبار جهانی را از اهداف استراتژیک نظام جمهوری اسلامی در سیاست خارجی دانسته، سازش با آنان را از محالات می‌داند: «کسی تصوّر نکند که ما راه سازش با جهان‌خواران را نمی‌دانیم؛ ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند... آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست، سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است که اگر بندگان استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتش‌مان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان نامه کفر و شرک را امضاء نمی‌کنیم.» (همان، ج ۲۱، ص ۹۸)

۶- دفاع از وحدت کشورهای اسلامی

امام خمینی رحمته الله علیه همواره خواهان تشکیل جبهه واحد علیه دشمنان مشترک اسلام و کشورهای اسلامی است. ایشان وحدت واقعی بین دولت‌های اسلامی را، ضامن بقای اسلام و عزت و شرف مسلمانان می‌داند و ریشه همه نابسامانی‌ها و سوء استفاده قدرت‌های بیگانه در بلاد اسلامی را، ناشی از اختلاف و عدم اتحاد مسلمانان ارزیابی نموده، و در همین راستا امام راحل می‌فرماید:

«آنان مرزی جز عدول از همهٔ هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفتهٔ قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی‌دارند. مگر این که شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم، چه نخواهیم، صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیب‌مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند.» (همان، ج ۲۱، ص ۹۰)

امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «برای چندمین بار به دولت‌های اسلامی، خصوصاً دولت‌های منطقه روی کرده و از آنان می‌خواهیم و قاطعانه به آنان تذکر می‌دهیم که برای حفظ شرف و جان و ناموس و مال ملت‌های اسلامی به پا خیزند و با ما و دولت سوریه و فلسطینی‌ها متحد شده و در صف واحد، از عزت و شرف اسلام و عرب دفاع کنند و برای همیشه دست این جنایتکاران را از کشورهای زرخیز خود قطع نمایند.» (همان، ج ۲۰، ص ۲۴۳)

البته منظور امام خمینی علیه السلام از تشکیل جبههٔ واحد بین دولت‌های اسلامی، وحدت صوری و ظاهری نیست؛ بلکه نیل به یک احساس مشترک قلبی و درد و داغ واقعی دفاع از حقوق مسلمین است که قوام و جوهر جبهه متحد اسلامی خواهد بود. مولای متقیان علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا غَنَاءَ فِي كَثَرِهِ عَدَدِكُمْ مَعَ قِلَّةِ اجْتِمَاعِ قُلُوبِكُمْ؛ بدانید که هرگز تعداد بسیار شما در صورتی که همدلی و پیوستگی قلب‌هایتان اندک باشد، سودی به حال شما نمی‌بخشد.» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۹)

بدین ترتیب اگر دولت‌های اسلامی همدل و همدرد بودند، فلسطین مظلوم این گونه در چنگال رژیم اشغالگر قدس غاصب گرفتار نبود، و اگر درد و رنج آوارگی و ضجهٔ زنان و کودکان فلسطینی را با دل احساس می‌کردند و بدین حد در برابر جنایات رژیم اشغالگر قدس بی‌تفاوت نبودند، تاکنون بارها رژیم اشغالگر قدس را از صحنهٔ گیتی محو و نابود کرده بودند.

۷- دفاع از حق و عدالت

دین اسلام طبیعتی جهانی دارد و مخاطبین آن، همهٔ انسان‌های جهانند. این جهان شمولی به دلیل مؤلفه‌هایی است که موجودیت اسلام را تشکیل می‌دهند. از جملهٔ این مؤلفه‌ها، دعوت عمومی به حق و عدالت است. ممکن نیست که بنیان نظامی، اسلامی باشد، اما از حق و عدالت دم برنیآورد. بنابراین وظیفهٔ مسلمانان سراسر جهان، دعوت عمومی به حق و عدالت و نیز دفاع از حریم حق و عدالت است. چنانچه مولای متقیان علی علیه السلام می‌فرماید:

« فَإِنَّ جِهَادَ مَنْ صَرَفَ عَنِ الْحَقِّ رَغْبَةً عَنْهُ وَهَبَ فِي نَعَاسَى الْعَمَى وَالضَّلَالِ إِيخْتِيَارًا، فَرِيضَةً عَلَى الْعَارِفِينَ وَإِنَّا قَوَّهِمُنَا بِالْمَسِيرِ ؛ جهاد با کسی که از راه حق دوری گرفته و به اختیار خود به سراشیابی نابینایی و گمراهی فرو افتاده، بر پیروان حق لازم است. ما برای این کار کمر همت بسته ایم. » (مستدرک نهج البلاغه، ص ۱۳۲)

به طوری که ملاحظه می شود، علی علیه السلام جهاد را برای هدایت مردم از ضلالت و گمراهی به سوی حق و عدالت، کاری پسندیده می داند. لازمه این کار نیز مقابله با ظلم و جور و سرنگونی پرچم جهل و ضلالت است.

از این جهت، آنچه که در خلال هشت سال دفاع مقدس برای رهبر کبیر انقلاب و ملت شهیدپرور ایران مهم بود، شناسایی و تنبیه متجاوز بوده است. از این رو امام راحل در باره تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران فرمودند: «ملت ما در مقابل حق و عدالت تسلیم است؛ چنانچه در مقابل ظلم و جور ایستاده است؛ ما انتظار داریم تا هیئتی به تجاوزات و جنایات رسیدگی کامل نماید و ظالم و متجاوز را معرفی نموده و با آن طوری عمل کنند تا عبرتی برای متجاوزان به حقوق بشر گردد و با این شیوه نیز می توان صلح و آرامش را به جهان برگرداند.» (همان، ج ۱۴، ص ۲۵۲)

۸- دفاع از منافع بین المللی جهان اسلام

امام خمینی علیه السلام دفاع از منافع بین المللی ملت های مسلمان را در رأس اهداف دفاعی قرار می دهد و برای آن اهمیت خاصی قائل است. ایشان مهم ترین منافع بین المللی جهان اسلام را موارد زیر می داند:

- الف - دفاع از ملل مسلمان در برابر ظلم و تجاوز
- ب - دفاع از ذخایر زمینی و اقتصادی و قطع زیاده خواهی و طمع کشورهای سلطه گر.
- ج - دفاع از دعوت جهانی مبارزه علیه دشمنان مشترک اسلام.
- د - دفاع از آزادی و استقلال سیاسی و فرهنگی کشورهای اسلامی.
- هـ - دفاع از وحدت و همبستگی کشورهای اسلامی.
- و - دفاع از مراسم دینی - سیاسی حج ، به عنوان مظهر قدرت دینی جهان اسلام و انزجار از استکبار جهانی در قالب « فریاد برائت از مشرکین » (سهرابی، ۱۳۸۶ : ۱۶۷-۱۶۶)

به همین دلیل امام راحل در فرمان برائت از مشرکین فرمودند: «فریاد برائت ما، فریاد برائت همهٔ مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن آمریکا و حضور سلطه‌طلبانهٔ آن را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند صدای خشم و نفرتشان، برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسل‌ها باشند.» (همان، ج ۲۰، ص ۳۱۸)

همچنین ایشان، راه حفظ منافع بین‌المللی جهان اسلام و قطع دست‌های سلطه‌گر را، عمل به قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و الگوگیری از شیوهٔ پیشوایان دین می‌داند و در این مورد می‌فرماید: «آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ‌آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین - علیه السلام - احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شدهٔ صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاست گذاران کرم‌لین یا واشنگتن، دستورالعمل برای ممالک اسلامی صادر کنند؟» (همان، ص ۳۳۷)



۲،۵- صلح از دیدگاه امام خمینی

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دین مقدس اسلام در باب جنگ و دفاع مسأله «صلح» است. قرآن مجید به صورت کلی فرموده است: «والصلح خیر...» (سوره نساء آیه ۱۲۸)، یعنی همیشه صلح بهتر از جنگ و نزاع است. و به مسلمانان دستور داده شده که اگر دشمن برای صلح و آشتی تمایل داشت شما نیز انعطاف داشته و از آن استقبال کنید:

«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح در آی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست.» (سوره انفال آیه ۶۱)

این آیه می‌فرماید اگر دشمنان شما تمایل به خاتمه جنگ و تسلیم شدن داشتند شما نیز دست از جنگ و خونریزی برداشته و مسالمت را بپذیرید. و سپس دستور می‌دهد که توکل بر خدا داشته باشید.



امام خمینی (رحمة الله علیه) با توجه به اینکه همیشه خواهان وحدت بین مسلمین بود، طبیعتاً صلح هم یکی از زوایای اندیشه دفاعی ایشان بود، ولی در افکار ایشان این مطلب به این معنی نبوده که یک جنایتکاری مانند صدام حسین بعد از اینکه به ملت مسلمان ایران تجاوز کرده و

خسارات هنگفتی به مملکت اسلامی ایران وارد کرده و در حالتی که بر اثر حملات نیروهای رزمنده ما در جبهه‌ها، موقعیت آنها را به شکست واقعی نزدیک کرده و آنها را در موقعیت استیصال قرار داده‌اند، عاجزانه تقاضای صلح نماید و تمام آن جنایات و خساراتی را که به‌بار آورده را در پشت‌پرده صلح‌طلبی قرار دهد.

همچنین می‌توان ادعا کرد در دین اسلام اصل بر صلح و پرهیز از جنگ است و مسلمانان موظف هستند که از صلح استقبال نمایند. جنگ تنها ضرورتی است که برای دفع دشمن و دفع تهاجمات می‌باشد.

سیره و روش امام خمینی علیه السلام این بود که حداکثر تلاش خود را بنماید که جنگ واقع نشود. ایشان از جنگ استقبال نمی‌کرد. اما این به معنی ترس و هراس و واهمه داشتن از جنگ نیست، بلکه به معنای آن است که تلاش شود تا جنگ محقق نشود، ولی اگر جنگ پیش آید. امام خمینی علیه السلام هیچ خوف و ترسی از آن نداشته و به دفاع و دفع تجاوز دشمن اهتمام فراوان داشت.

امام خمینی علیه السلام بر اساس همین بینش و اندیشه می‌فرمایند: «ما به تبع اسلام، با جنگ همیشه مخالفیم و میل داریم که بین همه کشورها آرامش و صلح باشد؛ لکن اگر جنگ را بر ما تحمیل کنند، ما تمام ملتمان جنگ‌جوست.» (همان، ج ۱۳ ص ۲۶۱)

در طول دفاع مقدس تلاش امام خمینی علیه السلام همیشه بر این بوده که کمترین تلفات انسانی رخ بدهد و همیشه این را یک اصل مهم دینی و وظیفه اخلاقی دانسته و به فرماندهان جنگ گوشزد می‌کرد که مبدا بی‌جهت کسی کشته شود. افراد بی‌گناه مانند زنان، پیرمردان، کودکان و افراد غیرنظامی دشمن باید از تعرض مصون باشند و آسیبی به آنان نرسد. وقتی نیروهای نظامی دشمن چون با زور و اجبار به جبهه آورده شده‌اند، تلاش شود کمتر کشته شوند یا زخمی گردند.

امام خمینی علیه السلام نسبت به مسأله پذیرش صلح یا آتش‌بس نیز معتقد بود که صدام و حامیان او وقتی ادعای صلح یا آتش‌بس می‌کنند ولی صادق نیستند و آنها تنها مهلت برای تجدید قوا پیدا کردن صدام می‌خواهند و به همین جهت امام خمینی علیه السلام این پیشنهاد آنان را نمی‌پذیرفت. شاهد صدق دیدگاه امام خمینی علیه السلام آن است که در پایان جنگ پس از پذیرش

قطعهنامه ۵۹۸ توسط ایران، باز صدام مجدداً دست به تهاجم به ایران زد. بنابراین اگر دشمن واقعاً جنگ را رها کند و صلح واقعی بخواهد، امام خمینی علیه السلام از آن استقبال می‌نمود. ولی مشکل این بود که دشمن بعثی صداقت نداشت و واقعاً صلح را نمی‌خواست. از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که طبق آیات شریفه قرآن و قاموس فکری امام علیه السلام همیشه اصل بر صلح و عدم تجاوز و پرهیز از جنگ و خونریزی است. تا جایی که امام راحل در مورد نهی از جنگ می‌فرمایند: «اگر ما قدرت داشتیم، اساساً باروت را از بین می‌بردیم» و البته عکس آن را هم برای جنگ فرموده است و می‌فرمایند: «اگر ما قدرت داشتیم تا مسکو هم پیش می‌رفتیم» یعنی اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام دو بال دارد، یک بال آن صلح و صلح‌طلبی است و یک بال دیگر اندیشه ایشان جنگ و مقابله با تجاوز و دفاع می‌باشد. یعنی وقتی دشمن حمله می‌کند باید در برابر او مقاومت کرده و تسلیم دشمن نشد (رشید، ۳: ۱۳۹۰)

نکته دیگری که در اینجا بسیار مهم است تعهد حضرت امام خمینی علیه السلام به قرارداد و پیمان‌های خود است. یعنی اگر امام خمینی علیه السلام قراردادی با کشور و یا دولت و یا شخصی داشته باشد به پیمان خود وفادار بوده و هرگز خیانت نکرده و نقض عهد و قرارداد نمی‌کند. پیمان شکستن یکی از موارد ضدارزش‌های اخلاقی است. امام خمینی علیه السلام سبیل وفاء به عهد و پیمان بود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمانها (و قراردادها) وفا کنید! چهارپایان (و جنین آنها) برای شما حلال شده است؛ مگر آنچه بر شما خوانده می‌شود (و استثنا خواهد شد). و به هنگام احرام، صید را حلال نشمرید! خداوند هر چه بخواهد (و مصلحت باشد) حکم می‌کند. (سوره المائدة آیه ۱)

قرآن مجید در این آیه می‌فرماید: «أوفوا بالعقود» یعنی به قراردادهای خود وفاء کنید. فرقی نمی‌کند که این قرارداد نوشته شده و امضاء شده باشد و یا قرار داد و عهد و پیمان به صورت لفظی و گفتار زبانی باشد.

بر اساس این اصل مهم قرآنی و دینی وقتی امام خمینی علیه السلام فرمود ما قطعهنامه را پذیرفتیم

و حاضر به ترک مخاصمه و آتش بس هستیم، هرگز فریب و خدعه و نیرنگ نداشت. و این گونه نبود که صرفاً به عنوان یک تاکتیک بگوید قطعنامه را پذیرفتیم و پس از تجدید قوا دوباره بخواند نقض آتش بس نماید. در مکتب دفاعی امام خمینی رحمته الله علیه ارزش های اخلاقی مثل وفای به عهد و پیمان جایگاهی رفیع و ارزشمندی دارند. امام رحمته الله علیه هرگز این را نمی پذیرفت که بخواهیم با ضداخلاق و رذائل و زشتی ها در گفتار و عمل کار را پیش ببرند. در مکتب امام خمینی رحمته الله علیه وقتی می گوید دفاع، مردانه دفاع می کند و وقتی بگوید آتش بس، مردانه به آتش بس متعهد می ماند و هرگز خیانت نمی کند. و لذا در مدت پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ امام خمینی رحمته الله علیه مکرر می فرمود: ما به آنچه گفته ایم وفادار هستیم و به دشمن دیگر حمله نمی کنیم و آنچه را که پذیرفتیم از روی ضعف و فریب دادن و ... نبود. در واقع امام خمینی رحمته الله علیه معتقد است که ارزش های معنوی و اخلاقی و انسانی و اسلامی اسناد بالادستی دکترب دفاعی ما بوده و تمام اصول و مقررات دفاع و جنگ باید بر اساس آنها تنظیم گردد. (عابدی، ۱۳۸۹: ۱۹-۱۷)

۲،۶- راهبرد دفاع همه جانبه در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه

از آنجا که امام خمینی رحمته الله علیه در تمامی عرصه های فرهنگی اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی در مقابل استکبار و ابرقدرت ها، اصول انقلاب اسلامی را بیان نموده اند و در مقابل با ترفندهای آنان علیه اسلام، در ابعاد گوناگون به دفاع از اسلام برخاسته اند، می توان به همه جانبه بودن دفاع در منطق حضرت امام خمینی رحمته الله علیه پی برد.

استراتژی دفاع همه جانبه به شکلی است که بتوان دفاع هماهنگی را در بخش های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی علیه دشمن به هدفی مشخص سازماندهی نمود، در حقیقت این بخش ها هر یک به عنوان ابعادی از هرم دفاع همه جانبه خواهد بود. وظیفه مراجع سیاسی و استراتژیست ها این است که مکانیزمی اتخاذ نمایند تا سیاست و خط مشی کلی را تعیین نماید؛ این نوع استراتژی بایستی چگونگی رهبری دفاع همه جانبه را تبیین کند. هدف و مقصود استراتژی دفاع همه جانبه، به تعیین اهداف و هر یک از تصمیمات تخصصی استراتژیک و روش ارتباط و هماهنگی بین بخش های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی اجتماعی و نظامی و دیپلماسی مربوط است. (سلیمانی، ۱۳۷۶: ۱۰۹-۱۱۰)

امام بزرگوار رحمته الله علیه استراتژی دفاع همه جانبه را مبتنی بر توان ملی و توصیف، و باور کردن روح

همکاری و هماهنگی و وحدت کلمه ترسیم می‌نمایند. منطبق بودن استراتژی دفاع همه‌جانبه با نظام دفاعی اسلام از یک طرف با واقعیت‌های زمان از طرف دیگر، ملت و مسئولین را بیش از پیش موظف به پیگیری از رهنمودهای خردمندانه حضرت امام خمینی علیه السلام می‌نماید.

آمادگی دفاعی همه جانبه اگر در زمان صلح به طور منطقی و با فرصت پی‌ریزی شود، از آشفته‌گی‌ها، تردیدها، دوباره کاری‌ها، غافلگیری و بالاخره از تأثیرات منفی و هزینه‌های سنگین دفاعی بر روی اقتصاد و جامعه می‌کاهد و قدر مسلم در صورت داشتن آمادگی و پیش‌بینی‌های لازم هر ضربه‌ای قابل تحمل بوده و مقابله با آن آسانتر خواهد بود. تنها تصمیم به دفاع کافی نمی‌باشد، کسب آمادگی و اجراء مکمل یکدیگرند و ترکیب آنها عوامل اصلی نیل به پیروزی به شمار می‌آید. وجود چنین عواملی دشمن متجاوز را که قصد تهاجم و تجاوز در سر داشته باشد، به تفکر درباره عواقب آن وا می‌دارد و احتمالاً از تصمیم خود منصرف می‌سازد. در آنجاست که اصل بازدارندگی به‌عنوان هدف در استراتژی دفاع همه جانبه مفهوم پیدا می‌کند. (اسدی، ۱۳۷۷: ۴۸۳-۴۸۲)

زمانی که بخواهیم رسالت دفاعی نیروهای مسلح را از دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام دریابیم باید ابتدا دیدگاه مقام معظم رهبر علیه السلام حضرت امام خامنه‌ای مد ظله العالی را در مورد استراتژی دفاعی مطالعه کنیم و آنگاه متناسب با این استراتژی، مأموریت نیروهای مسلح را ترسیم کنیم.

امام علیه السلام تعریف نوینی در زمینه ترسیم استراتژی دفاع همه جانبه و استراتژی دفاعی را که در طول ۱۰ سال رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران عملاً پیاده نمودند مطرح کردند که این تعریف نوین نهایتاً توسط معظم‌له در ۲۹ فروردین سال ۶۸ (یعنی در روز ارتش) و تقریباً یکماه و نیم قبل از رحلت جانشوزشان به‌صورت رسمی و تئوریزه مطرح می‌شود، آنجا که می‌فرمایند: «در هنگامه نبرد مجال پرداختن به همه‌ی جهات قوتها و ضعفها و طرحها و برنامه‌ها، و در حقیقت ترسیم استراتژی دفاع همه جانبه، نبوده است. ولی در شرایط عادی باید با سعه صدر و به دور از حب و بغض‌ها به این مسائل پرداخت؛ و از همه‌ی اندوخته‌ها و تجربه‌ها و استعدادها... استفاده نمود؛ و در جذب هر چه بیشتر نیروهای مؤمن به انقلاب همت گماشت، و تجارب را به دیگران منتقل ساخت؛ و در تجهیز کلیه آحاد و افراد این کشور، براساس اصول و فرمول خاص دفاع همه جانبه و تا رسیدن به تشکل واقعی و حقیقی بسیج و ارتش بیست میلیونی، کوشش

نمود.» (همان، ج ۲۱ ص ۱۳۵-۱۳۴)



۲،۷- عناصر راهبرد دفاع همه جانبه در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی

عناصر راهبرد دفاع همه جانبه عبارتند از: (۱) رهبری ولایت امر و امامت امت و فرماندهی کل قوا؛ (۲) نیروهای مسلح؛ (۳) مردم؛ (۴) دولت (اعم از قوای مجریه، مقننه و قضائیه) یا بخش کشوری.

نوع رهبری امام خمینی رحمه الله علیه در طول جنگ در حقیقت ایجاد ارتباط منطقی و پویا و فعال مابین این عناصر بوده است. پس وقتی که ما می‌خواهیم رسالت نیروهای مسلح را تبیین کنیم، باید به‌نحوه ارتباط هر یک از ارکان با سه‌رکن دیگر توجه کنیم و علاوه بر آن رسالت نیروهای مسلح در حفظ و تقویت اقتدار خود را در کنار رسالت نیروهای مسلح در تأمین امنیت ملی قرار دهیم.

نقش فرماندهی کل قوا در جنگ

با توجه به درک اهمیت فراوان مسأله دفاع در اسلام و نقش مهم نیروهای مسلح در حفظ و حراست اسلام و ارزش‌های اسلامی و سرحدات ممالک اسلامی، باید به یک نکته روشن و بدیهی در اداره امور نیروهای مسلح توجه نمود. بدون شک مهم‌ترین مسأله در این رابطه، مسأله فرماندهی و راهبری قوای نظامی می‌باشد. یک ارتش بسیار قوی نیرومند اگر فاقد فرمانده با لیاقت و شایسته باشد، قطعاً در نبردهای داخلی و خارجی شکست خورده و به‌هیچ وجه نمی‌تواند ضامن بقای یک حکومت باشد.

در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، وظیفه حساس و مهم فرماندهی نیروهای مسلح بر عهده رهبر و مقام والای ولایت است. ولی فقیه به‌عنوان امانت‌دار الهی و جانشین معصوم در روی زمین، فردی است که بیش از همه شایستگی اداره مهم‌ترین تشکیلات موجود در کشور را داراست. در طول دوران دفاع مقدس و در شرایطی که رزمندگان ما در جبهه‌های جنوب و غرب در نبردی نابرابر با دشمن خون‌خوار مبارزه می‌کردند، فرمانده و هدایت صحیح رهبر کبیر انقلاب باعث شد که با تکیه بر امداد الهی که در رأس همه امور قرار داشت، جنگجویان دلاور ما حماسه‌آفرینی کرده و به‌دنیای مستکبران درس عبرت بیاموزند.

۲،۸- رهبری ولایت امر و امامت امت و فرماندهی کل قوا

نظر بر آنکه رهبران اسلامی با برخورداری از سه ویژگی معماری، فرماندهی و فقاقت زعامت می‌نمایند. لذا اعلام دفاع مقدس و صلح از شئونات ولایی محسوب می‌گردد. امام خمینی علیه السلام از جمله آن رهبران اسلامی بود که بزرگترین جنگ فرسایشی قرن را فرماندهی کرد. چون اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بند ۵ «اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها در نظام جمهوری اسلامی را از جمله اختیارات رهبری برشمرده و بر اساس بند ۶ همین اصل نیز عزل و نصب فرماندهان عالی رتبه نظامی و انتظامی از وظایف رهبری است.»

بی‌شک ثقل فرماندهی جنگ نابرابر و تحمیل شده جهان استکبار علیه نظام نوپای اسلامی ایران بر دوش ابر مردی قرار گرفت که تمام محاسبه‌گران نظامی دنیا را به حیرت واداشت و ناچار آنها را به اقرار عجز و ناتوانی وادار نمود. او قهرمانی از تبار هابیل و بت‌شکنی از نسل ابراهیم علیه السلام و اعجاز آفرینی از نسل عیسی علیه السلام و سیدی از سلاله پاک رسول الله صلی الله علیه و آله بود. همان مردی که در حوزه‌های علمیه و در میان روحانیت متعهد و اصیل پرورش یافت و درس مقاومت و ایثار و فداکاری را به‌خوبی فرا گرفت و شاگردانی به‌پهنای یک کشور یا بهتر بگوییم به‌پهنای عالم تربیت نمود.

امروزه نقش حضرت امام خمینی علیه السلام در دفاع مقدس به عنوان فرمانده کل قوا و کارشناس نظامی به تمام معنا بر هیچکس پوشیده نیست. دستور او برای اجرای عملیات‌ها و یا برای توقف عملیات‌ها همه و همه بر اساس مصالح و درست به مقتضا و شرایط جنگ بود. او با روح بلند و با توکل وصف‌ناپذیر و با دم مسیحایی‌اش مدیریت هشت‌سال دفاع مقدس را به‌عهده گرفت و لحظه‌ای در مقابل دشمن تا بن دندان مسلح کوتاه نیامد. رهبری نظامی، شانی از شئون مختلف رهبر در جامعه اسلامی است که در این دوران با الهام از سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله امکان بروز و ظهور یافت و فصلی جدید در تاریخ رهبری جنگ گشود، به‌گونه‌ای که صاحبان خرد و اندیشه نمی‌توانند نسبت به آثار و تبعات آن غافل بوده یا بی‌تفاوت از کنار آن بگذرند. (نقش روحانیت و مراجع در دفاع مقدس، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۹)

۲،۹- نقش نیروهای مسلح در دفاع همه جانبه

در هر حکومتی، قوای مسلح تضمین‌کننده ثبات و دوام آن حکومت به‌شمار می‌آیند. نیروی نظامی یک مملکت بسان دژ مستحکمی است که دولت و ملت در فضای داخل این دژ حضور

دارند و بدین وسیله از شر دشمنان خارجی و داخلی در امان می‌باشند. در تمام ممالک دنیا هزینه‌های هنگفتی در جهت تقویت بنیه نظامی کشور مصرف می‌شود و همه این مطالب نشان‌دهنده اهمیت بسیار زیاد قوای مسلح در یک کشور است. دین مبین اسلام در عین این که در رابطه با صلح و صفا و مودت صحبت می‌کند و خواهان داشتن روابط دوستانه و به دور از کدورت بین انسان‌هاست. اما در عین حال به مسلمین توصیه می‌کند در راه مبارزه با دشمنان و تجاوزگران به بهترین وجه خود را تجهیز نموده و آماده دفاع از خود و مقدسات اسلامی باشند.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِزُّوا لَكُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ؛ به هر مقدار از توان و نیرو که می‌توانید در مقابل دشمن جمع‌آوری کنید.» (سوره انفال، آیه ۶۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می‌فرماید: رهبانیت امت من جهاد در راه خداست. (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۷)

امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید: «اسلام قوای مسلح را در رأس امور قرار می‌دهد و آنها هستند که استقلال کشور را حفظ می‌کنند.» (همان، ج ۱۴، ۲۹۴)



۲، ۱۰- اصول فرماندهی بر نیروهای مسلح در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه

فرماندهی حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در طول جنگ بر اساس اصول زیر استوار بود:

۱- تشویق به تکیه بر قدرت لایزال الهی

«انسان باید هر کاری می‌کند یک راهی را داشته باشد، یک اتکایی حالا داشته باشد، ملت ما اتکا به خدا دارد در جبهه جنگ می‌کند. ملت ما اتکا به خدا دارد. در جبهه جنگ می‌کند و نماز شب می‌خواند و عرض می‌کنم که که با دشمن اسلام مبارزه می‌کند. اگر آنجا شهید بشود، آن اجرش با خدای تبارک و تعالی است و پیش خدا آبرومند است.» (همان، ج ۱۵ ص ۹۶)

۲- دادن روحیه امید و بردباری

«ما برنده جنگ هستیم و هیچ تردیدی در این نیست، و به فرض اینکه ما هم کشته بشویم، ملت ما در حال جنگ هستند و شهادت را با دل و جان می‌پذیرند. و من امیدوارم که با خدای تبارک و تعالی باشیم و خدای تبارک و تعالی با ماست انشاءالله.» (همان ج ۱۳ ص ۲۶۲)

امید را که از جنودالله است در خود زنده و یأس را نابود کنید. (همان ج ۹ ص ۴۱۳)

۳- تکیه بر ملت و داشتن پیوند عمیق نیروهای نظامی و مردم

«همان طوری که ملت بدون ارتش نمی‌تواند ادامه زندگی بدهد، ارتش هم بدون ملت نمی‌تواند ادامه زندگی بدهد. ارتشی که ملت با او مخالف است نمی‌تواند این ارتش باشد، چنانچه ملتی هم اگر ارتشش با او مخالف باشد، نمی‌تواند زندگی بکند. شما کوشش کنید که پیوند خودتان را با ملت هر چه می‌توانید تقویت کنید... کوشش کنیم به اینکه این کشور را حفظش کنیم و این کشور حفظش به این است که ارتش، یک ارتش اسلامی جانباز باشد و با ملت همراه باشد، منسجم باشد خود ارتش هم منسجم باشند با هم و سایر قوای مسلح هم با ارتش برادر باشند - که هستند- سپاه پاسداران را شما در آغوش بگیرید، آنها شما را در آغوش بگیرند. همه شما در این مسائل باید کوشا باشید که مملکت خودتان را نجات بدهید.» (همان، ج ۱۴ ص ۴۴۵-۴۴۴)

۴- خود انکایی و عدم وابستگی

«ارتش وقتی می‌تواند استقلال و غرور خودش را حفظ کند، که ببیند خودش هست نه اینکه از خارج یک کسی بیاید و مستشارانی بیایند و بخواهند او را اداره کنند. معنای از خارج آمدن این است که ارتش، ارتش استعماری است. خودش حیثیتی از خودش ندارد، از این جهت بر ارتش به حسب قاعده باید بدتر گذشته باشد تا به سایر قشرها. اینها اگر محرومیت‌هایی داشته- که داشته‌اند- و اگر رنج‌ها و عذاب‌هایی دیده‌اند که همه دیده‌اند، اینها برای آنها شاید قابل تحمل بوده است لکن ارتشی که باید یک کشور را حفظ کند، سرحدات کشور را حفظ کند، دفاع از کشور بکند، این را بخواهند وابسته کنند به یک کشور دیگری هر چه باشد آن کشور، هر چه قدرتش زیاد باشد، این معنایش اصل از بین بردن تمام حیثیت ارتش است. از این جهت یکی از تحفه‌های با ارزشی که این انقلاب به ما داده است، هدیه‌ای که از جانب خدای تبارک و تعالی به ما عنایت شده است، همین است که دست قدرت‌های بزرگ از ارتش بریده شد و مستشارهای آنها بیرون رانده شده‌اند.» (همان، ج ۱۴ ص ۴۳۵-۴۳۴)

۵- حفظ اسلام به عنوان یک امانت الهی

«[شما هم] همان اجر را دارید که لشکرهای صدر اسلام در احد و خندق و سایر جبهه‌ها داشتند. آن روز اسلام امانتی بود در دست آنها که با جان‌فشانی نگهداری می‌کردند و امروز هم اسلام

امانتی است در دست همه ما که باید به اندازه توان خودمان خدمتگزار به اسلام باشیم و حفظ کنیم کیان اسلام را.» (همان، ج ۱۴ ص ۵۰۲-۵۰۱)

« شما هیچ وقت از هیچ چیز هراس نداشته باشید، شما برای حفظ اسلام دارید جنگ می‌کنید و او برای نابودی اسلام. الان اسلام به تمامه در مقابل کفر واقع شده است و شما باید از اسلام پایداری کنید و حمایت کنید و دفاع کنید. دفاع یک امر واجبی است بر همه کس، بر هر کس که هر مقدار قدرت دارد باید دفاع بکند از اسلام.» (همان، ج ۱۳ ص ۲۵۱)

۶- وحدت و انسجام بین نیروهای مسلح

« پس برای اینکه دشمنان نتوانند کاری کنند باید با هم باشید... » **يَدَالِلُهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ** « روزی که پاسدار از ارتشی و ارتشی از پاسدار جدا باشد، روز صدمه است و همه صدمه می‌بینند. امروز همه تقسیم کار کرده‌اند و همه برادرند و همه یک فکر دارند. » (همان، ج ۱۵ ص ۲۶۹)

« من از همه شما دوستان، از همه شما برادران ارتشی ایران و پاسداران ایران می‌خواهم که توجه داشته باشید که در بین خودتان- خدای نخواست- یک وقت اختلافی حاصل نشود. شما گمان نکنید که قدرت‌های بزرگ دست برداشته‌اند و امروز شما را به حال خود گذاشته‌اند. آنها هر روز در نقشه هستند و هر روز در کمین هستند که- شما را با هم اختلاف ایجاد کنند- بین شما اختلاف ایجاد کنند و آنها بهره‌بردارند. شما می‌بینید که در هر جایی که سپاه پاسداران و ارتش و سایر قوای مسلح با هم می‌شوند پیروزی عظیم نائل می‌شود. شما می‌بینید که وحدت کلمه، شما را بر همه قدرت‌های جهان پیروز کرد.

شما می‌بینید که این طعمه‌ای که در دهان آمریکا بود و اسمش « ایران » بود، با وحدت کلمه از دهان او بیرون کشیدید و استقلال را برای خودتان تثبیت کردید. شما می‌بینید که اگر یک اختلاف بین شما بیفتد خدای تبارک و تعالی نظر عنایت را بردارد و آن روز همان خواهد شد که در زمان‌های سابق بر ایران می‌گذشت.» (همان، ج ۱۵ ص ۴۰۵-۴۰۶)

۷- داشتن روحیه شهادت طلبی و ایثار

« سلام بر قوای مسلح و رزمندگان پرشور و عاشق لِقَاءِ اللَّهِ که در راه هدف مقدس سر از پای شناخته و جان بر کف به دفاع از حق و میهن عزیز خود در جبهه‌ها و پشت جبهه به جهاد مقدس تا پیروزی نهایی ادامه می‌دهند... شما عزیزان و جوانان بزرگوار باید بدانید که حفظ و

حراست اسلام و کشور اسلامی و دین حق از بزرگترین طاعاتی است که از صدر عالم تاکنون انبیای معظم و اولیای بزرگ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - در راه آن کوشش جانفرسا نموده و از هیچ فداکاری دریغ ننموده‌اند و تربیت و تعلیم و تعلم فنون نظامی در راه این هدف، ارزنده-ترین ارزش‌هاست و تا شما جوانان بیدار و سایر قشرهای ملت بزرگ با این شور و شعور در صحنه حاضرید به کشور و جمهوری اسلامی آسیبی نخواهد رسید.» (همان، ج ۱۵ ص ۳۸۷-۳۸۶)

۸- افشای چهره متجاوز

«این (صدام) می‌خواست که برای خودش یک حیثیتی پیدا بکند، و اینکه دشمن اسلام بود و قبل از این هم که هجوم کند به ایران، با عراق آنطور معامله کرد، و با علمای عراق آنطور معاملات کرد و با ملت عراق آن‌طور، و با دستجات برای عاشورا آن‌طور، و برای زائرین کربلا که برای اربعین می‌رفتند آن‌طور جنایت کارانه عمل کرد، این در دنیا رسوا شد و حالا هم هر چه می‌خواهد سالوسی کند و نماز بخواند و اظهار اسلامیت بکند و امثال ذالک، دیگر فایده ندارد. این دیگر نمی‌تواند با سالوسی، خودش را جا بیندازد.» (همان، ج ۱۳، ص ۳۳۱)

در روحیه صدام تبهکاری، آدم‌کشی و جنایت است. اگر خدایی نخواست این یک سلطه‌ای پیدا بکند، حجاز را از بین می‌برد، سوریه را از بین می‌برد، این چیزها خلیج فارس را، کویت را هم، همه اینها را از بین خواهد برد. این مرد این‌طوری است، جنس این آدم این‌طوری است، همین‌طوری که جنس رژیم اشغالگر قدس این‌طوری است که جنایتکار است و به جنایت دل خوش می‌کند، این هم همین‌طوری است. اینها برادر هم هستند خداوند شر شیطان بزرگ و شیاطین بزرگ و کوچک را انشاءالله دفع کند و مسلمان‌ها را بیدار کند.» (همان، ج ۱۹، ص ۱۳)

۹- لزوم نظم و انضباط در نیروهای مسلح

«از مسائلی که می‌خواستم تذکر دهم این است که نظم را کاملاً رعایت کنید، شجاعت غیر از تهوّر است، شجاعت در جنگ حرکتی است قهرمانانه، روی نقشه و نظم و حساب و حال آن که تهوّر بی حساب و نظم بر دشمن تاختن است. کارها باید روی نظم و قاعده صورت گیرد. تکرار می‌کنم کار وقتی روی نظم و قاعده و برای خدا بود، دیگر خوفی نیست چه کسی کشته شد و چه کسی کشت. رمز دوم این‌که گر چه کشور ایران بالا و پایین ندارد و آن «دوله» ها و «سلطنه» ها رفته‌اند و ما خودمان هستیم، لکن باید نظم و نظام باشد. شما باید برای خدا مراتب

و سلسله مراتب را حفظ کنید و اگر بنا باشد هر کسی خودش رأی بدهد و علی حده عمل بکند، آن وقت است که معنویات و موفقیت‌های عادی هم از بین می‌رود و شما می‌دانید با آن که پیغمبر اکرم در مسجد می‌نشست و کسی که وارد می‌شد، نمی‌دانست که کدامیک از آنها پیغمبر صلی الله علیه و آله است. با این حال همه مأمور اطاعت از او بودند. ما همه با هم برادر هستیم، لکن اگر نظام نباشد برادری هم به هم می‌خورد. مثلاً اگر در جنگ بنا باشد از فرماندهی اطاعت نشود، مسلماً شکست خواهیم خورد. در جنگ آن وقتی شکست نیست که همه گوش به فرمان کسی باشند که وقتی نقشه و فرمان می‌دهند همگی به آن عمل کنند.» (همان، ج ۱۵ ص ۴۹۶-۴۹۷) و (همان، ج ۱۷ ص ۱۵)

۱۰- ضرورت شرکت فعال مردم در جنگ

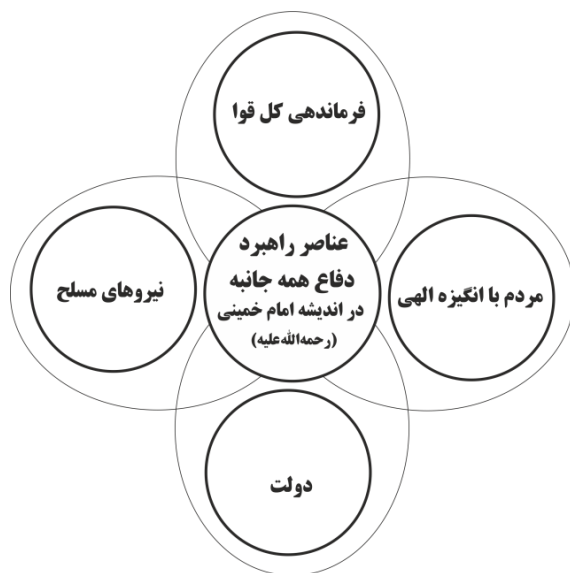
«وظیفه همه است که در آنجا بروند (جنگ) و همکاری کنند با سایر برادرها، و- انشاءالله- بزودی این اشرار را از مملکتان بیرون کنید. از ملت عزیز و خصوص دست‌اندرکاران و قوای مسلح می‌خواهم که هیچ امری آنان را از جنگ تحمیلی اغفال نکند و جنگ را سرلوحه همه امور قرار دهند. که دست‌های جنایت‌کار برای انصراف آنان از جنگ در کار است...»

تاکنون هر چه برکات به این جمهوری اسلامی رسیده است و هر چه پیروزی نائل این ملت مظلوم - که در طول تاریخ مظلوم بود - عاید شده است از حضور ملت و همه قشرهاست که در صحنه اند و از اینکه جمهوری اسلامی را از خود می‌دانند. چنانچه از خودشان است. اسلام اختصاص به شخصی دون شخصی ندارد. اسلام، اسلام همه است و جمهوری اسلامی خدمتگذار به همه است و مال همه است...» (همان، ج ۱۳، ص ۳۷۳ و ج ۱۵، ص ۲۴۱ و ج ۱۷، ص ۱۲۰-۱۱۹)

۱۱- بر حذر داشتن قوای مسلح از ورود به احزاب سیاسی

«اگر ارتش یا سپاه پاسدار یا سایر قوای مسلحه در حزب وارد بشود آنروز باید فاتحه آن ارتش را خواند. در حزب وارد نشوید، در گروه‌ها وارد نشوید، اصلاً تکلیف الهی - شرعی همه شما این است که یا بروید حزب یا بیاید ارتش باشید، مختارید، از ارتش کناره‌گیری کنید بروید در حزب، میل خودتان، اما هم ارتشی و هم حزب، معنایش این است که ارتشی باید از ارتشی‌اش دست بردارد، بازی‌های سیاسی باید توی ارتش هم وارد بشود. در هر گروهی که وارد هستید باید از آن گروه جدا بشوید ولو یک گروهی است که بسیار مردم خوبی هم هستند، ولو یک حزبی

است که بسیار حزب خوبی هست، لکن اصل وارد شدن در حزب برای ارتش، برای سپاه پاسداران، برای قوای نظامی و انتظامی وارد شدنش جائز نیست.» (همان، ج ۱۶، ص ۱۱۰)



منبع: (محقق بر اساس مطالعه نظری)

شکل ۱-۲: عناصر راهبرد دفاع همه جانبه در اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام

۱۱-۲- دفاع همه جانبه در بینش فقهی حضرت امام خمینی علیه السلام

دفاع در بینش فقهی حضرت امام خمینی علیه السلام حوزه وسیعی دارد؛ زیرا جهاد دفاعی، اختصاص به حمله نظامی دشمن ندارد؛ بلکه هر نوع حمله‌ای که به مسلمانان بشود، اعم از اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی، در همه این موارد دفاع واجب است، چرا که حمله‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، در واقع حمله به اصل اسلام است. به همین دلیل امام خمینی علیه السلام فتوا داده‌اند: «لو خیف علی حوزه الاسلام من الاستیلاء السياسي و الاقتصادي المنجر الی اسرهم السياسي و الاقتصادي و وهن الاسلام و المسلمین وضعفهم یجب الدفاع بالوسائل المشابهة و المقاومات المنفیة؛ کترک شراء امتعتهم و ترک استعمالها و ترک المرأوده و المعاملة معهم مطلقاً» (تحریر الوسیله، ص ۳۷۹-۳۷۸)

(اگر بر حوزه اسلام ترس از استیلاي سیاسی و اقتصادی وجود داشته باشد؛ به طوری که به

اسارت سیاسی و اقتصادی مسلمین و موجب وهن اسلام و مسلمین و عاجز شدن آنها متجر شود، دفع با ابزارهای مشابه و مبارزه منفی واجب است؛ مثل عدم خرید کالاهای و ترک استفاده از آن و قطع روابط و معامله با آنان به طور مطلق. (

۱۲. ۲- دفاع همه جانبه از ارزش های دینی

از راههای مهم دستیابی به اهداف فرهنگی، پایبندی و دفاع همه جانبه آحاد ملت از ارزش های الهی و اسلامی است. تعهد و احساس مسئولیت در این امر، مجال سوء استفاده و توطئه چینی را از دشمنان سلب می نماید. عامل اصلی که دشمنان اسلام و ارزش های دینی را به جسارت و خیانت دلیر می کند، بی توجهی مسلمانان به قدرت بالقوه خود و عدم مقابله جدی آنان با دشمنان کمین نشسته اسلام است. از این رو امام خمینی رحمته الله علیه می فرماید:

« مسلمانان باید با همه امکانات و وسایل لازم، به مقابله جدی و دفاع از ارزش های الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به این بی خبران و دل مردگان و پیروان شیاطین، بیش از این مجال حمله را به صفوف عقیده و عزت مسلمانان ندهند. » (صحیفه امام، ج ۲۰ ص ۳۱۵)



۱۳. ۲- ابعاد و رویکردهای دفاع در اندیشه امام خمینی

در این بخش پس از مطالعه نظری پیرامون بیانات و سخنرانی های مختلف امام خمینی رحمته الله علیه در مورد مقوله دفاع و نقش دفاع بعنوان یک عامل مهم، ابعاد دفاع و رویکردهای دفاعی در اندیشه امام رحمته الله علیه در بخش دفاع مورد واکاوی قرار می گیرد. مفهوم دفاع ارتباط تنگاتنگی با مفهوم امنیت دارد و امنیت ملی نیز ارتباط تفکیک ناپذیر و جدانشدنی با مفهوم دفاع دارد. بی تردید دفاع زمانی تجلی عینی پیدا می کند که امنیت مورد تهدید است. آنچه امام خمینی رحمته الله علیه به لحاظ امنیتی مد نظر داشتند، حفظ اسلام و ارزش های آن بود. حکومت اسلامی نیازمند است که به منظور بقاء و مقابله با دشمنان بالفعل و بالقوه خود و همچنین فراهم نمودن بستری مناسب جهت پیاده کردن آرمان ها و اهداف ملی و با توجه به متغیرهای فراوان قدرت در جهان، خط مشی و الگویی مناسب که با عقاید و باورهای مکتبی و فرهنگی هماهنگ باشند را طراحی و تدوین نموده و با برنامه ریزی دقیق، کلیه امکانات و مقدرات را در جهت پیاده نمودن آن به کار گیرد.

بازشناسی، تفسیر و تحلیل اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام و به‌ویژه دفاع نظامی بر اساس اندیشه‌های دفاعی ایشان در مقطع کنونی به‌عنوان یک رسالتی مقدس و ضرورتی انکارناپذیر محسوب می‌شود. اندیشه‌ها، افکار و سیره عملی امام خمینی علیه السلام به‌عنوان قرائنی نوین از آموزه‌های دینی از منظر دین‌شناسی و دین پژوهی، عرصه‌ای وسیع و ضروری برای این‌گونه پژوهش‌ها می‌باشد.

از سوی دیگر بازشناسی و تدقیق در آراء و نظرات امام خمینی علیه السلام به‌عنوان رهبر کبیر انقلاب اسلامی و به‌عنوان فردی که بزرگترین نقش را در ایجاد، هدایت و بالندگی این خیزش عظیم فرهنگی و تمدن‌ساز دارد، علاوه بر قدرشناسی به‌عنوان یک نیاز در مطالعات تاریخی مربوط به فرهنگ‌ها و تمدن‌ها محسوب می‌گردد. متأسفانه در تدوین قواعد بین‌المللی نوین جنگ، اندیشه و فرهنگ اسلامی، نقشی نداشته است. هر چند که در آموزه‌های صریح و کنایی و استنباطی دینی، پتانسیل بسیاری برای جهانی‌شدن آنها و ورود در قواعد حقوقی بین‌الملل به چشم می‌خورد. آنچنان که نخستین آثار علمی در زمینه حقوقی بین‌الملل نوشته مسلمانان بوده است. ما اگر بخواهیم در تعیین نگرش و محتویات حقوق مخاصمات مسلحانه، در سطح جهانی دخالت و مشارکت داشته باشیم، اولین و گسترده‌ترین و مهم‌ترین منبع ما در این زمینه، اندیشه‌ها و آرای دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام خواهد بود، چرا که اندیشه‌های ایشان در این باب علاوه بر اتکاء بر منابع وحیانی و شیوه استنباط اجتهادی، علاوه بر پشتیبانی مردمی از هشت‌سال بکارگیری این آراء مؤثر و کارساز در عرصه عمل و فرماندهی عالی جنگ نیز برخوردار است.

به‌همین منظور نیاز این امر، یعنی بازشناسی و تحلیل اندیشه‌های دفاعی امام خمینی علیه السلام و ابعاد گوناگون آن در زمینه‌های مختلف، ضرورت تدوین استراتژی دفاع ملی است. از این جهت ضمن بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها، پیام‌ها، سخنان و آثار دفاعی امام راحل، در این بخش به تبیین و تحلیل ابعاد راهبردی دفاع در اندیشه دفاعی ایشان می‌پردازیم. در جهان امروز هر نظام حکومتی موظف است که زمینه‌های پیشرفت و توسعه مادی و معنوی مردم خود را فراهم کند. حکومت برای دستیابی به این هدف بزرگ، به‌برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و تدوین راهبرد و مشارکت و مشورت با نهادها و سازمان‌های مختلف و مراکز پژوهشی، نیازمند هستند.

«راهبرد ملی» جهت دستیابی به منافع ملی و تحقق آرمان‌ها می‌باشد و در این مسیر، از تمام نیروها و کلیه زمینه‌ها، از قبیل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و فناوری استفاده می‌کنند. تدوین راهبرد ملی موجب می‌شود که همه توان کشور در یک مسیر قرار گیرد و هم جهت گردند.

۲،۱۴- انواع دفاع در اندیشه امام خمینی علیه السلام

با نظر به این که هر نوع دفاع، ابعاد خاص خود را می‌طلبد، روش مطلوب آن است که با بیان انواع دفاع، ابعاد مربوط به هر یک را تعریف کنیم. دفاع از نظر امام خمینی علیه السلام انواع مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها به دفاع سیاسی، دفاع نظامی، دفاع فرهنگی و دفاع اقتصادی تقسیم می‌گردد که در زیر هر کدام از آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱۵- دفاع سیاسی

دفاع به خودی خود هدف نیست؛ بلکه به منظور نیل به هدف یا اهدافی خاص صورت می‌پذیرد. انقلاب اسلامی نیز که اهداف و آرمان‌های بلندی را در ابعاد مختلف، به‌ویژه بُعد سیاسی، تعقیب می‌کند، از این قاعده مستثنی نیست. (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۷: ۵۳)

الف- اهداف دفاع سیاسی

مهم‌ترین اهدافی که امام خمینی علیه السلام به عنوان رهبر و بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی، در زمینه دفاع سیاسی ترسیم فرمودند، عبارتند از:

۱- تثبیت اقتدار نظام جمهوری اسلامی

امام خمینی علیه السلام با سقوط رژیم ستمشاهی، قطع سلطه آمریکا، دفع شرارت‌های گروهک‌های منحرف داخل کشور و حذف شعارهای انحرافی از اذهان مردم و ترویج اسلام و ارزش‌های متعالی آن را، به‌عنوان اساس و شالوده تثبیت شده انقلاب اعلام کردند و همه کسانی را که در مرحله تثبیت نظام فداکاری کرده بودند، مورد تقدیر و تشکر قرار داده‌اند، ایشان در این مورد می‌فرماید:

«من از همه قوای مسلحه... و سایرین باید تشکر کنم که با قدرت خود؛ این جمهوری اسلامی را تثبیت کردند و دشمنان، ما چه در داخل و چه در خارج، باید بدانند که جمهوری اسلامی به‌کوری چشم ابرقدرت‌ها و به‌کوری چشم امثال منافقین و مخالفین با جمهوری اسلامی، تثبیت

شده است و خللی انشاءالله در او وارد نخواهد شد.» (صحیفه امام، ج ۲۰ ص ۱۴۹)

۲- صدور انقلاب و انتقال ارزش های آن به کشورهای اسلامی و جهان

امام خمینی علیه السلام با اعتقاد راسخ به این که مردم جهان، خصوصاً ملل اسلامی، تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله هستند، مصمم بودند به هر وسیله ممکن، پیام انقلاب و داستان رشادت و حماسه ملت ایران در سرنگونی رژیم ستمشاهی و بازگشت به مقام عزت و شرافت را، به گوش جهانیان برسانند تا آنان نیز با تأسی به ملت ایران، علیه حاکمان ستمگر و دست‌نشانندگان استکبار جهانی به پا خیزند، امام راحل در این مورد می‌فرماید:

«مسأله دیگر، صدور انقلاب است که بارها گفته‌ام: ما با کسی جنگی نداریم. امروز انقلاب ما صادر شده است. در همه جا اسم اسلام است و مستضعفین به اسلام چشم دوخته‌اند؛ باید با تبلیغات صحیح، اسلام را آن‌گونه که هست، به دنیا معرفی نمایید. وقتی ملت‌ها اسلام را شناختند، قهراً به آن روی می‌آورند و ما چیزی جز پیاده شدن احکام اسلام در جهان نمی‌خواهیم.» (همان، ج ۱۵ ص ۳۲۲-۳۲۱)

همچنین امام خمینی علیه السلام کسانی را که با برداشت غلط از صدور انقلاب، ایران اسلامی را به کشورگشایی متهم می‌سازند، خصوصاً دشمنان انقلاب را مورد خطاب قرار داده و می‌فرمایند:

«مائیم که می‌خواهیم اسلام در همه جا باشد و می‌خواهیم اسلام صادر بشود، ما که نمی‌گوییم که می‌خواهیم با سر نیزه صادر بکنیم؛ ... ما می‌خواهیم یک الگویی از اسلام در عالم - ولو یک الگوی ناقصی باشد - نشان بدهیم که همه عقلای عالم ... همه ملت‌های مظلوم بفهمند که اسلام چی آورده و می‌خواهد چه بکند در دنیا» (همان، ج ۱۸ ص ۱۵۷)

بدین ترتیب هدف از صدور انقلاب اسلامی، ارائه الگوی زندگی و کشورداری، براساس موازین اسلام است، نه کشورگشایی و لشکرکشی که استکبار جهانی و عوامل او، از روی کینه و دشمنی با اسلام، به تبلیغ آن می‌پردازند. (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۷: ۵۴-۵۵)

۳- حفظ اسلام

امام خمینی علیه السلام وقوع جنگ در هر شرایطی را شبیخون جبهه کفر علیه اسلام می‌دانستند و معتقد بودند که مجاهدان و رزمندگان از حیثیت اسلام و نظام اسلامی دفاع می‌کنند و می‌فرمایند: «شما برای حفظ اسلام دارید جنگ می‌کنید.» (همان، ج ۱۳، ص ۲۵۱)

انقلاب اسلامی دارای ماهیتی است که با منافع و اهداف سلطه‌گران و ستم‌پیشگان جهان در تضاد است. امام راحل با علم به این مطلب، همواره به مسلمانان می‌فرمودند که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، دشمن با ما در ستیز دائمی خواهد بود، چه بهتر آن که ما با آمادگی و تجهیزات کامل در صحنه مبارزه حاضر باشیم و موقعیت دشمن را در هر شرایطی به خطر انداخته و آرامش خاطر را از آنان سلب نماییم. ایشان در این مورد می‌فرماید: «من باز می‌گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق، تا شما را از هویت اسلامیتان، به خیال خام خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست، نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز، به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند.» (همان، ۱۳۸۵: ج ۲۱، ص ۳۲۸-۳۲۹)

بنابه شواهد مستدل قرآنی و روایی و تجربه تاریخ، تقابل بین کفر و ایمان، امری بدیهی و آشکار است. مسلمانان چه بخواهند و چه نخواهند، در میدان مبارزه حضور دارند و اگر به خود نیایند و ضربه به جبهه کفر وارد نکنند، قهراً باید ضربات پی‌درپی جبهه کفر را دریافت می‌کنند و این واقعیتی است که جای هیچ انکار و حتی تردید در آن وجود ندارد.

۴- احیای اقتدار و عزت مسلمین

امام خمینی رحمه الله علیه، احیای اقتدار و عزت مسلمین را از اهداف مهم انقلاب اسلامی دانسته و می‌فرماید: «من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد.» (همان، ج ۲۱ ص ۹۱)

۵- قطع ریشه‌های فساد در جهان

امام خمینی رحمه الله علیه، سه عنصر صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم را، ریشه‌های اصلی فساد در جهان بشریت دانسته و نابودی آنها را از اهداف مهم سیاسی انقلاب اسلامی می‌داند: «ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند، نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله - صلی الله علیه و آله - را در جهان استکبار ترویج نماییم و دیر

یا زود، ملت‌های در بند شاهد آن خواهند بود.» (همان، ج ۲۱ ص ۸۱)

۶- آگاهی و بیداری امت اسلامی

از جمله اهداف سیاسی حضرت امام خمینی علیه السلام، بیداری ملت‌های دربند و محروم، بر اساس افشای نقشه‌های پلید دشمنان و شکستن باور کاذب ملت‌ها از قدرت‌های استکباری و تقویت اراده عمومی برای دفاع همه جانبه از منافع ملت‌ها است. به‌طوری که تعمیق آگاهی و هشاری دائمی ملت‌ها را وظیفه اولیه انقلاب اسلامی می‌داند و می‌فرماید: «انقلاب اسلامی ما تاکنون کمین‌گاه شیطان و دام صیادان را به ملت‌ها نشان داده است. جهان‌خواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته‌شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم و حال آن که این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنی که ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید... آمریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت...» (همان، ج ۲۱، ص ۸۹)

یکی از اهداف امام خمینی علیه السلام از آغاز نهضت اسلامی آگاهی و بیداری مسلمین جهان و آشنایی و عمل به وظایف و وحدت و اتحاد مسلمین بوده است تا آنجا که مقدمات ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه فراهم شود و در این راستا راه‌کارهایی به شرح زیر ارائه کردند:

- ۱- بیداری و آگاه کردن آنان از طریق پیام‌های حج و سایر پیام‌ها و سخنرانی‌ها؛
- ۲- دعوت به وحدت و اتحاد با یکدیگر و نپرداختن به اختلافات؛
- ۳- تلاش در احقاق حقوق آنان؛
- ۴- تلاش در قطع نفوذ اجانب و وابستگی و ترغیب به استقلال همه جانبه؛
- ۵- قیام علیه حکومت‌های جبار؛
- ۶- تاسی به الگوهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و در عصر کنونی الگو گرفتن از روش و مدل ایران اسلامی؛

۷- راهپیمایی علیه رژیم صهیونیست به‌عنوان روز قدس در جمعه آخر ماه مبارک رمضان؛

۸- دعوت از نخبگان آنان به ایران و توجیه آنان و دعوت به بازدید از جبهه‌ها؛

۹- تقویت نقاط مشترک و اتکا به آن از قبیل اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، قرآن و قبله؛

- ۱۰- تلاش برای استقلال همه جانبه؛
- ۱۱- ایجاد روحیه اعتماد به نفس و خودباوری؛
- ۱۲- استضعاف زدایی و توسعه کمال در همه ابعاد تا مرحله کمال عبودیت؛
- ۱۳- آگاه‌سازی آنان نسبت به مستکبران و توان آنها؛
- ۱۴- مبارزه با مستکبران؛
- ۱۵- صدور انقلاب و اهداف و آرمان‌های آن به جهان؛
- ۱۶- اعلام حمایت از ملل اسلامی پس از فجایع رژیم صهیونیست در لبنان و فلسطین؛
- ۱۷- اعلام حمایت از ملل همسایه در منطقه مثل حمایت از مردم عراق. (اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۳۶)

ب- رویکردهای دفاع سیاسی

مهم‌ترین و عمده‌ترین رویکردهای منبعث از بینش فقهی و قرآنی در دفاع سیاسی از نظر امام خمینی رحمه الله علیه را می‌توان به شرح زیر بیان کرد که اهم آنها عبارتند از:

۱- تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر اصل ولایت فقیه

امام خمینی رحمه الله علیه به منظور حفظ منافع مشترک ملل اسلامی، حرکت و مبارزه هدفدار و حساب‌شده را مدنظر داشته و تحقق حقوق ملت‌های ضعیف و رهایی از اسارت را، تنها در سایه تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر اصل ولایت فقیه، امکان‌پذیر می‌داند و در این رابطه می‌فرماید: «شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سر سپرده آنان نترسید و حکام جنایت‌کار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند، از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام، مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند.» (همان، ج ۲۱، ص ۴۴۸)

۲- حمایت از مستضعفان جهان

حضرت امام خمینی رحمه الله علیه رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از محرومان جهان

را، از اصول مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌داند. آن حضرت در این مورد می‌فرماید: «ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم.»

۳- عدم سازش با ظالمان

از آنجا که هدف‌گیری‌های امام خمینی (علیه السلام) در همه زمینه‌ها، منبعث از قرآن و سیره انبیا و ائمه معصومین (علیهم السلام) است، لذا ایشان سازش‌ناپذیری با ظلم و ابرقدرت‌های فاسد را میراث گران‌بهای انبیاء دانسته و می‌فرمایند: «آنهايي که به ما اشکال می‌کنند که شما چرا سازش نمی‌کنید با این قدرت‌های فاسد، آنها از باب این که همه چیز را با چشم مادی ملاحظه می‌کنند... آنها نمی‌دانند که انبیای خدا چه رویه‌ای داشتند؟ با ظالم چطور برخورد می‌کردند، یا می‌دانند و خودشان را به‌کری و کوری زدند؟ سازش با ظالم، ظلم بر مظلومین است؛ سازش با ابرقدرت‌ها، ظلم بر بشر است. آنهايي که به ما می‌گویند سازش کنید آنها یا جاهل هستند یا مزدور.» (همان، ج ۱۸ ص ۵۰۰)

۴- حمایت از قیام ملت‌ها

یکی از راه‌های مهم پژوهش اهداف سیاسی، قیام ملت‌هاست. ملت‌ها نباید سرنوشت خود را به دست حکام مستبد و دست‌نشانده بیگانگان بسپارند. لذا امام خمینی (علیه السلام)، راه نجات ملت‌ها را قیام آنها می‌داند: «این ملت‌ها هستند که باید نهضت کنند، قیام کنند و خودشان را از دست اشرار نجات بدهند. نباید ملت‌ها بنشینند تا این که از جای دیگر و کسان دیگر، آنها را نجات بدهند. مبدأ نجات، از خود ملت است.» (همان، ج ۱۴، ص ۲۷۷)

۵- رعایت شعار نه شرقی و نه غربی (حفظ سیاست بین‌المللی اسلام)

امام خمینی (علیه السلام) به‌خوبی آگاه بود که ترسیم خطوط استراتژیک کلی برای نظام جمهوری اسلامی، از اهم مسائل است. از این رو دستورالعملی را تدوین فرمودند که ایجاد خدشه در آن راه، از سوی هر کس و هر مقامی جایز ندانسته، و رعایت دقیق و حفظ آن را ضروری قلمداد نمودند: «شعار نه شرقی نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهای است که در آینده نزدیک و به یاری خدا، اسلام را به‌عنوان تنها مکتب نجات‌بخش بشریت می‌پذیرند و ذره-

ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد... پشت کردن به این سیاست بین‌المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا ﷺ و ائمه هدی (علیهم‌السلام) است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است.» (همان، ج ۲۰، ص ۳۱۹)

همچنین امام خمینی (رحمه الله علیه)، مبارزه با ابرقدرت‌ها را در جهت تحقق سیاست بین‌المللی اسلام، امری ضروری دانسته، معتقدند که شرط اعتلای کلمه الله، پایه‌ریزی حکومت براساس سیاست، نه شرقی و نه غربی است. (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۷: ۵۶-۶۱)

۶- نه‌راسیدن از دشمن

یکی از شیوه‌های معمول دشمن برای تطمیع ملت‌ها، بزرگ جلوه دادن قدرت کاذب خود به منظور ایجاد خوف و ترس در دل آنان است؛ به طوری که با احساس ترس از قهر و غضب قدرت‌های بزرگ، فکر مبارزه و جنگ با آنان را در سر نپرورانند. البته این شیوه تاکنون به‌همراه جنگ تبلیغاتی شدید محافل وابسته به بیگانگان، کارساز بوده است. امام خمینی (رحمه الله علیه) نترسیدن از دشمن، همراه با تقویت انگیزه الهی را یکی از شیوه‌های مؤثر در تحقق اهداف سیاسی می‌داند و می‌فرماید: «ما از جنگ نباید بترسیم، پیغمبر اکرم ﷺ جنگ کرده است برای اسلام؛ حضرت امیر (علیه‌السلام) جنگ کرده است برای اسلام؛ صدر اسلام در یک چند سال، چندین جنگ، هشتاد تا، چقدر جنگ واقع شد؛ ما باید مهیا بشویم برای جنگ‌ها، و ما قدرت داریم؛ ما جوان‌ها را داریم. یک ملتی هستیم که با وحدت کلمه و با اتکال به خدای تبارک و تعالی، هم چیز را ما می‌توانیم پیش ببریم. هیچ خوف از این مسائل نداریم. اینها که ایجاد خوف می‌خواهند بکنند در شما، همان‌هایی اند که در زمان شاه مخلوع هم ایجاد خوف کرده بودند و آن، به واسطه همان ایجاد خوف سر جای خودش نشسته بود و به‌خیال خودش سلطنت می‌کرد. وقتی این خوف شکسته شد، دیدیم که تو خالی بود؛ واقعیت آن طوری که می‌گفتند، نداشت. قدرت‌های دیگر هم همین‌طور است. خیال نکنید که اینها شاخ و دم خیلی بزرگی دارند؛ اینها هم همین‌طور هاست.» (همان، ج ۱۳، ص ۳۰۸-۳۰۹)

۷- نترسیدن از انزوای سیاسی

یکی از حربه‌هایی که قدرت‌های استکباری از آن علیه حرکت‌های آزادی‌خواهانه و ضدستم

استفاده می‌کنند، تحریم اقتصادی و انزوای سیاسی است، ولی امام خمینی علیه السلام درست در جهت عکس قضیه، مسأله انزوای سیاسی را در راستای اهداف سیاسی، امری مؤثر دانسته و آن را موجب خودباوری و اتکال به خلاقیت‌های خود می‌داند: «منزوی نبودن، یعنی متکمل بودن به غیر؛ یعنی اسیر بودن؛ منزوی هستیم، یعنی ارتباطمان با دیگران قطع است و ما نوکر دیگران نیستیم. آنها می‌آیند به ما می‌گویند که بیا روابطمان را درست کنیم... ما از این انزوا نمی‌ترسیم؛ ما استقبال می‌کنیم یک همچو انزوایی را که ما را وادار می‌کند که خودمان به فکر خودمان بیفتیم... ملتی که منزوی نیست، نمی‌تواند به ترقی، راه خودش را برود. ملت غیرمنزوی، یعنی ملتی که اتکالش به دیگران است.» (همان، ج ۱۳، ص ۳۱۲)

۸- حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش

حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش به‌عنوان یک سیاست و دکترین تهاجمی از سوی حضرت امام خمینی علیه السلام مطرح شد و این اقدام مهم به‌عنوان یک سیاست و دکترین بازدارندگی امام خمینی علیه السلام با افزایش تهدیدات آمریکا علیه ایران در بهمن ۱۳۵۸ رسماً اعلام گردید. یعنی این اقدام راهبردی را حضرت امام علیه السلام در نیمه دوم سال ۱۳۵۸ مورد تأکید قرار دادند. و ما هنوز به سال ۵۹ نرسیده بودیم و هنوز جنگی هم اتفاق نیفتاده بود. در حالیکه به فاصله یکسال از پیروزی انقلاب اسلامی در هیچ یک از مواضع آشکار و رسمی امام خمینی علیه السلام آن حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش نیست. یعنی از پیروزی انقلاب اسلامی تا مهر و آبان سال ۱۳۵۸ و حتی بهمن سال ۱۳۵۸ و حتی حرکت افراتی داخل مسجدالحرام را هم محکوم کرد و از آنها هم حمایت نکرد. (رشید، ۱۳۹۰: ۵)

امام خمینی علیه السلام در مورد حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و برخاستن ملل مستضعف جهان می‌فرماید: «ای ملت‌های مسلم! ای ملت‌های مظلوم همه کشورهای اسلامی! ای ملت‌های عزیزی که در تحت سلطه اشخاصی واقع شدید که ذخایر شما را تقدیم آمریکا می‌کند و شما خودتان با زحمت و ذلت زندگی می‌کنید! بیدار بشوید، برخیزید از جا، ای مستضعفین جهان! برخیزید و در مقابل ابرقدرت‌ها بایستید که اگر ایستادید، اینها هیچ کاری نمی‌توانند بکنند.» (همان، ۱۶، ص ۳۷ - ۳۸)

۲،۱۶- دفاع نظامی

دشمنان در عرصهٔ پیکار با موجودیت، استقلال و آزادی یک ملت، از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند؛ گاه با تحریم اقتصادی و گاهی با محاصرهٔ سیاسی و جنگ روانی و تبلیغاتی و گاهی هم با حملهٔ نظامی، اهداف خود را پی می‌گیرند. اما دشمنان انقلاب اسلامی دقیقاً همهٔ این راه‌ها و حرب‌ها را علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی به کار گرفتند. شیوه‌های مورد نظر در دفاع نظامی، شیوه‌های عام دفاعی است، لذا شیوه‌ها و تاکتیک‌های خاص میدان‌های نبرد، در این تحقیق بحث نمی‌شود. اما به دلیل هماهنگی با بقیهٔ مباحث دفاعی، ناچاراً تحت عنوان رویکرد آنها را بحث را می‌کنیم. در حوزهٔ حملهٔ نظامی، از سوی امام خمینی (رحمه الله علیه) اهداف و روش‌های مقابله دقیقاً مشخص شده است، که همانند دفاع سیاسی، در دو بخش اهداف و رویکرد به آن می‌پردازیم:

الف- اهداف دفاع نظامی

با توجه به تحلیل محتوای حاصل از بیانات و سخنان امام خمینی (رحمه الله علیه) می‌توان گفت که تعداد اهداف دفاعی امنیتی بسیار است که در این مبحث می‌توان در موارد زیر آنها را خلاصه کرد:

۱- دفاع از نظام و دفع تجاوز

در اندیشهٔ اسلامی جنگ اصالت ندارد؛ دعوت به صلح و آرامش، هویت اصلی دین است. اما اگر کسی یا دولتی اقدام به تجاوز کند، وظیفهٔ همهٔ مسلمانان است که برای رفع تجاوز قیام کنند. امام خمینی (رحمه الله علیه) بر اساس همین بینش و اندیشه می‌فرماید: «ما به تبع اسلام، با جنگ همیشه مخالفیم و میل داریم که بین همه کشورها آرامش و صلح باشد؛ لکن اگر جنگ را بر ما تحمیل کنند، ما تمام ملت‌مان جنگجو است.» (همان، ج ۱۳ ص ۲۶۱)

۲- دفاع از تمامیت ارضی کشور

در اندیشهٔ دفاعی امام خمینی (رحمه الله علیه)، اشغال حتی یک وجب از خاک میهن اسلامی غیرقابل تصوّر است. از این جهت در بیان انتظار خود از نیروهای مسلح و مدافعان سلحشور فرمودند: «امروز، روزی است که ملت ما باید دست در دست سپاه و ارتش نجیب و دلیر گذاشته و به دشمنان بفهمانند که بر فرض محال اگر وارد شهری شدند، تازه با مردمی مسلح و جنگجو مواجه خواهند شد که از وجب به وجب شهرشان دفاع می‌نمایند.» (همان، ج ۱۳ ص ۲۴۴)

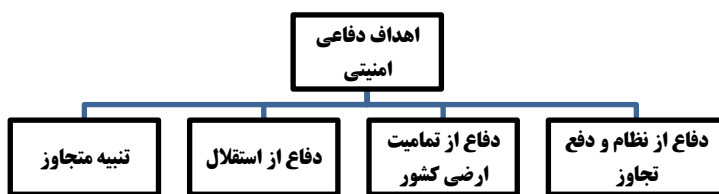
همچنین امام علیه السلام، خواهان دفاع از میهن اسلامی، به عنوان کشور امام زمان علیه السلام است: «از دین خدا دفاع کنید و نگهبان کشور ولی الله الاعظم - ارواحنا لمقدمه الفداء - باشید.» (همان، ج ۱۵، ص ۳۸۷)

۳- دفاع از استقلال

به اعتقاد امام خمینی علیه السلام، وقتی تجاوزی علیه یک ملت انجام می‌شود، دفاع و پایداری همهٔ احاد ملت باید در حدی باشد که به استقلال و عزت آنان لطمه‌ای وارد نگردد. امام خمینی علیه السلام معتقدند که عزت دین و دین‌باوران در جنگ شناخته می‌شود. امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است.» (همان، ج ۱۳، ص ۲۴۳)

۴- تنبیه متجاوز و جبران خسارات

یکی از اهداف مهم در دفاع نظامی، تضمین امنیت و صلح شرافت‌مندانه است که بدون تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت و تأمین ضرر و زیان ناشی از تجاوز محقق نخواهد شد؛ حضرت امام خمینی علیه السلام فرمودند: «تا از خانهٔ ما بیرون نروید و تا جرم‌هایی که کردید معلوم نشود که شما مجرم هستید و تا ضررهایی که به ایران زدید، جبران نشود... صلح معنا ندارد.» (همان، ج ۱۶، ص ۱۰۷)



منبع: محقق، بر اساس دسته بندی بیانات امام خمینی علیه السلام

شکل ۲-۲: اهداف دفاعی - امنیتی در اندیشه امام خمینی علیه السلام

ب- رویکردهای دفاع نظامی

مهم‌ترین و عمده‌ترین رویکردها در دفاع نظامی از نظر امام خمینی علیه السلام می‌توان با رعایت حفظ آمادگی که شامل آمادگی جسمی و آمادگی روحی است، بیان کرد.

ملتی که دارای اهداف بلند و مقدس بوده و در نظامی اسلامی زندگی می کند، باید بداند که همواره مورد تهدید دشمنان داخلی و خارجی است، لذا آمادگی رزمی و دفاع نظامی از ضروریات اولیه مسلمانان است. امام خمینی رحمته الله علیه با توجه به این نکته فرمودند: «من مجدداً به همه ملت بزرگوار ایران و مسئولین عرض می کنم چه در جنگ و چه در صلح، بزرگترین ساده اندیشی این است که تصوّر کنیم جهان خواران، خصوصاً آمریکا و شوروی، از ما و اسلام عزیز دست برداشته اند؛ لحظه ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵-۱۹۴)

بر این اساس باید همه آحاد ملت، خصوصاً جوانان در آمادگی کامل دفاعی باشند تا دشمنان در هیچ شرایطی نتوانند ما را غافلگیر کنند. این آمادگی باید در دو بخش جسمی و روحی حاصل گردد:

الف- آمادگی جسمی

همه اقشار ملت، به ویژه جوانان عزیز ما، علاوه بر آمادگی های علمی و فنی، باید از مهارت های مختلف جسمی که امروزه در جنگ ها کاربرد دارند، برخوردار باشند. قرآن در آیه ۶۰ سوره شریفه انفال، به ما حکم می کند که یک مسلمان رزمنده باید در زمین و هوا و دریا، از نیروی دشمن برتر باشد و این مطلب به همان اندازه که در ابعاد فنی اهمیت دارد، در زمینه توانایی جسمی نیز ضرورت دارد.

ب- آمادگی روحی

حفظ انگیزه دفاعی و آمادگی مقابله با دشمن در هر شرایطی، تا آن جا اهمیت دارد که بعضی از کارشناسان جنگ، نقش روحیه را در تعیین سرنوشت جنگ و جبهه پیروز میدان بسیار مهم توصیف کردند. با آمیختگی آمادگی روحی و توان جسمی، مجاهدانی در عرصه جامعه پا می گذارند که صلابت و شجاعت آنان، دشمن را در فتنه انگیزی و تهاجم مأیوس می سازد؛ زیرا در فضای درخشش آن شیردلان، جایی برای خودنمایی پیدا نمی کنند. در زمانه ما نیز یاران واقعی اسلام و سربازان منتظر فرج آقا امام زمان علیه السلام، کسانی هستند که با صلابت و جاذبه معنوی خود، نه تنها مجال توطئه و تجاوز را از دشمنان سلب می کنند؛ بلکه دشمنان از آمادگی روحی و توان جسمی آنان همواره در ترس و اضطراب زندگی می کنند و سعی می نمایند هرگز به آتش قهر آنان گرفتار نشوند. ایشان از یاران حضرت مهدی علیه السلام هستند.

در مورد آمادگی روحی و توان جسمی یاران واقعی اسلام و سربازان منتظر فرج آقا امام زمان

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، از ائمه معصومین (علیهم السَّلَام) نقل شده است: «وَلَوْ مُرُّو بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَعُوها، لَا يَكْفُونُ سُيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛ اگر این یاران، به کوه‌هایی از آهن و فولاد عبور کنند، آن را خرد می‌کنند اسلحه‌هایشان را بر زمین نمی‌گذارند تا آن هنگام که خدا راضی شود.» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۲)؛ بر همین اساس امام خمینی (علیه السلام) نیز فرمودند: «ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم، نه مأمور به نتیجه» (همان، ج ۲۱ ص ۲۸۴)

۱- شهادت طلبی

یکی از مسائلی که تأثیر مهمی بر روند جنگ دارد آرامش روحی رزمندگان است. سربازی که می‌داند برای دفاع از حق سلاح به دست گرفته و شهادت را در این راه سعادت می‌بیند بدون هیچ تردید و تزلزلی در برابر دشمن می‌ایستد. زیرا هر چند حضور در جبهه احتمال کشته شدن دارد. اما برای کسی که هدف بزرگی را دنبال می‌کند و آرزوی شهادت دارد نه تنها این مسأله بازدارنده نیست که خود عامل مهمی برای پیروزی است. (شاهرودی، ۱۳۷۷: ۱۱۲)

رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید: «ما باید با یک همچو قدرت و روحیه‌ای که شما می‌گویید که آنها می‌گفتند ما می‌خواهیم شهید بشویم به پیش برویم. من از آن وقتی که این نهضت شروع شد. مکرر هر چند روز یک مرتبه، زنان و مردان می‌آمدند پیش من و اصرار می‌کردند که شما دعا کنید تا ما شهید بشویم، من دعا می‌کنم که شما موفق بشوید و ثواب شهادت را داشته باشید. برای اسلام خدمت کنید، این روحیه موجب پیشرفت است، جدیت کنید که این روحیه محفوظ باشد.» (همان، ج ۱۲، ص ۲۹۶)

حضرت امام خمینی (علیه السلام) در جای دیگر داشتن چنین روحیه‌ای را می‌ستاید و آن را فتح‌الفتوح و موجب پیروزی می‌داند: «آنان که... دم از پیروزی قادسیه می‌زنند و رمز پیروزی قادسیه و مؤمنان صدر اسلام را باز نیافته‌اند و قدرت ایمان و شهادت طلبی را نمی‌فهمند، باید با شکست مفتضحانه روبرو شوند، و گوش‌مالی الهی ببینند... آنچه برای این جانب غرور انگیز و افتخار آفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان که سربازان حقیقی ولی-الله الاعظم - ارواحنا فداه - هستند. و این است فتح‌الفتوح» (همان، ج ۱۵، ص ۳۹۴)

۲- تقویت بنیه دفاعی کشور

از مصادیق روشن سوره انفال، آیه ۶۰ می‌باشد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَرَى سَبِيلُ اللَّهِ يُؤْفَ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان و رزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد بترسانید. و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.»

تقویت بنیه دفاعی کشور است؛ لذا امام خمینی علیه السلام در لزوم توجه کامل به آن فرمودند: «مطمئناً غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد.» (همان، ج ۲۱، ص ۳۵۸)

در این مورد می‌توان گفت مدیریت دفاعی کشور و سازماندهی نیروها و توسعه صنایع نظامی از اجزای مهم بنیه دفاعی هر کشور به حساب می‌آیند؛ لذا امام خمینی علیه السلام توسعه و تکامل صنایع تسلیحاتی را در اولویت دوران بازسازی قرار داده‌اند: «با قبول و اجرای صلح، کسی تصوّر نکند که ما از تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور و توسعه و گسترش صنایع تسلیحاتی بی‌نیاز شده‌ایم؛ بلکه توسعه و تکامل صنایع و ابزار مربوط به قدرت دفاعی کشور، از اهداف اصولی و اولیه بازسازی است و ما با توجه به ماهیت انقلابمان، در هر زمان و هر ساعت، احتمال تجاوز را مجدداً از سوی ابرقدرت‌ها و نوکرانشان باید جدی بگیریم.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۵۸)

۳- ایجاد توازن قوا

حضرت امام خمینی علیه السلام معتقد بودند که کشورهای اسلامی باید از نظر قدرت و آمادگی دفاعی، حداقل در ردیف قدرت‌های بزرگ قرار گیرند؛ زیرا موازنه قوا موجب ترس دشمن از توان و قدرت دفاعی مسلمانان می‌شود. اگر تعادل قوا در جهان به نفع سلطه‌گران جهان‌خوار باشد، لحظه‌ای در حمله به منافع مسلمانان و غارت سرمایه‌های آنان دریغ نخواهند کرد. امام راحل توجه مسلمانان به توان مادی و معنوی خود و بهره‌گیری بهینه از آن را، شرط ایجاد موازنه قوا می‌داند و در این مورد می‌فرماید: «خدای تبارک و تعالی آن قدر مقدرات به این کشورهای

اسلامی داده است، چه از جهات معنوی و چه از جهات مادی، که اگر بفهمند این حکومت‌ها و توجه به مسائل پیدا بکنند، قدرتی هستند که در مقابل آنها قدرت دیگری اندک است.» (همان، ج ۱۶، ص ۳۹۱)

۴- بسیج همگانی

از نظر امام خمینی علیه السلام نیروهای مسلح اعم از ارتش و سپاه پاسداران، بازوان اصلی قدرت دفاعی کشور به حساب می‌آیند؛ با این حال ایشان حضور فعال عامه مردم در کنار نیروهای مسلح را، از بزرگترین منابع استراتژی دفاعی می‌دانند و با توجه به اهداف فراگیر انقلاب اسلامی، آمادگی همه جانبه و در عین حال سازمان یافته نیروهای مردمی در قالب بسیج را از اولویت بازسازی نیروهای مسلح قلمداد می‌نمایند. امام امت در این باره فرمودند: «در شرایط بازسازی نیروهای مسلح، باید بزرگترین توجه ما به بازسازی نیروها و استعدادها و انتقال تجارب نظامی و دفاعی به کلیه آحاد ملت و مدافعان انقلاب باشد.» (همان منبع: ج ۲۱، ص ۱۳۴)

در نگاه امام خمینی علیه السلام، بعد از خدای متعال اتکاء به نیروی مقاومت مردمی، یکی از منابع مهم دفاعی همه جانبه به حساب می‌آید. همجوشی و اتحاد ملت با مسئولان قوای مسلح، توان دفاعی شکست‌ناپذیری را در مقابل حملات دشمن ایجاد می‌نماید. امام راحل اراده عمومی ملت را خلل‌ناپذیر دانسته و می‌فرماید: «وقتی ملت یک چیزی را اراده بکند و همه با هم مصمم، ملت یک کاری را بخواهد، هیچ قوه‌ای نمی‌تواند جلویش بایستد. همه قوا شکست خوردند در مقابل ملت.» (همان، ج ۹، ص ۱۴۲)

الگویی که امام خمینی علیه السلام برای بسیج مد نظر می‌گیرند متفاوت از میلشیا یا احتیاط در سایر کشورها (همانند: سوئیس و یا کشورهای اروپای شرقی) است در حقیقت بسیج بسیار گسترده‌تر از یک سیستم صرفاً پرسنلی برای تأمین نیازهای یگان نیروهای مسلح است، در این رابطه چند ویژگی را می‌توان عنوان داشت:

۱- مسأله اعتقادی: در سیستم بسیج، دفاع از جمهوری اسلامی شکل اعتقادی به خود می‌گیرد و یک کار عبادی محسوب می‌گردد.

۲- بسیج و سیستم بسیج: رهبر این سیستم در شخص ولی فقیه خلاصه می‌شود، حتی اگر فرمانده کل قوا نیز نباشد. در این حالت تک تک سربازان، خود را تحت فرماندهی ولایت فقیه می‌دانند.

۳- در سیستم بسیج، تنها نیروی انسانی مطرح نمی باشد؛ بلکه کلیه عناصر پشتیبانی، باید در خدمت سیستم دفاعی باشند.

۴- بحث ارتش میلیونی در حد کمی و کیفی مطلوب که زنان و مردان را در بر می گیرد.

نکته مهم اینکه لفظ ارتش بیست میلیونی تنها یک اصطلاح است و طبعاً نمی توان بیست میلیون نفر را در مدت کوتاه گردهم آورد. مسأله داشتن نیروی انسانی است که در شرایط حساس توانایی حرکت و دفاع را داشته باشند. به عبارت بهتر، آنچه همواره مد نظر امام علیه السلام است. داشتن سازمان و روابط سازمانی صحیح است که بتوان به آن ارتش اطلاق نمود و در شرایط حساس از آن بهره لازم را برد. (سهرابی، ۱۳۸۶: ۱۹۶-۱۹۴)

امام خمینی علیه السلام در این مورد می فرماید: «مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد تعلیمات نظامی داشته باشد... یک کشوری با بیست میلیون جوان که دارد، بیست میلیون تفنگدار داشته باشد بیست میلیون ارتش داشته باشد و این یک همه چه مملکتی آسیب بردار نیست.» (همان، ج ۱۱ ص ۱۲۱-۱۲۲)

امام خمینی علیه السلام با انتخاب استراتژی بسیج همگانی در جنگ تحمیلی، توانست معادلات نظامی دشمنان انقلاب اسلامی را بر هم زند و سرفصلی نوین در فرایند مقابله نظامی ایجاد کند و بهره مناسب را از هشت سال دفاع مقدس برگیرد. اطمینان امام خمینی علیه السلام به مردمی در حدی است که اراده خدا را در اراده مردان مؤمن و خداجو متبلور می داند و آمادگی همه جانبه آنان در سنگرهای دفاع از اسلام و ارزش های انسانی را در هر شرایطی ضروری می داند: «... واجب است پیشکسوتان جهاد و شهادت در همه صحنه ها حاضر و آماده باشند.» (استفتاءات، ج ۱، ص ۸۲)

بنابراین، امام خمینی علیه السلام با همه عشق و علاقه ای که به مردم داشتند، گذشته از فداکاری و ایثار آنان در راه اسلام و نظام جمهوری اسلامی، آمادگی دفاعی و استقامت آنان را مهم ترین سد و حصار تسخیرناپذیر در برابر تهاجمات بیگانه می دانستند و معتقد بودند که این اولین و مهم ترین گام دفاع همه جانبه است: ارتش بیست میلیونی و بسیج مردمی که با سازماندهی خود ملت مجهز می شود، آماده فداکاری در راه اسلام و کشور است... امروز ملت ما در کمک به اداره کشور و سازماندهی آن مهیا و فعالند. (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۵۶ و ج ۱۳، ص ۲۱۱)

بدین ترتیب، بسیج همگانی در سیاست دفاعی امام خمینی علیه السلام بسیار مهم است؛ به طوری که هویت اندیشه دفاعی امام راحل، بدون توجه به آن روشن نخواهد شد.

۵- خودکفایی نظامی

امام امت در سخنان و رهنمودهای خود با تأکید فراوان بر خودکفایی در همه ابعاد، خودکفایی نظامی را رکن دفاع همه جانبه می‌داند. در اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام، قطع وابستگی به قدرت‌های استکباری، تنها با توسعه تکنولوژی دفاعی و خودکفایی کامل نیروهای خودی در این زمینه امکان‌پذیر است و غفلت از این امر مهم و حیاتی را موجب طمع بیگانگان در حمله به کشور می‌داند و در همین زمینه می‌فرماید: «من به‌عنوان فرمانده کل قوا به‌مسئولین و تصمیم‌گیرندگان نیز دستور می‌دهم که در هیچ شرایطی، از تقویت نیروهای مسلح و بالا بردن آموزش‌های عقیدتی و نظامی و توسعه تخصص‌های لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند و این کشور را برای دفاع از ارزش‌های اسلام ناب و محرومین و مستضعفین جهان در آمادگی کامل نگهدارند و مبدا توجه به برنامه‌های دیگر، موجب غفلت از این امر حیاتی گردد که مطمئناً غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد.» (همان، ج ۲۱ ص ۳۵۷ - ۳۵۸)

۶- سلاح در دست افراد صالح

از نظر امام خمینی علیه السلام، داشتن سلاح و تجهیزات دفاعی، نه تنها مطلوب است، بلکه معتقدند که اسلحه باید در دست افراد صالح باشد؛ زیرا ریشه تمامی مفاسد در اسلحه‌دار بودن افراد ناصالح است. زیرا که جنگ‌های بزرگ و کوچک را برای تحمیل سلطه و غارت منابع ملت‌ها به راه می‌اندازند و با زور اسلحه، بر مقدرات ملت‌ها چیره می‌شوند. ایشان ادعای دولت‌های بزرگ استکباری مبنی بر خلع سلاح هسته‌ای و میکروبی را، مشکوک و عاری از صداقت می‌دانستند و در مجموع اعتقاد داشتند که افراد و دولت‌های بی‌ریشه و ضد بشریت، صلاحیت تسلیح شدن را ندارند؛ بلکه اسلحه باید در دست افراد صالح و شایسته باشد. ایشان در این مورد می‌فرماید: «صلاً باید اسلحه داشته باشند.» (همان، ج ۳، ص ۳۰۴)

۷- دشمن شناسی

لازمه مقابله صحیح و منطقی با دشمن، شناخت ماهیت و شیوه‌های تهاجم و تجاوز اوست. دفاع نامتناسب با تهاجم دشمن، به تنهایی بی‌ثمر است، بلکه گاهی موجب تقویت نقشه‌های دشمن

شده و مدافع را در دامهای آشکار و پنهان او غافلگیر می‌کند. بنابراین شناخت ماهیت و شیوه تهاجم دشمن از ضروریات مقابله و دفاع است. به همین دلیل رهبر کبیر انقلاب، بر معرفی ماهیت دشمن و شیوه تجاوز او تأکید دارد. مثلاً در باره آمریکا، به عنوان دشمن اصلی ملت‌ها می‌فرماید: «دنیا بداند که هر گرفتاری‌ای که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است؛ از آمریکاست. ملل اسلام از اجانب عموماً و از آمریکا خصوصاً متنفر است. بدبختی دول اسلامی، از دخالت اجانب در مقدرات آنهاست.» (همان، ج ۱ ص ۴۱۱)

امام خمینی رحمته الله علیه همچنین در افشای شیوه‌های توطئه آمریکا علیه انقلاب اسلامی می‌فرماید: «آمریکا به تصور این که ملّی گراها و منافقین و دیگر وابستگان چپ و راست او، به زودی پاشنه سیاست انقلاب و حاکمیت نظام و اداره کشور را به نفع او به حرکت درمی‌آورند، چند روزی سیاست خوف و رجاء را در پیش گرفت و به طرح و اجرای کودتا و اعمال سیاست فشار و ترویج چهره‌های وابسته خود و نیز به ترور شخصیت انقلاب و انقلابیون واقعی کشور پرداخت که خداوند مجدداً بر ما منت نهاد و در صحنه حماسی تسخیر لانه جاسوسان، مردم ایران براءت مجدد خویش را از آمریکا و اذنان آن اعلام نمودند؛ که دو باره امریکا، همان تیغی که به دست محمد رضا سپرده بود، در کف صدام، این زنگی مست نهاد...» (همان، ج ۲۰، ص ۳۲۴)

به طوری که ملاحظه می‌شود، امام خمینی رحمته الله علیه در این عبارات مؤجّز و در عین حال کامل، شیوه مبارزه آمریکا با انقلاب اسلامی را از آغاز تا جنگ تحمیلی بیان نموده و چهره دشمن واقعی ملت‌های مظلوم و مسلمان را افشاء نمودند.

۸- بالا بردن آموزش‌های عقیدتی و نظامی

امام خمینی رحمته الله علیه مبناء را در تمام زمینه‌ها هم اعتقادات نظامی و هم اعتقادات دینی و آموزش‌های عقیدتی قرار می‌داد و در آخرین اطلاعیه مکتوبی که در باره ارتش بود و به مناسبت سالروز ارتش در سال ۱۳۶۸ داده بود، روی این مطلب تکیه می‌کند که شما به عنوان یک دانشگاه اینجا را ببینید و از آموزش‌های عقیدتی غافل نکنید. آنچه ما داریم از ایمان داریم. در همین مورد می‌فرمایند: «من تا آخر پشتیبان ارتش و سپاه و بسیج خواهم بود و تضعیف آنان را حرام می‌دانم. من به عنوان فرمانده کل قوا به مسئولین و تصمیم‌گیرندگان نیز دستور می‌دهم که در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالا بردن آموزش‌های عقیدتی و نظامی و توسعه تخصص‌های لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند و این کشور را برای

دفاع از ارزش‌های اسلام ناب و محرومین و مستضعفین جهان در آمادگی کامل نگه‌دارند و مبدا توجه به برنامه‌های دیگر موجب غفلت از این امر حیاتی گردد که مطمئناً غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد. ارتش و سایر نیروهای مسلح در دوران بازسازی باید به اصل بازسازی معنوی و اعتقادی نیز توجه کافی داشته باشند، چرا که همه در میدان نبرد و کارزار آموخته و تجربه کرده‌اند که معنویت و ایمان چقدر در پیروزی‌ها و موفقیت‌ها و بالا بردن توان و استقامت نیروها مؤثر است. من با تشکر از زحمات روحانیون عزیز و مسئولین عقیدتی-سیاسی ارتش، به‌خصوص نماینده خود جناب حجت‌الاسلام آقای صفایی که از چهره‌های مؤمن و خوب و صدیق این انقلاب است، تأکید می‌کنم که به مسئله آموزش‌های عقیدتی و اخلاقی بیشتر توجه شود.

دوران خدمت نظامی برای جوانان کشور بهترین فرصت و مناسبی است که نظام و ارتش و مسئولین عقیدتی-سیاسی می‌توانند از آن استفاده کنند و جوانان عزیز و غیور را با بهترین روش‌های دفاعی اعم از تجربی و علمی یا اعتقادی بارور سازند که برای همیشه و تا آخر عمر، سرباز و مدافع اسلام و میهن اسلامی باشند.» (همان، ج ۲۱ ص ۳۵۸-۳۵۷)

۹- مردمی کردن دفاع

از جمله نکاتی که در رابطه با اندیشه دفاعی امام خمینی رحمة الله علیه مطرح است، تغییر الگوی دفاعی از وابستگی به قدرت‌های جهانی، به الگوی (دفاع مردمی همه‌جانبه) است. این دفاع مکمل نیروهای مسلح است. این تسلیح گسترده در حقیقت جنگ را کاملاً مردمی می‌کند و بر همین مبناء تمامی آحاد مردمی جنگ را بخشی از وجود خود و زندگی روزمره خود می‌دانند؛ البته امام خمینی رحمة الله علیه کفایت و حضور مردم را به تشخیص سران ارتش و سپاه احاله می‌فرمایند. (سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع، ۱۳۷۷: ۲۵۰)

امام امت در این باره می‌فرماید: «الآن جبهه‌ها احتیاج به افراد دارد. در جبهه‌ها باید افراد بروند. این یک واجب شرعی-الهی است، منتها واجب کفایی، به همه واجب است، مگر اینکه به اندازه کفایت حاصل شده باشد. هر که می‌تواند، قدرت دارد، بر او واجب است. و اگر به اندازه کفایت به‌طوری که سران نظامی، از سران پاسداران و سران ارتش و اینها گفتند دیگر احتیاج نیست، آن وقت از همه ساقط می‌شود. (همان، ج ۱۶، ص ۴۶۳-۴۶۴)

در همین راستا می‌باشد که امام خمینی رحمته الله علیه الگوی بسیج مردمی یا طرح ارتش بیست میلیونی را که بدنه عظیم مردمی برای دفاع از اندیشه اسلامی است را با مردمی کرد دفاع ارائه می‌دهند. به عقیده حضرت امام خمینی رحمته الله علیه زمانی که انسان‌های مختلفی از طبقات مختلف وارد بسیج شدند، گمنامی در آن شهرت می‌یابد و تنها رشادت و شهادت، محلی از اعراب پیدا می‌کند. چنان که ایشان می‌فرماید: «بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سرداده‌اند. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۹۴)

۱۰- انگیزه الهی

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه درباره انگیزه نیروهای مسلح می‌فرماید: «انگیزه‌ای که در ارتش و در قوای مسلحه ما و پاسدارها و همه نیروهایی که هست، نیروی دریایی، نیروی زمینی، نیروی هوایی و سایر نیروهایی که در ایران هستند، انگیزه آنها یکی است و آنکه ما برای خدا داریم کار می‌کنیم.» (همان، ج ۱۳، ص ۲۳۷)

۱۷، ۲- دفاع اقتصادی

در جوامع کنونی که محور رشد و پیشرفت حرکت آنها حول مسائل اقتصادی و صنعتی دور می‌زند، نقش اقتصاد در حفظ تعادل و پیشرفت جامعه، امری است که از نظر اندیشمندان و مدیران جامعه بسیار مهم و حائز اهمیت است. از این جهت امام خمینی رحمته الله علیه حفظ منافع ملی، رشد صنعت و فناوری و تأمین امنیت مالی جامعه را در پیشرفت اهداف کلی انقلاب اسلامی بسیار مؤثر دانسته و همواره بر هدایت و تقویت بنیه‌های اقتصادی تأکید داشته‌اند. (لاریجانی، ۱۳۷۷: ۶۱)

الف- اهداف دفاع اقتصادی

مهم‌ترین اهداف دفاع اقتصادی از نظر امام خمینی رحمته الله علیه را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- حفظ منافع ملی و ذخایر اصلی

امام خمینی رحمته الله علیه با اهمیت توصیف کردن نفت در معاملات جهانی و اقتصاد بین‌الملل و نیز نقش عظیم صنعت نفت و انرژی در کشورها و سیاست‌ها، در حفظ این منافع و ذخایر ملی فرمودند:

«انشاءالله مسئولین امر با توجه کافی و بصیرت و دقت از این گنج‌ها و ذخایر سیال خدادادی پاسداری نمایند و در توسعه و استفاده هر چه بیشتر و بهتر آنها تلاش نمایند و در تأمین نیازهای جامعه و پابرهنگان و اولویت‌دادن به مناطق محروم موفق باشند.» (همان، ج ۲۱، ص ۲۳۳)

۲- تحقق عدالت اجتماعی

نقش اقتصاد در تحقق قسط و عدالت اجتماعی، به قدری مهم است که بسیاری از صاحب‌نظران، اقامه قسط و عدل را منحصراً در نظام اقتصادی جامعه جستجو می‌کنند. لذا امام خمینی علیه السلام در پیام خود به دولت و به مناسبت گشایش مجلس دوم، ضمن توجه به مسائل اقتصادی، به‌ویژه اقشار محروم جامعه، فرمودند: «مجلس محترم دوره اول، گر چه کارهای بسیار ارزنده‌ای انجام داد و با کوشش و مشکلات فراوان از عهده وظایف خود به درآمد؛ لکن تراکم مشکلات پس از انقلاب و خیانت‌های رژیم سابق آنچنان زیاد بود که قهراً بسیاری از مشکلات به عهده مجلس حاضر است. از آن جمله حل مسائل بسیار مهم اقتصادی و مبارزه با تورم و حل مسأله مسکن و زمین است و رسیدگی هر چه بیشتر به امور محرومان و قشرهای کم درآمد و از آن جمله افراد محترمی می‌باشند...» (همان، ج ۱۸ ص ۴۶۳-۴۶۴)

۳- خودکفایی صنعتی

پیوند بنیان اقتصاد کشور با رشد صنعتی و فناوری، از مباحث مهمی است که توجه امام خمینی علیه السلام را به خود جلب نموده است؛ به‌طوری که خودکفایی در بخش صنعت و قطع وابستگی از خارج را همواره به مردم و مسئولین گوشزد می‌نمودند: «بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند، بسازند تا خود همه چیز بسازند.» (همان، ج ۲۱، ص ۴۱۷)

«من دست و بازوی همه کسانی که بی‌ادعا و مخلصانه در صدد استقلال و خودکفایی کشورند را می‌بوسم.» (همان، ج ۲۱، ص ۲۳۳)

۴- مبارزه با رفاه طلبی و مصرف‌گرایی

مأموریت اصلی فرهنگ هر جامعه، تقویت عوامل مؤثر در دفاع همه جانبه است و آنچه که آفت بزرگ عوامل دفاع در همه زمینه‌ها به حساب می‌آید، گرایش جامعه به رفاه‌طلبی و دنیاگرایی است.

امام خمینی رحمه الله علیه رفاه طلبی و مصرف گرایی را عامل وابستگی به دشمنان و مغایر روح استقلال و عزت مسلمین قلمداد می نمودند؛ از این رو تحمل سختی ها و مشکلات را لازمه دستیابی به استقلال دانسته اند و می فرمایند: «باز سفارش می کنم که به خدا متکی باشید و برای همیشه زیر بار شرق و غرب نروید. مردم باید تصمیم خود را بگیرند یا رفاه و مصرف گرایی یا تحمل سختی و استقلال. و این مسأله ممکن است چند سالی طول بکشد، ولی مردم ما یقیناً دومین راه را که استقلال و شرافت و کرامت است، انتخاب خواهند کرد.» (همان، ج ۲۱، ص ۲۳۳)

چنانچه امام خمینی رحمه الله علیه این مورد فرمودند: «خدا نیلورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما، پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیاء و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند.» (همان، ج ۲۰، ص ۳۴۱)

ب- رویکردهای دفاع اقتصادی

شیوه هایی که امام خمینی رحمه الله علیه برای دستیابی به اهداف اقتصادی ترسیم نمودند، بسیار در خور توجه و اهمیت است و به کارگیری آنها، قطعاً مقاصد کشور را تأمین می کند. لذا ضروری است در برنامه ریزی های کلان اقتصادی به آن توجه گردد. عمده ترین رویکردهای اقتصادی از نظر امام راحل را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- اتکال به خدا

رمز موفقیت انسان در هر زمینه ای، اتکال به خدا است؛ به طوری که امام رحمه الله علیه دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی را مرهون عنایت خدای متعال می داند و معتقد است که راه هدایت در هر کاری را، خداوند به انسان با ایمان الهام می کند و اعتماد به نفس و خودباوری از برکات اولیة آن است: «عمده این است که شما دو جهت را در نظر بگیرید... یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی که وقتی که برای او بخواهید کار بکنید، به شما کمک می کند؛ راه را برای شما باز می کند؛ در هر رشته که هستید، راه های هدایت را به شما الهام می کند و یکی اتکال به نفس؛ اعتماد به خودتان.» (همان، ج ۱۸، ص ۱۸۹)

۲- خودباوری اقتصادی

امام خمینی رحمه الله علیه، خودباوری و پشتکار را دو عامل مهم در قطع وابستگی و تحقق استقلال

صنعتی و اقتصادی می‌دانند و معتقدند وقتی خودباوری آمد، پشتکار را نیز با خود می‌آورد. امام خمینی علیه السلام یکی از برکات و نتایج جنگ تحمیلی را، خودباوری و شخصیت یافتن ملت می‌داند: «شما دیدید که در این جنگ تحمیلی که پیش آمد و محاصره اقتصادی ما شدیم، خود ایرانی‌ها، خود ارتشی‌ها این قطعات را درست کردند. اگر قبل از این بود، یکی از آن قطعات را نمی‌توانستند درست کنند؛ از باب این که شخصیت‌شان را گم کرده بودند، می‌گفتند باید متخصص بیاید. من اعتقادم است که اگر ما در محاصره اقتصادی یک ده سال، پانزده سال واقع بشویم، شخصیت خودمان را پیدا می‌کنیم.» (همان، ج ۱۴، ص ۱۱۴)

۳- قطع سلطه بیگانگان

امام خمینی علیه السلام، قطع کامل وابستگی به بیگانگان را پایه و اساس استقلال و عزت و شکوفایی کشور می‌دانستند حساسیت خاصی به این مسأله داشتند؛ لذا فرمودند: «مسلمین نباید تحت سلطه کفار باشند؛ خدای تبارک و تعالی، برای هیچ یک از کفار، سلطه بر مسلمین قرار نداده است و نباید مسلمین این سلطه کفار را قبول بکنند.» (همان، ج ۱۶، ص ۳۴)

۴- قطع وابستگی از خارج

امام خمینی علیه السلام خودباختگی و مرگ استعدادهای خلاق را از آفات بزرگ وابستگی می‌دانسته و معتقد بودند تا وابستگی از بیگانگان قطع نشود، استعدادها و مغزها به کار نمی‌افتند: «مهم این است که ایرانی‌ها بفهمند که خودشان می‌توانند کار بکنند. در این طول زمان، این معنا را همچو کرده بودند که ایرانی‌ها چیزی نیستند و باید همه، همه چیز را برونند از خارج بیاورند، از اروپا بیاورند، از آمریکا بیاورند. این شد که اسباب این شد که مغزهای ایرانی به کار نیفتاد و نگذاشتند به کار بیفتد.» (همان، ج ۱۳، ص ۳۹۶)

۵- صبر و قناعت

لازمه تحقق برنامه‌های اقتصادی، صبر و قناعت است. ملت انقلابی باید به آنچه که خود می‌سازد، قناعت کند و تا به ثمر رسیدن طرح‌های کلان خود، صبر و استقامت را پیشه سازد. به همین دلیل، امام خمینی علیه السلام خطاب به ملت انقلابی ایران فرمودند: «به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند.» (همان، ج ۲۱، ص ۴۱۷)؛ همچنین ایشان لازمه حفظ استقلال و آزادی را صبر و استقامت می‌دانند: «ملتی که برای به دست آوردن آزادی و استقلال، کشته می‌دهد؛ برای حفظ و پاسداری از آن، صبر و استقامت و رنج را می‌پذیرد.» (همان، ج ۴، ص

۶- نفی وابستگی و خودباختگی

امام خمینی رحمته الله علیه وابستگی به قدرت‌های بزرگ را آفت رشد ملت‌ها، سرکوبی استعدادها و نهایتاً عامل عقب نگه‌داشتن کشورهای جهان سوم می‌داند و معتقد است که از آثار مخرب وابستگی، خودباختگی و عدم اعماد به نفس همهٔ احاد ملت است. لذا ضمن هشدار به متخصصان متعهد کشور می‌فرمودند: «امروز پدر پیر شما، خمینی، از تمامی شما کارگران و صنعت‌گران و متخصصان می‌خواهد که با تمام قدرت مواظب باشید که دو باره مردم ما گرفتار ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها نشوند.» (همان، ج ۲۱، ص ۲۳۲)

امام امت حتی توجیه نیاز به تخصص‌ها و متخصصین را نپذیرفتند و صراحتاً هرگونه تخصص وابسته را نفی فرمودند: «تخصصی که ما را به دامن آمریکا بکشد یا انگلستان، یا به دامن شوروی بکشد یا چین، این تخصص، تخصص مهلک است نه تخصص سازنده.» (همان، ج ۱۴، ص ۳۵۹)

همچنین قطع وابستگی و مبارزه با خودباختگی را به عنوان عامل شکوفایی استعدادها و قدرت ابتکار و نوآوری در احاد ملت بر می‌شمارند: «بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به درپوزگی عمر را بگذرانید، قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات، در شما شکوفا نخواهد شد.» (همان، ج ۲۱، ص ۴۳۳) و دربارهٔ ایجاد روحیهٔ خودباوری فرمودند: «باید به خود بیاورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی‌ها زندگی کنند، می‌توانند.» (همان، ج ۲۱ ص ۴۴۰)

۷- تأمین امنیت مالی و اقتصادی جامعه

بدیهی است اگر مردم یک جامعه، امنیت مالی و اقتصادی نداشته باشند، درگیر مشکلاتی می‌شوند که از مسئولیت اصلی خود باز می‌مانند. امام خمینی رحمته الله علیه خطاب به بازاریان کشور، ضمن منع آنان از انحرافات اقتصادی، پیامد کارهایی نظیر منفعت‌پرستی و گران‌فروشی را موجب فلج شدن مردم و ناراحتی آنان دانسته و در این مورد می‌فرماید: «انصاف نیست در بازار گران‌فروشی باشد. در موقعی که مردم ایران، زن و بچهٔ مردم ایران برای جنگ‌زده‌ها دارند از منافع خودشان می‌گذرند و آن چیزی که دارند، هدیه می‌کنند؛ مبادا در یک همچو موقعی در بازار، اشخاصی پیدا بشوند که گران‌فروشی کنند که موجب فلج مردم و ناراحتی مردم بشود.»

(همان، ج ۱۳ ص ۵۲۸ - ۵۲۷)

قدر مسلم طراحی و اجرای برنامه‌های راهبردی در اقتصاد نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی و ملی می‌تواند اثرات منفی سلطه اقتصادی دشمنان را خنثی نماید؛ ولی از آنجایی که اجرای تحولات اقتصادی به برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت نیازمند است، لذا بیش از هر عامل دیگر باید به عوامل مؤثر در نیازمندی‌های جامعه اسلامی و قطع وابستگی آن توجه شود. (سهرابی، ۱۳۸۶: ۱۴۰)

– عدالت اقتصادی

– نرسیدن از انزای اقتصادی

– حفظ منافع ملی و ذخائر اصلی

– استفاده مناسب از سلاح نفت

– تکیه بر امکانات بومی و محلی.

۲،۱۸ – دفاع فرهنگی

در اندیشه امام خمینی (رحمة الله علیه)، فرهنگ از گستردگی عمیقی برخوردار است که در حوزه آن، همه رفتارها و نگرش‌ها تعریف می‌شوند. فرهنگ در اصطلاح، به مجموعه سنن و آداب و رسوم یک جامعه اطلاق می‌شود؛ اما در نگرش امام خمینی (رحمة الله علیه)، فرهنگ اسلامی فراتر از تعاریفی است که تاکنون از سوی دانشمندان و علماء بیان شده است. امام خمینی (رحمة الله علیه) فرهنگ را کارخانه آدم‌سازی می‌داند: «فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است... فرهنگ سایه‌ای است از نبوت.» (همان، ج ۷، ص ۴۲۷-۴۲۹)

بدین ترتیب، امام خمینی (رحمة الله علیه) با این نگرش عمیق از فرهنگ اسلامی، اهدافی را برای دفاع فرهنگی ترسیم کردند که در نوع خود قابل توجه و اهمیت است:

الف – اهداف دفاع فرهنگی

۱ – تضمین استقلال جامعه

امام خمینی (رحمة الله علیه)، مهم‌ترین راه تضمین استقلال یک ملت و رهایی کامل آن از دام شیطنیت دشمنان را، اصلاح و استقلال فرهنگ آن ملت می‌داند: «قضیه تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت، فرهنگ صحیح باشد.» (همان، ج ۸، ص ۸۸)

«ملت عزیز ایران و سایر کشورهای مستضعف جهان، اگر بخواهند از دام‌های شیطنیت‌آمیز

قدرت‌های بزرگ تا آخر نجات پیدا کنند، چاره‌ای جز اصلاح فرهنگ و استقلال آن ندارند.» (همان، ج ۱۵، ص ۴۴۷)

به‌طوری که ملاحظه می‌شود، تربیت صحیح از نظر امام امت علیه السلام پیوند توجّه جدّی به فرهنگ اسلامی و شناسایی خطر هجوم فرهنگ بیگانه و انحرافات ناشی از آن، امکان‌پذیر نیست. لذا تا وقتی که یک ملت ویژگی‌های استعمار و فرهنگ‌های وارداتی را نشاسد، هرگز از دام شیاطین رها نخواهد شد.

۲- احیای هویت مسلمین و محرومین جهان

امام خمینی علیه السلام با علم به توانایی اسلام در اداره جوامع بشری، احیای هویت اسلامی دانسته و سرمایه‌گذاری در این زمینه را از وظایف جمهوری اسلامی ایران می‌داند: «من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد.» (همان، ج ۲۱ ص ۹۱)

۳- انتقال تجربه انقلاب اسلامی به جهان

امام خمینی علیه السلام با اعتقاد به این که جهان امروز تشنه فرهنگ اسلام است، انتقال تجربه انقلاب اسلامی و شیوه مبارزه با دشمن را برای ملت‌های دربند، شکوفه‌های پیروزی قلمداد کرده و فرمودند: «ما به تمام جهان، تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را، بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست. روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پرفراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را بیمایند و تمام آزادی‌خواهان باید با روشن‌بینی و روشنگری، راه سیلی‌زدن بر گونه ابرقدرت‌ها، و قدرت‌ها خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند.» (همان، ج ۲۰، ص ۳۲۵)

۴- خودباوری فرهنگی

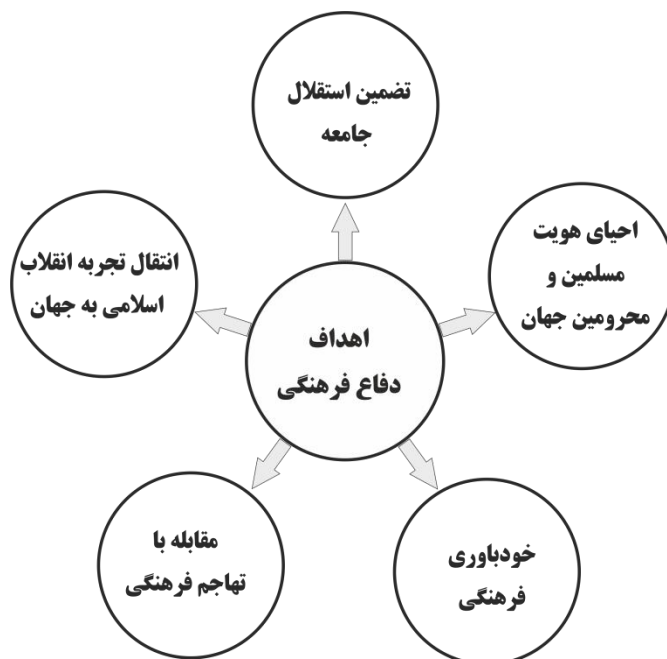
اصولاً خصیصه خودباوری و اعتماد به نفس، که اساس استقلال کشور را تشکیل می‌دهد، در

حوزه فرهنگ یک جامعه تبلور می‌یابد. انسان تا خود را باور نکند، هرگز به استعداد و توانمندی‌های ذاتی خود اطمینان پیدا نمی‌کند و به دلیل عدم اعتماد به خود، جرأت و جسارت دست‌یاری به کارهای عظیم را ندارد و ادامه زندگی و پیشرفت را، تنها با تکیه بر دیگران ممکن می‌داند. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره فرموده‌اند: «فرهنگ اساس ملت است؛ اساس ملت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است و لهذا آنها کوشش کرده‌اند که فرهنگ ما را استعماری کنند... با تبلیغات خودشان ماها را ترسانده‌اند که از خودمان می‌ترسیدیم؛ به خودمان اعتماد نداشتیم...» (همان، ج ۷، ص ۵۷)

۵- مقابله با تهاجم فرهنگی

در جوهره تفکر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، کار اصلی مقابله با تهاجم نیست؛ حمله مستمر و مداوم به همه ارکان وجودی استکبار جهانی، ویژگی اصلی و برجسته این اندیشه است. امام راحل خود در دوران عمر گرانمایه‌اش چنین عمل کرد و قدرت افسانه‌ای استکبار جهانی را در هم شکست و شجاعانه می‌فرمود: «دست آمریکا و سایر ابرقدرت‌ها تا مرفق به خون جوانان ما و سایر مردم مظلوم و رزمنده جهان فرو رفته است. ما تا آخرین قطره خون خویش با آنان شدیداً می‌جنگیم؛ چرا که ما مرد جنگیم. ما انقلاب‌مان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله‌الاله و محمد رسول‌الله بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.» (همان، ج ۱۲، ص ۱۴۷-۱۴۸)

ایشان با اعلام روشن اهداف انقلاب اسلامی و هجوم به دنیای کفر و استکبار، آنان را در لاک خود فرو برد. عدم درک بیانات پیامبرگونه رهبر کبیر انقلاب و ندانستن شیوه مقابله با آن، ابرقدرت‌ها را در موضع انفعالی و سردرگمی قرار داد؛ به طوری که با همه امکانات مادی و تکنولوژی، در برابر حملات فرهنگی امام راحل ایستادند؛ غافل از این که مرز نفوذ پیام الهی امام خمینی رحمته الله علیه، دل‌های تشنه حق و عدالت است. (منصوری لاریجانی: ۱۳۷۷)



شکل ۳-۲: اهداف دفاع فرهنگی از نظر امام خمینی رحمه الله علیه

ب- رویکرد دفاع فرهنگی

رویکردها و شیوه‌های تحقق اهداف فرهنگی از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، باید به‌عنوان یک دستورالعمل مستمر و دائمی به کار گرفته شود. تعلل در هر زمینه‌ای می‌تواند بر اهداف فرهنگی جامعه خدشه وارد نماید. از این جهت، هدف فرهنگی منهای رویکردهای فرهنگی، قابل تعقیب و دسترسی نخواهد بود. مهم‌ترین رویکردهای فرهنگی از نظر امام خمینی رحمته الله علیه را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- معرفی صحیح احکام اسلام

یکی از اهداف مهم در دفاع فرهنگی، ایجاد زمینه‌های سالم و مساعد به منظور عرضه و معرفی احکام اسلام است تا انسان‌ها در جوامع مختلف بتوانند بدون ابهام و پیرایه‌های غرض‌آلود اسلام را بشناسند: «ما موظفیم ابهامی را که نسبت به اسلام به وجود آورده‌اند برطرف سازیم. تا این ابهام را از اذهان نزداییم، هیچ‌کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم. ما باید خود و نسل آینده را وادار کنیم و به آنها سفارش کنیم که نسل آتیۀ خویش را نیز مأمور کنند. این ابهامی را که بر اثر تبلیغات سوء چندصدساله نسبت به اسلام در اذهان حتی بسیاری از تحصیل کرده‌های ما، پیدا شده رفع کنند... شما باید خودتان را، اسلامتان را، نمونه‌های رهبری و حکومت اسلامی را، به مردم دنیا معرفی کنید؛ مخصوصاً به گروه دانشگاهی و طبقۀ تحصیل کرده.» (ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، متن، ص ۱۳۰)

باید این واقعیت را پذیرفت که یکی از عوامل گرایش جوانان، به‌ویژه دانشگاهیان، به فرهنگ بیگانه و افکار انحرافی، بی‌جواب ماندن سؤالات و شبهاتی است که در ذهن آنان ایجاد می‌شود. امام خمینی رحمته الله علیه، اعتقاد راسخ دارند که اگر احکام اسلام به‌طور منطقی و درست عرضه شوند، دانشگاهیان از آن استقبال خواهند کرد و در این مورد می‌فرمایند: «دانشجویان چشمشان باز است. شما مطمئن باشید، اگر این مکتب را عرضه نمایید و حکومت اسلامی را چنانکه هست به دانشگاه‌ها معرفی کنید، دانشجویان از آن استقبال خواهند کرد.» (همان، ص ۱۳۰)

۲- قطع وابستگی فرهنگی

رویکرد فرهنگی، مسأله بسیار مهم و حیاتی در بقاء و قوام یک جامعه است؛ به‌ویژه اگر آن جامعه مبتنی بر ارزش‌های دینی شکل گرفته باشد. از این جهت رهبر کبیر انقلاب، حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی را تنها با سیاست فرهنگی مستقل امکان‌پذیر دانسته، تضمین استقلال در

سایر جهات را با وجود وابستگی فرهنگی، نوعی ساده‌اندیشی دانسته‌اند و در این باره فرموده‌اند: «ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۴۳)

۳- تحول فرهنگی در جامعه

در اندیشه امام خمینی رحمه الله علیه، هویت و موجودیت واقعی یک جامعه را فرهنگ آن جامعه تشکیل می‌دهد و انحراف از آن، جامعه را اگرچه در ابعاد سیاسی، اقتصادی و صنعتی و نظامی قدرتمند باشد، پوچ و میان تهی می‌سازد. از این جهت، امام راحل، عزت و قدرت یک ملت را، تنها در سایه تحول فرهنگی آن ملت می‌دانستند و می‌فرمایند: «بزرگترین تحولی که باید بشود، در فرهنگ باید بشود. برای این که بزرگترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد.» (همان، ج ۷ ص ۴۷۳)

۴- حضور مؤثر حوزه علمیه و روحانیت

معمولاً آثار بارز وابستگی فرهنگی در هر کشوری، با مرعوب شدن قشر روشن فکر در برابر تهاجم فرهنگی غرب همراه بوده است که گاه با تمارض یا با اظهار نظرهای غرب‌پسندانه با مهاجمی نیز هم‌نوایی می‌کردند. ما در انقلاب اسلامی نیز شاهد امواج اندیشه‌های چپ و راست، اعم از مارکسیسم و لیبرالیسم، بوده‌ایم؛ لکن قشری که همواره خطر تهاجم غرب را جدی گرفته است و به جای هم‌زمانی، به مقابله با آن پرداخته، قشر متعهد روحانیت بوده است. از این جهت، رهبر کبیر انقلاب اسلامی برای استحکام مبانی فرهنگی و تربیتی در جامعه، حضور فعال روحانیت و بهره‌مندی بهینه از علوم حوزوی را ضروری دانسته و فرموده‌اند: «اسلام عمیق‌تر از همه جا و از همه مکتب‌ها، راجع به امور انسانی و راجع به امور تربیتی **نظر دارد**، که در رأس مسائل اسلام است... متخصص لازم است و در این امر باید از حوزه‌های علمیه متخصص بیاورند.» (همان، ج ۱۵، ص ۴۱۵)

۵- توجه به مراکز آموزشی و تبلیغی

اهتمام به برنامه‌ریزی صحیح و هدفدار در نظام آموزشی و تبلیغی کشور، نقش اصلی را در تحقق این اهداف فرهنگی جامعه ایفا می‌کند. دشمنان نیز برای نفوذ در این مراکز، بیشتر از جاهای دیگر، تلاش می‌کنند. از این جهت امام خمینی رحمه الله علیه فرمودند: «و اما در دانشگاه، نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی منحرف کنند و به‌سوی شرق یا غرب

بکشانند و دولت‌مردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشت کشورها حکومت دهند تا به‌دست آنها هر چه می‌خواهند، انجام دهند.» (همان، ج ۲۱، ص ۴۱۸)

بنابراین با ایجاد زمینه‌های مناسب سیاسی و اجتماعی هر چه بیشتر برای دانشجویان عزیز، باید درک و شناخت آنان را نسبت به شگردهای دشمنان انقلاب اسلامی ارتقا داد، تا با عناصر فاسد و مروجین فرهنگ بیگانه در محیط دانشگاه مبارزه کنند.

امام خمینی علیه السلام، ریشه توطئه و نقشه دشمنان را از دبستان تا دانشگاه دانسته و هدف عمده آنان را، ایجاد بدبینی نسبت به اسلام و روحانیت ترسیم فرمودند: «در گذشته [از یک طرف از دبستان‌ها تا دانشگاه‌ها کوشش شد که معلّمان و دبیران و اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها از بین غرب‌زدگان یا شرق‌زدگان و منحرفان از اسلام و سایر ادیان انتخاب و به‌کار گماشته شوند و متعهدان مؤمن در اقلیت قرار گیرند که قشر مؤثر را که در آتیه حکومت را به‌دست می‌گیرند، از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً و اسلام به‌خصوص و از وابستگان به ادیان، خصوصاً روحانیون و مبلغان متنفر باشند.» (همان، ج ۲۱ ص ۴۱۳)

بر این اساس، تبلیغ و تعلیم برای جوانان و تلاش برای سلامت محیط‌های آموزشی و فرهنگی، هویتی ملی و شرعی پیدا می‌کند. چنانچه ایشان در این باره فرمودند: «الآن حجت بر ما بیشتر است و اهمیت تبلیغات هم زیاده‌تر» (همان، ج ۱۵، ص ۵۰۷)

نتیجه این که تبلیغ یک حرفه نیست؛ منبع درآمد نیست. مراسم‌های بی‌روح و بی‌محتوا نیست؛ یک وظیفه الهی است.

همچنین امام امت برای وسایل ارتباط جمعی، به‌ویژه رادیو و تلویزیون نقش تبلیغی مؤثری قائل بودند: «می‌تواند این دستگاه با اندک انحرافی، میلیون‌ها مردم را منحرف کند و با اندک اشتباهی میلیون‌ها مردم را به اشتباه بیندازد... دستگاهی است که با صحت او، بسیاری از مردم در داخل و خارج صحیح می‌شوند و با فساد او، فاسد می‌شوند.» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۶۳)

— حفظ ارزش‌های انقلاب.

— حفظ وحدت و انسجام اسلامی.

— صدور انقلاب و بیداری ملت‌ها.

— معرفی صحیح احکام اسلامی.

۲،۱۹- رویکردهای اجتماعی در اندیشه دفاعی امام خمینی رحمته الله علیه

۱- اصلاح نظام تربیتی

یکی از اهداف مهم انقلاب اسلامی در حوزه فرهنگ، اصلاح نظام تربیتی بر اساس مبانی و اصول اعتقادی اسلامی است؛ زیرا برنامه‌ریزی در محیط بسته خانواده یا مدرسه، به هر میزان که خوب و مفید باشد، در صورت بروز ناهنجاری‌های فرهنگی یا نفوذپذیر بودن فرهنگ جامعه در برابر هجوم فساد و ابتذال اخلاقی، از داخل و خارج، همه تلاش‌های تربیتی به هدر خواهد رفت. بدین ترتیب، فرهنگ همانند رودخانه‌ای است که آب آن از مجاری مختلف به حوض منازل افراد می‌رود. اگر آب این رودخانه گل‌آلود شد، تنها با تصفیه و پالایش آن حوضچه‌های منازل، مشکل حل نمی‌شود. باید علت آلوده شدن آب رودخانه را پیدا کرد و درصدد رفع آن برآمد. (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۷: ۹۶-۹۵)

امام امت رحمته الله علیه در این مورد فرموده‌اند: «ما یک وابستگی روحی پیدا کردیم، این وابستگی روحی از همه چیزها برای ما بدتر است» (همان، ج ۸، ص ۲۵)

۲- توجه به جوانان و مشکلات آنان

توجه مستمر به نیازهای جوانان و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای رشد و تعالی آنان، همواره مورد توجه امام خمینی رحمته الله علیه بوده است. به همین منظور نیز امام خمینی رحمته الله علیه بین مشکلات اقتصادی جوانان و حفظ دین، رابطه مستقیم برقرار می‌نمایند: «این جوان... فردا که فارغ‌التحصیل می‌شود، سرگردان است. اگر معاشش فراهم نشود، نمی‌تواند دین خود را حفظ کند.» (همان، ج ۱ ص ۲۷۰)

بدین ترتیب، بهترین راه برای حفظ جوانان و هدایت استعدادها و توانمندی‌های آنان در مسیر اعتلای اهداف فرهنگی و سیاسی جامعه، درک درست و منطقی جوان، آشنایی کامل به نیازهای او و سپس برنامه‌ریزی براساس این دو عنصر است که می‌تواند جوانان ما را از مضرات و تأثیرات تهاجم فرهنگی حفظ کند و نیروی خلاق و کارآمد آنها را به‌استخدام جامعه و اهداف ملی و دینی آن در آورد. آنچه به‌عنوان فرهنگ بسیجی امروز در جامعه ما موضوعیت پیدا کرده، بهترین راه نجات و هدایت جوانان است که باید با همت و پشتکار مسئولان و دولت‌مردان به اجرا درآید. (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۷: ۱۰۲-۱۰۳)

۳- مبارزه با رفاه‌طلبی

مأموریت اصلی فرهنگ هر جامعه، تقویت عوامل مؤثر در دفاع همه جانبه است و آنچه که آفت بزرگ عوامل دفاع در همه زمینه‌ها به حساب می‌آید، گرایش جامعه به رفاه‌طلبی و دنیاگرایی است، از این جهت فرهنگ یک جامعه در تقابل دائمی با این رویکرد خطرناک است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی با عنایت به این مطلب، مبارزه را با رفاه‌طلبی قابل جمع نمی‌داند و گسترش چنین اندیشه‌ای را مغایر استقلال، آزادی و اهداف الهی حکومت اسلامی می‌داند و در این مورد می‌فرماید: «ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به‌خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست و آنها که تصوّر می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان، با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد، با الفبای مبارزه بیگانه‌اند و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد، با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند، آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی، دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت، گردانندگان و برپا دارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند.» (همان، ج ۲۱، ص ۸۶)

تحلیل محتوای این فراز از بیانات گهربار امام خمینی علیه السلام به قدری عمیق و پرجاذبه است که از جهتی می‌توان آن را عصاره راهبرد و ملخص سیاست دفاعی معظم‌له و منشور حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای هشت‌سال دفاع مقدس به‌شمار آورد که بی‌شک عدول از این شیوه پیامدهای مرگباری را به‌دنبال خواهد داشت. اگر به‌جای تقویت انگیزه‌های دفاعی جامعه، به رفاه و دنیاخواهی رو آوریم یا به جای حمایت از محرومین، ناخواسته سرمایه‌داران را تقویت کنیم، آن روز نه تنها از خط مبارزه عدول کرده‌ایم، بلکه باید شاهد مرگ تدریجی ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نیز باشیم.

چنانچه ایشان در این باره فرمودند: «خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور، پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیاء و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند.» (همان: ج ۲۰، ص ۳۴۱)

مروری کوتاه در تاریخ صدر اسلام و بررسی سیر حوادث، پس از عروج ملکوتی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، گواه این واقعیت است که آفت بزرگ اسلام و جامعه اسلامی، توسعه فرهنگ رفاه‌طلبی و تکاثر

بوده است. بسیاری از بزرگان قوم با سوء استفاده از موقعیت‌ها، کاسب منشی و حرام‌خواری، به زراندوزان و ملاکان بزرگ مبدل گشتند و آن چنان فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار دادند که ملاک ارزش در همه جا دینار و زر سرخ بوده است؛ به گونه‌ای که حتی فریاد مظلومانۀ مولای متقیان علی علیه السلام و دفاع وی از عدالت و زهد اسلامی نیز نتوانست مانع تهاجم فرهنگ تکاثر و ثروت‌اندوزی شود. امام امت با عنایت به این پیشیۀ تاریخی و با صراحت تمام، رفاه‌طلبی را به‌سان عدول از خط حمایت از محرومان و تبدیل جامعه به میدان عیش و نوش ثروت‌اندوزان و نشانه شکاف عمیق در خط مبارزه و دفاع از ارزش‌های اسلامی معرفی می‌کرد.

۴- مشارکت دادن فعال زنان

زنان از ارکان مهم نظام سیاسی و فرهنگی جامعه به شمار می‌آیند. نگرش امام خمینی رحمه الله علیه زن و نقش او در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی از شگفتی‌های روزگار ماست. امام خمینی رحمه الله علیه در عظمت مقام زن فرمودند: «زن نقش بزرگی در اجتماع دارد. زن مظهر تحقق آمال بشر است زن پرورش ده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن، مرد به معراج می‌رود. دامن زن، محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است.» (همان، ج ۷، ص ۳۴۱)

۵- پشتیبانی مردمی

۶- برقراری امنیت عمومی

۷- اتحاد ملی و همراهی آحاد جامعه

۸- امر به معروف و نهی از منکر

۹- مقابله با فتنه‌های داخلی



۲۰۲- رویکردهای علمی- فناوری در اندیشه دفاعی امام خمینی

۱- حمایت از مبتکران و فناوران

امام خمینی علیه السلام، مهم‌ترین عامل در کسب خودکفایی و استقلال صنعتی را توجه کامل به مبتکران و استعدادهای درخشان و توسعه مراکز علمی و تخصصی می‌داند؛ به‌طوری که می‌فرماید: «مهم‌ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگهدارند. انشاءالله این استعدادها در پیچ و خم کوچه‌های اداره‌ها خسته و ناتوان نشوند.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵۸)

۲- تقویت اراده عمومی برای کسب علم و فناوری

امام امت با اعتقاد به این که اگر یک ملت چیزی را بخواهد به انجام آن قادر خواهد بود، بر تقویت قدرت و اراده عمومی برای کسب علم و فناوری تأکید ورزیده و فرموده‌اند: «به خودمان امیدوار باشیم؛ تکیه به اراده خودمان نکنیم؛ تابع اراده دیگران نباشیم؛ لکن همه با هم مجتمعاً این اراده را بگیریم تا کار انجام بگیرد.» (همان، ج ۱۳، ص ۵۳۶)

۳- تبدیل تحریم‌ها به فرصت

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، عامل رشد و جهش احاد ملت در همه ابعاد فناوری، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را قطع امید از دیگران و فهم این نکته می‌داند که همه چیزمان را خودمان باید تهیه کنیم. فلذا یکی از برکات جنگ را فهم همین مطلب دانسته و فرمودند: «ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.» (همان، ج ۲۱ ص ۲۸۳)

به همین دلیل، تحریم‌های اقتصادی و فناوری‌های علمی از سوی بیگانگان را هدیه‌ای الهی قلمداد کرده و فرموده‌اند: «این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم.» (همان، ج ۲۱، ص ۴۳۳)

بنابراین تحریم اقتصادی و انزوایی که حاصل آن خودباوری، خودجوشی و شکوفایی مغزها و نهایتاً استقلال و خودکفایی است، یقیناً از برکات الهی است. از همین رو، امام خمینی علیه السلام با استقبال از انزوای سیاسی و اقتصادی فرمودند: «ما انزوایی را که این آقایان خیال می‌کنند، با

آغوش باز این انزوا را می‌پذیریم، تا انزوا نباشد، افکار شما به راه نمی‌افتد. مغزها [ای] شما، از مغز آمریکایی کوچکتر نیست؛ لکن شما را از انزوا بیرون آورند و مرتبط کردند، تا آخر قیامت شما باید منزوی آنوقت باشید، وابسته، افکارتان اصلاً به راه نیفتد؛ مغزهایتان بخشکد آنجا و هیچ [کاری] را عمل نکنید.» (همان، ج ۱۳، ص ۳۱۳-۳۱۴)

۴- فراخوانی جوانان به عرصه‌های علمی

آنچه را که امام خمینی رحمته الله علیه در همه عرصه‌های انقلاب به آن چشم دوخته‌اند، حضور پرشور و مشارکت همه جانبه جوانان کشور است که در عرصه صنعت و نوآوری، چشم امید آن حضرت به جوانان بوده است. از این جهت در سفارش آنان به مسئولان فرموده‌اند: «من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقاء اخلاقی و اعتمادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید. و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه‌دارید.» (همان، ج ۲۱ ص ۹۶)

۵- خود انگایی و عدم وابستگی

۶- تعامل وسیع بین حوزه و دانشگاه

۷- به‌کارگیری فناوری پیشرفته و مناسب

۸- مبارزه با خودباختگی و قطع وابستگی علمی و فناوری

در جدول شماره ۲- نتایج ابعاد شش‌گانه دفاع و اهداف اندیشه دفاعی امام خمینی رحمته الله علیه حاصل از تحلیل محتوا در مطالعه منابع مکتوب که تشکیل‌دهنده اصول و مبانی الگوی راهبردی دفاعی بر اساس اندیشه دفاعی آن حضرت می‌باشد به‌طور کامل آمده است:

جدول شماره ۲- ابعاد و اهداف اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام

بعد سیاسی	۱- تثبیت اقتدار نظام ج.ا.ا؛ ۲- صدور انقلاب؛ ۳- مبارزه دائمی با استکبار؛ ۴- احیای اقتدار مسلمین؛ ۵- حمایت از مستضعفان؛ ۶- دفاع از ارزش های دینی؛ ۷- قطع ریشه های فساد؛ ۸- بیداری امت اسلامی؛ ۹- حفظ اسلام.
بعد نظامی	۱- دفاع از تمامیت ارضی؛ ۲- دفع تجاوز دشمن؛ ۳- دفاع از استقلال؛ ۴- تنبیه متجاوز.
بعد معنوی	۱- توکل به خدا؛ ۲- انگیزه الهی؛ ۳- ولایت محوری ۴- آموزه های اعتقادی؛ ۵- عبادت بودن دفاع؛ ۶- شهادت طلبی؛ ۷- تکلیف محوری؛ ۸- جهاد دفاعی؛ ۹- اصل سادگی
بعد فرهنگی	۱- تضمین استقلال جامعه؛ ۲- معرفی صحیح احکام اسلامی؛ ۳- مبارزه تا نفی فرهنگ کفر؛ ۴- خود باوری فرهنگی؛ ۵- اصلاح نظام تربیتی؛ ۶- مقابله با تهاجم فرهنگی.
بعد مردمی	۱- مردمی کردن دفاع؛ ۲- اقدام مردمی کشورها ۳- نقش مردم؛ ۴- وحدت کلمه ۵- اتحاد مسلمین؛ ۶- نقش بسیج ۷- آمادگی روحی؛ ۸- جنگ عاشورایی ۹- الگو قراردادن ایران.
بعد اقتصادی	۱- تحقق قسط و عدالت؛ ۲- خودکفایی صنعتی و فناوری؛ ۳- تامین امنیت مالی و اقتصادی؛ ۴- قطع سلطه بیگانگان؛ ۵- مبارزه با رفاه طلب؛ ۶- حفظ منافع و ذخایر ملی؛ ۷- قطع وابستگی از بیگانگان.

فصل سوم

امام خمینی رحمته الله علیه و مدیریت نیروهای مسلح

امام خمینی رحمته الله علیه در شرایطی نهضت عظیم انقلاب اسلامی را آغاز کردند که از نظر غرب و استکبار جهانی تمامی سرزمین‌های اسلامی تصرف شده و تحت کنترل آنها بود. تاریخ دوپست‌ساله اخیر کشورهای اسلامی و تاریخ جنگ‌های مسلمانان و غرب، گویای این حقایق است. امام امت از اول مبارزه را با شاه به‌عنوان ژاندارم منطقه و ارباب او آمریکا آغاز کردند. در واقع انقلاب اسلامی حمله یک جانبه و مؤفق امام راحل به استکبار جهانی و تصرف ایران به‌عنوان مرکز فرماندهی مبارزه علیه کفر و استکبار جهانی و برافراشتن پرچم عزت، استقلال‌خواهی و نجات مسلمانان بود. استفاده از رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی می‌تواند چگونگی شکل‌گیری اندیشه‌های دفاعی ایشان را در رابطه با اندیشه‌دفاعی کشور را مطرح نماید، همچنین تدوین یک الگوی دفاعی که مستقل از وابستگی به قدرت‌های جهانی باشد را به یک الگوی (دفاع همه‌جانبه مردمی) تبدیل نماید. در این الگوی دفاعی که مکمل تسلیح گسترده نیروهای مسلح و نیروهای مردمی می‌باشد در حقیقت جنگ و مدیریت نیروهای مسلح را با استفاده از مؤلفه مردمی بیان می‌کند و بر همین مبناء تمامی آحاد مردم جنگ را بخشی از وجود زندگی روزمره خود دانسته و در این فرایند الگوی اندیشه دفاعی امام خمینی رحمته الله علیه شکل کامل خود را می‌گیرد. دفاع از انقلاب اسلامی بسیاری از حوزه‌های قدرت (سیاسی، فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی، نظامی، علمی و ...) را در برمی‌گیرد. مطالب این بخش عمدتاً به بحث نیروهای مسلح و مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده دفاع نظامی بر اساس اندیشه دفاعی امام خمینی رحمته الله علیه اختصاص داده شده است.



۳،۱- نیروهای مسلح در اندیشه دفاعی امام خمینی

- ارزش‌های مکتبی نیروهای مسلح

بنیان ارزشی نیروهای مسلح، اعتقاد به مکتب حیات بخش اسلام و محور آن خدا باوری است که برخی از شاخصه‌های عبارتند از :

الف- انگیزه الهی

حضرت امام خمینی رحمه الله علیه، در باره انگیزه نیروهای مسلح می‌فرماید: «انگیزه‌ای که در ارتش و در قوای مسلحه ما و پاسدارها و همه نیروهایی که هست نیروی دریایی، نیروی زمینی، نیروی هوایی و سایر نیروهایی که در ایران هستند، انگیزه آنها یکی است و آنکه ما برای خدا داریم کار می‌کنیم.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۳۷)

ب- ایمان

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، ایمان پاسداران و ارتشیان را می‌ستاید و در این مورد می‌فرماید: «این ایمان است که اینها را این‌طور کرده، آن پاسدار و آن ارتشی که در سنگر خودش نماز شب بخواند، این ارتشی مثل شیر مقاومت می‌کند، برای این که برای خداست.» (همان، ج ۱۷، ۱۴۹)

ج- پیروان مکتب عاشورا

بنیانگذار جمهوری اسلامی، نیروهای مسلح را پیروان امام حسین علیه السلام می‌داند و می‌فرماید: «جوانان رزمنده و شجاع ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح، پیروان شهید جاویدی هستند که تاریخ می‌گوید هر یک از جوانان و یاران او که به شهادت می‌رسیدند رخسار مبارکشان افروخته‌تر و آثار شجاعت و تصمیم در او بارزتر می‌گردید.» (همان، ج ۱۵، ص ۲۶۴)

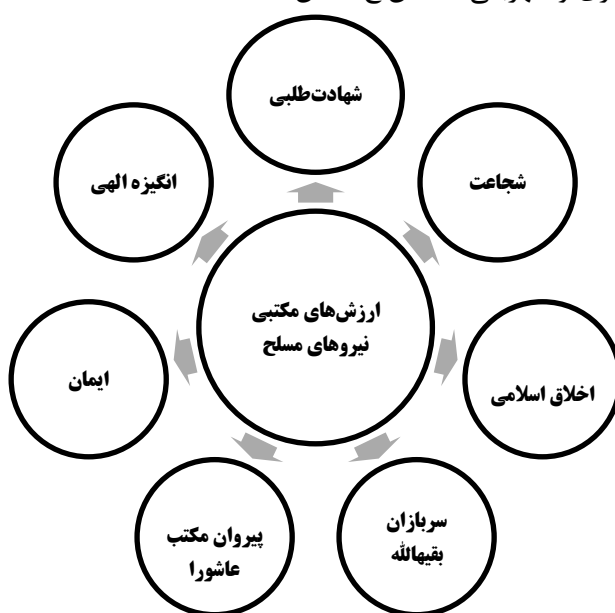


د- سربازان بقیه الله

برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی همین افتخار بس که امام امت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را سرباز حقیقی امام زمان علیه السلام معرفی می‌کند و می‌فرماید: «مردم ایران و ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای نظامی و غیرنظامی برای حفظ اسلام و کشور اسلامی و رسیدن به لقاء الله دفاع می‌کنند... آنچه برای این جانب غرور انگیز و افتخار آفرین است روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان - که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم - ارواحنا فداه- هستند، و این است فتح الفتوح.» (همان، ج ۱۵، ص ۳۹۵)

هـ- شهادت طلبی

جلوه ایمان به خدای بزرگ در میدان رزم، پایداری در برابر دشمنان است و رمز پایمردی روحیه فداکاری و شهادت طلبی است و شهادت سرانجامی است بس نیکو. امام راحل درباره شهادت طلبی نیروهای مسلح می فرمایند: «این روحیه ای که عقیده ایمانی اش این است که من اگر کشته بشوم، یک توفیقی است برای من و من می روم در جوار رحمت الهی، این روحیه است که ما را پیروز کرده و ارتش ما هم این روحیه را بحمدالله دارند و سایر قوای مسلحه ما هم از قبیل پاسدارها و ژندارمری و شهربانی.» (همان، ج ۱۳، ص ۲۳۴)



منبع: محقق بر اساس مطالعات نظری

شکل ۱-۳: ارزش های مکتبی نیروهای مسلح

ارزش‌های اجتماعی نیروهای مسلح

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در دل مردم جای دارند و از حمایت مردمی برخوردارند زیرا در خدمت مردم و نظام اسلامی‌اند و همواره آماده دفاع از آرمان‌های بزرگ ملت سربلند ایرانند. برخی از جلوه‌های آن عبارتند از:

الف- رکن انقلاب اسلامی

امام خمینی رحمه الله علیه ارتش و سپاه را از ارکان انقلاب اسلامی می‌شمارد و می‌فرماید: «امروز شما نورچشم همه ما هستید و ما به وجود امثال شما باید افتخار بکنیم و شما باید برای اسلام یک ارتش قوی و یک ارتش مستقل باشید. ارتش یکی از ارکان یک کشور است و در این زمان پاسداران اسلام [سپاه پاسداران انقلاب اسلامی] هم یکی از ارکان این کشور است.» (همان، ج ۱۷، ص ۲۵)

ب- موجب توانمندی و بقای نظام و ضامن اقتدار نظام اسلامی

امام رحمه الله علیه در این باره می‌فرماید: «نمی‌دانم با چه بیانی احساسات و علاقه خویش را به شما سربازان گمنام و سرداران دلاوری که توفان خشم این ملت حزب‌الله از سینه صحنه کارزار شما جوشیده است، بیان نمایم. در نزد موحدین و سالکان طریقت سخن از اجر و پاداش دنیایی، اسائه ادب به منزلت و مقام آنان است و دنیا با همه زرق و برق‌ها و اعتباراتش به مراتب کوچکتر از آن است که بخواهد پاداش و ترفیع مجاهدان فی سبیل‌الله گردد و مجاهد فی سبیل‌الله بزرگتر از آن است که گوهر زیبای عمل خود را به عیار زخارف دنیا محک بزند.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۳۳)

بنابر این می‌توان گفت که حدیث منزلت مجاهدان راه خدا، آرمان بلند و کمال حقیقی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. امید آن که با تعهد ایمانی و عملی برنامه‌ریزی سازمانی، همواره در راه کمال و دفاع از کیان اسلامی کوشا باشیم و از پاداش مجاهدان راه خدا بهره‌مند گردیم. (مهدی، ۱۳۷۷: سیری در اندیشه دفاعی امام خمینی رحمه الله علیه، ج ۳، ص ۲۸۶)

دیدگاه و تفکرات دفاعی و راهبردی حضرت امام خمینی رحمه الله علیه از مبانی نظری مستحکم برخوردار است. هیچ رهبر قیام و نهضتی نمی‌تواند بدون یک اندیشه‌ی دفاعی استوار به پیروزی، حتی پیروزی مرحله‌ای دست پیدا کند. راز موفقیت ایران اسلامی در دفع تجاوز عراق بعثی و

پشتیبانان جهانی وی و سرافرازی ملت ما در ۸ سال دفاع مقدس، داشتن رهبری مانند امام امت بود که فرمانده کلّ قوایی با سیاست‌های کلی مشخص و با مقاصد عالی متکی به مصالح عالیه و با اندیشه دفاعی سازمان یافته و مجرب و استراتژی و دکترین متکی بر دین مبین اسلام بوده است.



۳,۲- عوامل مؤثر در تبیین رسالت نیروهای مسلح در اندیشه امام خمینی

الف- تعریف امنیت ملی

نیروهای مسلح در هر نظام سیاسی مهم‌ترین مأموریت و رسالتشان «تأمین امنیت ملی یا به عبارت دیگر «تأمین امنیت منافع ملی» است.

هر نظام سیاسی تعریف خاصی از امنیت ملی دارد و برای شناخت رسالت نیروهای مسلح در هر کشور باید به تعریف آن کشور و نظام از منافع ملی و امنیت ملی مراجعه کرد. کشورهایی در جهان وجود دارند که به راحتی زمام اختیارشان را به حکومت‌های خارجی می‌سپرند و حتی اجازه می‌دهند که نیروهای مسلح سایر کشورها قسمتی از خاکشان را تحت سلطه درآورد و در آنجا به اقدامات نظامی و امنیتی دست زند. در تعریف چنین کشورهایی «امنیت ملی» صرفاً حفظ حکومت در آن معنا پیدا می‌کند. لکن در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهداف و آرمان‌ها، ارزش‌ها و منافع ملی و اصول مترقی اسلام به‌عنوان مبنای تمامی تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و هدف‌گذاری‌ها، امنیت ملی به‌معنی حفظ و دفاع از منافع ملی و شامل موارد تعریف می‌شود:

۱- نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصل ولایت فقیه؛

۲- اسلامیت نظام؛

۳- استقلال (حاکمیت ملی)؛

۴- تمامیت ارضی؛

۵- امنیت و آسایش عمومی؛

۶- حفظ کیان اسلام و تشیع.

ب- محیط و فضای امنیتی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کشورهای همسایه از بیشترین مساحت برخوردار است و

دارای متنوع‌ترین وضعیت جغرافیایی دشت، کوه و دریا است و از لحاظ جمعیت نیز جزء پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه می‌باشد. همچنین به دلیل رویه استقلال از ابر قدرت‌های شرق و غرب در طول ۳۰ سال گذشته مواجه به تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای متعددی بوده است. با این حال بودجه سرانه‌ی دفاعی ما از تمامی کشورهای همسایه کمتر است. (فیروزآبادی، ۱۳۸۰: ۸-۹)



۳،۳- رسالت نیروهای مسلح در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی

رسالت نیروهای مسلح در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در پنج محور مجزا قابل ارائه و به شرح زیر عبارتند از :

- محور ۱- رسالت نیروهای مسلح در قبال رهبری.
- محور ۲- رسالت نیروهای مسلح در اجرای مأموریت خود در تأمین امنیت ملی.
- محور ۳- رسالت نیروهای مسلح در حفظ و تقویت بنیه اقتدار خود (رسیدن به حدّ مطلوب آمادگی رزمی)
- محور ۴- رسالت نیروهای مسلح در قبال مردم.
- محور ۵- رسالت نیروهای مسلح در قبال دولت. (همان، ۹-۱۰)

محور ۱- رسالت نیروهای مسلح در قبال رهبری

مبنای فرهنگ مدیریتی در همهٔ ارتش‌های جهان، انضباط است و بر مبنای کلیه سیستم‌های انضباطی نیز اطاعت از مافوق است در کشور ما فرمانده کل قوا در ضمن اینکه ولی فقیه نیز هست اطاعت از فرامین و دستورات معظم‌له واجب و تبعیت کامل نیز از رسالت و وظیفه نیروهای مسلح است. آن هنگام که می‌گوییم نیروهای مسلح منظورمان علاوه بر آن‌که آحاد پرسنل و کارکنان نیروهای مسلح را شامل می‌شود، شامل سازمان‌ها و سلسله مراتب تشکیلاتی نیز می‌شود.

- اسلام اطاعت فقیه را واجب دانسته است و من امر می‌کنم به شما که اطاعت کنید از مافوق‌های خود و حفظ نظام را بکنید. (سخنرانی امام خمینی رحمه الله علیه در تاریخ ۱/ ۵۸/۸).

(همان، ج ۱۰، ص ۳۲۷)

- اطاعت از یک فرماندهی که فرمانده اسلام است واجب است به حسب حکم اسلام، تخلف حرام است. (سخنرانی امام خمینی علیه السلام در تاریخ ۵۹/۳/۱۵). (همان، ج ۱۲، ص ۴۰۰)
- «اطاعت از فرماندهان که به یک تعبیر «اولی الامر» هستند. این در قرآن واجب شمرده می‌شود و واجب است.» (سخنرانی امام خمینی علیه السلام در تاریخ ۵۹/۳/۱۵). (همان، ج ۱۲، ص ۴۰۹)

محور ۲- رسالت نیروهای مسلح در تأمین امنیت ملی

این محور به خاطر ماهیت نقش مأموریت‌های قانونی تصریح شده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دو قسمت بیان می‌شود: به صورت رسالت مشترک و رسالت اختصاصی:

- الف - رسالت مشترک نیروهای مسلح در تأمین امنیت ملی.
- ب - رسالت اختصاصی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- ج - رسالت اختصاصی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- د - رسالت اختصاصی بسیج مستضعفین.

الف - رسالت مشترک نیروهای مسلح در تأمین امنیت منافع ملی

۱- حفظ کیان اسلام

از نظر امام خمینی علیه السلام نیروهای مسلح بایستی سه وظیفه مهم، دفاع از ملت و دولت و مرزهای کشور اسلامی، برقراری امنیت داخلی و جلوگیری از آشوب، و مهم‌تر از همه پاسداری از اندیشه‌های دولت و جامعه اسلامی را به خوبی انجام دهند. امام امت در این مورد می‌فرماید: «شماها توجه داشته باشید، چه پاسداران و چه سایر قوای انتظامی و نظامی و غیر انتظامی و چه سایر ملت، همه توجه داشته باشند که ما وظیفه داریم که این اسلامی که الان به ما رسیده حفظش کنیم تا آن فرد آخری هم که خدای نخواستہ کشته می‌شود موظف است برای حفظ اسلام، برای دفاع از ملت، دفاع از کیان اسلامی، دفاع از کشور اسلامی تا آن آخر، زن و مرد، بچه و بزرگ، مکلفند که دفاع کنند. (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۱۲)

مسأله دفاع یک امر عمومی است برای همه، هر کس قدرت دارد دفاع کند، به هر مقدار که قدرت دارد دفاع کند. از کشور اسلام، باید دفاع کند. (همانجا)

بحمدالله امروز هم که شما عزیزان با اراده مصمم دفاع از حق خودتان و دفاع از کشور خودتان از اسلام عزیز می‌کنید، همان اجر را دارید که لشکرهای صدر اسلام در احد و خندق و

سایر جبهه‌ها داشتند. آن روز اسلام امانتی بود در دست آنها که با جانفشانی نگهداری کردند و امروز هم اسلام امانتی است در دست همه ما که باید به اندازه توان خودمان خدمتگزار به اسلام باشیم و حفظ کنیم کیان اسلام را.» (همان، ج ۱۴، ص ۵۰۲-۵۰۱)

۲- حفظ نظام جمهوری اسلامی

ملت ما عموماً، چه قوای مسلح و چه کسانی که دست اندرکار هستند در یکی از پست‌ها و چه سایر قشرهای میلیونی ملت باید این جهت را همیشه توجه داشته باشند که شما در مقابل همه قدرت‌ها ایستادید... باید همه ما و شما و همه ملت و همه قوای مسلح ما و تمام اقشار ملت در سراسر کشور باید با هشیاری و توجه مهیا باشند از برای حفظ جمهوری اسلامی که این همه دشمن دارد. (فیروز آبادی، ۱۳۸۰: ۸-۹)

امام خمینی علیه السلام در خصوص حفظ نظام جمهوری اسلامی می‌فرماید:

- «تا ارتش و سپاه هست این جمهوری هست.» (ر.ک: همان، ج ۱۵، ص ۱۱۹)
- «الان جمهوری اسلام؛ یعنی اسلام، و این امانتی است بزرگ که باید از آن حفاظت کنید.» (همان، ج ۱۹، ص ۱۷۳)

۳- نگهبانی از مرزها و نگهداری امنیت و نظم

امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «قوای مسلح از ارتش و سپاه و ژاندارمری و شهربانی تا کمیته‌ها و بسیج و عشایر ویژگی خاصی دارند ... و نگهبان سرحدات و راه‌ها و شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنیت و آرامش بخشان به ملت می‌باشند، می‌بایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند.» (همان، ج ۲۱، ص ۴۳۱)

به تعبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی: «آحاد مردم یکی‌یکی‌شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی اهم مسائل واجبات دنیا، اهم است از نماز اهمیتش بیشتر است. برای این که این حفظ اسلام است، نماز فرع اسلام است، این تکلیف برای همه ماست.» (همان، ج ۱۹، ص ۴۸۶)

در این اینجا ملاحظه می‌فرمایند که حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران عیناً مشابه حفظ اسلام مطرح شده است و حفظ اسلام نیز واجب عینی است. پس مهم‌ترین رسالت مشترک نیروهای مسلح که دقیقاً به عنوان یک تکلیف شرعی نیز مطرح می‌باشد، حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران است.

محور ۳- رسالت نیروهای مسلح در حفظ و تقویت بنیه و اقتدار خود

۱- معرفت اسلامی و تقوی

۲- آمادگی رزمی

۳- خودکفایی نظامی (تخصصی و فناوری)

«من تا آخر پشتیبان ارتش و سپاه و بسیج خواهم بود و تضعیف آنان را حرام می‌دانم. من به عنوان فرمانده کل قوا به مسئولین و تصمیم‌گیرندگان نیز دستور می‌دهم که در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالا بردن آموزش‌های عقیدتی و نظامی و توسعه تخصص‌های لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند و این کشور را برای دفاع از ارزش‌های اسلام ناب و محرومین و مستضعفین جهان در آمادگی کامل نگه دارند و مبدا توجه به برنامه‌های دیگر موجب غفلت از این امر حیاتی گردد که مطمئناً غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد.» (همان، ج ۲۱، ص ۲۵۸-۲۵۷)

۴- آگاهی و بینش سیاسی و امنیتی (بصیرت، شناخت التقاط، بینش اطلاعاتی و امنیتی)

امام امت در مورد بصیرت نیروهای مسلح می‌فرماید: «قوای مسلح از هر قشری که هستند، در حالی که باید دارای دید سیاسی باشند و هرگز کورکورانه عمل نکنند.» (همان، ج ۱۴، ص ۷۴)

شناخت التقاط : ... مسأله‌ای که شاید مهم‌ترین مساله باشد، مساله تعلیماتی است که در سپاه داده می‌شود و باید توجه داشته باشید تا کسانی که برای این کار انتخاب می‌شوند، کاملاً شناسایی شوند تا این که خدای ناکرده مواجه نشویم با التقاط. (ر.ک: همان، ج ۱۵، ص ۳۲۱)

باید توجه کنید که اسلام همان است که از صدر اسلام تاکنون فقها آن را حفظ کرده‌اند، در بعضی موارد قدرت داشته‌اند و پیاده کرده‌اند و در بیشتر موارد دست نخورده در قرآن و اخبار و کتاب‌های فقه موجود است. توجه کنید تا کسانی ظاهرالصلاح، اسلام شناس نشوند و یک مرتبه متوجه شوید از راه راست منحرف شده‌اید. یعنی سعی کنید اسلامتان از روحانیت جدا نشود و با آنان که اسلامشان با روحانیت مخالف است، مخالفت کنید. متوجه باشید از آنجا که شما زحمت می‌کشید، شیاطین از همه بیشتر متوجه شمايند تا شما را از بین ببرند. (فیروزآبادی، ۱۳۸۰:

۱۴-۱۲) و (همان، ج ۱۵، ص ۳۲۱)

۵- امام خمینی علیه السلام و عدم تحزب قوای مسلح

امام امت علیه السلام در فرازی از وصیت‌نامه الهی، سیاسی خود چنین می‌فرماید: «وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همان طور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروه‌ها و جبهه‌ها است به آن عمل نمایند و قوای مسلح مطلقاً، چه نظامی و چه انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها، در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازی‌های سیاسی دور نگهدارند. در این صورت می‌توانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۳۲)

ممنوعیت ورود حتی در احزاب صدرصد اسلامی و وفادار به جمهوری اسلامی

عدم تحزب در نیروهای مسلح نه تنها شامل گروه‌های غیراسلامی می‌شود؛ بلکه گروه‌های اسلامی وفادار به جمهوری اسلامی را نیز در بر می‌گیرد، چنانچه امام راحل می‌فرمایند: «از امور مهمی که باید تمام نیروهای مسلح از آن پیروی کنند و اغماض از آن به هیچ وجه نمی‌توان کرد و باز هم تذکر داده‌ام، آن است که هیچ یک از افراد نیروهای مسلح چه رده‌های بالا یا پایین، در حزب و گروهی با هر اسم و عنوان نباید وارد شوند، هر چند آن حزب و گروه صدرصد اسلامی و به جمهوری اسلامی وفادار باشند.» (همان، ج ۱۶، ص ۲۰۳)

۶- استقلال نیروهای مسلح در بخش‌های نظامی و سیاسی

« باید اشخاص و مقامات غیرمسئول، از دخالت در امر فرماندهی خودداری کنند.» (همان، ج ۱۳، ص ۲۲۸)

« به عنوان فرمانده کل قوا به مسئولین و تصمیم‌گیرندگان نیز دستور می‌دهم که در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالابردن آموزش‌های عقیدتی و نظامی و توسعه تخصص‌های لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند.» (همان، ج ۲۱، ص ۳۵۷)

محور ۴- رسالت نیروهای مسلح در قبال مردم

در استراتژی دفاعی کشور ما، مردم دارای نقش و جایگاه کلیدی هستند. وظیفه و رسالت نیروهای مسلح در قبال مردم آن است که جایگاه مردم را در نظام دفاعی دقیقاً بشناسند و زمینه‌های لازم را برای بروز و ظهور استعدادهای دفاعی مردم فراهم آورند این یک مفهوم مرفقی و متعالی از نیروهای مسلح و ارتش مردمی است آن هنگام که می‌گوییم نیروی مسلح مردمی از

ذهن این موضوع متبادی می‌شود.

«نیروی مسلحی که مردم طرفدار آن هستند» این تعبیر صحیح است لکن زمانی سیستم دفاعی در یک کشور می‌تواند بیشترین بهره‌برداری را از ماهیت مردمی بودن خود بکند که جایگاه نیروهای مردمی را در ساختار و سازمان خود دقیقاً تعریف و به آن عمل کند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «ما می‌خواهیم از بسیج تجلیل شود و برادران ارتش و سپاه توجه کنند که تجلیل از بسیج را به عهده غیر نظامی‌ها مثل من نگذارند... در احترام به بسیج نظامی‌ها اولی هستند زیرا بسیج راه‌گشاست و از متن مردم تشکیل شده است.»

محور ۵- رسالت نیروهای مسلح در قبال دولت

در استراتژی دفاع همه جانبه بخش کشوری دارای مسئولیت و جایگاه ویژه‌ای هستند و باید از تمامی امکانات و ظرفیت‌های آنان در سیستم دفاعی استفاده نمود لذا نیروهای مسلح باید دارای ارتباطات منجسم، منطقی و از همه مهم‌تر، دوستانه و مبتنی بر اعتماد متقابل با دولت (اعم از قوای مقننه، مجریه و قضاییه) داشته باشند و با برنامه‌ریزی صحیح و منطقی امکان حضور فعال دولت را در صحنه‌های دفاع فراهم آورند.

امام راحل در دوران دفاع مقدس طی فرمانی شورای عالی پشتیبانی جنگ و ستادهای پشتیبانی جنگ را برای بسیج امکانات دولتی و مردمی تشکیل دادند. همکاری نیروهای مسلح با دولت در سازندگی عمومی کشور نیز نیروهای مسلح را در پیشبرد این رسالت موفق خواهد نمود. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «سازندگی درونی به شکل جهادی و نیز سهیم شدن در سازندگی عمومی کشور جزء وظایف نیروهای مسلح است و انجام این امر مهم با تشریک مساعی، علاقمندی و خلاقیت ممکن خواهد بود. نیروهای مسلح ما باید همانند جنگ تحمیلی در دوران بازسازی نیز پیشگام باشند و ملت ایران آن را احساس کنند.»

«ارتش و سپاه و نیروهای مشمول، ضمن آنکه آمادگی رزمی را حفظ می‌کنند، در شرایط صلح کامل، باید در خدمت آبادانی و بازسازی کشور باشند.» (فیروزآبادی، ۱۳۸۰: ۱۴-۱۵)

۳,۴- رسالت نیروهای مسلح در منطقه و جهان اسلام

۱- دفاع از مسلمانان

۲- تشکیل جبهه قدرتمند اسلامی

- ۳- ایجاد ارتش صد میلیونی اسلامی
- ۴- ایجاد هسته‌های مقاومت اسلامی
- ۵- تشکیل جبهه واحد علیه استکبار در سطح بین‌المللی
- ۶- تشکیل جبهه واحد علیه استکبار در سطح منطقه
- ۷- دفاع از مظلومان و مستضعفان
- ۸- مقابله با ستم
- ۹- خشکاندن ریشه‌های فساد
- ۱۰- تأدیب سازشکاران با رژیم اشغالگر قدس

امروز خدا را شکر می‌کنیم و مفتخریم که نیروهای مسلح تحت فرماندهی ولی امر مسلمین مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا خامنه‌ای مد ظله العالی در راه تحقق این رسالت‌ها با تمام توان به تلاش رو به پیشرفت خود ادامه می‌دهد و توان دفاعی، آمادگی رزمی و قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح حاصل این تلاش‌هاست.

ما قدرت را برای دفاع می‌خواهیم و دنبال همکاری منطقه‌ای برای امنیت هستیم.
(همان، ۱۶-۱۷)

۳،۵- اصول و ویژگی‌های اساسی نیروهای مسلح

اصول و ویژگی‌های اساسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

- ۱ - اسلامی بودن.
- ۲ - ولایی بودن.
- ۳ - مردمی بودن
- ۴ - خودکفایی
- ۵ - انضباط
- ۶ - سادگی
- ۷ - اقتدار
- ۸ - تدافعی بودن

نیروهای مسلح با بهره‌گیری از تمامی توان خود دشمن را از تعرض بازداشته و در برابر هرگونه تجاوز دفاع نموده و متجاوز را تنبیه و سرکوب می‌نمایند و درعین اعتقاد به اصل عدم تعرض، ملل مسلمان یا مستضعف غیرمعارض با اسلام را برای دفاع از خود یاری می‌کنند.
(منصور، ۱۳۸۲: ۷۹-۷۷)



امام خمینی علیه السلام وجود و تقویت ارتش را امری می دانند که از اسلام سرچشمه می گیرد و معتقد هستند که اسلام برای آمادگی دفاعی ارزش قائل است و وجود ارتش و نیروهای مسلح قوی را برای امر دفاع لازم و واجب می دانند. (مجلسی، ۱۳۸۸: ۱۰۳)

امام امت در مورد ارتش می فرماید: « باید توجه داشته باشید که اسلام برای ارتش ارج قائل است اسلام ارتش را لازم می داند و احترام برای او قائل است و پشتیبان اوست و ملت ایران هم که مسلمان هستند و ما هم که به عنوان یک مسلمان هستیم، ارتش را با کمال قدرت حفظ می کنیم . وسوسه هایی که ممکن است در بین ارتش گفته بشود یک وقتی این مسائل که ممکن است شما هم یک وقتی چه بشوید... این مسائل را به کلی منسی کنید و کنار بگذارید. ایران و تمام مردم مسلمان با ارتش دوستند و پشتیبانند. چنانچه می بینید که شما دارید آنجا جنگ می کنید مردم هم دارند پشت سر شما همه کمک ها را می کنند بدون اینکه کسی الزامشان بکند، خودشان، بچه کوچولو هم می آید قلکش را می دهد برای شما، پیرزن هفتادساله هم می آید آن طلایی که ذخیره کرده است، می دهد برای شما، ایران ارتش لازم دارد، اسلام ارتش [می خواهد]، لکن یک ارتش اسلامی...» (صحیفه امام، ج ۱۴ ص ۴۴۳)

« امروز شما نور چشم همه ما هستید و ما به وجود امثال شما باید افتخار بکنیم و شما باید برای اسلام یک ارتش قوی و یک ارتش مستقل باشید. ارتش یکی از ارکان یک کشور اسنت.» (همان، ج ۱۷، ص ۲۵)

« ارتش ما پشتوانه ملت ماست؛ ارتش ما ضامن استقلال کشور ماست. ارتش ما از ماست و ما از ارتش. ملت و ارتش از هم جدایی ندارند.» (همان، ج ۶، ص ۵۳۱)

« ارتش هم امروز مردم است ». (همان، ج ۱۸ ، ص ۷۹)

ارتش یکی از ارکان حکومت است که مسئولیت حفظ تمامی ارضی را عهده دارد. توجه به ارتش و ارتشیان در طی دورانی که حضرت امام خمینی علیه السلام به حکومت اسلامی می اندیشیدند، در ذهن و اندیشه آن حضرت جایگاهی داشت و یکی از نگرانی های ایشان این بود که چرا چنین تشکیلاتی در برخی از کشورهای اسلامی از جمله ایران، در اختیار بیگانگان قرار گرفته است.

از سوی دیگر هنگامی که رژیم شاهنشاهی تصمیم گرفت طلاب علوم دینی را با ارباب و زور به خدمت سربازی ببرد و تحت آزار و اذیت قرار دهد، امام راحل فرمودند: «ما از سربازی فرزندان

اسلام هراسی نداریم؛ بگذار جوانان ما به سرباز خانه بروند و سربازان را تربیت کنند و سطح افکار آنها را بالا ببرند؛ بگذار در بین سربازان افراد روشن ضمیر و آزاد منشی باشند تا بلکه به خواست خداوند متعال ایران به آزادی و سربلندی نایل شود.» (همان، ج ۱، ص ۱۹۸)

حضرت امام علیه السلام با این موضع گیری دو هدف را دنبال می کرد:

- ۱- بازداشتن رژیم شاه از آزار و اذیت طلاب علوم دینی؛
- ۲- برقراری ارتباط و ایجاد بیداری در بدنه ارتش به منظور ایستادگی در برابر مستشاران آمریکایی، و کسب استقلال ارتش.

البته هدف دوم امام خمینی علیه السلام مهم تر و محوریت ر بود، چرا که نجات کشور بدون خروج ارتش از سلطه مستشاران و فرماندهان وابسته به شاه ممکن نبود و تشکیل یک رژیم اسلامی بدون رکن نظامیان آن، که رابطه مستقیم با حفظ امنیت کشور دارند غیرممکن است. لذا امام عزیز با آگاهی از وضعیت ارتش و بدنه آن می دانستند که شاه برای جلب رضایت افسران به ویژه افسران گارد شاهنشاهی، امکاناتی از قبیل حقوق و مزایای بیشتر، خانه های سازمانی، آموزشگاه های رایگان جهت فرزندان شان و فروشگاه های مخصوص در اختیار آنها قرار داده تا پشتیبان رژیم وی باشند و در مواقع خطر و بحران به کمک او بشتابند، اما شاه از آنچه در درون ارتش می گذشت (همان واقعیتهایی که جامعه ایران با او مواجه شده بود) غافل مانده بود. ایشان در این مورد می فرماید: « شما ای طبقه جوان ارتش، بپاخیزید و کشور خود را از زبونی و ذلت نجات دهید، و دست غارتگران را کوتاه کنید... وظیفه دانشجویان است که در محیط دانشگاه هر چه بیشتر ارتش را برای یک قیام همگانی تشویق و ترغیب کنند، و آنان را برادر خود بنامند »؛ (همان، ج ۳، ص ۴۸۷) « برای افسران جوان پیام فرستادم که به صف ملت بپیوندند که ما آنان را از زیر یوغ مستشاران نظامی نجات داده و با آغوش باز پذیرایی می نماییم. افسران محترم جوان از مقابله خصمانه با برادران و خواهران خود جدا احتراز کنند و با آنان در صف واحد که خواست اسلام است در آیند. » (همان، ج ۵، ص ۲۲۲)

سرانجام امام خمینی علیه السلام توانست علاوه بر اقشار مختلف مردم، بدنه وسیع ارتش را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد تا جایی که آنان نیز گم شده خود را در پیروی از آرمان بلند او که همان نفی تبعیض ها و نابرابری های اجتماعی بود جستجو کنند. ارتشیان نیز تحت تأثیر دعوت عزت بخش امام خمینی علیه السلام قرار گرفتند و با عنایت به شخصیت جامع و واقعیت گرای آن بزرگوار، انقلاب اسلامی و رهبری دینی او را به جان پذیرا شده و بدان دل بستند. بدین گونه

اختلاف در ارتش رو به تزاید نهاد و بدنه ارتش از فرماندهی آن جدا شد و ارتشیان که استفاده و توسل به زور را در برابر خواسته های برحق مردم نابجا و نادرست می دیدند، دست از همراهی با نظام شاهنشاهی کشیدند و به صف انقلاب و مردم پیوستند. (مردی، ۱۳۸۳: ۳)

۳،۷- راهبردهای نظارتی- حمایتی امام خمینی رحمه الله علیه برای بقاء و اصلاح ارتش

عمده راهبردهای نظارتی- حمایتی به کار گرفته شده توسط حضرت امام خمینی رحمه الله علیه برای بقاء و اصلاح ارتش عبارتند از :

۱- تحکیم پیوند ارتش با ملت

پیوند ارتش با ملت از محوریت‌ترین تاکیدات حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در قبل و بعد از پیروزی انقلاب است و ارتش مکتبی متکی به ملت خواسته‌های اسلامی است که امام رحمه الله علیه همواره دنبال کرده و آن را تحفه الهی می‌دانستند. چراکه ضرورت وجود ارتش در کشور برای تأمین امنیت ملت در برابر هجوم بیگانگان و یا بازدارندگی آنان کاملاً آشکار است و اگر قرار باشد ارتش بتواند با اتکا بر خود در برابر تجاوزات دشمنان از تمامیت ارضی کشور دفاع کند، می‌بایست متکی به دریای خروشان ملت باشد. پشتیبانی محکم‌تر و حقیقی‌تر از ملت کیست؟ ارتشی که متکی به ملتش نباشد هرگز نخواهد توانست در مأموریت‌هایش موفق شود. چنان‌که ارتش متکی به رژیم شاه نتوانست در برابر ملت مقاومت کند و رژیم شاه سرنگون گردید. امام راحل در این مورد می‌فرماید: «شما ان شاء الله، پشتوانه ملت را دارید. شما عددتان فرض کنید چند هزار باشد. لکن پشتوانه‌تان سی و چند میلیون است، همه مردم است... این پشتوانه را حفظ کنید که این پشتوانه آنچنان قدرتی به شما خواهد داد که یکی‌تان در مقابل صدتا، در مقابل چندصد تا خواهید بود. (همان، ج ۱۲، ص ۴۰۴)

امام خمینی رحمه الله علیه در پاسخ به گروهک‌ها مبنی بر تسویه ارتش می‌فرماید: «دروود بر ملت بزرگ اسلامی ایران، سلام بر جوانانی که در راه اهداف مقدسه اسلامی مجاهدت کردند، درود بر شهیدانی که در راه اهداف اسلامی جان خود را از دست دادند، من از تمام طبقات ملت تشکر می‌کنم. من در خدمت ملت هستم، من از جوانانی که در راه اهداف اسلامی جدیت دارند تا اهداف اسلامی به ثمر برسد تشکر می‌کنم، شما امروز لشکر اسلام و قرآن هستید، ملت موظف است به شما احترام بگذارد، موظف است از شما پشتیبانی کند، ما و اسلام پشتیبان شما هستیم.

شما دلخوش باشید و از بعضی اخلاص گران که حرف‌های بیجا می‌زنند، آزرده نشوید، ما شما را از خود و خود را از شما می‌دانیم. تا آخر نهضت شما با ما و ما با شما هستیم...» (نوروزی فرسنگی، ۱۳۸۵: ۲۶۰) و نیز (ر.ک: صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۲۶)

۲- اصرار بر پاکسازی ارتش از عناصر وابسته

از آنجا که ارتش، تازه به صفوف انقلاب و مردم پیوسته بود، عناصر باقی مانده خود فروخته در سطوح بالای ارتش تلاش می‌کردند با ایجاد انواع موانع در داخل و خارج ارتش، پیوند مقدس مردم و ارتش کند صورت گیرد یا اصلاً صورت نگیرد. بنابر این انواع توطئه‌ها و ترفندها را به کار گرفتند و با صدور فرامین شیطانی برای تیره کردن رابطه مردم با ارتش، تلاش کردند و دستور گشودن آتش بر روی مردم را صادر نمودند. ترفند دیگر آن بود که اگر انقلابیون پیروز شوند دیگر ارتش و صاحب منصب نمی‌خواهند و ارتش را منحل می‌کنند، اما با هوشیاری امام راحل و پیام‌های به موقع ایشان همه آنها خنثی گردید، لذا دستور قاطع امام خمینی (علیه السلام) مبنی بر پاکسازی ارتش از عناصر وابسته، بیشتر توطئه‌ها را نقش بر آب کرد، چنان‌که امام خمینی (علیه السلام) در این باره فرمودند: «تصفیه ارتش از مسائل بسیار مهم است. با تصفیه ارتش، حفظ استقلال کشور می‌شود. و شما موظفید به این‌که استقلال کشورتان را حفظ کنید. و موظفید به اینکه انشاءالله تصفیه بکنید.» (همان، ج ۱۰، ص ۳۲۵)

۳- تلاش برای حفظ ارتش

هنگامی که پاکسازی در ارتش صورت گرفت، زمینه برای توطئه در داخل ارتش کاهش یافت، لذا فعالیت دشمنان از بیرون برای عدم انسجام و شکل‌گیری ارتش با ایجاد شایعات زیر آغاز گردید:

۱- ارتش طاغوتی و آمریکایی است و نمی‌شود به آن اعتماد کرد.

۲- در جامعه توحیدی همه با هم برابرند و سلسله مراتب نباید باشد.

۳- نفوذ و تلاش برای سیاسی کردن و دسته‌بندی نظامیان.

حضرت امام خمینی (علیه السلام) که خطر توطئه‌ها را جدی دیدند به منظور دفاع از ارتش که در حال انسجام بخشیدن به سازمان به هم ریخته خود بود با مجموعه بیانات خود، مردم و ارتشیان را آگاه ساختند و به گروه‌ها و توطئه‌گران هشدار و اخطار دادند و از موجودیت ارتش دفاع کردند و چنین فرمودند: «الان این ارتش، ارتش اسلام است و ارتش اسلام احترام دارد و کسی حق

ندارد این احترام را از آنها سلب بکند.» (همان، ج ۷، ص ۴۳۹)

«شما دیدید که از اولی که این انقلاب به پیروزی رسید، اول قدم این بود که ارتش لازم نیست دیگر، اول حرف آنهایی که تابع سیاست‌های خارجی هستند این بود که این ارتش «طاغوتی» است، این ارتش طاغوتی باید از بین برود. این کلمه را هم رویش گذاشتند که مردم را اغفال کنند! خوب، ما هم می‌دانستیم که مسأله چیست و اینها می‌خواهند چه بکنند. از این جهت، ما هم از روز اول این مطلب را محکوم کردیم و گفتیم که ارتش باید باشد؛ آن هم ارتشی که با قیام ارتش بود که ملت پیش برد و همه با هم دست به هم دادند و مسائل را پیش بردند. آنها می‌خواستند که این قدرت را از ایران بگیرند و ارتش را نابود کنند.» (همان، ج ۱۴، ص ۴۴۳-۴۴۲)

۴- تأکید بر نظم و سلسله مراتب در ارتش

امام امت به منظور حفظ و بقای ارتش و شکل‌گیری هر چه سریع‌تر آن در برابر آسیب‌های دوران پیروزی انقلاب و رساندن ارتش به سطحی که بتواند اجرای مأموریت دفاعی کند، تأکیدات راهبردی را با عنوان ضرورت نظم و انسجام سازمانی بیان نموده‌اند و انضباط و سلسله مراتب را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تقویت و استحکام نیروهای ارتش برای رویارویی با دشمن و غلبه بر آن ضروری می‌دانند. امام امت در این مورد می‌فرماید: «حالا ارتش، اسلامی هستند وظایفشان با آن وقت که ارتش، ارتش طاغوتی بود فرق دارد. همان طوری که موظفند مراتب سلسله را حفظ کنند. بزرگترها، صاحب‌منصب‌ها، افسرهای ارشد موظفند که با سایر طبقات به طور سلامت و به‌طور اسلامی رفتار کنند. گمان نکنند سربازان که حالا که انقلاب شد ما باید اطاعت نکنیم. اسلام اطاعت فقیه را واجب دانسته است، و من امر می‌کنم به‌شما که اطاعت کنید از مافوق‌های خود، و حفظ نظام را بکنید. و من سفارش می‌کنم به افسرها، افسرهای ارشد و دیگر افسرها که مراعات اسلامی خودشان را بکنند؛ با زیردستان همان کنند که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله با زیردستان می‌فرمود و امیرالمومنین علیه السلام». (همان، ج ۱۰، ص ۳۲۷)

۵- هدایت به سمت ارتش مکتبی

در ارتش مکتبی، پایه و اساس ارتش اسلام، ایمان است نه سلاح، اگر ایمان تقویت شود، حجم مشکلات کاهش خواهد یافت. زیرا اساس نیروهای مسلح، خدا محوری، دین باوری و تکلیف‌گرایی است. ارتش مکتبی مؤید به امدادهای الهی و عنایات غیبی خداوند است. اما باید

اتکال بر او داشته باشند و هم برای رضای او تلاش کنند، لذا امام راحل می‌فرمایند: «از عنایات غیبی الهی غافل نباشید. سعی کنید این عنایات الهی را برای خودتان و برای ملت حفظ کنید.» (همان؛ ج ۱۶، ص ۲۰۲)

حضرت امام خمینی علیه السلام همواره خواهان جهت‌گیری ارتش به سمت مکتب و معنویت و تبدیل شدن به ارتشی اسلامی و فعلیت بخشیدن به ارتشی با مشخصه‌های دینی بودند. لذا ایشان می‌فرمایند: «ارتش اسلام، ارتش هدایت است. سردارهای صدر اسلام اساتید اخلاق بودند، کسانی بودند که مردم را در همان حالی هم که جنگ می‌کردند، هدایت می‌کردند. ... کوشش کنید که ارتش اسلامی باشید، نیروی اسلامی باشید، نیرویی باشید که بخواهید با این نیروی خودتان اشخاصی هم که خلاف می‌کنند این‌ها را تربیت کنید.» (همان؛ ج ۱۲، ص ۵۱۰-۵۰۶)

لذا رهبر کبیر انقلاب اسلامی با دادن صبغه مکتبی به ارتش آن را تثبیت و بیمه کردند.

۶- شرکت ارتش در جنگ تحمیلی

امام امت همواره بر نقش مهم ارتش در حوادث بعد از انقلاب تأکید داشتند و در سخنرانی‌های مختلف خود در مورد نقش تعیین کننده ارتش در دفاع ایران اسلامی فرمودند:

الف- متوقف کردن دشمن

امام علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «تبریک به ارتش و قوای مسلح و ملت که چنین ارتشی دارند که با مجاهدات بزرگ و فداکاری شجاعانه، کشور عزیز خود را از شر جنود ابلیس- که با پشتیبانی دو قدرت بزرگ و سایر قدرت‌های وابسته، به کشور عزیزمان هجوم نموده‌اند- نجات داده و چون سدی عظیم و بنیانی مرصوص در مقابل آن ایستادگی کرده و می‌کنند.» (همان، ج ۱۴، ص ۳۰۰)

ب- جانفشانی در دفاع از کشور

ایشان در این مورد می‌فرماید: «این ارتشی [است] که هست الان و دارد جانفشانی می‌کند و دارد در جبهه‌ها خون خودش را می‌دهد و می‌خواهد دفاع کند از کشور خودش» (همان، ج ۱۶، ص ۱۳۶)

ج- حضور قهرمانانه ارتش در مرزها

امام خمینی علیه السلام به مناسبت ۲۹ فروردین روز ارتش می‌فرماید: «نیروی زمینی قهرمان که در

حقیقت در تمامی حوادث در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده است. بحق چهره راستین و شکست‌ناپذیر و استوار خویش در دفاع از مرزهای گسترده کشورمان را نشان داد. حضور و آمادگی دفاعی در مرزهای غرب و جنوب و شمال غرب با آن همه خصوصیات جغرافیایی و با سرما و گرمای طاقت‌فرسای مناطق، آن هم با کمبودها و محاصره‌ها کار آسانی نبوده است.» (همان، ج ۲۱، ص ۳۵۶)

۳,۸- رسالت اختصاصی ارتش در حفظ کشور از دیدگاه امام خمینی

- ۱- پاسداری از استقلال کشور
- ۲- پاسداری از امنیت کشور
- ۳- ارتش باید پاسدار استقلال و امنیت کشور باشد.
- ۴- ارتش ما ضامن استقلال کشور ماست.
- ۵- ارتش اساس و رکن استقلال یک کشور است.
- ۶- ارتش ما پشتوانه‌ی ملت ماست.
- ۷- ارتش اساس یک مملکت است، حافظ یک مملکت است.

۳,۹- سپاه پاسداران در اندیشه امام خمینی

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همان‌طور که از نامش پیداست، پاسدار انقلاب اسلامی و ارزش‌های حاصل از آن است؛ نهادهی جوشیده از دل مبارزات مردمی و سپر حوادث کشور و بزرگ‌ترین سنگر دفاع از ارزش‌های الهی نظام ماست. سپاه پاسداران هنگامی تولد یافت که انقلاب اسلامی با انواع توطئه‌ها و شرارت‌های داخلی و گروهک‌ها از طرف ابر قدرت‌های شرق و غرب هدایت می‌شدند رو به رو بود؛ از این رو مقابله جدی با آن آفات، ضرورت داشت و این امر مهم به‌عهده سپاه پاسداران گذاشته شد؛ و این برای نهادهی که هنوز آمادگی لازم برای دفاع را کسب نکرده بود، میسر نبود مگر به واسطه عوامل ذیل:

(۱) نصرت الهی؛

(۲) حمایت و رهبری حضرت امام خمینی

(۳) روحیه انقلابی و شهادت طلبی پاسداران؛

(۴) برخورداری از حمایت ملت؛

(۵) جذب عناصر با ایمان و انقلابی به مجموعه سپاه؛

با توجه به تقویت روزافزون عوامل ذکر شده، توان مقابله سپاه با حوادث و بحران‌های مختلف داخلی کشور افزون‌تر گردید، و در برخورد با کلیه قائله‌ها و شرارت‌هایی همچون: کمین‌های خونین در کردستان، ترورهای خیابانی منافقین و درگیری‌های ترکمن صحرا و ... که با تحریک دشمنان داخلی و خارجی دامن زده می‌شد، فعالانه حضور یافت و با تقدیم شهدا و جانبازان بسیاری، از اسلام و انقلاب و نظام اسلامی پاسداری کرد.

امام خمینی علیه السلام بیان اهمیت وظایف آنان می‌فرماید: «اگر سپاه نبود کشور هم نبود». (همان، ج ۹، ص ۳۱۴)

این جمله ایشان برای تعارف و یا افزایش روحیه پرسنل سپاه نبود، بلکه فرمایشی مسئولیت‌آور بوده که نقش سپاه را در امنیت گذشته، حال و آینده ترسیم کرده است و تأکیدهای مکرر ایشان بر حفظ و تقویت، گویای اعتقاد و اعتماد عمیق ایشان به این نهاد انقلابی است. (مرندی، ۱۳۷۹: ۲-۱)

فلسفه وجودی سپاه پاسداران را هیچ چیز به‌اندازه ارزش دستاوردها و اهداف مورد نظر انقلاب اسلامی بیان نمی‌کند. انقلابی که ریشه‌های فساد را قطع و نهال طیبه ایمان و استقامت را در کشور و در دل ملت ایران بارور کرد و با رحمت ولایت، آن را آبیاری نموده؛ خطر عظیمی شد که ابر قدرت‌ها خصوصاً آمریکایی‌ها تحمل آن را نداشتند. بنابراین، انقلاب اسلامی با طیفی از اقدام‌های خصمانه فرهنگی، سیاسی، روانی، اقتصادی و نظامی مواجه گشت؛ زیرا که متحد دیروز آمریکا، تبدیل به خطرناک‌ترین تهدید در مقابل تمامی عرصه‌های مستکبران جهانی شده بود؛ در نتیجه دشمنان انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی، در صدد سرنگونی آن برآمده و به اشکال مختلف، به توطئه و فتنه‌انگیزی دست زدند. (همان، ۳-۴)

الف- اهمیت حفظ سپاه

امام امت در این مورد ضرورت وجود جوانان متعهد سپاهی می‌فرماید: «ما از این به بعد هم احتیاج به شما داریم، ما همیشه محتاج به شما جوانها هستیم، ما بعد ها هم برای کشورمان احتیاج به فعالیت شما جوان‌های برومند داریم؛ و من امیدوارم که در همه مراحل، شما با مردانگی با ما همراهی کنید و این نهضت را به پیش ببرید». (همان، ج ۶، ص ۵۳۳)

ب- حمایت امام خمینی علیه السلام از سپاه

امام خمینی علیه السلام در این مورد پرهیز از تضعیف پاسداران می‌فرماید: «نگذارید این‌ها تضعیف کنند پاسداران انقلاب اسلامی را ... این‌ها همه در خدمت اسلام هستند، و این شیاطین می‌خواهند اینها را تضعیف کنند.» (همان، ج ۷، ص ۷۱)

... به دولت دستور می‌دهم سریعاً به کارهای شما رسیدگی کند و بودجه‌تان را هر چه زودتر بپردازد.» (همان، ج ۹، ص ۳۱۴)

ج- پاسداری از اسلام

۱- انتظار همراهی با اسلام: «از شما برای اسلام و قدرت اسلام و قرآن همراهی می‌خواهم.» (همان، ج ۶، ص ۴۰۵)

۲- تأکید بر پاسداری حقیقی از اسلام: «برادرها! از پاسداری خوب پاسداری کنید. پاسدار اسلام و قرآن باشید، پاسداری از اسلام بکنید.» (همان، ج ۸، ص ۲۶۰)، (مرندی، ۱۳۷۹: ۱۹)

د- پاسداری از انقلاب اسلامی

۱- استمرار پاسداری انقلاب: «باید از این به بعد هم پاسداری کنید که این انقلاب به ثمر واقعی‌اش برسد.» (همان، ج ۶، ص ۳۱۵)

۲- هم قیام کردید و هم پاسداری کردید: «باید با همت، با عزم راسخ، با اراده، باید این حال بعد از انقلاب را هم کنترل کنید.» (همان، ج ۷، ص ۲۹)؛ «... من از شما تشکر می‌کنم که در این برهه از زمان که احتیاج به وجود غیرتمندانی مثل شماها بود، شما قیام کردید و هم نهضت را پیش بردید و هم پاسداری کردید.» (همان، ج ۷، ص ۳۰)، (مرندی، ۱۳۷۹: ۲۹)

ه- پاسداری از کشور

امام راحل در این مورد می‌فرماید: «ما از شما می‌خواهیم که این مرزها را خودتان حفظ کنید. مملکت امروز مال خود شماست. دیروز اجانب در آن تصرف داشتند، امروز یک مملکتی است اسلامی، یک مملکتی است مال پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله، یک مملکتی است مال امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ مملکت از آن وجود مقدس است و ما همه پاسداران آن هستیم و باید این مملکت را حفظ کنیم هر کس به هر اندازه‌ای که می‌تواند. شما جوان‌های برومند مسلح به آن مقداری که می‌توانید باید مرزها را حفظ کنید.» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۹۲)، (مرندی، ۱۳۷۹: ۳۵)

و- مقابله با دشمنان اسلام

امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «برادران من! توجه داشته باشید [که] ما هنوز پیروز حقیقی نشده‌ایم، گمان پیروزی نبرید که سستی می‌آورد. وقتی گمان کردید که پیروز شدید رها می‌کنید و هر کدام به کار خود مشغول می‌شوید. پیروزی باز حاصل نیست و دشمنان اسلام و کشور در کمین‌اند و اختلاف ایجاد می‌کنند و توطئه دارند، همین امشب هم در روزنامه دیدم که ساواکی‌ها توطئه کرده بودند و می‌خواستند در ایام عید فساد ایجاد کنند. شما خودتان را پیروز مطلق ندانید، پیروزی وقتی حاصل می‌شود که این ریشه‌های گندیده هم از زیر زمین بیرون بیاید و این توطئه‌ها خنثی شود و آن با همت شما جوان‌ها، جوان‌هایی که تا کنون برای اسلام و قرآن شریف زحمت کشیده‌اید و پیش خدای تبارک و تعالی رو سفید هستید، میسر است.» (همان، ج ۶، ص ۴۰۵)

رسالت اختصاصی سپاه پاسداران از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

- ۱- نگهبانی از انقلاب و دست‌آوردهای آن؛
- ۲- دفاع از ارزش‌های الهی نظام.
- ۳- نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به حق از بزرگ‌ترین سنگرهای دفاع از ارزش‌های الهی نظام ما بوده و خواهد بود.
- ۴- اگر سپاه نبود کشور هم نبود. (همان، ج ۹، ص ۳۱۴)
- ۵- از این حملات، انسان می‌فهمد که سپاه برای ایران و اسلام مفید است. (همان، ج ۱۵، ص ۳۳۰)
- ۶- ادامه نقش سپاه در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن. (همان، ج ۱۹، ص ۳۸۶)؛ (بنی لوحی، ۱۳۷۸: ۳۴۳)

۱۰- بسیج در اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشور علاوه بر اینکه با تهدیدات جدی بر علیه «ثبات‌مندی و حتی بقاءمندی نظام» جمهوری اسلامی مواجه بود، قدرت دفاعی در مقابل این تهدیدات را نیز نداشت. در آن مقطع زمانی رهبر کبیر انقلاب، با تدبیر هوشمندانه خود نسبت به راه‌اندازی نهادی مبادرت فرمودند که از قابلیت‌های بسیار زیادی در برخورد با تهدیدات مختلف و با ماهیت‌های متفاوت را داشت. تشکیل بسیج مستضعفین به‌عنوان یک نقطه عطف در این ۳۰ سال ارزش و اهمیت این اقدام را نشان می‌دهد.

تعریف بسیج از نظر لغوی

بسیج هم در لغت و هم در اصطلاح دارای تعاریف متعددی است:

- ۱- بسیج از نظر اصطلاحی عبارتست از جمع‌آوری کلیه قوای موجود جامعه و به‌کارگیری آن در مواقع ضروری که در واقع از قوه به‌فعل در آوردن امکانات و منابع جامعه است.
- ۲- بسیج عبارتست از جذب، آموزش، سازماندهی و حفظ انسجام آحاد نیروها و امکانات مردمی و دولتی، به‌منظور ایجاد آمادگی ملی در جهت تأمین و توسعه ضرورت‌های ملی، انقلابی و ارزشی و نیز مقابله با هرگونه تهدید علیه اهداف، علائق و منافع اسلامی.
- ۳- تدارک، آمادگی و حضور به‌هنگام، مداوم و مؤثر مردم با ساز و کار انقلابی در همهٔ صحنه‌ها و عرصه‌ها برای مشارکت در نیل به اهداف است.

بسیج ملی

بسیج عبارتست از عمل آماده نمودن و بالا بردن امکانات ملی برای مقابله با هرگونه اوضاع اضطراری حاصله در نتیجه بحران‌های سیاسی و جنگ اعم از محدود و عمومی از طریق تجمع و سازمان دادن کلیه منابع ملی شامل پرسنل، تدارکات، ماتریل و انجام اقداماتی که به‌وسیله آن نیروهای مسلح و مقدورات ملی به‌حالت آماده در آورده می‌شود، برای مقابله با هر دشمن احتمالی و نابودی او و نیل به پیروزی در صورت وقوع جنگ. (نورایی، ۱۳۷۴: ۱۲)

بسیج مستضعفین

بسیج مستضعفان تشکیلی است فراگیر، برآمده از آحاد مردم معتقد به انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی که بستر، زمینه و ساز و کار حضور و مشارکت مردم را برای پیشبرد هدف‌ها و دفاع از کشور و انقلاب در برابر طیف‌های مختلف تهدید و بحران فراهم می‌کند. (معاونت طرح و برنامه ستاد کل، ۱۳۹۰: ۷)

انواع بسیج

- ۱- بسیج عمومی: شامل انجام فعالیت‌هایی است که به‌وسیله کلیه دستگاه‌های دولتی و مؤسسات ملی برای پشتیبانی از عملیات نظامی و گردش چرخ‌های اقتصادی کشور انجام می‌گیرد.
- ۲- بسیج نظامی: شامل کلیه فعالیت‌هایی است که برای منظور نظامی در پدافند ملی انجام می‌شود.

- ۳- بسیج اقتصادی: یعنی مورد استفاده قرار دادن کلیه منابع انسانی و غیر نیروی انسانی برای تهیه تدارکات و ذخیره کافی جهت دفاع از امنیت ملی.
- ۴- بسیج صنعتی: یعنی کنترل صنایع به منظور تأمین نیازمندی‌های جنگ، از نظر جنگ‌افزار و مهمات و سایر تدارکات مورد نیاز نیروهای مسلح. (نوری، ۱۳۸۶: ۱۲۳)

اهداف تشکیل بسیج

اهداف تشکیل بسیج از منظر قرآن کریم عبارتند از:

الف- برچیدن شرک و فتنه و استقرار دین خدا

« وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ » و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای [چون شرک، بت پرستی و حاکمیت کفار] بر جای نماند و دین فقط ویژه خدا باشد. پس اگر باز ایستند [به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس [تجاوزی جز بر ضدستمداران جایز نیست.]] (سوره بقره آیه ۱۹۳)

ب- حمایت از مستضعفان

« وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا »؛ شما را چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعف]ی که ستمکاران هرگونه راه چاره را بر آنان بسته اند [نمی‌جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که اهلش ستمکارند، بیرون ببر و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یابوری قرار ده.]] (سوره نساء آیه ۷۵)

ج- جلوگیری از فساد و تباهی روی زمین

« ... وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ »؛ اگر خدا [تجاوز و ستم] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین را فساد فرا می‌گرفت؛ ولی خدا نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است» (سوره بقره آیه ۲۵۱)

د- دفاع از وطن (سرزمین)

«.. قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجَنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا...»؛ گفتند: ما را چه هدف و مرادی است که در راه خدا جنگ نکنیم، در حالی که از میان خانه‌ها و فرزندانمان بیرون رانده شده‌ایم؟! (سوره بقره آیه ۲۴۶)

ه- برقراری امنیت اجتماعی و نمایش قدرت مسلمانان

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»؛ ای اهل ایمان! با کافرانی که هم جوار شما هستند، نبرد کنید؛ و آنان باید در شما سرسختی و شدت یابند؛ و بدانید که خدا با پرهیزکاران است. (سوره توبه آیه ۱۲۳)

و- کیفر دادن، خوار ساختن و ذلت دشمنان خدا

«قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ»؛ با آنان بجنگید تا خدا آنان را به دست شما عذاب کند و رسوایشان نماید و شما را بر آنان پیروزی دهد و سینه‌های [پرسوز و غم] مردم مؤمن را شفا بخشد. (سوره توبه آیه ۱۴)

۲- اهداف تشکیل بسیج از نظر روایات

الف- دفاع از مسلمانان

ب- دفاع از کشور

ج- ترساندن دشمن و آمادگی دفاعی

د- مقابله با فتنه‌های داخلی

ه- برقراری امنیت

و- امر به معروف و نهی از منکر

ز- مقابله با ظلم و ستم. (نوری، ۱۴۳۰ق، حدیث ۲۰۵۲۱)



مهم‌ترین وظایف بسیج از نظر امام خمینی

۱- دفاع از اسلام و امنیت کشور.

۲- آمادگی رزمی و دفاعی

- ۳- کمک به مسلمانان و دفاع از آنها
- ۴- امر به معروف و نهی از منکر
- ۵- دشمن شناسی
- ۶- حاکمیت و حفظ ارزش های دینی

— بسیج به معنی خاص (بسیج مستضعفین) از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

الف- بسیج از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

- ۱- « بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضاء نموده‌اند». (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۹۴)
- ۲- «اینجانب از ملت شریف ایران، از جوانان برومند که از بسیج عمومی استقبال کردند تشکر می‌کنم.» (سخنرانی امام علیه السلام در تاریخ ۵۸/۱۲/۱) (همان، ج ۱۲، ص ۱۵۹)
- ۳- « مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته‌باشد » (همان، ج ۱۱ ص ۱۲۱)
- ۴- « ارتش بیست میلیونی (بسیج) فرمول دفاع همه جانبه از انقلاب اسلامی است.» (شمشیری، ۱۳۸۱: ۲۱)

ب- کارکردهای بسیج از زاویه دکتین دفاع همه جانبه امام خمینی علیه السلام

- ۱- بسیج راهبرد ملی و بازدارندگی؛
 - ۲- بسیج و مردمی بودن؛
 - ۳- بسیج و ضرورت پویایی و نوآوری مداوم؛
 - ۴- بسیج به منزله ارتش هولوگرافیک با خط‌مشی دفاع پوششی.
- ارتش هولوگرافیک، ارتشی مردمی است که با تکیه بر دفاع پوششی در متن جامعه، ماشین جنگی دشمن مهاجم را مختل ساخته، هزینه سلطه بلندمدت دشمن را بسیار سنگین می‌سازد. چنین ارتشی بر بنیان حمایت‌های مردمی و توسعه فناوری دفاعی ویژه شهروندان توسعه می‌یابد. ارتش هولوگرافیک آنچه عامه مردم باید بدانند به مردم می‌آموزد و مردم در هر منطقه از کشور، به فراخور مقتضیات جغرافیایی و فرهنگی آن منطقه، آرایشی بهینه می‌آفرینند. بنابراین ارتش هولوگرافیک ضمن بهرمندی از حمایت فنی ارتش رسمی، به‌طور مستقل ولی هماهنگ با

آن و در جهت اهداف آن فعالیت می‌کند. بدین ترتیب، در حالی که در شرایط عادی هیچ هزینه‌ای از حیث نیروی انسانی به کشور تحمیل نمی‌کند، در صورت لزوم به‌صافی مستحکم از نیروهای مردمی تبدیلی می‌شود که هر بخش آن در عین استقلال، به اهداف ارتش کلاسیک کشور مدد می‌رساند و در حالی که به‌طور مداوم، صدمات زیادی را متوجه دشمن می‌سازد، در متن جامعه ناپدید می‌شود. هزینه مقابله با چنین ارتشی، هزینه مقابله با کل یک ملت و نسل‌کشی همه آحاد آن است؛ از این رو، قدرت بازدارندگی چنین ارتشی با قدرت بازدارندگی ارتش‌های کلاسیک قابل مقایسه نیست. (نواده توپچی و فتاحی، ۱۳۸۶: ۲۱۵)



۳،۱۱- مؤلفه‌های اصلی تشکیل دهنده اندیشه دفاعی امام خمینی

با وجود تأثیرپذیری فراوان اندیشه‌های دفاعی، امام خمینی (رحمه الله علیه) از مبانی دینی و اسلامی، می‌توان گفت که بخش مهمی از این اندیشه در عرصه عمل و مواجهه با تهدید شکل گرفته و کارآمدی خود را نیز به اثبات رسانده است و این ویژگی بارزی تلقی می‌گردد؛ چرا که بین تبیین اندیشه‌ها در خلا و شرایط غیرواقعی از یکسو، و طرح‌ریزی اندیشه‌های نظامی در حین مقابله با تهدیدی مانند جنگ، تفاوت فراوانی وجود دارد.

مؤلفه‌های اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمه الله علیه) سه ضلع یک مثلث را تشکیل می‌دهند که مبنای این اندیشه «ارزش محوری» به‌عنوان عامل اصلی در رأس قرار داشته و انسان محوری و توان محوری در اولویت‌های بعدی دیگر آن قرار می‌گیرند. (آقاجانی، ۱۳۸۹: ۲۵)



الف- ارزش محوری؛ ب- انسان محوری؛ ج- توان محوری.

مؤلفه‌های ارزش محوری

۱- اسلام و دین محوری

برای حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) اسلام اصل بود و همه چیز با تراز دین و اسلام سنجش می‌شد. از این رو مبانی و شالوده اندیشه دفاعی ایشان نیز اسلام بود. این مهم بارها از سوی رهبرکبیر انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است. امام راحل در این مورد می‌فرماید: «مسئله، مسئله‌ای نیست که ما

می‌خواهیم فقط جنگ بکنیم یا می‌خواهیم دفاع بکنیم... یعنی ما می‌خواهیم از آبروی اسلام از آبروی کشور اسلامی دفاع بکنیم، این یک دفاعی است که عقل و اسلام، هر دو با آن موافقتند.» (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۵۷)

حضرت امام خمینی علیه السلام طرح‌ریزی‌ها را در چارچوب دین اسلام انجام می‌دادند؛ بنابراین از منظر دستورهای دینی به جنگ و صلح می‌نگریستند.

«ما تبع اسلام داریم، جنگ می‌کنیم، دفاع می‌کنیم و به واسطه اسلام داریم دفاع می‌کنیم.» (همان، ج ۱۳، ص ۲۵۰)

۲- تکلیف محوری

نگاه دین مدارانه حضرت امام خمینی علیه السلام به مقوله‌ها از جمله جنگ، به تفکراتشان زاویه و ماهیت‌ویژه‌ای بخشیده بود. ایشان به شیوه سیدالشهداء، همواره بر تکلیف‌مداری تأکید می‌نمودند؛ بنابراین در اندیشه دفاعی ایشان، انجام وظیفه، اصل است. ایشان می‌فرمایند: «ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم، نه مأمور به نتیجه.» (همان، ج ۲۱، ص ۲۸۴)

۳- شهادت طلبی

در نظام اندیشگی امام راحل همواره «خون بر شمشیر پیروز است» و این بزرگترین عامل برتری‌ساز می‌باشد. جامعه‌ای که از مرگ نهراسد، در برابر هر متجاوزی خواهد ایستاد و به پیروزی بسیار نزدیک می‌باشد. ایشان از یکسو ظرفیت‌ها و انرژی نهفته در قیام در راه خدا (با تأکید بر حادثه کربلا) را می‌شناخت و از سوی دیگر، به‌خوبی از عشق ملت ایران به سالار شهیدان و ائمه معصومین علیهم السلام آگاه بود. از این رو با تلفیق این دو، شهادت‌طلبی را به‌عنوان اکسیر ظفرمندی به‌جوانان این سرزمین هدیه نمود. (آقاجانی، ۱۳۸۹: ۲۶)

امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «شهادت در راه خدا، مسئله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود، اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است.» (همان، ج ۲۱، ص ۸۸)؛ امام امت در سخنانی دیگر چنین بیان می‌دارند: «از شهدا که نمی‌شود چیزی گفت. شهدا شمع محفل دوستانند. شهدا در قهقهه مستانه‌شان و در شادی وصول‌شان «عندربهم یرزقون» اند و از «نفوس مطمئنه‌ای» هستند که مورد خطاب «فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی» پروردگارند.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۴۷)

مؤلفه انسان محوری

فرماندهی معظم کل قوا، افزون بر تأکید فراوان بر ارتقای سطح توانمندی‌های نظامی و فناوری و بهینه‌سازی سیاست‌ها و راهبردهای نیروهای مسلح، همواره مهم‌ترین و برترین عامل در عرصه دفاع را نیروی انسانی می‌داند.

انسان محوری مورد نظر امام خمینی رحمه الله علیه نه آن گونه است که در اندیشه‌های فیلسوفانی چون اگوست کنت (پدر علوم اجتماعی مدرن) که انسان را محور مرکز همه هستی می‌داند و نه آن گونه که حتی انسان محوری را رد و خدا محوری، که اساس تمامی بینش‌های مکتب اسلام می‌دانند، نیست بلکه مقصود این است که انسان اساس هر گونه روابط اجتماعی تلقی می‌شود. در بینش اسلامی انسان آن گونه که هست و آن گونه که آفریده شده است در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی ترکیبی از نیروهای خیر و شر که در یک جدال تکاملی، آزادی و مسئولیت انسان را در بوته سخت‌ترین آزمایش‌ها قرار می‌دهد. وظیفه انسان به‌عنوان نگهبان خویش، تقویت نیروهای خیر و پس‌راندن نیروهای شر است. از این رو، نه خوش‌بینی افراطی رواقیون در مورد انسان پذیرفته می‌شود و نه بدبینی افراطی مسیحیان و فرضیه گناه ذاتی که نظریه مکتب رئالیسم آمریکایی بر آن بنا شده است. (رحمتی، ۱۳۹۱: ۱۲)

امام خامنه‌ای مد ظله العالی در مورد محوری بودن انسان در پیروز و شکست در هر جنگی سخنانی چنین بیان می‌دارند: «امروزه دنیا از لحاظ ابزارهای مادی از جمله ابزارهای نظامی پیشرفت‌های زیادی کرده، اما همچنان نقطه اصلی برای هر پیروزی و شکستی، انسان است.» (بیانات مقام معظم رهبری مد ظله العالی در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۹)

۱- مردمی کردن دفاع

وقوع انقلاب اسلامی، تغییرات گسترده سیاسی، اجتماعی و ... را در ساختارهای جامعه ایجاد کرد ولی بی تردید به دلیل ماهیت انقلاب، «مردمی‌سازی» کارها به‌ویژه مقوله دفاع و امنیت از مهم‌ترین این تغییرات به‌شمار می‌آید؛ در واقع، اقداماتی همچون تأسیس «سپاه پاسداران» برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب، «کمیته انقلاب اسلامی» برای گسترش نظم و امنیت اجتماعی و «بسج» برای مشارکت همگانی توده‌های مردمی و حفاظت از دستاوردهای انقلاب و برقراری امنیت اجتماعی در کنار ایجاد برخی نهادها و سازمان‌های دیگر، را باید در این راستا تحلیل کرد. در این رابطه، نقش بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بی‌بدیل بوده است. «مردم» به مثابه

«امکان» غیر قابل جایگزین، همواره شالوده و تکیه‌گاه دیدگاه‌های راهبردی ایشان بود. بیانات حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) به خوبی بیانگر اهمیت حضور مردم و مردمی‌سازی مقوله می‌باشد: «امروز، روزی است که ملت ما باید دست در دست سپاه و ارتش نجیب و دلیر گذاشته و به دشمنان بفهمانند که بر فرض محال اگر وارد شهری شدند، تازه با مردمی مسلح و جنگجو مواجه خواهند شد که از وجب به وجب شهرشان دفاع می‌نمایند.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۴۴)

حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) در جای دیگری می‌فرماید: «مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد... همه جا باید این طور بشود که یک مملکت بعد از یک چند سالی بشود یک کشوری با ۲۰ میلیون جوان که دارد، بیست میلیون تفنگدار داشته باشد. بیست میلیون ارتش داشته باشد.» (همان، ج ۱۱، ۱۲۱-۱۲۲)؛ (آقاجانی، ۱۳۸۹: ۲۶-۲۷)

۲- ارتقای روحیه

اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) بر مبنای تکیه بر نیروی انسانی شکل گرفته است، به همین منظور نیز روحیه از جمله اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی است که انسان‌ها را به یک نیروی رزمنده تبدیل کرده و کیفیت آنها را تعیین می‌کند. (همان)

اندیشمندان نظامی دیگری همچون کلاوزویتس نیز در مورد روحیه چنین می‌گوید: «عناصر روحی، در میان دیگر عوامل نقش‌آفرین در جنگ، مهم‌تر هستند.» (Clausewitz, 1976 : 184-186) امام راحل نیز در سخنان فراوانی به حفظ و ارتقای روحیه رزمندگان اسلام تأکید ویژه‌ای داشتند: «ما برنده جنگ هستیم و هیچ تردیدی در این نیست.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۶۲)

بدون تردید ایمان به خدا و عشق به شهادت در راه حق و وجود رهبری دینی امام امت تأثیر غیر قابل انکاری در ارتقای روحیه رزمندگان داشت. این واقعیت از سوی فرماندهان جنگ نیز مورد تأکید قرار دارد: «بخش اعظمی از اعتماد به نفس رزمندگان متأثر از فرماندهی حکیمانه حضرت امام (رحمة الله علیه) بود. این اعتماد به نفس از طریق بیان جملاتی نظیر «یک دزدی آمده یک سنگی انداخته»، و ... ایجاد می‌شد.» (رشید، ۱۳۸۳: ۱۳) و نیز (ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۲۳)

۳- نهراسیدن از دشمن

در باور امام خمینی (رحمة الله علیه) شجاعت، از ارکان روحیه نظامی بود و از این رو تأکید ویژه‌ای بر آن

داشت: «ما از جنگ نباید بترسیم، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جنگ کرده است برای اسلام، حضرت امیر علیه السلام جنگ کرده است برای اسلام، صدر اسلام در یک چند سال چندین جنگ، هشتاد تا، چقدر جنگ واقع شد، ما باید مهیا بشویم برای جنگ‌ها... هیچ خوف از این مسائل نداریم.» (امام صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۰۸-۳۰۹)

۴- تأکید بر حفظ انسجام و وحدت

وحدت از منظر امام خمینی رحمته الله علیه عامل هم‌افزاینده ظرفیت‌های موجود و موجب ارتقای سطح توانمندی‌ها به‌شمار می‌آمد. از دیدگاه ایشان، یگانگی در فکر و عمل نیروهای مسلح کشور، شرط لازم برای نیل به پیروزی می‌باشد.

امام امت در این مورد می‌فرماید: «می‌دانید که پیروزی‌ها در اثر انسجام تمام قوای مسلح، با نقشه واحد و فکر واحد نصیب شما شد. باید این انسجام ما و این وحدت حفظ شود که تزلزل در این امر الهی، از بزرگ‌ترین اسباب فشل و خدای ناخواسته، شکست است.» (همان، ج ۱۶ ص ۲۰۲)

در بیانی دیگر ایشان بر این عامل موفقیت اشاره نموده‌اند: «پیروزی شما در گرو وحدت شماست.» (همان، ج ۱۳ ص ۳۹۴)

۵- ایجاد اعتماد به نفس و روحیه خودباوری (مدیریت فرهنگی و معنوی جنگ)

الف- خودباوری و اعتماد به نفس ملی از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه

امام خمینی رحمته الله علیه هنگام بحث از اعتماد به نفس، به این مسأله کاملاً از منظری ملی و حتی فرا ملی و در سطح مسلمانان جهان می‌نگرد. از نظر ایشان کسب اعتماد به نفس و خودباوری، نه تنها برای افراد لازم است، بلکه مهم‌تر از آن، کسب اعتماد به نفس ملی و تقویت روحیه اعتماد به نفس اسلامی است؛ لذا غالب خطاب‌های ایشان چنین گرایشی دارد و همین تأکید، کلام ایشان را جذاب می‌سازد. این نکته به معنای بی‌توجهی ایشان به اعتماد به نفس و خودباوری در سطح فردی نیست؛ بلکه مسأله این است که ایشان به اعتماد به نفس فردی قانع و محدود نمی‌شود و کسب اعتماد به نفس را برای افراد کافی نمی‌داند و بر آن است که این اعتماد به نفس و خودباوری، تا سطح ملی و اسلامی گسترش یابد و گره از مشکلات ایرانیان و مسلمانان بگشاید. لذا می‌توان پیوند اعتماد به نفس فردی و ملی را علی‌رغم تفاوت‌هایی که این دو سطح

از اعتماد به نفس دارند، در دانش متصل به معارف الهی امام راحل به راحتی رؤیت نمود. (مبینی دهکردی، ۱۳۸۹: ۵۳)

امام خمینی رحمته الله علیه در این مورد می‌فرماید: «مسلمان‌ها باید خودشان را پیدا کنند. یعنی بفهمند که خودشان یک فرهنگی دارند؛ خودشان یک کشوری دارند، خودشان یک شخصیتی دارند. این که در ذهن جوان‌های ما کرده‌اند که باید مثلاً فلان مکتب در اینجا پیاده بشود، مکاتب شما چیزی نیستند! اینها همین تعلیماتی است که ابرقدرت‌ها در ایران پیاده کرده‌اند. آنها یک همچون فرهنگی را برای ما درست کردند که ما از خودمان بیخود بشویم و آنها تمام چیزی که ما داریم و حیثیتی که ما داریم ببرند. باید ما برگردیم به حال اول اسلام، باید مسلمین برگردند به همان حال که با جمعیت کم غلبه کردند بر همه قدرت‌ها» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۲۱)

امام راحل در جای دیگر می‌فرماید: «ما تا بیدار نشویم از این خواب و تا توجه به این نکنیم که ما هم انسان هستیم و ما هم شخصیت داریم و ما هم ملت‌های بزرگ هستیم، ما هم مسلمین هم یک میلیارد تقریباً جمعیت با همه وسایل دارند، تا این معنا را ما باورمان نیاید، نمی‌رویم دنبال کار...، اطمینان داشته باشید که اگر بخواهید می‌شود و اگر بیدار بشوید می‌خواهید شما بیدار بشوید و بفهمید این معنا را که نژاد ژرمن از نژاد آریا بالاتر نیست... (همان، ج ۱۳، ص ۵۳۷-۵۳۳)

امام خمینی رحمته الله علیه گام نخستین خودباوری و اعتماد به نفس ملی را برای همه کشورها در بیداری می‌داند، بیداری که مقدمه خواستن باشد؛ مثلاً در مورد ژاپن و هند چنین گفتند: «... ژاپن همین معنا را مبتلا بود و بعداً بیدار شد و اراده کرد و شد یک مملکت صنعتی که الان صنعت او مقابله می‌کند با امریکا، هندوستان بیدار شد با این که از همین نژادهایی بود که غیرعربی بودند و غیرآلمانی و غیر ژرمنی بودند که آنها می‌گفتند: این‌ها ابر هستند و اینها نمی‌توانند، وقتی ملت‌شان خواست، شد. شما هم بخواهید، می‌شود.» (همان، ۵۳۷)



ب- اعتماد به نفس مثبت و منفی از دیدگاه امام خمینی

از منظر امام راحل اعتماد به نفس به مفهوم مثبت آن یعنی اعتماد به نفسی که در طول اتکای به خداوند متعال باشد. براین اساس اعتماد به نفس همراه با اعتماد به خداوند متعال و تبعیت از

اوامر و نواهی الهی، اعتماد به نفس مثبت محسوب می‌شود. اما شق دیگر اعتماد به نفس، مفهوم منفی آن می‌باشد که در پاره‌ای از آثار، علوم اسلامی و آیات و روایات، به‌ویژه در مباحث و کتب اخلاقی و سیر و سلوک امام علیه السلام، نکوهش شده و منفی دیده می‌شود. چنین اعتماد به نفسی همان است که در عرض و استقلال از اعتماد و توکل به خداوند متعال است که منشاء شرارت و طغیان به حساب می‌آید. در کتاب «آداب صلاه» امام خمینی علیه السلام در همین ارتباط چنین می‌خوانیم: «از وظایف بزرگ سالک‌الی‌الله و مجاهد فی سبیل‌الله آن است که در خلال مجاهده و سلوک، از اعتماد به نفس به کلی دست کشد و جبلتا متوجه به مسبب‌الاسباب و فطرتاً متعلق به مبدأ المبادی گردد و از آن وجود مقدس، عصمت و حفظ طلب کند و به دستگیری آن ذات اقدس اعتماد کند.» (امام خمینی علیه السلام، آداب الصلاه (آداب نماز)، متن، ص ۴۶)

در بررسی این سخنان امام خمینی علیه السلام چنین می‌آید که منظور ایشان در نفی اعتماد به نفس، اعتماد به نفسی است که فارغ از توکل به خدای متعال و فراموشی حضرت حق از سر عجب و غرور است و نه اعتماد به نفسی که در طول اعتماد بر خداوند متعال و بر اساس توکل به اوست.

از نظر امام راحل اعتماد به نفسی که به عجب و استغنائی از حضرت حق منجر شود مردود و مذموم است. ایشان می‌فرمایند: «اعتماد بر نفس و (تکیه) بر اعمال خود کند و این سبب شود که انسان جاهل بیچاره، خود را از حق تعالی مستغنی داند و توجه به فضل حق تعالی نکند و حق تعالی را ملزم داند به عقل کوچک خود به این که او را اجر و ثواب دهد و گمان کند که اگر با عدل هم با او رفتار شود، مستحق ثواب است.» (امام خمینی علیه السلام، شرح چهل حدیث، ص ۶۹)

این نظر امام راحل برخاسته از این دیدگاه قرآنی است که انسان زمانی که خود را بی‌نیاز و مستغنی از ذات حضرت حق بداند، طغیان می‌کند. (مبینی دهکردی، ۱۳۸۹: ۵۵)

مؤلفه‌های توان محوری

۱- تقویت بنیه دفاعی

هر چند اندیشه امام خمینی علیه السلام بر پایه نیروی انسانی شکل گرفت، ولی ایشان از ضرورت‌های مادی به عنوان ابزارهای دفاع غافل نبودند. امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را

به دنبال می‌آورد.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۵۸)

۲- ضرورت خودکفایی

نتایج بسیار پر هزینه وابستگی نیروهای مسلح به سایر کشورها در اوایل جنگ تحمیلی موجب تأکید بنیانگذار جمهوری اسلامی بر ضرورت تلاش برای نیل به خودکفایی نظامی گردید. امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «من به عنوان فرمانده کل قوا به مسئولین و تصمیم گیرندگان نیز دستور می‌دهم که در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالا بردن آموزش‌های عقیدتی و نظامی و توسعه تخصص‌های لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند.» (همان، ج ۲۱، ص ۳۵۷)

۳- حفظ آمادگی

امام خمینی علیه السلام همواره بر حفظ هوشیاری و آمادگی اصرار داشتند؛ چرا که در اندیشه دفاعی ایشان، آمادگی، کلید موفقیت به شمار می‌آمد.

ایشان در این مورد می‌فرماید: «به همه ملت بزرگ ایران و مسئولین عرض می‌کنم چه در جنگ و چه در صلح، بزرگترین ساده‌اندیشی این است که تصور کنیم جهان‌خواران خصوصاً آمریکا و شوروی، از ما و اسلام عزیز دست برداشته اند، لحظه‌ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵-۱۹۴)

۴- ایجاد موازنه قوا

برابری توان رزمی دو طرف نبرد در یک جنگ و یا کشمکش معین را موازنه قوا می‌گوئیم. در مقابل این اصطلاح مفهوم «برتری قوا» وجود دارد و آن عبارت از برتری توان رزمی یک طرف نبرد بر دیگری است که از مرز صلح و جنگ عبور می‌کنند، یا صلح ایجاد می‌شود و یا جنگ، از بیانات امام خمینی علیه السلام در مورد میزان قوه دفاعی و انتقال تجارب و تجهیز کلیه آحاد این کشور براساس اصول و فرمول خاص دفاع همه جانبه تا رسیدن به تشکیل واقعی و حقیقی ارتش بیست میلیونی و یا خطاب ایشان به ممالک اسلامی برای تشکیل ارتش بین‌الملل اسلامی که ده‌ها میلیون عضو دارد، به وضوح می‌توان دریافت که حضرت امام خمینی علیه السلام به دو عنصر مهم در «موازنه قوا» و «قدرت دفاعی» تأکید دارند.

۵- وجود بازدارندگی نیروهای مسلح

امام امت در این مورد می‌فرماید: «واجب است پیش کسوتان جهاد و شهادت در همه صحنه‌ها حاضر و آماده باشند و از کید و مکر جهان‌خواران و آمریکا و شوروی غافل نمانند ... در تجهیز کلیه آحاد و افراد این کشور بر اساس اصول و فرمول خاص دفاع همه جانبه و تا رسیدن به تشکل واقعی و حقیقی بسیج و ارتش بیست میلیونی کوشش نمود.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۳۴-۱۳۵)

۶- ایجاد اعتماد نفس ملی

حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در مقابل نظریه پردازی، گفتار و عمل، اعتقاد فوق العاده‌ای به تأثیر عامل اعتماد به نفس ملی در پیروزی و پیشرفت همه ملت‌ها به‌ویژه ملت‌های مسلمان علی‌الخصوص مردم مسلمان ایران در مسیر رشد و تعالی واقعی داشتند و بر تعریف اعتماد به نفس ملی بر اساس سه مفهوم «اعتماد»، «آگاهی ملی» و «باورهای مشترک» که میدان عمل را برای رسیدن به یک تعریف منسجم هموار می‌کند در فرمایشات و تدابیر خود بارها تأکید می‌کنند. همان‌گونه که پس از آن مقوله «درماندگی ملی» نیز تعریف خاص خود را در این فرمایشات می‌یابد.

لذا می‌توان پیوند اعتماد به نفس فردی و ملی را علی‌رغم تفاوت‌هایی که این دو سطح از اعتماد به نفس دارند، در دانش متصل به معارف الهی امام خمینی رحمه الله علیه به راحتی رویت نمود.

شاید بتوان اهمیت و ضرورت این موضوع را بعد از کشف نظرات امام راحل، موجب توسعه گفتمان غالب اسلامی- ایرانی در کشور دانست. بدیهی است که:

۱- اهمیت زاید الوصف راهبردهای توسعه اعتماد به نفس ملی به‌عنوان یکی از ضروری‌ترین شاخص‌های تأمین و تقویت هویت ملی کشور و در جایگاه نظرات و اندیشه‌های حضرت امام خمینی رحمه الله علیه به‌عنوان شاخص ممتاز در این زمینه بوده و باید پاس داشته شود.

۲- اهمیت موضوع در حوزه علمی- نظری اعم از تولید نظریه و خلق ادبیات به‌ویژه در شرایط امروزی که این کاستی به شدت احساس می‌گردد.

۳- اولویت و تقدم این موضوع در تأکیدات امام راحل بر بسیاری از موضوعات ملی به‌عنوان یک مقوله‌ای ریشه‌ای و زیربنایی برای سایر موضوعات بر شمرده شد و لذا شناخت اصولی و صحیح از گفتمان قدرت در نظرات امام راحل یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. (مبینی



۳،۱۲ - موازنه قوا در اندیشه دفاعی امام خمینی

برابری توان رزمی دو طرف نبرد در یک جنگ و یا کشمکش معین را موازنه قوا می‌گوئیم. در مقابل این اصطلاح مفهوم «برتری قوا» وجود دارد و آن عبارت از برتری توان رزمی یک طرف نبرد بر دیگری است که از مرز صلح و جنگ عبور می‌کنند، یا صلح ایجاد می‌شود و یا جنگ.

۱- مهم‌ترین اثر موازنه قوا، بازدارندگی است. یعنی موازنه قوا طرف‌های متخاصم را از ارتکاب به جنگ باز می‌دارد و از خسارت ناشی از جنگها جلوگیری می‌کند. خسارات ناشی از جنگ برای طرفین کاملاً مشهود و چشمگیر است. زیرا به‌دلیل ناتوانی هر کدام در تسلیم کردن دیگری، جنگ طولانی و فرسایشی ایجاد می‌شود و منابع اقتصادی و ملی طرفین را به نابودی می‌کشاند.

۲- اثر دوم موازنه قوا اثر سیاسی است. که طرفین را از تحمیل نظریات خویش بر همدیگر باز می‌دارد. بنابر این موازنه قوا، استقلال دفاعی را بوجود می‌آورد و استقلال دفاعی استقلال سیاسی را رقم می‌زند.

۳- اثر سوم موازنه قوا تضمین توسعه سیاسی یک کشور است. هر کشوری با تکیه بر قابلیت‌های فرهنگی و اقتصادی که دارد، می‌تواند در کشورهای پیرامون خود تأثیر سیاسی بگذارد. از این رو، موازنه قوا عامل تضمین‌کننده و شرط لازم برای توسعه سیاسی است. هر نوع تفکر توسعه‌ای که «موازنه قوا» و «قدرت دفاعی» را نادیده بگیرد، عملاً موانع واقعی و انحصار طلبی‌های دشمن را در مقابل توسعه پذیرفته است. هزینه‌های نظامی، بهایی است که برای توسعه سیاسی کشور پرداخته می‌شود. بنابراین پشتوانه سیاست و دیپلماسی خارجی ما و پشتوانه توسعه سیاسی کشور موازنه قوا و دارا بودن «قدرت نظامی» است.

۴- اثر چهارم موازنه قوا، تضمین توسعه اقتصادی کشور است. در حقیقت موازنه قوا و توسعه اقتصادی اثر متقابل بر همدیگر دارند. امنیت ملی یک کشور شرط اساسی سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و دراز مدت است. ممکن است این سؤال مطرح شود که «ژاپن» چگونه با بودجه «یک درصدی» توانسته است به رشد و توسعه اقتصادی دست یابد؟ و یا «آلمان» با بودجه دفاعی «چند درصدی» توانسته است توسعه یابد؟ در اینجا چند مسأله جدی در مقایسه توان دفاعی این دو کشور با سایر کشورها و از جمله کشور ما وجود دارد:

اولاً- آلمان و ژاپن تا جنگ دوم جهانی، هر دو از قدرت‌های بزرگ جهانی بودند و زیر

ساخت‌های دفاعی را به قدر کافی داشته‌اند. اطلاعات ما نشان می‌دهد که آنها در پنهان، به‌نحو ظریفی این زیرساخت‌ها را حفظ و متحول کرده‌اند و در یک مدت کوتاهی، هم از نظر روحی و هم از نظر اجرایی توانستند یک بسیج عمومی در صنایع و مردم ایجاد کنند. ولی در کشورهای جهان سوم و کشور ما، مخصوصاً از پایان دوره صفویه که قدرت نظامی کشور فرو ریخت، در تمام این دویست و پنجاه سال گذشته، تحرک بسیار اندکی صورت گرفته است.

ثانیاً - ژاپن و آلمان، علاوه بر آنکه در تهیه و تدارک قدرت دفاعی خود فرصت را از دست ندادند، بلکه اخبار و اطلاعات نشان می‌دهد که هر دو کشور بودجه‌های دفاعی خود را افزایش دادند و مأموریت‌های دفاعی را در خارج مرزها تقبل کردند و در مانورهای مشترک بین‌المللی شرکت کردند و تقاضای «حق و تو» در شورای امنیت سازمان ملل را نمودند. تجربه نشان می‌دهد که هیچ کشوری در دراز مدت نمی‌تواند نسبت به موازنه قوا - که یک امر حیاتی ملی است - بی‌تفاوت بماند.

ج- عناصر اصلی موازنه قوا

اکنون به این نقطه رسیده‌ایم که عناصر اصلی «موازنه قوا» را بررسی کنیم. از آنجائی که قصد داریم نظریه جدیدی را براساس افکار و اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) و اسلام ارائه نمائیم، ابتدا بیاناتی از امام راحل و همچنین آیاتی از قرآن مجید را ذکر نموده و سپس نظریه فوق را تشریح می‌کنیم.

الف - امام خمینی (رحمه الله علیه) به ایجاد قوه دفاعی برای ترساندن دشمنان و جلوگیری از حمله آنها اشاره کرده‌اند؛ ب - امام خمینی (رحمه الله علیه) در فراهم کردن کمی تجهیزات و نفرات در حد وسیع و توانایی ملی، و در آمادگی کیفی به عناصر چهارگانه ایمان، آموزش، ترسیم استراتژی و مدیریت دفاعی اشاره فرموده‌اند.

د- تحلیل عناصر اصلی موازنه قوا

همان‌گونه که متذکر شدیم، قوه دفاعی هر ملتی از دو عنصر مهم «کمی» و «کیفی» تشکیل شده است و لذا توان رزمی و دفاعی ترکیبی از آن دو عنصر هستند.

اگر تعداد نفرات و تجهیزات را با علامت T نشان دهیم و عنصر کیفی را با علامت یونانی α مشخص کنیم، آنگاه قوه دفاعی یک ملت عبارت خواهد بود از: $[W = \alpha T]$

یعنی w توان دفاعی و رزمی و α ضریب کیفی و T تعداد تجهیزات و پرسنل را نمایش می‌دهد. از آنجایی که تجهیزات متفاوت می‌باشند، ما عنصر تکنولوژی را نیز به‌عنوان عنصر پنجم «کیفیت رزمی» جزء α متغیر قرار می‌دهیم. بنابراین α تابعی از عنصری است که بیان کردیم. هر نوع تغییری در آن پنج پارامتر، مقدار α را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این صورت α به‌عنوان «کارایی رزمی» پرسنل تجهیز شده تعریف شده تعریف می‌شود.

یعنی اگر ده نفر پرسنل تجهیز شده با کارایی برابر ۲ وارد نبرد شوند، به‌اندازه بیست نفر تجهیز شده ساده توانایی نبرد دارند. و اگر با حفظ همان تجهیزات، α را از طریق انگیزه و یا مدیریت و یا تکنولوژی تجهیزاتی افزایش دهیم، خواهیم دید که ده نفر تجهیز شده، توان رزمی چند برابر پیدا می‌کنند. افزایش توان مدیریت، افزایش انگیزه‌های معنوی و روحی، ارائه تحلیل‌های سیاسی به‌موقع و اقناع ذهنی سربازان و افسران، در افزایش کارایی رزمی اثر تعیین کننده‌ای دارند. بنابراین، افزایش عناصر پنج‌گانه کیفی، کارایی رزمی را افزایش می‌دهد. (رضایی، ۱۳۷۷: ۳۶-۳۷)

مسئله مهم و جدیدی که ما به‌اندیشه‌های علمی دفاعی قرون گذشته اضافه می‌کنیم به‌کارگیری «کارایی رزمی» به‌جای مفهوم جامد «تکنولوژی» است. مفهوم کارایی رزمی که عناصر پنج‌گانه‌ای را در دل خود دارد اعم از تکنولوژی است. به‌همین دلیل بیان ما در ترسیم واقعی توان رزمی با تجارب و نبردهایی که تاکنون اتفاق افتاد، مطابقت بیشتری دارد. تجربه هشت‌ساله دفاع مقدس نشان می‌دهد که علی‌رغم تکنولوژی تسلیحاتی دشمن و دارا بودن بسیاری از استانداردهای نظامی، ابتکار صحنه‌های نبرد در اختیار رزمندگان اسلام بوده است. عناصر چهارگانه کارایی رزمی در دفاع مقدس، خلاء تکنیکی نبرد را جبران کرد. یعنی با کمک ایمان و مدیریت نبرد، نه تنها کمبود تکنولوژی را پر کردیم، بلکه بر صاحبان تکنولوژی جدید هم غلبه نمودیم. لذا عناصر پنج‌گانه کارایی رزمی خاصیت جایگزینی دارند و می‌توانند جای یکدیگر را بگیرند. اگرچه سهم هر کدام از آنها در کارایی رزمی متفاوت است.

حال که عناصر توان رزمی را بیان کردیم به ارائه فرمول موازنه قوا می‌پردازیم. همان‌طور که در تعریف موازنه قوا بیان کردیم، تعادل رزمی طرفین مخاصمه در یک نبرد معین را «موازنه قوا» می‌نامیم. براساس معادله توان رزمی اکنون می‌توانیم آن را برای دو طرف نبرد بیان نمائیم. فرض کنیم توان رزمی کشور «الف» که خودی می‌باشد از معادله $W_1 = \alpha T_1$ و کشور «ب» از معادله

$W_2 = \beta T_2$ پیروی می‌کند. زمانی که موازنه قوای طرفین برقرار شود $W_1 = W_2$ می‌گردد و $\alpha T_1 = \beta T_2$ می‌شود. در اینجا نکته مهم نسبت $\frac{\alpha}{\beta}$ می‌باشد که کارائی نسبی هر فرد تجهیز شده را از کشور «الف» نسبت به کشور «ب» نشان می‌دهد. بنابراین در موازنه قوا کارائی مطلق طرفین مورد نظر نیست، بلکه آنچه که مهم و تعیین کننده است «کارائی نسبی رزمی» است. از عجایب قرآن مجید تذکر همین معادله در آیات ۶۵ و ۶۶ سوره انفال است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ؛ ای پیامبر! مؤمنین را بر قتال تشویق کن، اگر از شما بیست نفر صابر و مقاوم یافت شوند بر دویست نفر و اگر صد نفر صابر از شما باشند بر هزار نفر از کفار غلبه می‌کنند.» (سوره انفال آیه ۶۵)

در حقیقت شرایط ایده‌آل $\frac{\alpha}{\beta}$ می‌باشد یعنی کارائی نسبی رزمی افراد جبهه اسلام در شرایط عالی نسبت به دشمن برابر ده می‌باشد. یعنی یک دسته ۲۰ نفره از سربازان اسلام بر ۱۰ دسته ۲۰ نفره از کفار غلبه می‌کند. در آیه بعد می‌فرماید: «أَلَا نَحْفَظُ اللَّهَ عَنْكُمْ وَعَلَّمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ اکنون خدای متعال بر شما تخفیف دارد (حکم جهاد را آسان گرفت) و دانست که بر شما ضعفی وجود دارد، پس اگر صد نفر صابر از شما یافت شود بر دویست نفر غلبه می‌کنید.» (سوره انفال، آیه ۶۶)

در حقیقت در این شرایط که ضعف روحی و معنوی در جبهه اسلام پیدا شده می‌بینیم باز هم علی‌رغم صابر بودن افراد «کارائی رزمی نسبی» به شدت کاهش می‌یابد و مقدار آن $\frac{\alpha}{\beta} = 2$ می‌شود.

بنابراین حدود تغییر کارائی نسبی رزمی بین ۲ و ۱۰ خواهد بود.

$$\text{یعنی می‌شود: } 2 < \frac{\alpha}{\beta} \leq 10$$

در آیه اول علت برتری مسلمین را بر کفار، عدم تفقه کفار ذکر فرموده و در آیه دوم علت را به‌طور غیرمستقیم به خود مؤمنین و به توکل آنها و اذن الهی مرتبط می‌داند.

طبیعی است که در شرایط پیدایش ضعف در مسلمین، صبر و توکل آنها تعیین کننده است.

مسئله این است که چرا در آیه اول این برتری را نسبت ده برابر دانسته و در آیه دوم آن را دو برابر ذکر کرده است؟ آنچه مسلم است این است که علت این کاهش، ضعف حاصله است. ولی آیا این ضعف مربوط به خودی است و یا قوت یافتن دشمن؟ اگر ما به جای کاربرد کارائی مطلق در نبرد به مفهوم «کارائی نسبی رزمی» تأکید می‌کنیم آن موقع هم تقویت دشمن و هم ضعیف شدن خودی در «کارائی رزمی» نمایان خواهد بود که می‌توان به همان کلمه ضعف استناد کرد. اکنون که معادله موازنه قوا و عناصر آن را شناختیم، می‌بینیم که چگونه حضرت امام خمینی علیه السلام با استناد به قرآن مجید و تجارب خویش، دست بر روی حساس‌ترین مفهوم دفاع گذاشته‌اند.

ه- جمع‌بندی عناصر اصلی موازنه قوا

بنابراین ما برای رسیدن به یک امنیت ملی بیمه شده بایستی حداکثر توان رزمی را با اهداف و قیود زیر به‌دست آوریم:

۱ - توان رزمی ما باید مساوی و یا بزرگتر از دشمنان محتمل باشد: $W_1 \geq W_2$

۲ - کارائی رزمی نسبی ما می‌تواند بین دو تا ده نوسان داشته باشد. (ما هر چه بتوانیم این کارائی را به عدد ده نزدیک‌تر کنیم، توان رزمی خود را افزایش داده‌ایم).

۳ - دفاع مردمی میلیونی، اساس دفاع را تشکیل بدهد.

اصول سه‌گانه فوق فرمول دفاع همه‌جانبه ما را تشکیل می‌دهد و باید برای تحقق آن برنامه‌ریزی کنیم. اما برای به حداکثر رساندن توان رزمی که در سه اصل فوق بیان شده دارای یک قید و محدودیت هستیم و آن قید اقتصادی است. یعنی اگر بودجه دفاعی را M بدانیم، باید بین M_1 و M_2 قرار بگیرد؛ یعنی $M' > M > M''$. حد پایین بودجه دفاعی است. یعنی خط قرمزی که باعث پراکنده شدن نیروها، گرسنگی سربازان و بی‌خانمانی خانواده‌های آنان

می‌شود.

M'' حد بالای بودجه دفاعی است که اگر به آن حد برسیم موجب تنگدستی و فقر جامعه می‌گردد. هزینه‌های ناشی از بودجه دفاعی به توسعه و استقلال اقتصادی کشور لطمه وارد می‌کند. تعیین حدود نوسان بودجه دفاعی و تعیین مبالغ M' و M'' فقط در یک تیم کارشناسی مشترک دفاعی و اقتصادی امکان‌پذیر است. پس ما باید توان رزمی خود را با توجه به قید و محدودیت فوق به حداکثر برسانیم. یعنی با توجه به معین بودن بودجه، چه فعالیت‌هایی انجام دهیم که توان رزمی حداکثر شود. هر چه قیدهای زیادتتری را به این تصمیم‌گیری اضافه کنیم نتیجه آن کاهش کارائی رزمی نیروهای مسلح خواهد بود. اضافه کردن قیود سیاسی و یا مصلحتی بایستی با توجه به زیان‌های همراه آن باشد، ممکن است شرایط مهمی پیش آید که ناچار باشیم قیود غیراقتصادی را هم دخالت دهیم. مهم این است که زیان اعمال و عدم اعمال این قیود غیراقتصادی را به دقت، منصفانه و بدور از هرگونه هیاهو و جنجال بررسی کنیم و راهی را انتخاب کنیم که کم‌ضررتر و پرفایده‌تر است. ستاد کل نیروهای مسلح با کمک ستادهای ارتش و سپاه و وزارت دفاع، تهیه استراتژی دفاع همه جانبه را براساس فرمول خاص آن بر عهده دارد تا آنرا جهت تصویب فرمانده معظم کل قوا آماده نماید.

حفظ
مقام

۳،۱۳- بازدارندگی مردمی در اندیشه دفاعی امام خمینی

استراتژی بازدارندگی مردمی در زمره مهم‌ترین راهبردهای دفاعی کشورهایی محسوب می‌شود که بالقوه در معرض خطر تهاجم یا تجاوز دشمن قرار دارند. این سیاست دارای دو بعد دفاعی و تبلیغی است. در بعد دفاعی، کشور در معرض هجوم می‌کوشد با افزایش منابع داخلی قدرت و بسیج نیروهای نظامی و مردمی (عده) و تسلیحات و جنگ افزار (عده)، برتری قدرت بسیج یافته و در دسترس خود را بر توان نظامی بالقوه دشمن نشان دهد تا از این رهگذر، او را از اقدام تجاوزکارانه یا از تداوم اشغال باز دارد و یا با به رخ کشیدن نیروی مقاومت مردمی و قابلیت آماده‌سازی نظامی از طریق بسیج دفاعی و تشکل نیروهای غیرنظامی، در اراده تجاوزگری دشمن تزلزل ایجاد کند و او را از اقدام به هجوم یا تجاوز احتمالی بر حذر دارد.

حفظ
مقام

در اندیشه دفاعی امام خمینی در بعد آمادگی رزمی و روحی و نیز از جنبه آماده‌سازی افکار عمومی داخلی و توجیه افکار عمومی بین‌المللی جلوه‌ای خاص داشته است. در بعد دفاعی،

امام راحل بر تحکیم دو جبهه رزمی و معنوی تأکید داشتند و در این خصوص، به آمادگی دفاعی نیروهای غیرنظامی و نیز بسیج معنوی و ارتقای روحیه ایمانی توجه می‌ورزیدند و در بعد سیاسی- تبلیغی، بر انگیزه‌های انسانی و اهداف دفاعی ایران در جنگ تحمیلی و نیز تبلیغات داخلی برای توجیه افکار عمومی مردم ایران با اهتمام به نقش روحانیون در مقام گروه پیش‌تاز تأکید می‌کردند تا از این رهگذر، اراده مستحکم ملی برای دفاع مقدس را به دشمنان بنمایانند و آنان را از تداوم اشغال سرزمین اسلامی بازدارند. (دهشیری، ۱۳۷۹: ۱۴۷)



۱- جنبه‌های دفاعی استراتژی بازدارندگی مردمی در کلام امام خمینی

استراتژی بازدارندگی مردمی در کلام امام خمینی (رحمة الله علیه) در بعد دفاعی بر تحکیم دو جبهه رزمی و معنوی استوار است که در زیر به هر یک از آنها می‌پردازیم:

الف- بعد دفاعی- رزمی بازدارندگی مردمی

در خصوص جنبه صوری دفاع علیه دشمن، امام امت بر عنصر مشارکت و حضور مردم در جبهه، آمادگی و آموزش رزمی بسیج میلیونی در پشت جبهه و پیوند میان پیکره نظامی و ساختار سیاسی و بنیادهای اجتماعی تأکید کرده‌اند.

ب- مشارکت و حضور مردم در جبهه

در این خصوص، امام خمینی (رحمة الله علیه) با تأکید بر تکلیف بودن دفاع بر همه افراد جامعه و اولویت جنگ بر سایر امور مملکتی، حضور و مشارکت داوطلبانه و متعهدانه تمامی قشرها اعم از ارتش، سپاه، بسیج عمومی و عشایر را در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل ضروری دانسته و در این باره فرموده‌اند: «برای هر فردی از افراد این ملت، تکلیف است که حفظ کند اسلام را» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۵)؛ «بر همه واجب است که دفاع کنند.» (همان، ج ۱۲، ص ۲۳۹)؛ «حضور شما مردم عزیز و مسلمان در صحنه است که توطئه‌های ستمگران و حيله‌گران تاریخ را خنثی می‌کند.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۷۳)

ج- آمادگی و آموزش نظامی بسیج میلیونی در پشت جبهه

امام خمینی (رحمة الله علیه) ضمن بیان سابقه بسیج در اسلام، بر ضرورت آمادگی تمام قشرها برای دفاع از میهن اسلامی و لزوم آموزش به ارتش بیست میلیونی تأکید می‌کنند و در این باره می‌فرماید: «قوای خودتان را مجهز بکنید و یک تعلیمات نظامی خودتان پیدا کنید به دوستانتان تعلیم دهید،

به اشخاصی که- عرض می‌کنم که - همین طوری دارند راه می‌روند تعلیمات نظامی بدهید. مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد. یکی از ابواب فقه باب «رمی» است. که تیراندازی است، خوب آن وقت تیراندازی بوده، حالا هم تیراندازی است به یک جور دیگر ...» (همان، ج ۱۱، ص ۱۲۱)

۲- توسعه قابلیت‌های دفاع بازدارندگی و دفاع همه جانبه

به گفته امیر مؤمنان حضرت علی (علیه السلام)، «فالجند باذن الله حصون الرحیه، و زین الولاه، و عزالدین، و سبل الامن و لیس تقوم الرعیه الا بهم؛ سپاهیان به فرمان خدا پناهگاه استوار و رعیت زینت و وقار زمامداران و شکوه دین و راههای تحقق امنیت کشوند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۰۸)

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازوی قدرتمند ولایت، پاسدار حفظ دستاوردهای نظام و کارگزار اصلی استقرار امنیت داخلی و مرزهای کشوند. تقویت بنیه دینی و سیاسی همراه فراگیری فنون پیشرفته و لازم نظامی در کنار دستیابی به فناوری تولید تجهیزات مدرن نظامی، از مجموعه نیروهای مسلح بنیان مرصوصی پدید می‌آید که مقتدرانه حافظ استقلال، تمامیت ارضی، امنیت داخلی کشور می‌شود. پس از دفاع مقدس مهم‌ترین عامل بازدارندگی تهاجم نظامی دشمنان به کشور جمهوری اسلامی ایران، صلابت و استواری و توانمندی نیروهای مسلح است.

مقام معظم رهبری مَکَّالَ الْعَالِی آمادگی‌های لازم و هوشیاری نیروهای مسلح در رصد کردن تحرکات دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را یادآور می‌شود و خواهان افزایش توان دفاعی آنان برای تأمین امنیت در بازدارندگی از تهاجم دشمنان است: «نیروهای مسلح، باید کاری کنند که هیچ دشمنی نتواند در استقلال و استحکام یکپارچگی و تمامیت ارضی ما طمع کند.» (حدیث ولایت، ج ۵، ص ۲۱۴)

ما آمادگی‌های خود را برای مقابله با استکبار، همیشه حفظ می‌کنیم، همین حالا ما آماده هستیم، ما قصد تجاوز به هیچکس را نداشتیم، باز هم نداریم؛ اما آماده‌ایم که برای مقابله با تجاوز هر کس که باشد، اقدام کنیم. مزیت و امتیاز منحصر به فرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی پشتوانه میلیونی ملت ایثارگر ایران در قالب بسیج است که نقش مهمی در استحکام و

اقتدار نیروهای نظامی و انتظامی دارد و دلاوری‌های آنان در کارنامه درخشان پیروزی‌های نبرد هشت سال دفاع مقدس ثبت است. (فیروز آبادی، ۱۳۹۰: ۷۴-۷۳)

۳،۱۴- عناصر مهم قدرت نظامی جامعه اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام

- ۱- ایمان، پاکی، خلوص نیت و انگیزه متعالی و الهی داشتن؛
- ۲- مدیریت صحیح و خوب دفاعی و نظامی؛
- ۳- ترسیم برنامه، سیاست‌ها و خط مشی‌های دفاعی؛
- ۴- انتقال و به کارگیری تجارب‌ها و آموزش‌های نظامی و رزمی؛
- ۵- به کارگیری فناوری پیشرفته و مناسب؛
- ۶- امدادهای الهی و غیبی؛
- ۷- مردم‌گرایی و تکیه و اعتماد نیروهای نظامی بر مردم؛
- ۸- تقوی به عنوان بهترین ارزش و ملاک؛
- ۹- عدم وابستگی به دیگران؛
- ۱۰- حفظ وحدت و یکپارچگی نیروهای مسلح و نیز نیروها با مردم؛
- ۱۱- توسعه تکنولوژی دفاعی؛
- ۱۲- دشمن‌شناسی؛
- ۱۳- قاطعیت و اعتماد به نفس.

در خصوص قاطعیت و اعتماد به نفس، برای نمونه در جنگ ایران و عراق فرمودند: «چنان سیلی به صدام و حزب بعث بزنیم که از جای خود بلند نشود. ایران یک موجود الهی است که هیچ چیز به او صدمه نخواهد زد. و یا در صدور فرمان نظامی در رابطه با آزاد سازی شهر سوسنگرد و یا شکستن حصرآبادان امام خمینی علیه السلام با قاطعیت به مسئولین و فرماندهان جنگ ابلاغ کرد که شهر سوسنگرد بایستی آزاد شود.» (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۹۵ - ۵۹۴)

فصل چهارم

دفاع مقدس در اندیشه دفاعی امام خمینی رحمه الله علیه

هجوم وحشیانه و گسترده رژیم بعث عراق در آخرین روز شهریور ۱۳۵۹، حادثه‌ای بزرگ را در تاریخ انقلاب اسلامی به ثبت رساند که سرانجام به خلق حماسه‌ای جاودان و حیرت‌انگیز در تاریخ سرزمین ایران انجامید. شکست طرح‌های براندازی نظام جمهوری اسلامی با استفاده از محاصره اقتصادی و سیاسی که از سوی آمریکا در جهان پی‌گیری می‌شد و شکست این کشور در عملیات صحرای طبس پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا و ناکامی در تجزیه کردستان، هیأت حاکمه این کشور را در سال ۱۳۵۹ به سمت تجربه راه حل نظامی تمام عیار سوق داد، و چون شرایط برای توجیه لشکرکشی مستقیم آمریکا فراهم نبود، انتخاب عراق به‌عنوان آغازگر جنگ، انتخابی حساب شده بود، از طرفی روحیه قدرت‌طلبی صدام و خصومت‌های مرزی گذشته دو کشور نیز شرایطی ایده‌آل برای آمریکا پدید می‌آورد تا به صدام برای تجاوز و اشغال نظامی ایران چراغ سبز داده و فرمان عملیات را صادر کند.

ارتش عراق در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تجاوز گسترده نظامی خویش را در طول ۱۲۸۰ کیلومتر مرز مشترک آغاز کرد و عملاً جنگ به ایران تحمیل شد. شرایط جنگ تحمیلی با همه دشواری‌هایش کوچکتر از آن بودند که امام خمینی رحمه الله علیه را در تشخیص وظیفه دچار دغدغه و تردید سازد. او ایمان شهودی داشت و مقامات معنوی «فنا فی الله» را سال‌ها قبل از آن که زمام هدایت امت را به‌دست گیرد طی کرده بود.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی احکام جهاد و دفاع را در متن رساله عملیه خویش به‌عنوان تکالیف تخطی‌ناپذیر الهی آورده بود. تدبیر و فرماندهی امام راحل در جنگ به‌دنیا ثابت کرد که ایشان به‌خوبی جنگ را هدایت کرد. از تشکیل بسیج و پایگاه‌های مقاومت گرفته تا دعوت مردم به پشتیبانی از جنگ و دیگر رهنمودهای وی، موفقیت‌های پیاپی رزمندگان اسلام را به‌دنبال داشت و آثار شکست را در جبهه بعثی‌ها نمایان ساخت.

تعریف دفاع مقدس: «به مجموعه مجاهدت‌ها، حماسه‌ها، پایمردی‌ها و فعالیت‌های ملت شریف و مسلمانان ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران گویند که موجب گردید مردم

ایران در طول ۸ سال به عبارت دیگر ۲۸۹۵ روز در برابر تهاجم استکبار جهانی و رژیم بعث عراق به خاک ایران اسلامی انجام شده بود و در این امتحان الهی سربلند و پیروز بیرون آیند.» گفته می‌شود. (آشنایی با مبانی دفاع مقدس، ۱۳۹۱: ۷)

امام راحل در شرایطی دفاع مقدس را هدایت می‌کرد که جمهوری اسلامی رسماً از سوی آمریکا و اروپا تحریم تسلیحاتی شده بود. هشت سال از زندگی رهبر کبیر انقلاب اسلامی در هدایت این دفاع مقدس سپری شده است. این جنگ از دیدگاه عرفانی و معنوی امام علیه السلام برای ملتی که به تازگی از استبداد رژیم شاهنشاهی رهایی یافته بود، یک «امتحان الهی» قلمداد شد.

حضرت امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «جنگ هم یک مسأله‌ای بود که انسان خیال می‌کرد که یک مسأله‌ای است برای ما و یک مسئله‌ای است بسیار مهم است، لکن معلوم شد که منافعش بیشتر از ضررهایش بود. آن انسجامی که در اثر جنگ بین همه قشرها پیدا شد و آن معنای روحانی و معنوی‌ای که در خود سربازان عزیز از ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران به نمایش گذاشته شد و آن روح تعاونی که در همه ملت از زن و مرد در سرتاسر کشور تحقق پیدا کرد، به دنیا فهماند که این مسأله‌ای که در ایران است با همه مسائل جداست.» (امام صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۵۱۶)

همچنین امام راحل جنگ را برای ملت مقاوم و مبارز ایران، عامل آگاهی، حرکت و خروج از فترت و سستی می‌دانست، ایشان در این مورد فرموده‌اند: «وقتی که یک جنگی شروع می‌شود، ملت ما بیدار می‌شود، بیشتر متحرک می‌شود.» (همان، ج ۱۳، ص ۳۲۹)

۴،۱- جنگ و دفاع از منظر حضرت امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام به عنوان مرجع عالی قدر شیعیان و رهبر امت اسلامی جهان و صاحب نظر برجسته در اندیشه نظامی و دفاعی و هم به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح پس از پیروزی انقلاب اسلامی و هم به عنوان رهبری کننده یکی از بزرگترین جنگ‌های جهان، ضمن تأکید بر اصل تدبیر در جنگ، اصولی چند را مورد نظر قرار داده است. برخی از این اصول عبارتند از:

۱- ایمان به هدف متعالی و مقدس «جهاد فی سبیل الله»؛

۲- اطاعت از فرماندهی؛

۳- اتکا بر مردم (مردمی بودن جنگ)؛

- ۴- اصل اخلاق جنگی و اخلاق در جنگ؛
- ۵- وحدت نیروهای مسلح و نیز بین قوای نظامی و مردمی؛
- ۶- جنگ اعتقادی (جنگ در راه آرمان و اعتقادات والا)؛
- ۷- توجه به اسلحه و تکنولوژی به مثابه ابزار؛
- ۸- سلاح و صلاح (اسلحه باید در دست انسان صالح باشد)؛
- ۹- نفی جنگ هسته‌ای و تکیه بر جنگ متعارف؛
- ۱۰- نفی هرگونه سلطه غیرخدایی؛
- ۱۱- نگرش تکلیفی و مسئولیتی؛
- ۱۲- تکیه بر نقش اساسی انسان؛
- ۱۳- باور، اراده و عمل؛
- ۱۴- نفی یأس و نومیدی؛
- ۱۵- استفاده از تجارب دیگران؛
- ۱۶- اطلاعات و آمادگی و برنامه‌ریزی؛
- ۱۷- جنگ حق و باطل؛
- ۱۸- اسلام و کفر. (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۵۹۹)



۴,۲- علل تجاوز دشمن از دیدگاه امام خمینی

رژیم بعث عراق که خود آغازگر تجاوز به میهن اسلامی ایران بود در همان روزهای شروع جنگ برای فریب افکار عمومی جهان و ملت‌های مسلمان و اعراب منطقه، دلایل ذیل را برای این تهاجم برشمرد:

- الف - الزام ایران به شناسایی حاکمیت عراق بر اروند رود؛
- ب - بازگرداندن سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک به اعراب؛
- ج - قطع دخالت ایران در امور داخلی عراق؛
- د - مجبور کردن ایران به پذیرش خودمختاری برخی از استان‌های مرزی همچون خوزستان و کردستان.

هر چند مجامع و محافل بین‌المللی در روزهای آغاز جنگ به گمان پیروزی نظامی عراق، در باره دلایل واقعی عراق سکوت اختیار کردند، اما هنگامی که عراق را در معرض نابودی و ناکامی

دیدند اعتراف کردند که رژیم عراق به قصد سرنگونی نظام اسلامی ایران و شکست انقلاب اسلامی و پیشگیری از نفوذ آن به جهان اسلام و خاورمیانه به ایران حمله کرده است.

امام خمینی علیه السلام که از اهداف دشمن و استکبار جهانی در رویارویی با انقلاب اسلامی شناخت ژرف و عمیقی داشت در روزهای آغازین جنگ ریشه و علت تهاجم را در چند موضوع مهم مشخص و تبیین نمودند که عبارتند از:

۱- اسلام خواهی نظام و حکومت

اینکه انقلاب اسلامی برای تحقق حاکمیت دینی به وجود آمده و بر مسائلی همچون رهایی از سلطه بیگانگان، قطع رابطه با رژیم اشغالگر قدس، تاکید بر مشترکات اسلامی و وحدت فرقه‌های اسلامی اصرار دارد، واکنش و مخالفت استکبار جهانی را برانگیخت و بر دشمنی آنان افزود. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «اینکه می‌بینید عراق به ایران حمله می‌کند، علتش گرفتن چهار وجب خاک نیست، بلکه علت اصلی ترس آنها از حکومت اسلامی و اتحاد اسلامی است.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۵)

۲- جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی

حرکت توفنده انقلاب اسلامی برای رهایی از ظلم بانگ بیدار باش را برای خفتگان در چنگان استعمار به صدا درآورد و استکبار جهانی که این خیزش اسلامی را برنمی‌تابید برای مهار آن به جنگ متوسل شد: «آنها (استکبار جهانی) می‌دانند که مردم کشورهای اسلامی در مقابلشان می‌ایستند و همچنین است مردم کشورهای غیراسلامی که متوجه ما هستند، مثل سیاه‌پوستان.» (همان، ج ۱۸، ص ۱۳۱)

۳- دشمنی شیطان بزرگ (آمریکا)

با پیروزی انقلاب اسلامی، سلطه ۳۰ ساله آمریکا بر فرهنگ، اقتصاد، سیاست و نیروهای مسلح ایران پایان یافت. اخراج مستشاران نظامی آمریکا، قطع رابطه سیاسی و اقتصادی، تصرف لانه جاسوسی و مخالفت جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های استکباری آمریکا در منطقه خلیج فارس خواب آمریکا را برای سلطه مجدد بر ایران آشفته ساخت. امام راحل در این باره می‌فرمایند: «قدرت‌های بزرگ که دستشان از مخازن بزرگ ایران کوتاه شده و سلطه و قدرتشان با همت ملت ایران و قوای مسلح آن قطع گردیده، اکنون به‌دست و پا افتاده‌اند تا با جنگ افروزی بین برادران، سلطه خود را اعاده دهند و چپاولگری خود را از سرگیرند.» (همان، ج ۱۳،

ص ۲۶۸

۴- تبانی رژیم اشغالگر قدس و آمریکا

نکته مهمی که در تحلیل علل تحمیل جنگ از نظر امام خمینی ^{علیه السلام}، مخفی نماند، دشمنی رژیم اشغالگر قدس با اهداف و سیاست‌های انقلاب اسلامی در جهان اسلام است. رژیم ستم‌شاهی از قوی‌ترین پشتیبانان و هم‌پیمانان رژیم اشغالگر قدس در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شد که با پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها ضربه‌سختی به رژیم اشغالگر قدس وارد آورد، بلکه عامل مهمی در بسیج مسلمانان علیه سیاست‌های غاصبانه این رژیم گردید. لذا یکی از راه‌های جلوگیری از وحدت مسلمانان، تبانی رژیم اشغالگر قدس و آمریکا برای تحمیل جنگ علیه ایران بود. برخی از سردمداران رژیم اشغالگر قدس با خوشحالی اعتراف کردند که ما از درگیری ایران و عراق شدیداً شادمان هستیم زیرا با تحلیل رفتن قدرت نظامی عراق و ایران، رژیم اشغالگر قدس با خطر بزرگی روبرو نیست و فرصت می‌یابد تا سیاست توسعه‌طلبانه خود را ادامه دهد. (روزنامه اطلاعات ۵۹/۷/۲ به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس)

امام امت در این باره می‌فرمایند: «قدرت‌هایی که باید صرف برانداختن اسرائیل و نجات بیت‌المقدس بزرگ شود، با تبانی بین شیاطین بزرگ و صهیونیسم جهانی و بین حزب بعث عراق، صرف هجوم بر ضد مخالف سرسخت اسرائیل و آمریکا شد و می‌شود.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۳۹-۲۴۰)

۵- توسعه طلبی رژیم بعثی عراق

پس از فروپاشی رژیم ستم‌شاهی ایران که با حمایت آمریکا سال‌ها ژاندارم منطقه بود، این منطقه عملاً با خلاء قدرت‌سیاسی و نظامی مواجهه گردید. از منظر امام راحل این حادثه حاکمان قدرت‌طلب عراق را تحریک کرد تا با تهاجم به ایران و برتری نظامی خود در منطقه، حاکمیت خود را بر خلیج فارس تحمیل کند. همچنین خلاء قدرت در رهبری اعراب رژیم عراق را وسوسه کرده تا شاید در این موقعیت بتواند رهبری اعراب را به‌دست بگیرد.

امام راحل در این باره می‌فرمایند: «صدام هم در تهاجم خود به این کشور اسلامی نقشه سیادت خود بر اعراب و منطقه و ژاندارمی خلیج فارس را تعقیب می‌نمود آمریکا از جهالت و غرور و بلندپروازی صدام استفاده کرد و او را به هجوم به ایران واداشت.» (همان، ج ۲۰، ص ۳۲ و ج ۱۷،

ص ۳۲۴)

۶- مساعد بودن شرایط داخلی

شرایط سیاسی داخل کشور در اوایل سال‌های انقلاب، زمینه مناسب سیاسی و روانی را برای حمله عراق آماده کرده بود. وجود تنش‌های سیاسی، ضعف بنیه نظامی ارتش به‌علت اخراج مستشاران نظامی و دستگیری تعدادی از افسران نظامی خائن در کودتای شهید نوژه، اختلاف نظر مسئولان و خیانت بنی‌صدر اولین رئیس جمهوری ایران، زمینه مناسب شکل‌گیری تهاجم بود.

گواه خیانت بنی‌صدر در اوائل جنگ، داشتن حالت انفعالی در مقابل هجوم دشمن، عدم تحرک جدی برای بیرون راندن دشمن و به‌کار نگرفتن نیروهای عظیم مردمی در یگان‌های رزمی در طول مدت ریاست جمهوری و جانشینی فرماندهی کل قوای او است که پس از عزل وی این مشکل جدی بر طرف شد و عملیات‌های مهم پی‌درپی با حضور جوانان پرشور بسیجی انجام گرفت. امام امت در این باره می‌فرماید: «البته با خیانت بعضی آن وقت کسانی که آن وقت - غافلگیر کردند یک جاهایی را به غافلگیری گرفتند، آن وقتی که ایستادند جوان‌ها در مقابلشان، دیگر نتوانستند یک قدم پیش بیایند.» (همان، ج ۱۵، ص ۴۳۳)

۴,۳- ماهیت جنگ تحمیلی از دیدگاه امام خمینی

در روزهای آغازین جنگ شبهاتی در باره دفاع مشروع مطرح می‌شد. زمینه بروز این شبهات، اسلامی بودن کشور عراق و مسلمان بودن آنها بود. از این رو امام خمینی علیه السلام به‌دفع این شبهات و تبیین ماهیت جنگ و متجاوزان پرداختند تا رزمندگان با بصیرت کامل به دفاع مقدس خویش ادامه دهند. ماهیت جنگ عراق علیه ایران از دیدگاه امام خمینی علیه السلام دارای سه مشخصه ذیل بود:

۱- جنگ اسلام و کفر

با مروری بر عملکرد حزب بعث عراق از آغاز تسلط بر کشور عراق که با کودتا انجام پذیرفت تا کنون، مخالفت شدید آنان با احکام و قوانین اسلامی به خوبی مشهود است. امام خمینی علیه السلام به‌عنوان یک مرجع دینی سال‌های متمادی در عراق تبعید بودند و از نزدیک شاهد فعالیت‌های ضددینی آنان بود، ایشان در این مورد فرموده‌اند: «ما حزب بعث عراق را می‌شناسیم و می‌دانیم که اینها به‌اسلام عقیده ندارند و دشمن اسلامند و اسلام را خار راه خودشان می‌دانند... و صدام حسین این جنگ را بر ملت مسلمان ایران تحمیل کرده. ما کسانی را که از اصول اسلام و قرآن کریم انحراف حاصل می‌کنند و به قتل عام مسلمانان می‌پردازند مسلمان نمی‌دانیم... و شما

(رزمندگان) برای حفظ اسلام دارید جنگ می کنید و (صدام) برای نابودی اسلام، الان اسلام به تمامه در مقابل کفر واقع شده است.» (همان، ج ۱۵، ص ۳۱۸، ج ۱۳، ص ۵۳۰ و ۲۵۱)

۲- جنگ حق و باطل

از معیارهایی که نشان می دهد ملتی در یک حرکت و عمل در موضع حق یا باطل قرار دارد، انگیزه های درست یا نادرستی است که از انجام آن دارد. رژیم عراق با انگیزه نابودی انقلاب اسلامی و تصرف بخش هایی از میهن اسلامی تجاوز به خاک ایران را آغاز کرد و برای تحقق آن از هیچ جنایتی فروگذار نکرد، اما رزمندگان اسلام با انگیزه دفاع از اسلام و ارزش های اسلامی پا به عرصه جنگ گذاشتند.

امام خمینی علیه السلام در این باره فرموده اند: «این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزش های اعتقادی- انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوشگذرانی است.» (همان، ج ۲۱، ص ۶۸-۶۹)

۳- جنگ به عنوان جهاد دفاعی

ماهیت جنگ ایران در برابر عراق از دیدگاه امام خمینی علیه السلام به عنوان جهاد دفاعی بود. امام راحل در این باره فرموده اند: «ایران برای خدا قیام کرده است و برای خدا ادامه می دهد و جز دفاع، جنگ ابتدائی با هیچ کس نخواهد کرد.» (امام خمینی علیه السلام، ج ۱۶، ص ۳۹۳)

در روزگار معاصر که قدرت های استکباری و نظام های ضد مذهبی تلاش می کردند تا ارزش های اخلاقی و معنوی را از جوامع انسانی دور سازند و طبق اصول مادی و برنامه های ضدارزشی خود، انسان ها را شکل و جهت بخشند، چهره ای درخشید که آئینه تمام نمای مکتب و جان او جام جهان نمای استقامت و معنویت بود، گفتارش و رفتارش تجلی نور حقیقت بود. به طوری که آرای دفاعی ایشان پایگاه مستحکمی، برای مبارزان راه حق و مجاهدان مدافع اسلام و ارزش های متعالی آن به شمار می آید. (www.ea-agrijahad.ir)

۱- خدامحوری و دین گرایی اصولاً پایه اصلی اندیشه امام خمینی علیه السلام بوده و همواره بر دفاع از حریم ارزش های اسلام و قرآن تأکید کرده اند و حتی جنگ ها را به منظور توسعه اسلام در عالم بیان داشته اند، رهبر کبیر انقلاب در دوران دفاع مقدس می فرمایند: «جنگ ما، جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی شناسد.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۷)

آشنایی امام راحل با سیره نبوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حقیقت الگو و سرمشق زندگی برای

دستیابی به حیات طیبه الهی است. سیره آن حضرت در نحوه ارتباط با خداوند، دوستان، دشمنان، منافقان، حکومت و رهبری، تبلیغات، سیاست خارجی، جنگ و صلح، رفتار با اسیران جنگی، آموزش و سازماندهی و ... تمامی آموزنده است، چنانکه در بیانی فرموده‌اند: «اگر یک ملتی بخواهد مقاومت کند، برای یک حرف حق، باید از تاریخ استفاده کند. از تاریخ اسلام استفاده کند. ببیند که در تاریخ اسلام چه گذشته؛ و اینکه گذشته سرمشق هست از برای ما؛ (همان، ج ۵، ص ۱۶۲) «لکم فی رسول الله اسوه حسنه پیغمبر بزرگ اسلام ﷺ است همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز در آورد.» (همان، ج ۳، ص ۴۲۱)

امام خمینی رحمة الله عليه، این پیر فرزانه همواره در طول مبارزاتی و انقلابی خود سعی داشتند سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومی علیهم السلام را به دور از هرگونه خرافه و اندیشه واهی ارئه دهند و دنباله‌رو آنان قرار گیرند، چنانکه فرموده‌اند: «با خدای خویش عهد نموده‌ایم که دنباله‌روی امام خود سیدالشهداء علیه السلام باشیم». (همان، ج ۱۳، ص ۲۱۳) جنگ‌های اسلام مقصدی جز تربیت انسان‌ها و جاری کردن احکام وجودشان، یعنی اسلام نداشته‌اند و برای حفظ این امانت الهی جان خود را تقدیم این راه نموده‌اند. امام رحمة الله عليه و شهدای انقلاب اسلامی در طی دوران نورانی دفاع مقدس همسفران اهل نور شدند و عاشقانه، گردن به مسلخ عشق سپردند. باشد که خون این رادمردان همواره بجوشد و چراغ هدایت عصرها و نسل‌های دیگر گردد.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در این باره فرموده‌اند: «امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپ‌ها و موشک‌های دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می‌کند.» (همان، ج ۲۱، ص ۸۷) «و امروز غریب‌ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می‌خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانی‌های آن گردم.» (همان، ص ۱۶۰) (www.sajed-khozestan.com)

۲- در اندیشه دفاعی امام خمینی رحمة الله عليه اشغال حتی یک وجب از خاک میهن اسلامی غیرقابل تصور است. علاوه بر آن در وصیتنامه سیاسی - الهی امام راحل، حفظ اسلام و حفظ تمامیت ارضی دارالاسلام تأکید شده است. به اعتقاد ایشان، وقتی تجاوزی علیه یک ملت انجام می‌شود، دفاع و پایداری همه ملت باید درحدی باشد که استقلال و عزت آنان را حفظ و به آن لطمه‌ای وارد نسازد. جنگ بهترین فرصت برای ظاهرکردن اقتدار و شجاعت مسلمانان، در دفاع از

استقلال و عزت مسلمانان است و آنچنان باید عرصه را بر دشمن تنگ کنند که به عذرخواهی و تسلیم آنان منجر شود.

در اندیشه اسلامی، جنگ اصالت ندارد، دعوت به صلح و آرامش، هویت اصلی دین است، اما اگر کسی یا دولتی اقدام به تجاوز کند، وظیفه همه مسلمانان است که برای دفع تجاوز قیام کنند. (سهرابی، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۵۸)

امام خمینی علیه السلام براساس همین بینش و اندیشه می‌فرمایند: «ما به تبع اسلام با جنگ همیشه مخالفیم و میل داریم که بین همه کشورها آرامش و صلح باشد. لکن اگر جنگ را برما تحمیل کنند، ما تمام ملتمان جنگجوست» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۶۱)

یک نکته مهم در اندیشه امام خمینی علیه السلام که باعث تغییر ذهنیت و نگرش عمومی نسبت به جنگ از یک وضعیت مبهم و ناگوار، به برکت است در مدیریت امام خمینی علیه السلام نسبت به جنگ به چشم می‌خورد که سرنوشت جنگ را به نفع اسلام و ملت ایران رقم زد. درحقیقت حضرت امام خمینی علیه السلام با این کار و بیان منافع موجود در جنگ، نوعی احساس درونی را در میان سربازان و مردم ایجاد کردند که جنبه تشویقی داشت و از لحاظ روانی آنان را آماده جنگ کرد. (سهرابی، ۱۳۸۴: ۱۹۸-۱۹۷)

از نظر امام راحل سه عامل، ایمان، یاد خدا، وحدت به عنوان سه رهیافت مترتب بر یکدیگر عوامل پیروزی در دوران دفاع مقدس بوده‌اند. امام خمینی علیه السلام جایی می‌فرمایند: «ایمان است که شما را وادار می‌کند بروید برای اسلام فداکاری کنید و ایمان است که در جبهه‌ها این عزیزان ما در جنگ تا حد شهادت حاضر هستند و تا این ایمان را حفظ کردید و تا این تعهد به اسلام را حفظ کردید هرگز نخواهید آسیب دید...» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۶۳)

۳- تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی در تربیت انسان‌ها و اصلاح جامعه، مقوله‌ای اعجاز‌آفرین است که در پرتو خداپاوری و بندگی و طاعت خالصانه تحقق می‌یابد. شهادت در واقع شهر و محضر خداست، به‌طوری که اولیای خدا از نور مشهود او ارتزاق می‌کنند و از چشمه قرب الهی شراب می‌نوشند. فرهنگ شهادت‌طلبی بود که در دوران جنگ تحمیلی ترس و لرزه را براندام دشمنان از دشمن بعثی گرفته تا ابرقدرت غرب به سرکردگی آمریکا انداخت و اصلاً باید گفت که این فرهنگ بود که انقلاب و کشور اسلامی ایران را بیمه کرد. اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام بود

که این فرهنگ شهادت‌طلبی را بسط و توسعه داد، و دفاع از اسلام و کیان اسلامی در درجه اول اندیشه دفاعی امام علیه السلام قرار گرفت. (www.imam-Khomeini.com)

تأثیرات مهم اندیشه دفاعی رهبر کبیر انقلاب در دوران جنگ تحمیلی بود که تمام دنیای غرب و شرق با تمام پشتیبانی که از حکومت بعثی به عمل آوردند نتوانستند، انقلاب اسلامی را به زانو درآورند و در سایه اندیشه قوی امام راحل بود که اسلام به معنای واقعی در دنیا مطرح شد. امام راحل در دوران دفاع مقدس با تدبیر و مدیریت قوی جنگ را فرماندهی کردند و مانع از تحقق خواسته‌های شوم صدام و اهداف استکباری شدند. تأثیر اندیشه‌های دفاعی بزرگ امام بود که انرژی عظیم و متراکم بسیج بیست میلیونی از قلب کشور و ملت ایران آزاد گشت و این نیروی عظیم بود که حرکت آن در مسیر جنگ چنان معنا و مفهوم پیدا کرد که در کنار فرهنگ شهادت‌طلبی بسیجیان قهرمان به یک ارتش قدرتمند در دنیا تبدیل شده و قدرت‌های استکباری از نام او هراس داشته و دارند و در این عرصه تمام معادلات بین‌المللی را برهم زد.

پیام امام خمینی علیه السلام معروف به پیام قبول قطعنامه از شاهکارهای رهبری و مدیریت عالی دفاع ایشان بود که در آن کارنامه جنگ تحمیلی و ابعاد آن به روشنی بازگویی شده و خطوط آینده نظام و انقلاب اسلامی در همه زمینه‌ها و از آن جمله مواجهه با ابرقدرت‌ها و پایداری بر آرمان‌ها و اهداف انقلاب ترسیم شده است. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۱-۱۴۰)

۴،۴- تلفیق دفاع و معنویت

بررسی رفتار فردی و شیوه مدیریت و رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام جمله نکات جالب و ارزشمندی است که به واسطه مطالعه رفتار و منش مدیریتی و رهبری ایشان به دست می‌آید و می‌تواند برای علم مدیریت موهبتی بزرگ باشد. همچنین مدیران و رهبران سیاسی و اجتماعی در تمامی سطوح می‌توانند از روش رفتاری ایشان بیاموزند. آن چه می‌خوانید نگاهی از زاویه دانش مدیریت به شخصیت رهبری امام راحل است. از دیدگاه قرآن کریم که گنجینه معارف الهی و کتاب هدایت بشریت است. بعثت رسولان الهی و کیفیت دعوت آنان از مردم برای ایمان آوردن به خداوند متعال، مشحون از لطایف و نکات ظریف رهبری انبیای عظام است.

۴،۵- رهبری معنوی امام خمینی علیه السلام در دفاع مقدس

رهبری امام خمینی علیه السلام در انقلاب اسلامی و نهضت بی‌نظیر قرن‌معاصر یک «نمود» و «تحقق علمی» رهبری الهی و دینی جهان اسلام با تمام معیارها و مشخصات آن بود. امام امت

شخصیتی جامع در ابعاد مختلف علمی و عملی بود و یکی از کم نظیرترین حادثه‌های تاریخ اسلام را آفرید. از بارزترین جلوه‌های رهبری و نقش معنوی امام و تأثیر شگرف آن بر روحیه ملت و رزمندگان اسلام، هدایت و رهبری ایشان در هشت سال حماسه دفاع مقدس است. بزرگ‌مردی که حماسه رزمش، آمیخته به بالاترین مراتب عرفان، فقهش متبلور در فلسفه عملی حکومت اسلامی، و حکمتش، شالوده سیاست‌های نظام اسلامی بود.

حضرت امام‌خامنه‌ای مد ظله العالی درباره ویژگی‌های فرماندهی و رهبری حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در هدایت نیروهای رزمی و مسلح می‌فرماید: «غیر از دوران پیامبر صلی الله علیه و آله، فرمانده کل قوای عارف و حکیم و عاشق و الهی در دنیا سراغ نداریم ... ما در هیچ‌جای دنیا، نه امروز و نه در گذشته نیروی نظامی سراغ نداریم که تحت فرماندهی انسانی معنوی و الهی و عارف و دارای رقیق‌ترین احساسات بشری و در عین حال با قاطعیت و صلابتی که هیچ فرماندهی در دنیا از آن برخوردار نیست، به‌حراست و دفاع از ناموس و حیات شرافت‌مندانه ملت در مقابل تجاوزگران بپردازد.»

در این بحث به برجسته‌ترین آنها در ارتباط با فرماندهی عالی و رهبری جنگ می‌پردازیم:

۴،۶- عناصر رهبری معنوی امام خمینی رحمه الله علیه در دفاع مقدس

۱- شجاعت

در فرهنگ مبارزات سیاسی حضرت امام رحمه الله علیه واژه ترس وجود ندارد، در دوران قیام علیه طاغوت و رویارویی با آمریکا و رهبری هشت سال دفاع مقدس با شجاعت و دلیری وارد مبارزه شد او ترس را ترساند که به‌دل‌های اولیای الهی راه نیابد، او هرگز نترسید. هنگامی که وزیر دفاع آمریکا علناً تهدید کرده بود که آمریکا در این جنگ هر زمانی که صلاح بداند از دوستان عرب خود پشتیبانی خواهد کرد.

امام خمینی رحمه الله علیه در پاسخ به این گونه تهدیدهای نظامی دشمنان فرموده‌اند: هر یک از این‌ها (حامیان رژیم عراق) اگر خواهند تعدی بکنند، ما تا آخرین نفرمان می‌ایستیم مقابلش. (ر.ک: ج ۱۲، ص ۱۴۷؛ ج ۱۷، ص ۶۱؛ ج ۲۰، ص ۱۹۹)

۲- طمأنینه

دل آرام و قلب مطمئن حضرت امام خمینی علیه السلام پیامد ایمان محکم و اعتقاد راسخ به دریای بیکران الطاف الهی بود. طمأنینه‌ای که حوادث ناگوار و کمرشکن قادر به متزلزل کردن و در هم شکستن آن نبود. ایشان عالم را محضر حق تعالی می‌دید و به الطاف و عنایات الهی ایمان داشت و مصداقی از آیه: «الا بذکر الله تطمئن القلوب» بود و این عنصر مهم تأثیری شگرف در تصمیم‌گیری‌های ایشان در رهبری دفاع مقدس داشت.

عکس‌العمل ساده و آرام رهبر کبیر انقلاب اسلامی در برابر هجوم سراسری دشمن به کشور ایران بارزترین نمونه این طمأنینه بود که فرمود: «یک دزدی آمده است یک سنگی انداخته و فرار کرده» (همان، ج ۱۳، ص ۲۲۳) فرماندهان و طراحان عملیات‌های جنگ پس از روزها مطالعه و شناسایی و بررسی امکانات و تجهیزات و تهیه راه کارهای عملیاتی و نظامی باز هم به‌هنگام اجرای عملیات‌های مهم اضطراب و نگرانی خویش را از سرانجام عملیات و عدم اطمینان از موفقیت آن را پنهان نمی‌کردند و به (نفس مطمئنه) امام علیه السلام پناه می‌جستند. رهنمودهای امام راحل قبل از عملیات فتح‌المبین و عملیات والفجر ۸ به فرماندهان جنگ؛ نمونه ای دیگر از آرامش و اطمینان قلبی امام علیه السلام بود که تأثیری عجیب در پیروزی رزمندگان اسلام داشت.

۳- تواضع و فروتنی

شخصیت عظیم و معنوی امام خمینی علیه السلام، مهم‌ترین عامل در تحول معنوی و روحی ملت ایران و رزمندگان جبهه‌های نور علیه ظلمت در هشت سال دفاع مقدس بود. حضور پرشور جوانان در عرصه جهاد و شهادت، گرایش توده مردم و نوجوانان به ارزش‌های انسان‌ساز و متعالی اسلام و شکوفایی این ارزش‌ها در جبهه‌های جنگ همه در پرتو رهنمودها و راهنمایی‌های پیامبرگونه عارف و عالمی وارسته و استکبارستیزی که مراحل و مدارج عالی سیر و سلوک را پیموده صورت گرفته است.

اما خصلت تواضع و فروتنی امام راحل هیچ‌گاه اجازه نمی‌داد که از کار خود سخن به میان آورد و خویشان را یک خدمتگزار معرفی می‌کرد و می‌فرمود: اگر به من خدمتگزار بگویند، بهتر از این است که رهبر بگویند، هرگاه در جمع رزمندگان حضور می‌یافت خود را خجل‌زده معرفی می‌کرد و خود را از خیل مشتاقان جنگ و شهادت عقب مانده می‌دانست. اوج مرتبه و عالی‌ترین درجه تواضع و فروتنی امام خمینی علیه السلام نسبت به رزمندگان، جمله معروفی است که در وصف

دلاوری نوجوان شهید، حسین فهمیده بیان نموده‌اند: «رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود؛ که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید.» (همان، ج ۱۴، ص ۷۳)

۴- محبت و صمیمیت امام خمینی علیه السلام با رزمندگان

همان‌گونه که رزمندگان اسلام خداجویان جبهه‌های نبرد به ساحت مقدس شخصیت معنوی رهبرشان عشق می‌ورزیدند، امام خمینی علیه السلام عاشقانه نیز علاقه و محبتی خاص نسبت به فرزندان معنوی خویش اظهار می‌کردند. در حقیقت ارادت و علاقه بین مرید و مراد یک پیوند دو جانبه بود، جلوه‌های الفت و صمیمیت و محبت امام راحل نسبت به رزمندگان در گفتار و کردارش به‌طور کامل نمایان بود. چنانکه در جملاتی بیان فرموده‌اند: «اینجانب دستِ یکایک شما را می‌فشارم؛ و از صمیم جان به شما دعا می‌کنم»؛ (همان، ج ۲۱، ص ۱۰۵) گویای عمق و ارادت و محبت قلبی امام خمینی علیه السلام به دلاوران دفاع مقدس بود. بی‌پیرایگی رفتار ایشان در جمع فرماندهان و رزمندگان جبهه‌ها و برداشتن مانع‌های احترامات رسمی و رایج میان یک رهبر و فرمانده عالی جنگ با نیروهای تحت امر در ملاقات‌های خصوصی، تصویرگر گوشه‌ای از محبت و صمیمیت قلبی امام خمینی علیه السلام به رزمندگان بود و صحنه‌های دیدارهای خصوصی امام خمینی علیه السلام با رزمندگان مشحون از صحنه‌های دل‌پذیر و ارتباط عاطفی و محبت و صمیمیت است.

۵- قاطعیت

در دوران مبارزه با رژیم ستم‌شاهی قاطعیت امام خمینی علیه السلام راه‌گشای برنامه‌ها و سیاست‌های مبارزه بود که حتی اطرافیان و شاگردان ایشان به‌شگفتی و کارساز بودن آن اعتراف داشتند. در امور رهبری و فرماندهی عالی جنگ هم قاطعیت ایشان، گره‌های کور و بن‌بست‌های ایجاد شده در برنامه‌ریزی‌های رزمی و نظامی را باز می‌کرد.

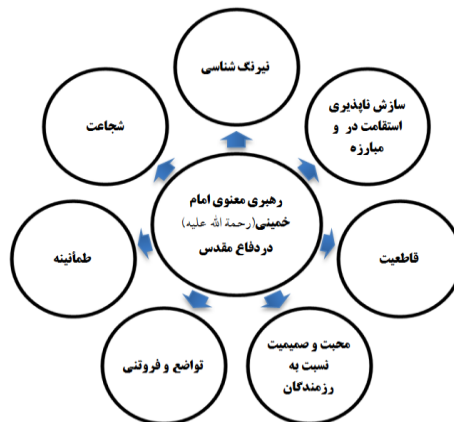
از مهم‌ترین جلوه‌های قاطعیت امام راحل دستور شکست حصر آبادان، آزادسازی سوسنگرد و عزل بنی‌صدر از فرماندهی نیروهای مسلح بود. به‌طوری‌که در زمان محاصره آبادان به فرماندهان جنگ فرمودند: «حصر آبادان... باید این حصر شکسته بشود.» (همان، ج ۱۳، ص ۳۳۳)

۶- سازش‌ناپذیری و استقامت در مبارزه

ظلم ستیزی و پایداری امام خمینی علیه السلام در برابر توطئه‌های دشمنان، روحیه‌ای سازش‌ناپذیر و مقاوم از ایشان پدید آورده بود. رهبر کبیر انقلاب اسلامی در سیره عملی و روش مبارزاتی خود به آیات شریفه «لا تظلمون و لا تظلمون» و «فاستقم کم امرت و من تاب معک» در قرآن کریم، تأسی می‌جست و هیچ‌گاه نقشه‌های ظالمانه و سلطه‌طلبانه و تحمیلی دشمن را بر نمی‌تافت. فشارهای شدید نظامی، تبلیغاتی و روانی حامیان دشمن در کمک‌های تسلیحاتی به رژیم بعث عراق برای پذیرفتن خواسته‌های استکبار جهانی، هیچ تأثیری در روحیه مقاوم و سازش‌ناپذیر ایشان نداشت و در بیاناتش می‌فرمود: «ما تا آخرین نفر و تا آخرین منزل و تا آخرین قطره خون، برای اعلای کلمه الله ایستاده‌ایم.» (همان، ج ۲۰، ص ۱۹۹)

۷- نیرونگ‌شناسی

از سوی رژیم بعثی عراق، مظلوم‌نمایی و تظاهر به مسلمان بودن از جمله اقداماتی بود که برای فریب ملت سلحشور ایران صورت می‌گرفت، اما هوشیاری و زیرکی منحصر به فرد، امام راحل با موضع‌گیری‌های دقیق و سنجیده خویش تمام این توطئه‌های فریبنده دشمن را خنثی نمود. از این رو، حامیان رژیم بعث عراق و سیاست‌گذاران استکبار جهانی برای پیش‌گیری از پیروزی‌های مداوم و ظفرمندان جبهه‌های نبرد که از شکست حصر آبادان تا فتح بستان و نبرد چزابه و تا عملیات مهم فتح‌المبین و نیز فتح معجزه‌آسای خرمشهر، ضربات کوبنده خود را بر پیکر رژیم بعث وارد آورده بودند. شیوه‌ها و تدابیر رهبری امام خمینی علیه السلام به‌عنوان رهبر و فرمانده کل قوا و فرماندهی عالی جنگ، تأثیر به‌سزایی در تعیین و هدایت استراتژی جنگ بر عهده داشت و در این مدت با بهره‌گیری از شیوه‌ها و تدابیر خاص خویش، هشت‌سال دفاع مقدس را رهبری نمود و اعجاب و شگفتی سیاست‌مداران دشمن را برانگیخت. (www.shahed.isaar.ir)



منبع: (محقق بر اساس مطالعات نظری)

شکل ۴-۱: عناصر رهبری معنوی امام خمینی علیه السلام در دفاع مقدس

۴,۷- راهبرد دفاعی با تأکید بر نیروهای مردمی

استراتژی بازدارندگی مردمی در زمره مهم‌ترین راهبردهای دفاعی در اندیشه امام خمینی علیه السلام محسوب می‌گردد. ایشان در بعد دفاعی بر تحکیم دو جبهه رزمی و معنوی تأکید داشته و در این خصوص به آمادگی دفاعی نیروهای غیرنظامی و نیز بسیج معنوی و ارتقای روحیه ایمانی توجه می‌ورزیدند و در بعد سیاسی - تبلیغی بر انگیزه‌های انسانی و اهداف دفاعی ایران در جنگ تحمیلی و نیز تبلیغات داخلی برای توجیه افکار عمومی توسط روحانیت در مقام گروه پیش‌تاز تأکید می‌ورزیدند. تأکید بر توجه به جهاد اصغر به همراه جهاد اکبر بسیار کارساز و راه‌گشا بود. در استراتژی دفاعی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و در بعد سیاسی تبلیغی نه تنها افکار عمومی داخل بلکه با به‌کارگیری دیپلماسی جهاد ضرورتاً می‌بایست، افکار عمومی نیز متوجه مظلومیت ملت ایران می‌شد که این امر هرگز از نگاه آن حضرت پنهان نبود.

اگر ایجاد انقلاب اسلامی به‌عنوان الگویی نمونه موجب حیرت و تعجب جهانیان گردید. اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام به مراتب حیرت‌انگیزتر از ابعاد دیگر اندیشه‌های ایشان در نزد جهانیان شد. شاید به‌جرات بتوان گفت اگر ابعاد اندیشه دفاعی امام‌راحل را از دیگر ابعاد اندیشه‌های سیاسی ایشان حذف نماییم، هرگز ادبیات «بنیادگرا یا اصول‌گرا» شکل نمی‌گرفت. ورود این واژه‌ها به ادبیات رسانه‌های استکباری از زمانی آشکار گردید که آثار و پیامدهای اندیشه دفاعی آن حضرت در دنیا طنین‌انداز شد. (www.basirat.ir)

۴,۸- امام و راهبرد دفاع از امت اسلامی

امام خمینی علیه السلام از همان مراحل اولیه شکل‌گیری نهضت اسلامی تا لحظه‌های آخر عمر مبارکشان، دفاع از ملت‌های اسلامی و مستضعف را به‌عنوان یکی از اهداف استراتژیک مبارزاتی خود قرار داده و در مناسبت‌های مختلف حمایت و پشتیبانی خویش را اعلام داشته‌اند. دفاع امام راحل از ملل اسلامی و مستضعف در قالب منافع ملی^۳ و یا توسعه‌طلبی و کشورگشایی نبوده

۱- منافع ملی National Interests، اشاره است به هدف‌های اولیه و همیشگی که مردم و دولت در صدد حفظ و تحصیل آنها در صحنه بین‌المللی هستند. این هدف‌های همیشگی عبارتند از: حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، حفظ نظام

است. بلکه ایشان منافع ملی را در چارچوب منافع اسلامی دارای اعتبار و ارزش می‌دانستند. دفاع از ملت افغانستان، لبنان، فلسطین و سایر کشورها در واقع دفاع از اعتقادات و مبانی و اصول اسلامی است و یا صدور حکم اعدام سلمان رشدی، نویسنده کتاب موهن آیات شیطانی در واقع دفاع از کیان و موجودیت اسلام به‌شمار می‌آید. چرا که ایدئولوژی اسلام حد و مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و مکتبی فراملیتی و جهان شمول است.

با توجه به بیانات امام امت مشخص می‌شود که جبهه دفاعی مسلمانان تنها به حدود و ثغور جغرافیایی محدود نمی‌شود. حدود مرزها و قلمرو جغرافیایی را باید با دفاع نظامی حفظ کرد؛ اما دفاع مهم‌تر و عظیم‌تر، دفاع از مرزهای عقیدتی اسلام است که قلمرو آن به‌شعاع اندیشه نورانی اسلام و نفوس مسلمین است؛ یعنی در هر کجای جهان، اگر علیه اسلام توطئه می‌شود یا دشمنان برای بدنام کردن اسلام و رهبران آن شیطنت می‌کنند، وظیفه هر مسلمان است که دفاع کند و با هر وسیله ممکن، ریشه توطئه را بخشکاند. لازمه این دفاع، رفع موانع و ارائه چهره حقیقی اسلام و اعتلای «کلمه الله» است.

لذا رهبر کبیر انقلاب در این مورد می‌فرماید: «ما الآن که با قدرت‌های بزرگ دنیا مواجه هستیم، حال دفاعی داریم؛ یعنی ما مدافع از آن چیزهایی که نهضت ما قیام ما برای ما هدیه آورده است و از اهداف اسلامی و از کشور اسلامی خودمان و از تمام چیزهایی که مربوط به اسلام و مربوط به کشور است، در حال دفاع هستیم.» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۳۹)

همچنین ایشان از اشغال فلسطین به‌عنوان مصداق عینی تجلی وظیفه همگانی مسلمین یاد می‌کند و دفاع از مردم مظلوم فلسطین را وظیفه همه مسلمانان می‌داند: «هنگامی که می‌بینید خون‌های برادران و خواهران بی‌گناه شما در سرزمین‌های مقدس فلسطین جاری است و هنگامی که مشاهده می‌کنید که سرزمین‌های ما اشغال شده و خانه‌هایمان به دست صهیونیست‌های تبهکار، ویران گشته است در این شرایط جز ادامه جهاد راهی نیست و بر همه مسلمانان واجب است که کمک‌های مادی و معنوی خود را در این پیکار مقدس بنمایند.» (همان، ج ۲، ص ۲۰۱-۲۰۰)؛ بدین ترتیب دفاع از اسلام و مسلمین مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و از نظر حضرت امام خمینی ^{علیه السلام} وظیفه یک مسلمان در دورترین نقاط جهان، همانند وظیفه-

ای است که یک مسلمان فلسطینی در شهر بیت المقدس دارد: «در حالی که اسلام و اماکن مقدسه آن مورد تهدید به تجاوز قرار گرفته، هیچ فرد مسلمانی نمی تواند در مقابل آن بی تفاوت باشد.» (همان، ج ۱۶، ص ۳۸۱)

بنابراین، از دیدگاه حضرت امام خمینی ره، مرز جغرافیایی فرعی از مرز عقیده است و مسلمانان باید در همه نقاط جهان از موجودیت اسلام و منافع مسلمین دفاع کنند. دفاع در سنگر عقیده، تکلیفی دائمی است و به مرز جغرافیایی محدود نمی شود؛ به طوری که امام راحل حکیمانه ترین و زیباترین عبارت را در این باره بیان فرمودند: «جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.» (همان، ج ۲۱، ص ۸۷)

ایشان در جای دیگر فرموده اند: «[روز قدس] روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است، روز مقابله ملت هایی است که در زیر فشار ظلم آمریکا و غیر آمریکا بودند، در مقابل ابرقدرت هاست. روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین، و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند. روزی است که بین منافقین و متعهدین امتیاز خواهد شد. متعهدین این روز را روز قدس می دانند.» (همان، ج ۹، ص ۲۷۶)

بیت المقدس تنها یک مکان مذهبی نیست؛ بلکه به تعبیر مقام رهبری مظ، قلب جغرافیای عالم اسلام است. قدس شریف هر روز شاهد توطئه ای است که نیازمند کمک دول اسلامی است، امام راحل در راستای مبارزات ضداستکباری و ضد طاغوتی شان متوجه این خلأ و نقصان در عالم اسلام شدند و با هدفی بلند و عالی و با دوراندیشی و آینده نگری خاص خودشان، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان «روز جهانی قدس» اعلام نمودند و در باره علت این نامگذاری فرمودند: «روز قدس که همجوار شب قدر است، لازم است که در بین مسلمانان احیاء شود و مبدأ بیداری و هوشیاری آنان باشد و از غفلت هایی که در طول تاریخ، خصوصاً سده های اخیر شده است، بیرون آیند تا ارزش آن روز هوشیاری و بیداری، از ده ها سال ابرقدرت ها و منافقان جهان والاتر باشد و مسلمانان جهان مقدرات خود را خود به دست قدرت خود، پی ریزی و پایه گذاری کنند. ... در روز قدس که آخرین روزهای شهرالله اعظم است، سزاوار است که مسلمانان جهان از قید اسارت و بردگی شیاطین بزرگ و ابرقدرت ها رها شده و به قدرت لایزال الله پیوندند و دست جنایت کاران تاریخ را از کشورهای مستضعفان قطع و رشته طمع آنان را

بگسلانند.» (همان، ج ۱۵، ص ۵۹)

۴،۹- علل ضعف مسلمانان در برابر رژیم اشغالگر قدس

۱- عمل نکردن به دستورات اسلام

امام خمینی رحمته الله علیه در این مورد می‌فرماید: «اگر دول اسلامی و ملل مسلمان به جای تکیه به بلوک شرق و غرب، به اسلام تکیه می‌کردند و تعالیم نورانی و رهایی‌بخش قرآن کریم را نصب‌عین خود قرار داده و به کار می‌بستند، امروز اسیر تجاوزگران صهیونیسم و مرعوب فانتوم آمریکا و مقهور اراده سازشکارانه و نیرنگ بازی‌های شیطانی شوروی واقع نمی‌شدند، دوری دول اسلامی از قرآن کریم ملت اسلام را به این وضع سیاه نکبت‌بار مواجه ساخته.» (همان، ج ۲، ص ۴۳۸)

۲- نبودن رشد سیاسی

«اگر هفتصد میلیون مسلم با این کشورهای عریض و طویل رشد سیاسی داشتند و با هم متحد و متشکل شده در صف واحد قرار می‌گرفتند برای دولت‌های بزرگ استعمار ممکن نبود که در ممالک آنها رخنه کنند، تا چه رسد به مثنی یهود که از عمال استعمارند، این اختلافات سران کشورهای اسلامی است که مشکله فلسطین را به وجود آورده نمی‌گذارد حل شود.» (همان، ج ۲، ص ۳۲۳)

۳- وجود نداشتن استقلال و اتحاد بین دولت‌های عربی

امام خمینی رحمته الله علیه در این مورد می‌فرماید: «دولت‌های عربی نه توانسته‌اند استقلال خودشان را حفظ کنند و نه توانسته‌اند یک وحدتی بین خودشان ایجاد نمایند که اسرائیل را از بین ببرند... باعث این شده است که صهیونیست در آنجا باشد.» (همان، ج ۴، ص ۴۵۸)

۴- نبود تفاهم بین دولت‌ها و ملت‌های مسلمان

امام خمینی رحمته الله علیه در این مورد می‌فرماید: «اگر حکومت‌کنندگان کشورهای اسلامی نمایند مردم با ایمان و مجری احکام اسلام می‌بودند اختلافات جزئی را کنار می‌گذاشتند و دست از خرابکاری و تفرقه‌اندازی بر می‌داشتند و متحد می‌شدند و «ید واحده» می‌بودند، در آن صورت مثنی یهودی بدبخت که عوامل آمریکا و انگلیس و اجانبند نمی‌توانستند این کارها را بکنند، هر چند آمریکا و انگلیس پشتیبان آنها باشند. این از بی‌عرضگی کسانی است که بر مردم مسلمان

حکومت می کنند. آیه... دستور می دهد که تا حد امکان نیرومند و آماده باشید تا دشمنان نتوانند به شما ظلم و تجاوز کنند. ما متحد و نیرومند و آماده نبودیم که دستخوش تجاوزات بیگانه شده و می شویم و ظلم می بینیم.» (امام خمینی رحمته الله علیه، ولایت فقیه (حکومت اسلامی): ۳۴)

۴،۱۰- راه حل آزادی قدس و راهبردهای دفاع

امام خمینی رحمته الله علیه در قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از پیروزی انقلاب همواره در فکر رهایی قدس شریف از چنگال صهیونیست های غاصب بوده و در خلال گفتارها و نوشته های خود که در پیوند با قدس بوده راه های عملی نجات قدس را یادآوری می کردند و با ارائه برنامه های اصولی به مسلمین و تشویق به اجرای آن برنامه ها درصدد بودند نسبت به برانگیختن مسلمانان جهان در جهت آزادی قدس شریف اقدامات عملی را به منصفه ظهور رساند، در ذیل با استفاده از تحلیل محتوای مکتوبات نظری امام راحل هفت راه حل برای آزادی قدس شریف ارائه شده است که عبارتند از:

۱- قیام مسلمین برای خدا و اسلام

امام خمینی رحمته الله علیه راهی را به مسلمین نشان دادند که مطمئن ترین پشتوانه و سرمایه، یعنی خدامحوری را دارد. راهی که اگر توجه به خدا در آن باشد، محکوم به پیروزی و سربلندی است. از این رو می فرمایند: «هر کس باید خودش قیام [کند]، مسلمین باید خودشان قیام کنند در مقابل اینها، دنبال این نباشند که دولت هایشان یک کاری بکنند. دولت ها کاری نمی کنند. خودشان باید بکنند... باید خودتان حفظ کنید. توجه به خدا بکنید. توجه به اسلام بکنید و برای خدا و برای اسلام قیام بکنید و برای خدا و برای اسلام به پیش بروید و پیروز هستید. انشاءالله» (همان، ج ۱۳، ص ۸۲)

۲- اتحاد مسلمین

راه دومی که امام خمینی رحمته الله علیه در پیش روی مسلمین جهان گذاشتند، بازگشت به اسلام، اتفاق و اتحاد می باشد، به نظر امام راحل تمام مصیبت هایی که در طول تاریخ بر پیکره اسلام وارد آمده، ناشی از اختلافات داخلی بین ملت ها بوده است.

ایشان در این مورد می فرمایند: «اگر در روز قدس، همه بیرون بیایند از خانه، فریاد بکنند «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر شوروی»، همین قول... برای آنها مرگ می آورد.» (همان، ج ۱۳، ص ۸۱-۸۰)

۳- اقدام مردمی در کشورهای اسلامی

یکی از مشکلات مهمی که امروزه سرزمین‌های اسلامی درگیر آن هستند، حاکمیت دولت‌های ضد مردمی و وابسته به قدرت‌های سلطه‌گر می‌باشد؛ امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرمایند: «هرچه ضعف در مسلمین و فساد در ممالک اسلامی است، از حکومت‌هاست. حکومت‌ها به واسطه خودخواهی که دارند مع‌الاسف برای اجانب به‌طور نوکری عمل می‌کنند و برای ملت خودشان آقایی می‌کنند و تمام مفاسد را همین نوکری و آقایی در ممالک مسلمین ایجاد کرده است.» (امام خمینی علیه السلام، ج ۹، ص ۲۷۵)

۴- به‌کار بردن سلاح نفت

الف- امروز جریان اقتصادی جهان در دست مسلمانان جهان قرار دارد که باید از آن برای رساندن مسلمین به حقوق حقه خود که به‌واسطه دخالت سلطه‌گران از آن محروم گشته‌اند، به‌درستی سود برند.

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «... جریان حیات شرق و غرب در دست اینهاست، نفت جریان حیات اینهاست. اگر ده روز نفت را به روی آنها ببندند خاضع می‌شوند آنها...» (همان، ج ۱۸، ص ۵۴ - ۵۵)

ب- نفت در دست مسلمین است و شما نباید به استکبار تملق بگویید. کشور عراق، عربستان، ایران و سایر ممالک اسلامی بحمدالله دارای ذخایر ارزشمند هستند.

ایشان در این باره می‌فرمایند: «عجایب است که ثروت در دست شرق است، این ثروت مهم نفت در دست شرق است، در دست مسلمین است، - اینکه در ممالک اسلامی است. - این مخازن بسیار مهمی که دنیا به واسطه آن [و] هر مملکتی پیشرفت کرده است به واسطه این مخازن پیشرفت کرده است هر جنگی مقدم شده است. هر مملکتی در جنگ مقدم شده است به واسطه موجهای نفت مقدم شده است، اینها در دست شماست. عراق بحمدالله نفت دارد، ایران بحمدالله نفت دارد، کویت نفت دارد، حجاز نفت دارد، نفت در دست مسلمین است. آنها باید بیایند به شما تملق بگویند، دست شما را ببوسند، پای شما را ببوسند و این ذخایر را به قیمت اعلیٰ القیم بخرند. شما نباید، از آنها یک تملقی بگویید. انشاءالله نمی‌گویید. آنها باید تملق شما را بگویند، ثروت دست شماست. معذالک انسان می‌بیند که مطلب این‌طور نیست، جوری مستعمرین این مطلب را

درست کرده‌اند که بعضی ممالک را بازی دادند و خیال می‌کنند که نه، باید از آنها هم یک تملقی بگویند، به آنها هم یک تعارفی بدهند تا اینکه ثروت آنها را ببرند، این تأسف دارد. (همان، ج ۲، ص ۳۴)

این خضوع و تسلیم نه تنها برای حل مساله فلسطین است، بلکه دیگر مسائل مبتلا به مسلمانان را نیز حل خواهد کرد.

امام راحل در این مورد می‌فرمایند: «اگر امروز دولت‌های منطقه با سلاح نفت و سلاح گرم در مقابل این جنایتکاران بایستند، مساله اسرائیل و پس از آن آمریکا و هر قدرتمند چپاولگر دیگر حل می‌شود...» (همان، ج ۱۶ ص ۳۶۳)

۵- رد هر گونه سازش با رژیم اشغالگر قدس

راه‌رهایی قدس، راه سازش نیست، راه مبارزه است، مبارزه‌ای که از میان آتش و خون می‌گذرد و در این راه عقب‌نشینی و مماشات و سازش با رژیم اشغالگر قدس معنایی ندارد. در راه‌رهایی قدس باید فقط به یک هدف اندیشید.

امام علیه السلام در این مورد می‌فرمایند: «... ما می‌گوییم اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود و بیت‌المقدس مال مسلمین و قبله اول مسلمین است ...» (همان، ج ۱۶، ص ۴۹۰)

هرگونه تلاش برای رسمیت بخشیدن به دولت پوشالی اسرائیل و هویت بخشیدن به این دولت غیر قانونی محکوم به شکست می‌باشد.

امام علیه السلام در این مورد می‌فرمایند: «... من طرفداری از طرح استقلال رژیم اسرائیل و شناسایی او را برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولت‌های اسلامی یک انفجار می‌دانم و مخالفت با آن را یک فریضه بزرگ اسلام می‌شمارم و به‌خداوند بزرگ از این نقشه‌ها که به‌دست مسلمان نماها برای اسلام کشیده می‌شود پناه می‌برم.» (همان، ج ۱۶، ص ۲۹۳-۲۹۴)

۶- الگو قرار دادن ملت ایران

امام خمینی علیه السلام همواره از ملت ایران و انقلاب شکوهمند اسلامی سال ۱۳۵۷، به‌عنوان یک نمونه عالی برای سرمشق گرفتن ملت فلسطین و دیگر ملت‌های مسلمان یاد می‌نمود و در این باره می‌فرمایند: «...خوب است یک مقدار ملت‌های غیر ایران از ایران سرمشق بگیرند و از این

ملت نجیب عزیز ما...» (همان، ج ۱۳، ص ۸۱)

ملت ایران همانی است که با تکیه بر قدرت لایزال الهی و الهام گرفتن از اقیانوس مواج احکام اسلامی و مجهز نمودن خود به سلاح ایمان توانست با دست خالی در برابر شاه و اربابان خارجی اش قد اعلم کند و بدانچه در دست داشت نیز، بی هیچ کم و کاستی دست یابد. امام راحل در این مورد می‌فرماید: «شما دیدید که مشکل ما که از مشکلات دیگران بیشتر بود - و قدرت شیطانی شاه مخلوع از همه قدرت‌ها بیشتر بود و طرفداران او، ابرقدرت‌ها و همه حکومت‌های اسلامی و غیراسلامی بودند- ملاحظه کردید که حل این مشکل به پناه‌بردن به یک کشوری یا یک قدرتی یا یک ابرقدرتی نبود. حل مشکل را خود ملت کردند...» پس چنین ملتی شایسته سرمشق قرار گرفتن برای دیگران هست. (همان، ج ۱۳، ص ۸۴)

۷- تکیه ملت‌های مسلمان به خود

از جمله نقاط ضعف مسلمانانی که نشانه رویارویی با رژیم اشغالگر قدس و پیمودن راه رهایی قدس را در سر دارند، عدم خودباوری آنان است، چرا که در اثر القانات قدرت‌های سلطه‌گر بدین باور دچار شده‌اند که برای رسیدن به آرمان‌های خود ناتوانند و راهی را می‌پیمایند که دیگران برایشان در نظر گرفته‌اند. امام راحل در این مورد می‌فرماید: «... بسیاری از دولت‌های اسلامی بر اثر خود باختگی یا مأموریت، مجری نقشه‌های شوم و خائنانه آنان می‌باشند...» (همان، ج ۲، ص ۴۸۸)

امام خمینی علیه السلام تحت تأثیر هیچ یک از قدرت‌های شیطانی شرق و غرب نبوده و مسلمین را نیز دعوت به دوری از ابرقدرت‌ها و حفظ حریت و آزادگی خویش می‌نمودند و راه نجات از سلطه بیگانگان را تکیه بر تعالیم نورانی و رهایی‌بخش قرآن کریم و به کار بستن آن می‌دانستند؛ و امام امت تکلیف مسلمین جهان را در خصوص رفع تجاوز از قبله اول مسلمین و اشغال غاصبانه یک کشور، به‌طور صریح و قاطعانه اعلام نموده و بر پایداری، زنده نگه داشتن روز قدس، وجوب تجهیز مسلمین، ایجاد جنبش‌ها و حرکت‌های جهادی و مبارزه تأکید نمودند؛ و بهتر است این بیانات را از کلام امام بشنویم که فرمودند: «امروز... بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه رژیم اسرائیل مجهز کند. (همان، ج ۱۰، ص ۱۵۹-۱۶۰)؛ «تمام مسلمین توجه بکنند. روز قدس روزی است که باید تمام ملت‌های اسلام با هم توجه بکنند و این روز را زنده نگه دارند... شما باید محکم بایستید در مقابل اینها و چنانچه مسلمین - ملت‌های مسلمان - بایستند

در مقابل اینها... و تا آخر هم همه قدرت‌ها اگر روی هم باشند، نمی‌توانند آسیب به یک همچو ملتی برسانند.» (همان، ج ۱۳ ص ۷۹-۷۸)

امام راحل مسأله قدس را مسأله‌ای عمومی و جهانی قلمداد کرده و آن را از حالت شخصی و قومی و یا منطقه‌ای به تمام ملت‌ها و امت‌های مستضعف جهان، منسوب نمودند و وظیفه تمام مسلمین و موحدین را در مبارزه به هر شکل و صورتی که ممکن و میسر است، معین فرمودند: «مسأله قدس یک مسأله شخصی نیست، و یک مسأله مخصوص به یک کشور و یا یک مسأله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه‌ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده، از روزی که مسجدالاقصی پی‌ریزی شد تا آنگاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است.» (همان، ج ۱۶، ص ۱۹۰)

امام خمینی علیه السلام، آرزوی شهادت و ایجاد فرهنگ شهادت‌طلبی و ارزش قائل نبودن برای حیات دنیوی و مادی را رمز پیروزی ملت‌ها بر مستکبرین می‌دانستند، آن حضرت در این خصوص فرموده‌اند: «شما... اگر بخواهید قدس را نجات بدهید، اگر بخواهید فلسطین را نجات بدهید... ملت‌ها باید قیام کنند... ملت‌ها باید «رمز» را بفهمند که رمز پیروزی این است که «شهادت» را آرزو بکنند و به حیات، حیات مادی، دنیایی، حیوانی، ارزش قائل نباشند... این رمزی است که قرآن آورده است.» (همان، ج ۶، ص ۵۰۳)

۴،۱۱- ایران اسلامی و دفاع از قدس

ایران به‌عنوان اُم‌القرای جهان اسلام، پیش‌تاز در مبارزه و جهاد علیه مستکبران و طاغوتیان است. امام خمینی علیه السلام قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌طوری که از اعلامیه‌ها و نوشته‌های ارزشمند ایشان برمی‌آید، دفاع از فلسطین و دشمنی با صهیونیسم را سرلوحه سیاست و خط‌مشی سیاسی خود قرار دادند و بعد از انقلاب اسلامی با ایجاد زمینه‌های مناسب و همسو با حرکت‌های اسلامی و جنبش‌های انقلابی، ایران به‌عنوان پایگاه اصلی مبارزات ضدطاغوتی و استکباری قرار گرفت.

۱- ایران اسلامی حامی و یاور فلسطین

در این خصوص امام خمینی علیه السلام ایران اسلامی را طرفدار، حامی، شریک و غم و یار و یاور فلسطینیان مظلوم معرفی نمودند و فرمودند:

الف- «ملت ایران... به دلیل احساس عمیق اسلامی خود از دست رفتن فلسطین را به مثابه از دست رفتن پاره‌ای از پیکر خود می‌دانت. و به همین دلیل همیشه... عمیق‌ترین احساسات

پاک خود را نثار مبارزین فلسطینی کرده است.» (امام خمینی علیه السلام، ج ۵ ص ۲۳۷)؛ «ما طرفدار مظلوم هستیم. هر کسی در هر که مظلوم باشد، ما طرفدار او هستیم. و فلسطینی‌ها مظلوم هستند. و اسرائیل به آنها ظلم کرده است، به این جهت ما طرفدار آنها (فلسطینی‌ها) هستیم.» (همان، ج ۵، ص ۱۴۸)

ب- «ما در کنار شما با اسرائیل و آمریکا در حال مبارزه هستیم و امیدواریم که لشکر حق بر لشکرهای طاغوتی و شیطانی غلبه کند.» (همان، ج ۸، ص ۷۰)

ج- «ما از مبارزات برداران فلسطینی و مردم جنوب لبنان در مقابل اسرائیل غاصب کاملاً پشتیبانی می‌نماییم.» (همان، ج ۱۱، ص ۱۱۱)

د- ما از پانزده سال پیش در باره فلسطین گفته بودیم و اخطار کرده بودیم؛ این دیدگاه ما نسبت به فلسطین همچنان استوار است و پس از بین بردن خرابی‌های ایجاد شده به وسیله شاه، در باره رژیم اشغالگر قدس به طور افزونتر فکر خواهیم کرد. (ر.ک: همان، ج ۶، ص ۴۶۹)

۲- توجه به خدا و معنویت و اصلاح امور خود

امام خمینی علیه السلام با بینش و درک و عمیق به این مسأله، مشکل اساسی را متوجه دولت‌ها و ملت‌های مسلمان منطقه نموده و راه اساسی را بازگشت به اسلام، احکام نورانی قرآن، توجه به خدا و معنویت و احیای ارزش‌ها و بازنگری و اصلاح امور خود دانستند.

امام خمینی علیه السلام عدم اتحاد و اتفاق مسلمین و سیاست سازشکاری را عامل سکوت و خاموشی دولت‌های منطقه، و بالطبع ملت‌ها قلمداد نموده و آمریکا و رژیم اشغالگر قدس نیز با مشاهدۀ وضع رقت‌بار اعراب، بر دامنه جنایات و تجاوزات خویش افزودند. امام راحل در این مورد می‌فرماید: «اسرائیل بیت‌المقدس را از مسلمین گرفت، و با مسامحه دولت‌ها مواجه شد. اکنون، چنان‌که آثارش ظاهر شده است، امریکا و شاخه فاسد آن اسرائیل، در صدد است که مسجدالحرام و مسجدالنبی را قبضه کند. باز هم مسلمانان نشسته و تماشاگرند و بی- تفاوت!...» (صحیفه امام، ج ۱۱ ص ۱۱۰)

۴،۱۲- راهبردها و خط مشی‌های امام خمینی علیه السلام برای ملل اسلامی

امام خمینی علیه السلام همان‌گونه که رسالت اصلی خویش را ایجاد حکومت جهانی اسلام و نابودی نظام سلطه اعلام می‌دارند، برای ملل مسلمان و مستضعف جهان شیوه‌ها و مسیر رسیدن به آن هدف و رسالت را نیز مشخص و معین می‌کنند. در این قسمت، مهم‌ترین این راهبردها و خط

مشی‌ها را مورد بحث قرار می‌دهیم.

۱- ایمان و توکل به خدا

در واقع ایمان رابطه محکم و نیروی درونی است که انسان با معبود خود برقرار می‌سازد تا به آنچه که موجب رضایت خداوند است دست یابد. تمام اعمال نیکو و پسندیده انسان از ایمان کامل منشأ می‌گیرد، هرچه ایمان و اعتقاد انسان به خداوند تبارک و تعالی بیشتر و محکم‌تر باشد، رفتار نیک و شایسته او نیز زیاده‌تر است، زیرا که ایمان هم به زبان است هم به عمل و هم به تمامی اعضاء و جوارح، یعنی تمام ارکان بدن انسان بایستی بدان عمل کرده و گواهی دهند. چنانچه قرآن در این باره فرموده است:

۱- ایمان عبارت است از اعتقاد و باور قلبی‌ای که دل را به یاد خدا خاشع و فروتن می‌سازد. (سوره حدید- آیه ۱۶)؛

۲- سعادت اخروی انسان‌ها را تأمین می‌نماید. (سوره حدید - آیه ۱۹)؛

۳- و از ظلمت به سوی نور هدایت می‌کند. (سوره بقره - آیه ۲۵۷)

«توکل، واگذار نمودن جمیع امور است به مالک آن و اعتماد نمودن به وکالت او است.» (امام خمینی رحمه الله علیه، شرح جنود عقل و جهل: ص ۲۰۰)، زمانی که انسان در حصول به یک هدف یا مقصد دچار مشکل می‌گردد و راه را باز نمی‌یابد، لاجرم می‌بایستی به کسی یا چیزی که اعتماد به او دارد تکیه نماید تا به سرمنزل مقصود برسد. در اسلام این فاعل و این تکیه‌گاه خداوند متعال است که فرد با ایمان دست نیاز و تضرع به سوی او دراز می‌کند و با اصرار به عجز و ناتوانی در رسیدن به مقصد خود از او مدد می‌جوید.

چنانکه قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ؛ و هر که بر خداوند توکل نموده و کارش را به او واگذارد، پس خدا او را بس است محققاً خدا به کار خود رسیده است، البته خدا برای هر چیزی اندازه و وقت و هنگامی قرار داده است.» (سوره طلاق آیه ۳)

پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز در این رابطه فرموده است: «هر که خواهد نیرومندترین مردم باشد باید بر خدا توکل کند و هر که می‌خواهد از همه توانگرتر باشد باید بدانچه نزد خداست

اعتمادش بیشتر باشد از آنچه خود دارد.»

بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران که سراسر وجود مبارکشان مملو از نور ایمان و توکل به خداوند سبحان بود، ضمن توصیه به همگان در توجه و توکل به پروردگار، به عنوان منشأ پیروزی و سرافرازی کشور و ملت، در تاریخ ۵۸/۱/۱۷ در جمع گروهی از مردم فلسطین، لیبی، عراق و مصر، مهم ترین عامل غلبه برابر قدرت ها را ایمان و توکل به خدا نام می برد و آنها را بر حصول و افزایش این عامل در خویش سفارش می کند. چنانچه می فرماید: «ما به قدرت طبیعی بر این مشکل و بر این مصیبت هایی که وارد شده است فائق نیامده ایم برای اینکه قدرت ما به حسب طبیعت یک قدرت بسیار ناچیزی بود در مقابل قدرت های بسیار بزرگ، مثل قدرت آمریکا و قدرت شاه سابق، با آن ابزاری که اینها در دست داشتند. ما به اینها که غلبه کردیم، ملت ما در این نهضت پیروز شد این فقط برای اتکال به خدا بود». (صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۰۲)

۲- دعوت به قیام

امام خمینی علیه السلام همانند انبیای عظام و امامان معصوم علیهم السلام که مردم را به قیام همه جانبه علیه دستگاه استبداد و ستمگر دعوت می کردند، ملت های اسلامی و غیراسلامی را به عدم سکوت در مقابل حکومت های دست نشانده و زورگو و قدرت های سلطه گر که مشغول چپاول و غارت منابع و معادن طبیعی و ذخائر ملی ملل اسلامی و مستضعف هستند فرا می خواندند و با تأکید بر آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِيَوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ» (سوره سبأ، آیه ۴۶)- تنها راه احقاق حق را قیام لله ذکر می کنند و می فرمایند: «مادر عصری زندگی می کنیم که مقدرات ملت های در بند مظلوم، به دست مشتی جنایت پیشه که خوی سبعیت بر آنها غالب است می باشد. دنیا در عصر ما و عصرهایی نظیر آن مبتلا به حکومت هایی بوده است که جز قانون جنگل در آن حکومت نمی کند. ما در عصری هستیم که جنایتکاران به جای توبیخ و تأدیب، تحسین و تأیید می شوند ما در عصری به سر می بریم که سازمان های به اصطلاح حقوق بشر، نگهبان منافع ظالمانه ابرجنایتکاران و مدافع ستمکاری آنان و بستگان آنان هستند. ما در منطقه ای به زندگی مرگبار خود ادامه می دهیم که اکثر حکام آن چشم و گوش بسته تحت فرمان آمریکا، به جنایات اسرائیل و حزب بعث عراق مشروعیت می دهند و در هدم اسلام و قرآن کریم کوشش می کنند. ما در محیطی گذران می کنیم که مظلومان که جرمی جز دفاع از حق ندارند زیر چکمه ستمگران خُرد می شوند و آخوندهای کثیف درباری

به این عمال وجهه اسلامی می‌دهند. ما و دنیای مسیحیت در عصری هستیم که پاپ، رهبر کاتولیک‌ها به جای آن که آمریکا را در جنایاتی که به بشریت می‌کند، محکوم کند و پیروان خود را به مقابله با ظالمان برانگیزد، از آمریکا پشتیبانی می‌کند و به ستمکاران دیگر توصیه همکاری با آن را می‌کند. اکنون در این دنیای مسموم که نفس کشیدن در آن مرگ تدریجی است، تکلیف ملت‌های دربند این ابرقدرت‌ها و انگل‌های آنان چیست؟ باید بنشینند و این صحنه‌های جنایت بار را تماشا کنند و با سکوت مجال دهند که دنیا در آتش بسوزد؟» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۰۰-۵۰۱)

امام راحل در جای دیگر می‌فرماید: «ای ملت‌های مسلم! ای ملت‌های مظلوم همه کشورهای اسلامی! ای ملت‌های عزیزی که در تحت سلطه اشخاصی واقع شدید که ذخایر شما را تقدیم آمریکا می‌کند و شما خودتان با زحمت و ذلت زندگی می‌کنید! بیدار بشوید، برخیزید از جا، ای مستضعفین جهان! برخیزید و در مقابل ابرقدرت‌ها بایستید که اگر ایستادید، اینها هیچ کاری نمی‌توانند بکنند.» (همان، ج ۱۶، ص ۳۷-۳۸)

۲- دعوت به برادری و اتحاد

یکی از عواملی که اسلام باید بسیار بر آن سفارش نموده حفظ وحدت و برادری و تمسک به حبل الله است. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و پراکنده نشوید.» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳)

اسلام همواره مسلمین را در جهت تحقق بخشیدن به این آرمان انسانی دعوت می‌نماید و از توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمنان و عوامل آن در ایجاد تفرقه و جدایی و دور کردن از حبل الله هشدار می‌دهد، چرا که از جمله عواقب سوء تفرقه و اختلاف، به هدر رفتن نیروها و از دست دادن عزت، آسایش و استقلال است. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، هیچ‌گاه با هم نزاع و اختلاف نکنید که ناتوان خواهید شد و عزت و آسایش‌تان از بین خواهد رفت، شکیبا باشید که خدا با صبر کنندگان است.» (انفال، آیه ۴۶)

پیامبر اسلام ﷺ نیز در ضمن روایتی، یکپارچگی امت اسلام را مایه ایمنی و تفرقه و

اختلاف مسلمین را موجب هلاکت و نابودی می‌داند، آنجا که می‌فرماید: «همراه عموم باشید زیرا دست خدا با جماعت است از تفرقه پرهیزید زیرا همان‌طور که گرگ، گوسفندهای از گله مانده را شکار می‌کند، اهریمن نیز افراد بازمانده از اجتماع را شکار می‌نماید.»

از جمله نقشه‌های اهریمنی که استعمارگران در طول تاریخ تعقیب می‌کردند، «سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن» بود. آنان با قرار دادن فرقه‌ای در مقابل فرقه‌ای دیگر، نژادی را در مقابل نژاد دیگر و تقویت جنبش‌های ناسیونالیستی از وحدت و تشکل ملت‌ها ممانعت به‌عمل می‌آوردند، چرا که وحدت مردم تهدیدی جدی در مقابل برتری آنها به‌شمار می‌رفت. از طرف دیگر کنترل اتباع و دشمنان متفرق آسانتر بوده تا کنترل اتباع و دشمنان متحد، در نتیجه به سودشان بود تا استعمار شونده‌گان را بیشتر ضعیف نگه‌داشته، و با ایجاد شکاف میان‌شان، آنان را از هم جدا سازند.

بنابراین برابر فرمایش حضرت امام خمینی علیه السلام «همه ملت‌های اسلام باید یکی بشوند. اگر ملت‌های اسلام و دولت‌های اسلام متفرق نبودند، - دولت اسلامی که نمی‌دانم داریم یا نداریم و شاید شما بدانید که نداریم، امید است که پیدا کنیم- اگر مسلمین با هم بودند، این‌طور ذلیل نبودند زیردست اجانب و عمال اجانب مسلمین قریب یک‌میلیارد جمعیت‌اند، ولی یک‌میلیارد جمعیت متفرق، جدا از هم اگر یک حکومت بود، مثل صدر اسلام، یک حکومت بود و همه تابع، ما به این روز نمی‌نشستیم، آنها - اجانب- جدیت کردند تا حکومت‌ها را به نفع خودشان متفرق کردند، تکه تکه کردند.» (همان، ج ۶، ص ۳۳۹)

در واقع این سخن امام خمینی علیه السلام که در جمع عده‌ای از مسلمانان قطر به تاریخ ۵۷/۱۲/۱۶، ایراد گردید، علاوه بر توصیه به حفظ وحدت و برادری ملل مسلمان با یکدیگر، نشان از اعتقاد آن حضرت به ایجاد حکومت واحد جهانی اسلام دارد که مسلمانان و حتی تمامی ملل محروم و ستم‌دیده جهان می‌توانند در قلمرو آن درآمده و در صلح، امنیت و آرامش به حیات خود ادامه دهند. چنانکه در دیدار هیأتی از نیکاراگوئه در بیستم اردیبهشت ۱۳۶۲ نیز می‌فرمایند: «مستضعفین جهان، چه آنها که زیرسلطه آمریکا و چه آنها که زیرسلطه سایر قدرت‌مندان هستند، اگر بیدار نشوند و دستشان را به هم ندهند و قیام نکنند، سلطه‌های شیطانی رفع نخواهد شد. و همه باید کوشش کنیم که وحدت بین مستضعفان در هر مسلک و مذهبی که باشند، تحقق پیدا کند. که اگر خدای ناخواسته سستی پیدا شود، این دو قطب مستکبر شرق و

غرب مانند سرطان همه را به هلاکت خواهند رساند. ما عازم هستیم که تمام سلطه‌ها را نابود سازیم و شما هم کوشش کنید که ملت‌ها را با حق همراه کنید. و آنچه مهم است این است که شما در مذهب خود و ما در مذهب خودمان اخلاص را حفظ و به خدای تبارک و تعالی اعتماد داشته باشیم تا عنایت او شامل حال ما باشد و ما را تحت این سلطه‌ها خارج سازد.» (همان، ج ۱۷، ص ۲۴۹)

۴- نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری

سلطه که در لغت به معنای «قدرت از روی قهر» گفته می‌شود و در فرهنگ سیاسی به معنای استعمار (امپریالیسم) و در زبان قرآنی به معنای استکبار^۴ به کار می‌رود، عبارت از تسلط سیاسی و یا اقتصادی کشوری بر کشور یا کشورهای دیگر می‌باشد، هرچند که در حقوق بین‌الملل، اصل بر تساوی حاکمیت دولت‌ها و عدم مداخله کشورها در امور داخلی یکدیگر است؛ اما واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی حکایت از وجود قدرت‌های امپریالیستی و سلطه‌های گوناگون می‌کند که به صورت اقتصادی، سیاسی و عقیدتی ظاهر می‌شود. (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۵۱)

امام خمینی علیه السلام ضمن اعلام برنامه مکتب اسلام در این خصوص در دو کلمه باعنوان «لا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ»، در جمع سفراء و وابستگان نظامی و دیپلمات‌های خارجی مقیم ایران به تاریخ ۵۹/۱۱/۲۲ فرمودند: «ما تحت رهبری پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم این دو کلمه را می‌خواهیم اجرا کنیم نه ظالم باشیم و نه مظلوم؛ ما در طول تاریخ مظلوم بودیم، از همه جهات مظلوم بودیم؛ و ما امروز می‌خواهیم که مظلوم نباشیم و ظالم هم نباشیم. ما تعدی به هیچ کشوری، به واسطه دستوری که به ما رسیده است از اسلام، نخواهیم کرد و تجاوز به هیچ فردی نخواهیم کرد و نباید بکنیم تجاوز به هیچ کشوری نخواهیم کرد و نباید بکنیم لکن از تجاوز دیگران هم باید جلوگیری کنیم مردم ما امروز - از زن و مرد، صغیر و کبیر - عازم این هستند که در مقابل تجاوزهایی که تاکنون به آنها شده است و امروز جلوگیری شده است بایستند و جان خودشان را فدای آزادی و استقلال و فدای بیرون رفتن از زیر بار ظلم کنند و ما از همه

۱- در قرآن مجید، استکبار را می‌توان معادل سلطه و امپریالیسم دانست و آن عبارت است از غروری که از هواهای نفسانی افراد و گروه‌ها سرچشمه می‌گیرد. (فرقان / ۲۱) و آنان را نسبت به دستورات خداوند به بی‌اعتنایی وا می‌دارد. (لقمان / ۷). یکی از اوصاف مستکبران آن است که با غرور و خودپرستی ناشی از ثروت و علم و دانش و قدرت نظامی و با استفاده از نیروهای تبلیغاتی در میان توده‌های ناآگاه، حق مردم ضعیف را پایمان کرده و آنها را محتاج خود می‌سازند. (سوره عنکبوت آیه ۳۹).

ملت‌ها و از همه دولت‌ها این توقع انسانی را داریم.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۸۲)

بنابراین براساس فرمایش رهبر عالی قدر انقلاب اسلامی ایران: «ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان عالم دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملت‌ها پرخاش کنید.» (همان، ج ۱۰، ص ۳۳۹)

۵- سازش‌ناپذیری در مقابل دشمن

اسلام به مسأله ظلم ستیزی و سازش‌ناپذیری در مقابل دشمن تأکید فراوانی داشته و آن را از مسئولیت اجتناب‌ناپذیر انسان‌ها معرفی می‌کند، به‌طوری‌که مبارزه در این راه ممدوح و عمل پایمردان در راه خدا می‌داند. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَكَايْنِ مَنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛ چه بسیار رخ داده که جمعیت زیادی از پیروان پیغمبری در جنگ کشته شده و با این حال اهل ایمان با سختی‌هایی که در راه خدا به آنها رسیده مقاومت کردند و هرگز بیمناک و زبون نشدند و سر زیر بار دشمن فرو نیاوردند و راه صبر و ثبات پیش گرفتند که خداوند صابران را دوست دارد.» (سوره آل عمران، آیه ۱۴۶)

در نظام‌های سیاسی و انقلابات معمولاً عده‌ای برای رسیدن به مطاع ناچیز دست از مبارزات سیاسی و پیکار نظامی شسته و همه آرمان‌ها و اصول را فدای امیال و منابع شخصی یا درون گروهی خود می‌کنند و با تطمیع از میدان بدر می‌روند. - تاریخ بارها این مسأله را نشان داده که به‌طور نمونه می‌توان ایران زمان دوره قاجار و پهلوی را مثالی در این مورد ذکر کرد- امام خمینی علیه السلام با تقبیح و محکوم کردن روح سازش‌گرانه، آن را ظلم بر بشریت ذکر نموده، قاطعانه اعلام داشته‌اند: «آنهايي که به ما اشکال می‌کنند که شما چرا سازش نمی‌کنید با این قدرت‌های فاسد، آنها از باب این که همه چیز را با چشم مادی ملاحظه می‌کنند، با چشم طبیعی حل و فصل اشیاء را می‌کنند. آنها نمی‌دانند که انبیای خدا چه رویت‌های داشتند؟ با ظالم چطور برخورد می‌کردند؟ یا می‌دانند و خودشان را به کوری و کری زده‌اند؟ سازش با ظالم، ظلم بر مظلومین است؛ سازش با ابرقدرت‌ها، ظلم بر بشر است. آنهايي که به ما می‌گویند سازش کنید، آنها یا جاهل هستند یا مزدور، سازش با ظالم؛ یعنی، این که دست ظالم را باز کن تا ظلم کند، این خلاف رای تمام انبیاست. انبیای عظام، تا آن جا که توانستند جدیت کردند که ظلم را

از این بشر ظالم بزدايند.» (همان، ج ۱۸، ص ۵۰۰)

امام امت در جای دیگر می‌فرماید: «شما [دولت‌های منطقه] متوقعید ما در مقابل آمریکا و اسرائیل و دیگر ابرقدرت‌ها که می‌خواهند منطقه را ببلعند، بی‌تفاوت باشیم؟ نه ما با هیچکدام از ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها سر سازش نداریم، نه تحت سلطه آمریکا می‌رویم و نه زیر بار شوروی. ما مسلمانیم و می‌خواهیم زندگی کنیم، ما می‌خواهیم زندگی فقیرانه داشته باشیم ولی آزاد و مستقل باشیم، ما این پیشرفت و تمدنی که دستان پیش‌اجانب دراز باشد را نمی‌خواهیم، ما تمدنی را می‌خواهیم که بر پایه شرافت و انسانیت استوار باشد و بر این پایه صلح را حفظ نماید. ابرقدرت‌ها می‌خواهند انسانیت انسان‌ها را تحت سلطه قرار دهند. و ما و شما [خطاب به گروهی از اعضای جنبش امل لبنان] و هر مسلمانی مکلف است در مقابل آنها بایستد و سازش نکند.» (همان، ج ۱۵، ص ۳۴۰-۳۳۹)

۶- حفظ استقلال

استقلال^۵ یک کشور به‌گونه‌ای است که زمامداری آن به هیچ وجه تابع زمامداری دیگر کشورها نباشد. بنابراین اصل، هر یک از دولت‌ها در اداره کشور خود دارای صلاحیت انحصاری و لازم‌الاجرا در اعمال حاکمیت هستند. (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۷۲)

استقلال دارای ابعاد گسترده‌ای است، لکن همه آنها با یکدیگر مرتبط هستند. مهم‌ترین آن عبارتند از استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، عدم وجود یا کاستی در هر یک از این ابعاد موجب مخدوش شدن اصل آن خواهد بود.

امام خمینی (امام خمینی رحمه الله)، با مهم دانستن این اصل اعلام می‌دارند: «استقلال و آزادی با وجود دخالت اجنبی از هر جنس و مسلک و مکتب، در هر امری از امور کشور، اعم از سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی خواب و خیالی بیش نیست... تمام بدبختی‌ها و گرفتاری‌های مسلمین از دخالت اجانب در مقدرات آنان است.» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۸۵-۴۸۶)

در تاریخ ۵۷/۱۰/۱۹ حضرت امام خمینی رحمه الله، در پاسخ به سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی، علت قیام ملت‌های مسلمان در برخی از کشورها را دستیابی به استقلال همه جانبه ذکر کرده و

می‌فرمایند: «در سال‌های طولانی، تبلیغات دامنه‌دار دولت‌های شرق و غرب موجب این شد که ملت‌های مسلم از آنان بازی بخورند و گمان کنند که ترقیات این کشورهای ضعیف، در گرایش به یکی از این دو ابرقدرت است. لکن به هر طرف که تمایل پیدا کردند، بعد از مدتی فهمیدند که آنها جز اسیر کردن اینها و بردن خزائن و غارت کردن مخازن آنها کار دیگری نمی‌کنند... با مطالعه تاریخشان درک کردند که تمام گرفتاری‌هایی که ملت‌ها پیدا کردند، از دست این ابرقدرت‌هاست، ناچار از آن ابرقدرت‌ها رویگردان شده‌اند.» (همان، ج ۵، ص ۴۰۵)

امام خمینی علیه السلام در جای جای سخنانشان، برداشتن زندگی فقیرانه اما آزاد و مستقل و بدون وابستگی به اجانب به‌ویژه وابستگی فکری و فرهنگی تأکید داشتند و در تاریخ ۵۸/۸/۸ در پیام‌شان به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد استقلال الجزایر می‌فرمایند: «مسلمین که در آستان این قرن، دردهای جانفرسای خود را یافته و از قدرت‌های شیطانی بزرگ جز گرفتاری‌های گوناگون و چپاولگری‌ها و جنایات چیزی ندیده‌اند باید با به هم پیوستگی صمیمانه و توجه به خداوند بزرگ و اسلام عزیز به فکر چاره برآیند. چاره و مقدمه اساسی آن است که ملت‌های مسلمان و دولت‌ها اگر ملی هستند کوشش کنند تا وابستگی فکری خود را از غرب بزدایند و فرهنگ و اصالت خود را بیابند و فرهنگ مترقی اسلام را - که الهام از وحی الهی می‌گیرد - می‌باشد بشناسند و بشناسانند.» (همان، ج ۱۰، ص ۳۹۵)

امام راحل در جای دیگر می‌فرماید: «هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند، الا اینکه خودش، خودش را بفهمد و تا مادامی که ملت‌ها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشاندند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند.» (همان، ج ۱۲، ص ۴)

۷- توجه به امکانات بومی، محلی و قدرت خود

یکی از روش‌های استعماری قدرت‌های سلطه‌گر، برای عقب‌نگه‌داشتن کشورهای اسلامی و مستضعف و به تعبیر خودشان کشورهای جهان سوم، ایجاد مانع بر سر راه پیشرفت و توسعه صنعتی و کشاورزی آنان است.

سلطه‌گران با ایجاد یک نظام استعماری در کشورهای جهان سوم هرگونه توسعه و بهبود وسایل تولید و در نتیجه استفاده صحیح از نیروی کار این کشورها را غیرممکن ساخته‌اند. اجبار و تشویق دولت‌های دست‌نشانده (در دنیای سوم) به خرید تسلیحات عظیم نظامی، تشویق به مصرف کالاهای لوکس و ایجاد صنایع مونتاژ- که خود وسیله‌ای برای بالا رفتن مصرف کالاهای غیرضروری است - از اقدامات آنها در این کشور به شمار می‌رود. مجموعه این اقدامات باعث می‌شود که از یک سو قدرت سرمایه‌گذاری دولت‌ها در تولید محصولات کشاورزی و صنعتی کاهش یافته و از سوی دیگر در اثر مهاجرت روستائیان به شهرها تولید مواد غذایی سیر نزولی را طی کند. در نتیجه به علت عدم توانایی سرمایه‌گذاری در بخش صنایع و کشاورزی، تولید محصولات داخلی کم شده و کشور به سوی یک جامعه مصرف‌کننده و متکی به واردات سوق داده می‌شود. در نهایت ایجاد شغل‌های جدید نیز دچار وقفه شده بدین ترتیب استخدام در ادارات دولتی به عنوان تنها راه تحصیل درآمد باقی می‌ماند. (الهی، ۱۳۶۷: ۵۹)

امام خمینی علیه السلام با شناخت و بصیرت کامل از این حربه استعمارگران در این باره می‌نویسد: نقشه آن است که ما را عقب نگهدارند، و به همین حالی که هستیم و زندگی نکبت باری که داریم نگهدارند، تا بتوانند از سرمایه‌های ما، از مخازن زیرزمینی و منابع و زمین‌ها و نیروی انسانی ما، استفاده کنند. می‌خواهند ما گرفتار و بیچاره بمانیم، فقرای ما در همین بدبختی بمانند و به احکام اسلام، که مسئله فقر و فقر را حل کرده است، تسلیم نشوند؛ بنابراین به مسلمانان جهان این گونه پیام داده‌اند: «ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید! بپاخیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید... بر فرهنگ اسلام تکیه کنید و با غرب و غرب‌زدگی مبارزه نمائید و روی پای خودتان بایستید... بدانید که قدرت معنوی شما بر همه قدرت‌ها چیره خواهد شد و قریب یک میلیارد جمعیت شما با خزائن سرشار و ثروت بی- پایان می‌تواند تمام قدرت‌ها را در هم شکنند.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۱-۲۱۲)

۸- تقویت روحیه خوداتکایی و خودباوری

از جمله نقشه‌های قدرت‌های استکباری که تأثیر زیادی در کشورهای اسلامی گذاشته و آثار آن تا حد زیادی بر جای مانده، از خود باختگی، به عبارتی «الیناسیون»^۱ است. استعمارگران برای تأمین مقاصد شوم خود و زیر سلطه بردن کشورهای ضعیف؛ فرهنگ و آداب و رسوم مذهبی آن کشورها را به سُخره گرفته تا آنها را از خود بی خود نمایند و به آنها القاء می‌کنند که هیچ نیستند و هرچه هست غرب است، در نتیجه بایستی برای تداوم حیات خود دست‌شان را به سوی غرب دراز کنند.

امام خمینی (رحمة الله علیه) در کتاب ولایت فقیه بعد از بیان نقش تخریبی و فاسد کننده استعمار در عقب‌ماندگی این کشورها به نقش عامل داخلی که باعث توسعه نیافتگی کشور شده است، اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وقتی کشورهای استعمارگر با پیشرفت علمی و صنعتی، یا به حساب استعمار و غارت ملل آسیا و آفریقا، ثروت و تجملاتی فراهم آوردند، اینها خود را باختند. فکر کردند راه پیشرفت صنعتی این است که قوانین و عقاید خود را کنار بگذارند. همین که آنها مثلاً به کره ماه رفتند، اینها خیال می‌کنند باید قوانین خود را کنار بگذارند! رفتن به کره ماه چه ربطی دارد به قوانین اسلامی؟ مگر نمی‌بینند که کشورهایی با قوانین و نظامات اجتماعی متضاد توانسته‌اند در پیشرفت صنعتی و علمی و تسخیر فضا با هم رقابت کنند، و با هم پیش بروند.» (امام خمینی (رحمة الله علیه)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)؛ ص ۲۰-۱۹)؛ امام راحل در جای دیگر می‌فرماید: «شما گمان نکنید که از غرب برای ما یک تحفه‌ای می‌آورند. شما گمان نکنید که از غرب برای ما چیزی می‌آورند که ما را مترقی کنند، ترقی به ما بدهند. غرب تا ما را در سطح پائین نگه ندارد، نمی‌تواند از ما استفاده کند کوشش آنها این است که ماها، این ممالک اسلامی، این مملکت مستضعف در یک سطح پائینی از همه امور باشیم. هر امری را که آنها برای ما بیاورند، یک امر استعماری است؛ یعنی اگر طب را برای ما بیاورند طب استعماری است، اگر دارو برای ما صادر کنند، آن هم استعماری است، اگر دانشگاه برای ما بخواهند درست کنند آن هم دانشگاه استعماری است، همه چیز را آنها می‌خواهند، به‌طوری درست کنند که برای خودشان نافع باشد و ما چشم و گوش بسته تسلیم آنها باشیم.» (صحیفه امام، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۳۷۲-۳۷۳)

(۳۷۱)

امام راحل با شناخت ژرف نگرانه از این بلیّه، خودباختگی را سرمنشأ همه گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها معرفی نموده و روحیه خود اتکایی و خودباوری را تنها راه رهایی از آن گرفتاری‌ها و مهم‌ترین عامل در کسب پیشرفت، توسعه و استقلال کشور برشمردند. چنان‌که می‌فرمایند: «هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند، الا اینکه خودش، خودش را بفهمد و مادامی که ملت‌ها خودشان را گم کرده‌اند و دیگران را به جای خودشان نشانده‌اند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند.» (همان، ج ۱۲، ص ۴)

راه مقابله با خودباختگی و کسب خودباوری تحول فرهنگی یعنی عدم وابستگی فکری و مغزی به غیر اسلام چرا که: «تا این وابستگی مغزی و فکری از بین نرود، رشد حقیقی پیدا نمی‌شود و شما هم نمی‌توانید مستقل بشوید، شما اگر بخواهید از همه وابستگی‌ها خارج بشوید، اول این وابستگی مغزی را، قلبی را کنار بگذارید.» (همان، ج ۱۲، ص ۶)

۹- تقویت بنیه فرهنگ خودی و گسترش آن

اهتمام به هویت اصلی خویش و پاسداری از آن، مایه سرفرازی در میان ملل دنیا و نشان از استقلال فرهنگی و در نهایت استقلال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

از نظر امام خمینی علیه السلام فرهنگ مهم‌ترین مولفه‌ای است که می‌تواند هر ملتی را به تباهی، و یا به اوج عزّت و قدرت بکشاند. هیچ ملتی نمی‌تواند به مجد و عظمت خود برسد، مگر اینکه فرهنگ و اصالت خود خود را باز یابد، چرا که اساساً فرهنگ هر جامعه استقلال، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. از این رو امام راحل در این باره می‌فرمایند: «تردید نیست که جهان‌خواران برای به‌دست آوردن مقاصد شوم خود و تحت ستم کشیدن مستضعفان جهان، راهی بهتر از هجوم به فرهنگ و ادب کشورهای ضعیف ندارند. زیرا با تربیت غربی یا شرقی معلم و استاد است که دبستان‌ها و دبیرستان‌ها محل‌هایی می‌شوند، مجهز برای تربیت غربی یا شرقی جوان‌هایی که دولت‌مردان و دست‌اندرکاران آتیه کشورهایند. و با این گونه تربیت است که جوانان با گرایش به یکی از دو قطب قدرت، راه را برای مستکبرین جهان در به‌دام کشیدن کشورهای مستضعف به‌صورتی

شایسته و بدون زحمت و دستیازی به سلاح‌های نظامی زنگ‌زده باز می‌نمایند. برای آنان، چه‌راهی بهتر از آن‌که با دست قشری از بومی‌های هر کشور، ملت‌ها را بی‌سر و صدا بلکه با شوق و رغبت به سوی مقاصد آنان کشیده تا دسترنج ملت‌ها و ذخایر کشورها را با عرض ارادات و ادب و قبول منت از اربابان تقدیم آنان نمایند. کشورهای مستضعف جهان، اگر بخواهند از دام‌های شیطنت‌آمیز قدرت‌های بزرگ تا آخر نجات پیدا کنند، چاره‌ای جز اصلاح فرهنگ و استقلال آن ندارند.» (امام خمینی رحمة الله عليه، ج ۱۵، ص ۴۴۶-۴۴۷)

۱۰- تشکیل هسته‌های مقاومت در جهان

ساختار نظام جهانی در واقع تسلط ظالم بر مظلوم در تمامی ابعاد آن اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اجتماعی می‌باشد، از این رو، نظام حاکم بر روابط بین‌المللی یک رابطه ظالمانه، زورگویانه و غیرانسانی است.

ملل مسلمان و مستضعف در چنین جهانی اسیر و گرفتار ظلم و تحت سلطه ظالمین و کفار (استکبار جهانی) بوده و در بدبختی و مشکلات به‌سر می‌برند. بر همین اساس، تحمل این شرایط به‌مصادق حدیث نبوی «من سمع رجلاً ینادی، للمسلمین فلم وجبه فلیس بمسلم» و فرمایش امیرالمؤمنان حضرت علی علیه السلام «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» و همچنین برپایه شرافت و عزت «حقوق انسانی»، به هیچ وجه مورد تحمل و قبول یک مسلمان، به‌ویژه رهبران و نخبگان اسلامی نمی‌باشد.

رهبر کبیر انقلاب ضمن دعوت از ملل اسلامی و مستضعف مبنی بر تحمل هرگونه مرارت و سختی، و بسیج همه توانمندی‌های بالفعل برای بی‌نیاز کردن جامعه از بیگانگان و اکتفا به توانایی‌های خویش، برای برهم زدن تعادل قوا در جهان استراتژی آزادسازی انرژی متراکم جهان اسلام را ارائه می‌نمایند و می‌فرماید: «ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم، و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت.» (همان، ج ۲۱، ص ۸۰)

امام راحل همچنین می‌فرماید: «مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به‌نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود و در روز شیطان بزرگ [آمریکا] یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به‌وجود می‌آورند.» (همان، ج ۲۱،

۱۱- برقراری روابط حسنه با یکدیگر

جوامع بشری به طریق اولی برای تداوم حیات، رفع حوائج و به‌ویژه ایفای نقش برجسته و گسترده در جهان، نیازمند برقراری رابطه با محیط خارج از خود بوده است. امام خمینی علیه السلام با شناخت این مسأله، به‌منظور تحقق اهداف جهانی اسلام و یعنی عملی شدن امت واحده و انجام تکالیف در برابر ملل اسلامی و مستضعف‌جهان، بر سیاست انزواگرایی خط‌بطلان‌کشیده و به‌برقراری رابطه با کشورها - البته با رعایت حد و حدود آن یعنی حفظ عزت و عظمت اسلام و مسلمین و عدم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری تأکید داشت.

از این رو امام خمینی علیه السلام خطاب به‌سران کشورهای اسلامی اعلام می‌دارند: «روابط ما با دولت‌های اسلامی... همیشه باید قوی باشد. دولت‌های اسلامی باید به‌منزله یک دولت باشند. کانه یک جامعه هستند، یک پرچم دارند، یک کتاب دارند، یک پیغمبر دارند، اینها همیشه باید با هم متحد باشند، با هم علاقه‌های همه جانبه داشته باشند و اگر چنانچه این آمال حاصل بشود که بین دولت‌های اسلامی از همه جهات وحدت پیدا بشود، امید است که بر مشکلات خودشان غلبه کنند و یک قدرتی بزرگتر از قدرتهای دیگر در مقابل سایر قدرتها باشند.» (همان، ج ۷، ص ۱۹۹)

در جای دیگر می‌فرماید: «امیدوارم که مسلمین و ملت‌های اسلامی همان‌طور که دستور اسلام و قرآن مجید است با هم برادر باشند و نسبت به دشمنان انسانیت، [و] کشورهای اسلام با شدت و قدرت رفتار کنند و این حاصل نمی‌شود الا به اینکه از اختلافات جزئی که بین دولت‌ها هست دست بردارند و مثل برادر هم باشند. این اختلاف موجب بهره‌بردای دشمن‌های اسلام و مسلمین است. باید از این بهره‌برداری جلوگیری بشود به وحدت اسلامی و این که همه در تحت لوای اسلام و قرآن مجید مجتمع بشوند، زیرا آن‌طور که قرآن دستور داده است، «رحماء» بینهم و «اشداء» بر کفار باشد.» (همان، ج ۹، ص ۲۷۳)

۱۲- الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران که با مبارزات مستمر و تاریخی مردم به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام با الهام از مکتب اسلام علیه حکومت وابسته محمد رضا پهلوی و حامیان غربی آن و به‌ویژه آمریکا از سال ۱۳۴۲ هـ.ش آغاز، و در بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، نشان داد که تنها مکتبی است که می‌تواند مردم را از زیر سلطه غرب و شرق خارج کند. چرا که دین

اسلام مهم‌ترین و کامل‌ترین دین الهی است که برای سعادت و خوشبختی بشر، در تمامی جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسان و مطابق با نیازهای مادی و معنوی او قوانین و مقرراتی وضع کرده است که می‌تواند او را بر مشکلات فائق سازد.

دستاوردهایی که انقلاب اسلامی ایران در داخل و خارج از کشور داشت، می‌تواند بهترین الگو برای ملل اسلامی و مستضعف جهان باشد. حاکمیت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله نفی مظاهر فرهنگی غرب، کسب استقلال و آزادی، شکستن اُبهت آمریکا به‌ویژه اتکای به اصل خدشه‌ناپذیر حاکم بر سیاست خارجی یعنی «نه شرقی و نه غربی» که مبتنی بر نفی سلطه و سلطه‌گری است از جمله این دستاوردها است.

زمانی که جهان به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شده بود و شاه نیز به عنوان یکی از مهره‌های اصلی آمریکا در خاورمیانه - ژاندارم منطقه - سیاست‌های استعمارگرانه از راه پیاده می‌کرد و بقیه کشورهای مسلمان و جهان سومی نیز تحت سیطره یکی از دو قطب حاکم بودند، انقلاب اسلامی ایران با طرح شعار نه شرقی و نه غربی در مقابل نظام سلطه حاکم بر جهان همچون کوهی استوار ایستاد و استقلال خود را حفظ کرد. (علی‌آبادی، ۱۳۷۲: ۳۵۸)

فصل پنجم

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امام خمینی رحمته الله علیه امر دفاع را یک واجب عینی و حتی از نماز هم با اهمیت‌تر می‌دانند. به عبارت دیگر ایشان دفاع و جهاد در اسلام را در رأس بقیه مسائل می‌دانند و علت این تکلیف را نیز حفظ اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانند.

در نتیجه می‌توان دریافت که هسته اصلی اندیشه دفاعی امام خمینی رحمته الله علیه در کلیه ابعاد، که حول محور آن شکل می‌گیرد، اسلام است. دفاع از نظر امام خمینی رحمته الله علیه از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به طوری که آن را پرورش‌دهنده جوهرانسانیت و مایه‌پرواز شجاعت در انسان می‌داند. امام جنگ و دفاع را ابزاری می‌داند که با آن موانع از سر راه و تکامل جوامع اسلامی برداشته می‌شود.

دفاع نظامی در بینش فقهی امام خمینی رحمته الله علیه حوزه وسیع‌تری دارد، زیرا جهاد دفاعی، اختصاص به حمله نظامی دشمن ندارد، بلکه هر نوع حمله‌ای که به مسلمانان بشود، اعم از حمله فرهنگی، اقتصادی یا سیاسی، در همه این موارد دفاع واجب است. چرا که در واقع حمله به اصل اسلام است. در بینش امام خمینی رحمته الله علیه از اهداف مهم جهاد دفاعی، حفظ موجودیت اسلام است، بدون انگیزه و توان دفاعی، حفظ اسلام عملاً غیرممکن است. پس قوام اسلام بر توان دفاعی مسلمانان استوار است. بنابراین حفظ نظام جمهوری اسلامی، فراتر از حوزه نظامی است و مسلمانان به عنوان یک تکلیف شرعی، باید در قلمرو فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به دفاع از اسلام برخیزند و این امر از مصادیق دفاع همه جانبه است. به همین خاطر است که امام راحل می‌فرماید که دفاع از اسلام و مسلمین مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و از نظر امام خمینی رحمته الله علیه وظیفه یک مسلمان در دورترین نقطه جهان، همانند وظیفه‌ای است که یک مسلمان فلسطینی در شهر بیت المقدس دارد.

برای دست‌یافتن به یک نتیجه‌منطقی در این تحقیق می‌توان شیوه‌های گوناگونی را به‌کاربرد، اما بهترین راه رسیدن به هدف تحلیل شخصیت خود امام خمینی علیه‌السلام است. به‌طور کلی اندیشه دفاعی امام خمینی علیه‌السلام دارای یک چهارچوب، سیستم و کلیت جامع است، که محور این اندیشه‌ها حفظ اسلام و کشور بر مبنای تبیین و ترسیمی است که امام خمینی علیه‌السلام از نظر نظام بین‌الملل و نظام جهانی در تفکر خود داشتند استوار است. اندیشه‌دفاعی امام خمینی علیه‌السلام به معنای عام از موضع دفاع از اسلام در برابر غرب است، در حالی که امام خمینی علیه‌السلام در حوزه مسائل جنگی به‌عنوان یک فقیه و فرمانده خیلی موثق به‌جنگ نگاه نمی‌کرد.

اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی علیه‌السلام همراه با استراتژی دفاع همه‌جانبه ایشان به‌معنای دفاع هماهنگ، در همه حوزه‌ها و به همه طرق و وسایل و با همه امکانات و توان است. این دفاع ریشه در احکام اسلامی دارد. به‌طور کلی اسلام برای مسأله دفاع دو نوع حکم دارد. احکامی که به فرد مسلمان مربوط است و احکامی که به کلیت امت اسلامی به‌عنوان کل واحد مربوط است، به‌عبارت دیگر به حکومت اسلامی یا ولایت اسلامی مربوط است. در عین حال مسأله دفاع دو رکن عمده را در بر می‌گیرد:

الف - رهبری و ولایت اسلامی به‌معنای ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و این‌که مسأله دفاع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ادله ضرورت تشکیل حکومت اسلامی مطرح می‌گردد.

ب - آگاهی و قیام عمومی: ایجاد آگاهی عمومی و توسعه آن و برانگیختن قیام عمومی علیه نظام سلطه جهانی نیز برعهده رهبری اسلامی است.

بر مبنای همین اصول بود که امام خمینی علیه‌السلام حکم «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه...» را به‌عنوان امر آماده‌باش و بازدارندگی در دوران صلح و آرامش می‌دانند و هرگاه مسلمانان این کار را انجام داده و وضعیت دفاعی خود را منطبق با نیازها و آرمان‌های خود ساخته‌اند، توانسته‌اند عظمت تاریخی خود را احیا کنند و در غیر این صورت برای قرن‌ها در مسیر افول و زوال قرار گرفته‌اند.

امام استراتژی دفاع همه‌جانبه را توسعه تدریجی قدرت دانسته و آن را قرار گرفتن در مقابل نظام جهانی سلطه و برهم‌زدن تعادل قوا در جهان که به‌معنای بالفعل‌سازی و بسیج کل توان‌های بالقوه است، می‌داند. برخی از استراتژی‌هایی که در این مسیر می‌توان به آنها استناد کرد.

عبارتند از:

۱- استراتژی آزادسازی انرژی متراکم جهان اسلام، به عنوان مثال: تشکیل بسیج و هسته‌های مقاومت و ارتش بیستمیلیونی؛

۲- استراتژی فتح سنگرهای کلیدی جهان و به‌ویژه علم و تکنولوژی به عنوان مهم‌ترین سنگرهای کلیدی قدرت؛

۳- استراتژی تصاحب ابزار کلیدی قدرت، به عنوان مثال، قدرت نظامی و تسلیحاتی بالا.

یکی از انواع جهاد که در نزد همه ملل و اقوام مورد توجه بوده است و دین اسلام نیز بر آن تأکید فراوان دارد، جهاد دفاعی می‌باشد. به لحاظ این که جنگ هشت‌ساله تحمیلی عراق علیه ایران نیز از این نوع بوده و بحث اصلی نیز پیرامون آن است. بنابراین از دیدگاه امام علیه السلام مهم‌ترین هدف از انجام جهاد دفاعی حفظ اسلام است و پایه سیاست و استراتژی دفاعی امام خمینی علیه السلام نیز بر مبنای دفاع همه جانبه از اسلام قرار دارد. همچنین در اندیشه حضرت امام خمینی علیه السلام آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی بسیار مهم و نقش‌آفرین هستند. زیرا از نظر امام راحل انسان با توجه به سه حوزه اندیشه، اخلاق و عمل، دارای سه مقام است و در هر یک از این مقامات، باید تربیت مخصوصی نسبت به آنان انجام شود.

حضرت امام خمینی علیه السلام سه اقدام راهبردی را در قبل از ایجاد جنگ ایران و عراق مورد تأکید قرار دادند. اولین اقدام راهبردی حضرت امام علیه السلام تعریف آمریکا و عراق به عنوان یک تهدید برای امنیت کشور و منطقه بود و همچنین کلیه تحولات امنیتی در داخل را در یک سیکل به هم پیوسته در داخل و خارج و در چارچوب سیاست‌های آمریکا علیه انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و با هدف جلوگیری از استقرار و برقراری نظام تعریف می‌کند و همین فرمایشات حضرت امام علیه السلام باعث می‌شود که یک فضای ذهنی در مردم به وجود بیاید که حاصل از این تعصبات بوده و به هنگام تجاوز عراق علیه ایران نقش بسیار مؤثری بر اعتماد به نفس مردم و تسلط روحی و روانی مردم، برای مقابله با تجاوز داشت. دشمن آمد که یک شوکی وارد کند و تعادل روحی و روانی مردم ایران را به هم بزند. که در حقیقت مردم قبل از آغاز جنگ تربیت شده بودند.

دومین اقدام راهبردی حضرت امام خمینی علیه السلام اقدامی دیگر بود که امام خمینی علیه السلام آمد و در چارچوب این مفهوم‌سازی به‌عنوان یک اقدام استراتژیک ارتش ۲۰ میلیونی را برای دستیابی به‌بازدارندگی در برابر مداخله نظامی احتمالی آمریکا تشکیل داد. یعنی ۱۱ ماه قبل از شروع جنگ تحمیلی، خوب مدل رفتاری حضرت امام خمینی علیه السلام اینجا شکل گرفت. به‌علاوه امام خمینی علیه السلام نسبت به توانمندی نیروهای کلاسیک نگران بود و برای مقابله با تهدیدات آمریکا، اساساً برگرفته از مدل پیروزی انقلاب و با تکیه بر حضور میلیونی مردم در صحنه مبارزه، این پیش‌بینی امام خمینی علیه السلام نیز به اثبات می‌رسد. یعنی اگر سال‌های اول و دوم جنگ را مطالعه قرار دهیم، این مطلب به‌خوبی به اثبات می‌رسد هنگامی که ما در اوایل جنگ سرعت‌گرفتیم و بر دشمن غلبه کردیم زمانی بود که نیروهای مردمی و سپاه و ارتش یکی شدند و حاصل این اتحاد و یکپارچگی نیروهای مسلح در سال دوم جنگ، آن شد که آن همه پیروزی‌های جنگی برای ایران اسلامی به ارمغان آورده شد.

سومین اقدام راهبردی که مورد تأکید حضرت امام خمینی علیه السلام قرار گرفت، اعلام حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش به‌عنوان یک سیاست و دکترین تهاجمی بود و این اقدام مهم به‌عنوان یک سیاست و دکترین بازدارندگی امام خمینی علیه السلام با افزایش تهدیدات آمریکا علیه ایران در بهمن ۱۳۵۸ رسماً اعلام فرمود. بدین صورت حضرت امام خمینی علیه السلام سه اقدام راهبردی را مورد تأکید قرار دادند و شاید هر سه اقدام راهبردی هم در نیمه دوم سال ۱۳۵۸ بوده هنگامی که ما هنوز وارد سال ۵۹ نرسیده بودیم و هنوز در آن دوران جنگی اتفاق نیافتاده بود و هم تشکیل بسیج را که امر فرموده بودند که ایجاد بشود و با صدور فرمان تشکیل بسیج در ۷ آذر ۱۳۵۸، یعنی ۱۱ ماه قبل از جنگ بود که هم آن اقدام اول و هم آن اقدام سوم را که حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش بود اعلام نموده بودند.

در این فصل آموزه‌های دین مقدس اسلام به‌عنوان یکی از اصول و مبانی مکتب اسلام و یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت جهاد و دفاع، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. بنابر این آموزه‌های اعتقادی و نظامی و پایبندی به اصول جنگ در اسلام و هنر جنگ در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و کاربردی کردن آنها در شرایط جنگی و مخصوصاً در دوران دفاع مقدس و اعمال آنها در بینش و مدیریت عالی جنگ به وسیله امام خمینی علیه السلام به‌عنوان فرماندهی کل‌قوا برای

عملکرد نیروهای مسلح بسیار مؤثر و تصمیم‌ساز بوده است.

امام خمینی علیه السلام در دوران حیات خود و در زمان مدیریت نیروهای مسلح معتقد بود که جبهه دفاعی مسلمانان تنها به حدود و ثغور جغرافیایی محدود نمی‌شود، هر چند حدود مرزها و قلمرو جغرافیایی را می‌شود با دفاع نظامی حفظ کرد؛ اما دفاع مهم‌تر و عظیم‌تر، دفاع از مرزهای عقیدتی اسلام است که قلمرو آن به شعاع اندیشه نورانی اسلام و نفوس مسلمین است؛ یعنی در هر کجای جهان، اگر علیه اسلام توطئه‌ای می‌شود و یا دشمنان برای بد نام کردن اسلام و رهبران آن شیطنت می‌کنند، وظیفه هر مسلمان است که دفاع کند.

امام خمینی علیه السلام روی بحث دفاعی و مسائل نظامی بر این مطلب اعتقاد داشت که اقتدار ما و توانمندی ما روی بحث معنویت ما است، یعنی یکی از مؤلفه‌های بسیار مؤثر در نظام دفاعی امام خمینی علیه السلام بحث معنویت است. گرچه در هر جنگی، عوامل مادی و عوامل معنوی در کنار یکدیگر، سرنوشت اصلی جنگ را مشخص می‌کنند، اما می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که به لحاظ اهمیت بیشتر عوامل معنوی به عنوان عوامل برتری‌ساز، پیروزی در جنگ سریع‌تر به دست آید.

بنابر این پیروزی در جنگ چیزی جز توجه به عوامل معنوی در نگاه اول و تلاش در سایه ابزار مادی به دست نمی‌آید و بیشتر پیروزی‌هایی که در نبردهای مختلف در طول دوران مختلف و خصوصاً در دوران دفاع مقدس حاصل گردید، برآیند ترکیب دو عامل معنوی و مادی است، به عبارتی دیگر، سخن از عوامل معنوی به عنوان بستر اصلی عوامل مادی، در پیروزی‌ها بوده است.

حضرت امام خمینی علیه السلام همیشه اصل را بر صلح و عدم تجاوز و پرهیز از جنگ و خونریزی قرار می‌داد. تا جایی که توجه امام خمینی علیه السلام آن قدر در مورد صلح معطوف بود که در مورد نهی از جنگ می‌فرمایند: «اگر ما قدرت داشتیم، اصلاً باروت را از بین می‌بردیم». (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۱۸) این مطلب به خوبی می‌تواند عقیده محکم و راسخ امام خمینی علیه السلام را به‌گزین صلح در درجه اول معطوف نماید و خود بیانگر اندیشه صلح‌طلبی امام خمینی علیه السلام در راهبرد دفاعی ایشان است.

با توجه به آنچه در بخش‌های قبلی گفته شد، می‌توان به اختصار «اصول و مبانی اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام» را در زیر بیان نمود:

- ۱- اعتقاد به نصرت الهی
- ۲- حفظ اسلام به عنوان یک اصل مهم
- ۳- جهاد دفاعی به عنوان یک اصل دفاعی در اسلام
- ۴- عمل به آموزه‌های اعتقادی اسلام
- ۵- عمل به آموزه‌های نظامی اسلام
- ۶- دفاع به عنوان انجام تکلیف الهی
- ۷- بسیج عمومی، صلح طلبی، امدادهای غیبی
- ۸- استفاده از اصل سادگی، دفاع از استقلال سیاسی
- ۹- دفاع از تمامیت ارضی
- ۱۰- اعتقاد به اصول جنگ در اسلام
- ۱۱- نقش رهبری ولی فقیه
- ۱۲- مردمی کردن دفاع

در نظام اسلامی و به طبع آن، اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام نیز متأثر از اندیشه نظامی اسلام است. زیرا در اسلام جنگ تهاجمی اصالت ندارد؛ چرا که هویت و درون‌مایه دین اسلام، صلح و آرامش است. بنابراین می‌توان دریافت که با توجه به این که رویکرد امام خمینی علیه السلام به مسائل دفاعی یک رویکرد راهبردی متأثر از اندیشه نظامی اسلام می‌باشد که مؤلفه‌های اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام را سه ضلع یک مثلثی تشکیل می‌دهند که مبنای این اندیشه «ارزش محوری» به عنوان عامل اصلی در رأس قرار داشته و «انسان محوری» و «توان محوری» اضلاع دیگر مثلث را تشکیل می‌دهند.

نتایج حاصل از مطالعه و استخراج منابع و مکتوبات امام خمینی علیه السلام بیانگر این موضوع است که «مؤلفه‌های اصلی الگوی راهبردی دفاعی بر اساس اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام» را می‌توان به اختصار در سه مؤلفه اصلی، یعنی ارزش محوری، انسان محوری و توان محوری تفکیک کرده و هر کدام را به شرح زیر بیان نمود:

- ۱- **ارزش محوری:** اسلام محوری؛ اعتقاد به نصرت الهی؛ دفاع به عنوان انجام تکلیف الهی؛ دفاع از ارزش های دینی؛ تکلیف محوری و شهادت طلبی.
- ۲- **انسان محوری:** مردمی کردن دفاع؛ نهراسیدن از دشمن؛ ارتقای روحیه؛ تأکید بر حفظ انسجام و وحدت؛ ایجاد اعتماد به نفس و روحیه خودباوری.
- ۳- **توان محوری:** تقویت بنیه دفاعی؛ ضرورت خودکفایی؛ حفظ آمادگی؛ ایجاد موازنه قوا؛ ایجاد بازدارندگی در نیروهای مسلح.

بنابراین، «اندیشه نظامی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه ای کامل از اصول و مبانی دینی-ارزشی، ویژگی های مردم شناختی، جامعه شناسی و دشمن شناسی بوده که بر اساس اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمة الله علیه) و برآمده از تجربه های عملی دوران دفاع مقدس و مبتنی بر تدابیر رهبری آن پیر فرزانه انقلاب اسلامی می باشد.»

دفاع از مرزهای عقیدتی، دفاع از مسلمین، جلوگیری از تهاجم همه جانبه کفر، دفاع در برابر استیلای سیاسی بیگانگان، دفاع از ارزش های دینی، شهادت طلبی به عنوان یک فاکتور مهم در پیروزی، جنگ تا رفع فتنه، صلح طلبی به عنوان یک اصل مهم، تشکیل ارتش بیست میلیونی به عنوان یک اقدام استراتژیک، نقش معنویت در پیروزی، حمایت از نهضت های آزادی بخش، استقامت و پایداری در برابر مشکلات، برخورداری از یک هدف مقدس، برخورداری از پشتیبانی مردمی، صدور انقلاب اسلامی به جهان، دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان، دفاع از منافع بین المللی جهان اسلام، تأکید بر نیروهای مردمی در جنگ، دفاع از وحدت کشورهای اسلامی بوده است.

امام خمینی (رحمة الله علیه) در برابر هجمه سیاسی دشمنان به عنوان یکی از اهداف مهمی که در پشت آن، هدف ضربه به پیکره اسلام و انقلاب اسلامی را به دنبال داشت، قدرتمندانه توانست نظام جمهوری اسلامی را تثبیت کند و صدور انقلاب و انتقال ارزش های آن به کشورهای اسلامی و جهان را تسهیل نماید، مبارزه دائمی با ظلم و استکبار جهانی و حمایت از محرومان و مستضعفان را در دستور کار خود قرار داد و با احیای اقتدار و عزت مسلمین و بیداری امت اسلامی را به عنوان اهداف مهم سیاسی دنبال نماید.

یکی از بزرگترین مشکلات و معضلاتی که امام خمینی (رحمة الله علیه) از آغاز انقلاب اسلامی به طور

دقیق بدان توجه کرده و تا آخرین لحظات حیات خود مردم را به آن هشدار دادند، تهاجم فرهنگی استکبار به نظام جمهوری اسلامی ایران بود. نفوذ در نظام آموزشی، یکی از مهم‌ترین راه‌های سلطه فرهنگی است که طی آن استکبار توانسته است، نیروی انسانی مورد نیاز خود مبنی بر پیروی از منویات آنان را در برخی از کشورهای جهان سوم تربیت نماید. به جهت دفاع و مقابله با چنین ترفندهایی، لازم بود که با برنامه‌ریزی دقیق و اجرای آموزش‌های صحیح، همه آحاد مردم با تبلیغات سودمند و به موقع از فرهنگ غنی اسلامی- ملی بهره‌مند شده تا بتوانند با استفاده از این آموزش‌ها و تبلیغات در مقابله با هجمه و تهاجم فرهنگی دشمن عملاً از دستاوردهای انقلاب دفاع نمایند.

تهاجم اقتصادی علیه کشورهای جهان سوم و ملل اسلامی از روشن‌ترین چهره‌های تهاجم استکبار بود که در این تهاجم به‌خوبی می‌توان نمود آن را در ابزار و امکانات روزمره فردی و اجتماعی و سیستم‌های تأمین‌کننده نیازهای مادی مشاهده نمود. قدر مسلم طراحی و اجرای برنامه‌های اقتصادی صحیح و نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی و ملی می‌تواند اثرات منفی سلطه اقتصادی دشمنان را خنثی نماید. ولی از آنجایی که اجرای تحولات اقتصادی به راهبردهای کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت نیازمند است. لذا بیش از هر عامل دیگر بایستی به عوامل مؤثر در نیازمندی‌های جامعه و قطع وابستگی توجه شود. اهدافی مانند؛ حفظ منافع ملی و ذخایر ارضی، تحقق قسط و عدالت اجتماعی، خودکفایی صنعتی و فناوری، تأمین امنیت مالی و اقتصادی جامعه، قطع سلطه بیگانگان، مبارزه با رفاه‌طلبی و مصرف‌گرایی و قطع وابستگی از بیگانگان از اهدافی است که امام خمینی ره برای دفاع در مقابله با تهاجم اقتصادی روی آنها تأکید داشته‌اند.

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد می‌توان ابعاد دفاع در اندیشه دفاعی امام خمینی ره را در شش بعد به شرح زیر بیان نمود:

- | | |
|----------------|---------------|
| ۱- بعد سیاسی | ۲- بعد فرهنگی |
| ۳- بعد اقتصادی | ۴- بعد نظامی |
| ۵- بعد معنوی | ۶- بعد مردمی |

راهبرد دفاعی با تأکید بر نیروهای مردمی در زمره مهم‌ترین راهبردهای دفاعی در اندیشه امام خمینی ره محسوب می‌گردد. به همین منظور نیز امام خمینی ره در بعد دفاعی بر

تحکیم دو جبهه رزمی و معنوی تأکید داشته و در این خصوص به آمادگی دفاعی نیروهای غیرنظامی و نیز بسیج معنوی و ارتقای روحیه معنوی بیشتر توجه می نمودند.

انجام تکلیف الهی و فداکاری لازمه و از ضروری ترین مسائل انقلاب محسوب می شود. لذا فراگیر شدن فرهنگ شهادت طلبی از برجسته ترین زوایای اندیشه دفاعی امام خمینی (علیه السلام) می باشد که نشانه موج اسلام گرایی و آزادی خواهی در میان ملت های جهان شناخته می شود. شهادت در مکتب سیاسی امام خمینی (علیه السلام) ضمن کسب بالاترین رتبه معنوی به عنوان شالوده راهبرد بازدارندگی در اسلام نیز محسوب می گردد. در اندیشه دفاعی امام خمینی (علیه السلام) شهادت، مظهر تحول درونی جامعه اسلامی، تحول در محیط ادراکی و روان شناختی فردی و مظهر ایمان، بردباری و سند ایمان و تعهد به اسلام و شهادت مظهر حیات جاوید و نشانه آگاهی و ایمان قلبی به مبدأ و معاد و عروج به مقام ربوبی قلمداد می شود.

دفاع از ملت های اسلامی و مستضعف و نهضت های آزادی بخش جهان به عنوان یکی از اهداف راهبردی امام خمینی (علیه السلام) در روند مبارزاتی ایشان، در طول انقلاب اسلامی بود. این راهبرد در عین حال بخشی از صدور انقلاب اسلامی نیز بود که از ابتدا به عنوان بخشی از اهداف امام خمینی (علیه السلام) محسوب می شد. زیرا اصل اساسی نهضت امام خمینی (علیه السلام) بر مبنای «لا تظلمون و لا تظلمون» بوده و این اصل باعث می شد تا حمایت از تمامی حرکت های آزادی بخش در زمره اهداف جمهوری اسلامی قرار گیرد. امام خمینی (علیه السلام) عمل نکردن به دستورات اسلام و تعالیم قرآن، نبودن رشد سیاسی، متحدنبودن و نداشتن تفاهم در بین کشورهای اسلامی را از عوامل ضعف مسلمانان در برابر رژیم اشغالگر قدس می دانستند. امام خمینی (علیه السلام) قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به طوری که اعلامیه ها و نوشته های ارزشمند ایشان نشان می دهد، دفاع از فلسطین و دشمنی با صهیونیسم را سرلوحه سیاست و خط مشی سیاسی خود قرار دادند و بعد از انقلاب اسلامی با ایجاد زمینه های مناسب و همسو با حرکت های اسلامی و جنبش های انقلابی، به عنوان بزرگ ترین رهبر مبارزاتی با سیاست های ضدطاغوتی و استکباری در ایران و جهان نام گرفت.

راهبردهای دفاع از امت اسلامی در اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

- قیام مسلمین برای خدا و اسلام؛
- اتحاد مسلمین؛
- اقدام مردمی در کشورهای اسلامی؛
- به کار بردن سلاح نفت؛
- رد هرگونه سازش با رژیم اشغالگر قدس؛
- الگو قراردادن ملت ایران؛
- تکیه ملت‌های مسلمان به خود.

منابع و مأخذ

(۱) منابع دینی

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ پنجم (۱۳۸۱)، تهران، موسسه فرهنگ انتشاراتی زهد.
- صحیفه سجادیه، ترجمه و نگارش جواد فاضل، دعای ۱، چاپ سیزدهم (۱۳۶۱)، انتشارات امیرکبیر.
- انجیل، عیسی مسیح، چاپ اول (۱۳۶۲)، تهران، انتشارات آفتاب عدالت.
- امام خمینی رحمته الله علیه، ولایت فقیه، (حکومت اسلامی)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- امام خمینی رحمته الله علیه، تحریر الوسيله - جلد ۲، ترجمه فارسی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ ۱۳۸۵.
- امام خمینی رحمته الله علیه، آداب الصلاه، چاپ اول (۱۳۷۸)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- امام خمینی رحمته الله علیه، ره عشق، چاپ سوم (۱۳۷۰)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- امام خمینی رحمته الله علیه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ دوم (۱۳۸۲)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- امام خمینی رحمته الله علیه، شرح چهل حدیث، چاپ سی و یکم (۱۳۸۳)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- امام خمینی رحمته الله علیه، کشف اسرار (بی تا)، قم، انتشارات آزادی.
- امام خمینی رحمته الله علیه، در جستجوی راه از کلام امام، چاپ دوم، دفتر ۲، دفتر ۱۴ و دفتر ۲۲ (۱۳۶۳)، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه امام، چاپ پنجم، ج ۱ تا ۲۲ (۱۳۸۹)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.

(۲) کتب

- انصاری، حمید، (۱۳۸۶)، حدیث بیداری، چاپ سی و دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- اصول و قواعد اساسی رزم، (۱۳۷۵)، چاپ سوم، شیراز، چاپخانه مرکز آموزش پیاده.
- الهی، همایون (۱۳۶۷)، امپریالیسم و عقب ماندگی، تهران، انتشارات اندیشه.

- آیتی، علی (۱۳۷۴)، تاریخ پیامبر اسلام ﷺ، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۶۶)، تاریخ پیامبر اسلام ﷺ، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- آشنایی با مبانی دفاع مقدس (۱۳۹۱)، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، چاپ اول، تهران.
- بنی‌لوحی، سیدعلی (۱۳۷۸)، مبانی دفاع از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه در دفاع مقدس با تحلیلی مقایسه‌ای، چاپ دوم، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس (۱۳۹۰)، نقش مراجع و روحانیت در دفاع مقدس، چاپ اول، تهران.
- تاریخ سیاسی معاصر ایران، (۱۳۸۳)، چاپ اول، تهران، انتشارات زمزم هدایت، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- جوادی‌آملی، عبدالله، (۱۳۷۵)، بنیان مرصوص امام خمینی رحمته الله علیه، قم، نشر اسراء.
- جمشیدی، محمد حسین، (۱۳۸۳)، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- جمشیدی، محمد حسین، (۱۳۸۰)، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- جبران، مسعود، (۱۳۷۲)، «الرائد» ترجمه دکتر رضا انزایی نژاد، چاپ اول، مشهد، مؤسسه چاپ و نشر آستان قدس رضوی.
- حاج صادقی، عبدالله، (۱۳۸۹)، جزوه درسی دانشگاه عالی دفاع ملی.
- «حدیث ولایت»، جلد هشتم سال ۱۳۷۶، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- حماسه مقاومت، جهاد و دفاع از دیدگاه نهج‌البلاغه، (۱۳۶۹)، ناشر معاونت فرهنگی و تبلیغات جنگ ستاد فرماندهی کل قوا، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، جلد هفتم، جلد دوازدهم، جلد سیزدهم، چاپ اول، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

- دهخدا، محمد، (۱۳۷۲)، «لغت‌نامه» به اهتمام دکتر محمد معینی و دکتر سیدجعفر شهیدی، تهران، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دلاور، علی، (۱۳۷۴)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد.
- دوانی، علی، (۱۳۶۰-۱۳۵۷)، «نهضت روحانیون ایران»، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)
- دوست‌خواه، جلیل، (۱۳۷۰)، اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، جلد ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید.
- دهشیری، محمدرضا، (۱۳۷۹)، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ع)، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- راغب اصفهانی، (۱۴۰۱ ق)، مفردات راغب، حرف ج، تهران، کتاب فروشی نصرتی.
- رستمی، محمود، (۱۳۷۸)، فرهنگ واژه‌های نظامی، چاپ اول، تهران، انتشارات عقیدتی سیاسی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- رستمی، محمود، (۱۳۸۵)، فرهنگ واژه‌های نظامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد آجا.
- رستمی، محمود، (۱۳۸۶)، فرهنگ واژه‌های نظامی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد آجا.
- زبیدی، سیدمرتضی، (۱۳۹۵ ق)، «تاج العروس» تحقیق گروهی از نویسندگان، دارالهدایه، بیروت.
- سوید، یاسین، (۱۳۷۸)، اصول و مبانی هنر جنگ در اسلام، ترجمه: علی اصغر قائدان، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)
- سهرابی، محمد، (۱۳۸۶)، استراتژی دفاعی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ع)، انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ع) و انقلاب اسلامی، تهران، نشرعروج.
- شمشیری، علی، (۱۳۸۱)، بسیج از دیدگاه آیات و روایات، چاپ اول، تهران، انتشارات دافوس سپاه.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۲)، «مجمع البحرين» تحقیق: سیداحمدحسینی، جلد‌های سوم و چهارم، تهران، المکتبه المرتضویه.
- طبرسی، امین‌الاسلام فضل‌بن حسن، (۱۳۷۹ ق)، «مجمع البیان»، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- علی‌آبادی، علی‌رضا، (۱۳۷۲)، مدیران جامعه اسلامی، تهران، نشر رامین.
- علیجانی، احمد، (۱۳۷۴)، استراتژی دفاعی از دیدگاه، حضرت امام خمینی (ع)، رساله کارشناسی

- ارشد مدیریت امور دفاعی، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد آجا.
- عابدی، احمد، (۱۳۹۰)، جزوه درسی دانشکده دفاع ملی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عابدی، احمد، (۱۳۸۹)، جزوه درسی دانشکده دفاع ملی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- فیروزآبادی، سیدحسن، (۱۳۹۰)، امنیت پایدار در مکتب امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ اول، تهران، انتشارات سپاه پاسداران.
- فتحی واجارگاه، کوروش، (۱۳۸۱)، نیازسنجی آموزشی (الگوها و فنون)، تهران، انتشارات آبیژ.
- فیصل، عبدالرحمن، (۱۳۶۸)، تجاوز و دفاع از دیدگاه اسلام، تبیین مبانی نظری جنگ و دفاع، جلد اول، تهران.
- فیض الاسلام، سیدعلی النقی، (۱۳۵۱)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، چاپ دوم [بی محل]. انتشارات پژوهشکده امام خمینی رحمته الله علیه.
- قربانی، زین العابدین، (۱۳۶۱)، علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قریشی، علی اکبر، (۱۳۷۸)، «قاموس القرآن»، جلد اول، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (مهر ماه سال ۱۳۵۸ همراه با اصلاحات ۱۳۶۸)، مجلس خبرگان قانون اساسی، (۱۳۷۵)، اصل ۱۵۱، چاپ پنجم، تهران، نهاد ریاست جمهوری، اداره کل قوانین و مقررات.
- کلاوزویتس، کارل فون، (۱۳۸۵)، در باب جنگ (کتاب اول : ماهیت جنگ)، مترجم: حسن پروان، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین رحمته الله علیه.
- کالینز، جان ام، (۱۳۸۳)، «استراتژی بزرگ، اصول و رویه‌ها» ترجمه: کوروش بایندر، چاپ چهارم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مرندي، مهدي- سلیمانی، داود، (۱۳۸۳)، دفاع مقدس (جنگ تحمیلی) در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه، تبیان آثار موضوعی (دفتر بیست و پنجم)، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- مرندي، مهدي، (۱۳۸۳)، ارتش از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، تبیان آثار موضوعی (دفتر سی و نهم)، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- مرندي، مهدي، (۱۳۷۹)، سپاه پاسداران در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه، تبیان آثار موضوعی (دفتر سی و سوم)، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ لغت فارسی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات چاپخانه سپهر.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل، (۱۳۷۷)، سیری در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ دوم،

- تهران، چاپ کانون.
- منصور، جهانگیر، (۱۳۸۴)، مجموعه قوانین و مقررات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.
 - معین، محمد، (۱۳۸۰)، فرهنگ فارسی یک جلدی، چاپ دوم، تهران، نشر سرایش.
 - معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، جلد دوم، چاپ نهم، تهران، چاپ سپهر.
 - معین، محمد، (۱۳۸۴)، «لغت‌نامه فارسی»، چاپ سوم، تهران، جلد‌های اول و دوم، انتشارات آدنا.
 - مرندي، مهدي، (۱۳۷۸)، جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی علیه السلام، تبیان آثار موضوعی (دفتر بیست و چهارم)، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
 - مرندي، مهدي، (۱۳۸۶)، بسیج در اندیشه امام خمینی علیه السلام، چاپ چهارم، تهران تبیان آثار موضوعی (دفتر بیست و نهم)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
 - مقداد، فاضل، (۱۳۸۵)، کنز‌العرفان، کتاب جهاد، تهران، مکتبه الصدوق.
 - مطهری، مرتضی، (۱۳۵۹)، جهاد، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا.
 - منصوری لاریجانی، اسماعیل، (۱۳۷۸)، تفکر سیاسی و دفاعی بسیج در نهج البلاغه، چاپ اول، تهران، مرکز نشر فرهنگی آیه.
 - مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۳)، «بحار الانوار»، چاپ دوم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
 - مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، «مجموعه آثار»، جلد‌های اول و سوم، تهران، انتشارات صدرا.
 - مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۶)، «نگاهی گذرا به بسیج و بسیجی»، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
 - مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۵)، «جنگ و جهاد در قرآن»، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
 - معاونت طرح و برنامه ستادکل نیروهای مسلح، (۱۳۹۰)، واژگان و اصطلاحات مورد استفاده در نیروهای مسلح، تهران.
 - مهر آرار، داود، (۱۳۷۶)، دانش نظامی افسران، اطلاعات نظامی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، چاپخانه معاونت آموزشی نزاجا.
 - نورائی، منوچهر، (۱۳۷۴)، طرح‌ریزی و برنامه ریزی بسیج ملی، چاپ دوم، تهران، دانشگاه علوم استراتژیک ارتش جمهوری اسلامی ایران
 - نوروزی فرسنگی، احمد، (۱۳۸۵)، ارتش در تاریخ و انقلاب اسلامی، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی زهد.

- نوری، حسین، (۱۳۷۷)، «جهاد»، تهران، چاپ نهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نوری، علی (۱۳۸۶)، جزوه درسی بسیج از نگاه امام خمینی علیه السلام، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۰ ق)، «جواهر الکلام»، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- نرم افزارهای آماری SPSS(18.0)، STATISTICA(8.0) و Lisrel
- واقدی، محمد بن عمر بن سعد بن کاتب، (۱۳۶۶)، المغازی، تحقیق مارس جونس، بیروت، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- هاشمیان فرد، زاهد، (۱۳۸۸)، جهاد دفاعی (اصول و الزامات)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۷۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- هولستی، ال.آر، (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه: سالار امیرزاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۳) مقالات

- آقاجانی، احمد- عسکری، محمود، (مهر ۱۳۸۹)، چارچوب نظری اندیشه نظامی (با مروری بر اندیشه نظامی در جمهوری اسلامی ایران)، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال هشتم- شماره ۸۹، انتشارات مرکز مطالعات راهبردی.
- اسلامی، علیرضا، (۱۳۹۰)، اولویتهای محیطشناسی امنیتی از نگاه امام خمینی علیه السلام، فصلنامه مطالعات دفاعی- استراتژیک، سال دوازدهم، شماره ۴۴، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- اسدی، هیبت الله، (۱۳۷۷)، استراتژی توان رزمی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، مجموعه مقالات سیری در اندیشههای دفاعی امام خمینی علیه السلام، جلد سوم، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- پازوکی، ناصر (۱۳۷۸)، جهاد دفاعی و ابتدایی، سیری در اندیشههای دفاعی امام خمینی علیه السلام، جلد اول، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- چهارمین گردهمایی اندیشههای دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام، دفتر اول و دفتردوم، چاپ اول (۱۳۷۶)، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- حسینی شاهرودی، سیدمحمد، (۱۳۷۷)، عوامل پیروزی و شکست از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، مجموعه مقالات سیری در اندیشههای دفاعی امام خمینی علیه السلام، جلد سوم، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

- دانش آشتیانی، محمد باقر، (پاییز ۱۳۸۳)، عوامل مؤثر در تبیین و تدوین دکترین نظامی، فصلنامه مطالعات دفاعی- استراتژیک، سال ششم، شماره ۲۰، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- دقیقی، حسین، (۱۳۷۷)، استراتژی دفاع همه‌جانبه، مجموعه مقالات سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی علیه السلام.
- رشید، غلامعلی، (پاییز ۱۳۸۳)، بازدارندگی و تهدیدات فراروی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات دفاعی- استراتژیک، سال ششم، شماره بیستم، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- رضایی، محسن (۱۳۷۷)، موازنه قوا در اندیشه دفاعی امام خمینی علیه السلام، مجموعه مقالات سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی علیه السلام، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام.
- سومین سمینار تبیین اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام، (۱۳۷۵)، دفتر اول، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع.
- سیری در اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام، (۱۳۷۶)، سومین سمینار، دفتر دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- سیری در اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام، (۱۳۷۷)، جلد دوم، چاپ اول، دبیرخانه گردهمایی تبیین اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع.

- سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی علیه السلام، (۱۳۷۸)، جلد اول، چاپ اول، تهران، دبیرخانه تبیین اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- طاهری خرم‌آبادی، محمد، (۱۳۷۲)، دفاع از دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام، اولین گردهمایی سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- علم‌الهدی، سیداحمد (۱۳۷۵)، فرهنگ‌عاشورایی در اندیشه امام خمینی علیه السلام، دومین کنگره بین‌المللی امام خمینی علیه السلام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- فیروزآبادی، سیدحسن، (تابستان ۱۳۸۰)، رسالت نیروهای مسلح از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات دفاعی استراتژیک، سال سوم، شماره نهم، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مبینی‌دهکردی، علی، (بهار ۱۳۸۹)، راهبردهای توسعه‌اعتماد به‌نفس ملی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، فصلنامه مطالعات دفاعی- استراتژیک، سال یازدهم شماره ۳۹، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مبینی‌دهکردی، علی و مرادی قاسم آبادی، فرج‌الله، (پائیز ۱۳۸۹)، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور از منظر مکاتب فکری مدیریت راهبردی، فصلنامه مطالعات دفاعی- استراتژیک، شماره ۴۱ سال یازدهم، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مبینی‌دهکردی، علی، چگینی، علی، (بهار ۱۳۸۹)، راهبردهای توسعه اعتماد به نفس ملی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات دفاعی- استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی، سال دهم شماره ۳۹، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مجله حضور، شماره ۱۸، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۹)، مصاحبه علمی در دانشگاه عالی دفاع ملی در تاریخ ۱۳۸۹/۲/۱۶ به‌مناسبت روز معلم و افتتاح ساختمان مجتمع آموزشی اصل ولایت فقیه دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مطهر نیا، مهدی، (۱۳۷۴)، نقش بسیج در دفاع همه‌جانبه، سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی علیه السلام، جلد اول، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- مهتدی، محمدهادی، (۱۳۷۷)، امام خمینی و منزلت نیروهای مسلح، سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی علیه السلام، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- نواده توپچی، حسین و فتاحی، وحید، (تابستان و پائیز ۱۳۸۶)، بسیج به منزله ارتش هولوگرافیک، فصلنامه مطالعات دفاعی- استراتژیک، سال هشتم شماره ۳۰، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

(۴) روزنامه‌ها

- انصافی، مصطفی، (۱۳۹۱/ ۳/۱۷)، رسانه اسلامی و اسلام رسانه‌ای از نظر امام خمینی علیه السلام، روزنامه کیهان.
- خورشید بی‌غروب، (۱۳۸۹/ ۳/۱۳)، روزنامه کیهان.
- سخترانی حضرت امام خمینی علیه السلام در جمع پرسنل ژاندارمری، (۵۹/۶/۱۲)، روزنامه اطلاعات.
- روزنامه اطلاعات، (۱۳۵۹/۷/۲)

(۵) رساله‌ها و پروژه‌ها

- رئوفی، محمد، (۱۳۸۸)، بررسی نقش آموزه‌های اعتقادی و نظامی اسلام بر دکتترین عملیاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران هشت سال دفاع مقدس، رساله دکتری، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده دفاع ملی.
- سهرابی، محمد، (۱۳۷۹) استراتژی دفاعی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی علیه السلام، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- قدیرنظامی، محمد، (۱۳۸۹) راهبرد دفاع ملی در جمهوری اسلامی ایران، پروژه تحقیقاتی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مجلسی، مهدی، (۱۳۸۸)، فلسفه سیاسی راهبرد نظامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام، تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

(۶) منابع انگلیسی

- Clausewitz, Carl Von, (1976), on war, Micheal Howard and Peter Paret (Editors and Translators), Princeton: Princeton University Press.
- <http://www.imam-khomeini.com/ShowItem.aspx?id=11463&cat=0&lang=>
- <http://www.basirat.ir/news.aspx?newsid=9944> -
- <http://www.sajed-khozestan.com/content/view/475/9> -
- <http://www.shahed.isaar.ir/fa/index.php?Page=definition&UID> -
- <http://www.ea-agrijahad.ir./index.php/publisher/articleview/?EAJ=>

(۷) منابع عربی

- العطار، داود (۱۴۰۱)، الدفاع الشرعی فی الشریعة الاسلامیه، بیروت، الوار الاسلامیه.
- المنتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، قم، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- آلوسی، محمود [بی تا]، روح المعانی فی تفسیر القرآن و السبع امثانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ابن هشام، عبدالملک (۱۴۱۲ق)، السیره النبویه، تحقیف مصطفی السقا، ابراهیم البیاری، عبدالحفیظ شلبی، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی.
- النجفی، محمد حسن (۱۴۲۸ق)، جواهر الکلام، الطبع و النشر : موسسه النشر الاسلامی، الطبعة، الثانية، قم، التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
- حمیدالله، محمد (۱۴۰۷ق)، مجموعه الوثائق السياسية للعهد النبوی و الخلافة الراشدة، الطبعة السادسة، بیروت، دار النفائس.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۲۰ جلد، بیروت، لبنان، چاپ پنجم، دار احیاء التراث العربی.
- سید قطب (۱۴۰۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالمشرق.
- شرتونی، سعید خوری، (۱۸۸۹م)، «قرب الموارد»، بیروت، مطبعة مرسلی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (بی تا)، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارسویدان، بیروت.
- طبرسی، الشیخ ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۴۰۶ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفة، بیروت، لبنان.
- فیض الاسلام، سید علی النقی (۱۳۵۱ش)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، چاپ دوم [بی محل].
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، موسسه الوفاء، بیروت، لبنان.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۸ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، مصر، مطبعة البیہ المصریه، اداره الملتزم، و لبنان، دارالقلم.
- نویری، احمد بن عبد الوهاب (۱۳۹۵ق)، نهایه الارب فی فنون الادب، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي.
- وتر، ظاهر (۱۴۰۶ق)، الاداره العسکریه فی حروب الرسول محمد ﷺ، دارالفکر دمشق، مکتبه الرشید بحلب.
- واقدی، محمد بن عمر بن سعد بن کاتب (۱۳۶۶)، المغازی، تحقیق مارس جونس، بیروت، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، مرکز نشر دانشگاهی تهران.